



نقاشی از کمال الملک

Global Rug Specialist

شستشو، ترمیم، خرید، فروش و ارزیابی انواع فرش



825 W El Camino Real, Mountain View

(650) 965-7847 + (408) 892-7847

Selahi Insurance Agency

مشاور شما در انتخاب بهترین بیمه،
متناسب با نیازهای شخصی و تجاری،
از معتبرترین شرکت ها

سلامتی و دندانپزشکی + مسکن + اتومبیل، قایق و
موتورسیکلت + محل کسب + عمر و هزینه فوت

(408) 931-6434

4030 Moorpark Ave., Ste. 250, San Jose, CA



سحر سلاحي

فرهنگسرا و مدرسه فارسی رازی



♦ آموزش فارسی ♦ تمامی سازهای موسیقی ایرانی ♦ آواز و تصنیف خوانی ♦ آرف ♦ رقص ایرانی
♦ کامپیوتر ♦ نقاشی ♦ کار دستی ♦ سلفژ و غیره، تحت نظر مدرسین و نوازندگان با تجربه و چیره دست!

* کلاس های موسیقی توسط متخصصین هر ساز موسیقی

* دو ماه کلاس های فارسی به طور رایگان

* ارائه کلاس های فارسی با روش جدید آموزشی و تلفیقی، همراه با استفاده از کامپیوتر لب،

فعالیت های آموزشی و سرگرم کننده و بازدیدهای آموزشی تحت نظر معلمین با تجربه

* روزهای دوشنبه تا جمعه، از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر، کلاس و برنامه های آموزشی برای

دانش آموزان، بعد از تعطیلی مدارس After School Program

برای اطلاعات بیشتر لطفا با دفتر مدرسه تماس حاصل فرمایید!

با همکاری شاعر و نویسنده، مسعود سپند

زمان: اولین جمعه هر ماه ساعت: ۶:۳۰ عصر ورودی: ۴ دلار

با صرف چای، قهوه و شیرینی



ما مفتخر هستیم که بعضی از اساتید فرهنگسرای رازی برندگان جوایز بین المللی هستند!

Like us on Facebook:

Razi Farsi School & Art Academy

www.raziacademy.com

info@raziacademy.com

(408) 828-8494



4125 Blackford Ave. #145, San Jose, CA 95117

پیام شایانی وکیل تصادفات و صدمات شدید بدنی

(800) 261-1314

- ♦ تصادفات رانندگی
- ♦ صدمات ناشی از کار
- ♦ زمین خوردگی
- ♦ صدمات منجر به مرگ
- ♦ آسیب از حیوانات

Payam Mark Shayani, ESQ
Accident Attorney

Auto, Motorcycle, Pedestrian, Slip & Fall, Work Injury

(916)442-9999

980 9th Street, 16th Floor
Sacramento, CA 95814

(408)777-8867

2880 Zanker Road, Suite 203
San Jose, CA 95134

(925)777-0432

425 Market Street, Suite 200
San Francisco, CA 94105

خدیجه اینها را می داند ولی نمی گوید!

اکرم خیرخواه

این قصه تلخ بر گرفته از یک ماجرای واقعی است. این ماجرای شوم و غیرانسانی در یکی از روستاهای اهر در آذربایجان شرقی رخ داده است.

صفحه ۱	اخبار
صفحه ۲	اخبار-فهرست مطالب
صفحه ۳	اخبار
صفحه ۴	اخبار
صفحه ۵	اخبار
صفحه ۶	اخبار
صفحه ۷	اخبار
صفحه ۸	یک سینه سخن (مسعود سپند)
صفحه ۹	با هادی خرسندی-اخبار
صفحه ۱۰	اخبار
صفحه ۱۱	اخبار
صفحه ۱۲	فردوسی، بزرگ استاد تراژدی (هما گرامی-فزه وشی)
صفحه ۱۳	نگاهی کوتاه بر قوانین... (کاوه میرشفیعی)
صفحه ۱۴	ورزش از نگاه من (احمد طوسی)
صفحه ۱۵	اخبار
صفحه ۱۶	«گلاب» (سعید شفا)
صفحه ۱۷	آشنا داند زبان آشنا (منصور محمدزاده)
صفحه ۱۸	سیر و سفری در گلستان ادب پارسی (پرویز نظامی)
صفحه ۱۹	مشقی تازه در روزهای غربت (حسینعلی مکوندی)
صفحه ۲۰	یادداشتی بی تاریخ (صدرالدین الهی)-اخبار
صفحه ۲۱	تبلیغ
صفحه ۲۲	از در گوشی ها (پیرایه)
صفحه ۲۳	متروکلند مایر (فرسیا اعتمادزاده)-اخبار
صفحه ۲۴	گیله مرد (حسن رجب نژاد)
صفحه ۲۵	آیا در مراحل طلاق... (کاملیا محمودی)
صفحه ۲۶	تازه های پزشکی (منوچهر سلجوقیان)
صفحه ۲۷	نکات مهم برای داشتن دندان سالم (میشل حق پناه)
صفحه ۲۸	انرژی مثبت... (پریانا کدخدایان)-اخبار
صفحه ۲۹	هیچوقت دیر نیست (آتوسا یکان)
صفحه ۳۰	آشنایی با سبک کلبه یا بیلاقی (نسرین حسینی)
صفحه ۳۱	اصل تضاد و اصالت... (حسن مسیح پور)
صفحه ۳۲	کج و مرز- کشتیان یا کشتیبان (بهرام گرامی)
صفحه ۳۳	تبلیغ
صفحه ۳۴	تقویم برنامه های هنری - جدول
صفحه ۳۵	نیازمندیها - فال ستارگان
صفحه ۳۶	زنان و آموزش مسائل جنسی... (نعیمه دوستدار)
صفحه ۳۷	خیلی قدیم های تهران (عباس پناهی)
صفحه ۳۸	اخبار
صفحه ۳۹	گل نم (شیدوش باستانی)
صفحه ۴۰	شعر
صفحه ۴۱	تبلیغ
صفحه ۴۲	روانشناسی
صفحه ۴۳	تبلیغ
صفحه ۴۴	روانشناسی
صفحه ۴۵	دنباله مطلب
صفحه ۴۶	دنباله مطلب
صفحه ۴۷	اخبار
صفحه ۴۸	تبلیغ
صفحه ۴۹	دنباله مطلب
صفحه ۵۰	دنباله مطلب
صفحه ۵۱	دنباله مطلب
صفحه ۵۲	دنباله مطلب
صفحه ۵۳	دنباله مطلب
صفحه ۵۴	دنباله مطلب
صفحه ۵۵	دنباله مطلب
صفحه ۵۶	دنباله مطلب
صفحه ۵۷	انگلیسی
صفحه ۵۸	انگلیسی
صفحه ۵۹	انگلیسی
صفحه ۶۰	انگلیسی

چگونه می توان فهمید کدام یک به دختر تجاوز کرده است؟ خدیجه می داند نمی شود آن مرد را پیدا کرد. اما نه می داند، می داند که می تواند پیدایش کند. دختر که از خانه بیرون نمی رود. خدیجه می داند... خدیجه می داند و نمی گوید. به چه کسی بگوید که تو به دختری عقب مانده تجاوز کرده ای و حال او برادر است؟ شوهرش؟ پدر شوهرش؟ پسرانش؟ خدیجه می داند و نمی گوید تا به زعم خودش آبروی خانواده حفظ شود. خدیجه می داند و نمی گوید تا دختر عقب مانده را ماه ها در اتاقی حبس کند تا کسی بالا آمدن شکم اش را نبیند. خدیجه می داند و نمی گوید تا دختر در تنهایی فقط با یاری خدیجه در اتاقی که ماه ها زندانش بود درد زایمان بکشد و پسری به دنیا بیاورد از مردی متجاوز. خدیجه می داند و نمی گوید تا پسر دختر عقب مانده دقیقه ای پس از به دنیا آمدن در چاه حیاط خانه که سالهاست با آمدن آب لوله کشی به روستا بدون استفاده مانده است با زندگی ای که یادگاری از تجاوز مردی به مادر عقب مانده اش بود بدرد گوید!

دنباله مطلب در صفحه ۵۳



در خواست اشتراک نشریه پژواک

(408)221-8624

PO BOX 9804, SAN JOSE, CA 95157

شرایط آبونمان برای دریافت نشریه پژواک از طریق پست

در آمریکا: یکساله ۷۰ دلار خارج از آمریکا: یکساله ۱۴۰ دلار

برای اشتراک: نام، تلفن و آدرس کامل خود را به همراه چک به آدرس پستی پژواک ارسال فرمایید.

ماهنامه پژواک از سری انتشارات شرکت پژواک صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: افلیا پرویزاد

شماره تلفن: ۸۶۲۴-۲۲۱۱ (۴۰۸)

شماره فکس: ۳۷۱۷-۶۹۳ (۴۰۸)

آدرس مکاتبه با نشریه پژواک:

PO BOX 9804,

SAN JOSE, CA 95157

www.pezhvak.com www.irany.com e-mail: info@pezhvak.com

Pezhvak was compiled as carefully as possible. Pezhvak of Persia cannot guarantee the correctness of all information contained herein and does not accept responsibility for any errors or omissions.

بهره‌کشی از زن مهاجر

النور کافمن / برگردان مهرداد میردامادی

اقتصادهای اروپایی از آغاز تقاضا برای نیروی کار مهاجر در دوران پس از جنگ [جهانی دوم]، تغییرات بسیار و تجدید سازمان‌های گسترده‌ای را از سر گذرانده‌اند. صنایع در شمال غربی اروپا، مراکز سنتی برای بهره‌کشی و فزونی نیروی کار بودند. و این تغییرات نه تنها قلب این صنایع را از کار انداخت بلکه به واقع جنبش سنتی کارگری را نیز از بین برد. استمرار افزایش کار همراه با حقوق برای زنان و تداوم کاهش به کارگیری مردان در مشاغل تمام وقت را شاهد بوده‌ایم به گونه‌ای که بسیاری از «زنانه شدن نیروی کار» سخن به میان آورده‌اند.

عضو این اتحادیه هستند، برخی دیگر نه، چه شهروند باشند و چه نباشند؛ برخی از مزایایی که «سفیدپوست بودن» در بر دارد، بهره می‌برند و برخی تبعیض نژادی را تجربه می‌کنند؛ برخی مدارک لازم برای اقامت و کار در داخل این اتحادیه را دارند، بعضی دیگر فاقد این مدارک هستند. گوناگونی وضعیت‌ها در این زمینه حد و مرزی ندارد. در عین حال، موقعیت زنان با زمان هم تغییر می‌کند که این تصویر را بغرنج‌تر هم می‌سازد. در این قالب آنهایی که به طور قانونی وارد اتحادیه اروپا شده‌اند، پس از یک دوره زمانی دو تا سه ساله، ممکن است مهاجری قانونی تلقی شوند و یا پس از به اتمام رسیدن اقامتشان، مهاجری باشند بدون اجازه اقامت ۶.

زنان مهاجر در طول زندگی خود روندهای شغلی متفاوتی را طی می‌کنند، که به خصوص بر «فرصت‌های زندگی» نسل بعدی تأثیر می‌گذارد. اما همان گونه که در این بخش خواهیم دید مهاجرت زنان به اروپا، در سطحی کلی‌تر، بازتاب قطبی شدن مشاغل زنان است. زنان مهاجر با شرایطی برابر وارد بازار کار اروپا نمی‌شوند. جدای از آنهایی که کاملاً واجد مهارت‌های کاری هستند، برای آنهایی که مهاجران «اقتصادی» خوانده می‌شوند، ورود به اتحادیه اروپا و اشتغال به کار

بدرغم ادغام روزافزون زنان در بازار کار اروپا، میانگین پرداختی به آنها همچنان بیست درصد کمتر از همتایان مرد آنها است ۳. این نابرابری‌ها در زنان مهاجر به اوج خود می‌رسد، زنانی که خود با «مجموعه دوگانه‌ای از روابط مبتنی بر تبعیض جنسیتی» در برابر جریان اصلی گروه مهاجر کارگری و نیز در برابر اعضا گروه مسلط و دولت [در کشور مقصد] روبرو هستند ۴. از این رو میانگین عایدی زنان مهاجر در آلمان تنها ۴۸/۸ درصد عایدی مردان آلمانی بود ۵.

افزون بر این، روال محروم ساختن گروه‌های اقلیت قومی، بسته به کشور مبدأ، متفاوت است. به طور مثال اقلیت ترک‌تبار در آلمان نسبت به اقلیت‌های دیگر کشورها دستمزد پایین‌تری دریافت می‌کنند. در همین حال شواهدی دال بر قطبی بودن بسیار شدید در مشاغل زنان نیز به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که در یک طرف، طیف کارهای خدماتی به شدت یک‌نواخت با دستمزد کم وجود دارد، و در طرف دیگر مشاغل مدیریتی و اداری، که درآمد بیشتری دارند.

بر حسب تجربه زنان از ماهیت بازار کار و نحوه به کارگیری در مشاغل مختلف، ملیت افراد در داخل اتحادیه اروپا و در کشورهای مختلف این اتحادیه، تفاوت‌های بسیاری را موجب می‌شود. برخی شهروندان کشورهای



سخت‌گیرانه مهاجرت - که در واقع در تمام کشورهای مهاجرپذیر به مورد اجرا گذاشته می‌شود - مهاجرت را نه تنها متوقف نساخته بلکه صرفاً شمار مهاجران پنهان را افزایش داده است. این افزایش شمار مهاجران پنهان، دیگر تنها ویژگی کشورهای اروپایی و آمریکا، که به طور سنتی مقصد نیروی کار مهاجر به‌شمار می‌رفتند محسوب نمی‌شود، این ویژگی را اکنون می‌توان در بسیاری از مهاجرت‌های داخل آسیا هم مشاهده کرد.

نسبت بالایی از زنان مهاجر، خود را شاغل در کار جنسی یا کار خانگی در یک منزل شخصی می‌یابند، زیرا برای خدمات آنها در این حیطه‌ها تقاضا وجود دارد. ترونگ اظهار می‌دارد که برای این امر سه دلیل می‌توان برشمرد. نخست آنکه دولت از ارائه خدمات به کودکان و سالخوردگان پرهیز می‌کند. دومین دلیل افزایش چشمگیر شمار زنان در مشاغل کارمندی است بدون آنکه تغییری متناسب با آن در نگرش به تقسیم سنتی کار در محیط خانه به‌وجود آید. سومین عامل، گسترش صنایع «پذیرایی» و افزایش تحرک و جابه‌جایی نیروی مردانه کار است، و نیازهایی که باید مورد «التفات» قرار بگیرد.

قانونی، در بیست و پنج سال گذشته، رفته‌رفته سخت‌تر و سخت‌تر شده است. در ادامه این مطلب، چهار مطالعه موردی را مورد توجه قرار می‌دهیم: کار خانگی و کار جنسی، که در حال حاضر مقوله‌های اصلی اشتغال برای زنانی است که از خارج از اتحادیه اروپا به این اتحادیه مهاجرت می‌کنند، تولید پوشاک و کسب و کارهای کوچک. این دو مورد آخری در عین حال منابع اصلی اشتغال برای زنان مهاجر و نیز زنانی است که وابسته به اقلیت‌های قومی هستند. در بخش آخر دلایل بی‌توجهی به مهاجران ماهر و چگونگی ساخت اجتماعی این مهارت‌ها را بررسی خواهیم کرد.

کار جنسی، کار خانگی

در اواخر دهه ۱۹۷۰ اروپا، هنوز تقاضا برای کار در تمام بخش‌های اقتصاد وجود داشت. برای نمونه، هنوز می‌شد در بخش‌های زنانه تولید و نیز در بسیاری از صنایع خدماتی، زنان مهاجر را یافت. اما در سال‌های گذشته زنانی که به اروپا مهاجرت می‌کنند، به جز کار جنسی و کار خانگی، بقیه راه‌های اشتغال را به روی خود بسته می‌بینند. اکنون تقریباً همه به این شناخت رسیده‌اند که سیاست‌های

دنباله مطلب در صفحه ۴۵

Threading & Hair Design by Haleh



سالن آرایش هاله
(650)242-6477



*کوتاه کردن مو *رنگ *های لایت *بند ابرو *آرایش صورت
*براق و شفاف کردن رنگ مو *صاف کردن مو به روش کراتن

*Hair Cut *Hair Color *Highlights

*Threading *Make Up *High Gloss *Keratin

\$20 OFF
on Partial Highlights
FREE Eyebrow Threading with Haircut

Exp. 8/2014

www.halehkhairdesign.com

4060 S. El Camino Real, Suite A, Unit 26, San Mateo, CA

Let us build your custom dream home



Ali's
Construction & Remodeling
Fine Custom Homes, Design & Build • Kitchen & Bathroom Specialist

(408)-898-6474

با مدیریت علی زمانی

With more than 16 years of experience we guarantee to exceed your expectations.

نقشه‌کشی ساختمان، اخذ جواز کار، ساختن ساختمان
جدید، اضافه کردن اتاق، نوسازی آشپزخانه و حمام

♦ New Custom Home ♦ Room Additions ♦ Bathroom ♦ Kitchen Remodel

با تخفیف مخصوص برای هموطنان عزیز

www.alisconstruction.com

1011 S. De Anza Blvd., Cupertino, CA

یک پزشک به عنوان «عامل اسیدپاشی تهران» بازداشت شد

حسین ساجدی‌نیا، رئیس پلیس تهران از بازداشت دو نفر به اتهام اسیدپاشی به دکتر سیامند انوری، مدیر بیمارستان ضیائیان تهران خبر داد.

ساجدی‌نیا به خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفت عامل اصلی این اسیدپاشی، «پزشک» بوده و فرد همراه او نیز دانشجو بوده است.



سیامند انوری، مدیر بیمارستان ضیائیان

به گفته این مقام پلیس دو متهم دستگیر شده در جریان تحقیقات اولیه، انگیزه خود از انجام این کار را «موضوعات و مسایل صنفی» اعلام کردند. نام افراد بازداشت شده اعلام نشده است.

سیامند انوری، مدیر بیمارستان ضیائیان در تهران پس از کار روزانه به خانه‌اش برمی‌گشت که شامگاه شنبه هشتم آذر دو موتورسوار مقابل در منزل مسکونی‌اش به او حمله کردند و به صورتش اسید پاشیدند. او اکنون در بیمارستان فارابی تحت درمان قرار دارد.

بیمارستان ضیائیان یک بیمارستان دانشگاهی - درمانی در تهران است که ۱۵۵ تخت ثابت دارد و انواع بیماری‌های عمومی و اطفال را درمان می‌کند.

ضیائیان پس از این که در این بیمارستان تحت درمان قرار گرفت، در مصاحبه‌ای عاملان اسیدپاشی را «یک عده میکروب» توصیف کرده است که «می‌خواهند امنیت، آرامش و آسایش مردم را به هم بزنند».

به گفته انوری «آن‌ها هر جا که احساس می‌کنند مردم قدری خوشحال هستند یک‌جوری شرایط را به هم می‌زنند، اما باید بدانند مردم ما با این چیزها از پا در نیامده‌اند و از پای هم در نخواهند آمد و همیشه سرپا هستند». مهرماه امسال نیز وقوع چند مورد اسیدپاشی به زنان در اصفهان باعث بروز نگرانی‌هایی در بین مردم شد.

دنیاله مطلب در صفحه ۵۲

ضارب زنان جهرم: «یک روحانی گفته بود ریختن خون بدحجاب مباح است»

فردی که با چاقو به زنان جهرم حمله می‌کرده دستگیر شده. گفته می‌شود او یک بسیجی ۲۲ ساله و پدرش نیز یک سرهنگ پاسدار بسیج است. ضارب گفته از یک واعظ روحانی شنیده که «ریختن خون زنان بدحجاب مباح است» و او دست به این عمل زده است.

سایت سحام نیوز با انتشار گزارشی می‌نویسد که در چند هفته گذشته ۱۱ مورد حمله به زنان و دختران شهرستان خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد.

سایت سحام نیوز با انتشار گزارشی می‌نویسد که در چند هفته گذشته ۱۱ مورد حمله به زنان و دختران شهرستان خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد.



سایت سحام نیوز با انتشار گزارشی می‌نویسد که در چند هفته گذشته ۱۱ مورد حمله به زنان و دختران شهرستان خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد.

سایت سحام نیوز با انتشار گزارشی می‌نویسد که در چند هفته گذشته ۱۱ مورد حمله به زنان و دختران شهرستان خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد.

سایت سحام نیوز با انتشار گزارشی می‌نویسد که در چند هفته گذشته ۱۱ مورد حمله به زنان و دختران شهرستان خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد. خیرگزار می‌باشد.

BAS BEHNAM
Accounting Solutions, Inc

دفتر حسابداری و امور مالیاتی بهنام

Accounting & Tax Services



Mitra Forozesh Behnam, MBA, RTRP, CRTP

✓ Integrity ✓ Respect
✓ Commitment ✓ Expertise

Advisor You Can Count On!

با داشتن ۲۸ سال تجربه کلیه امور حسابداری و مالیاتی شما را به بهترین وجه انجام می‌دهیم

- ♦ Accounting & Auditing
- ♦ Tax Consulting
- ♦ Tax Preparation
- ♦ Auditing Process, IRS, FTB, BOE, EDD

- ♦ حسابداری و حسابرسی
- ♦ برنامه ریزی مالیاتی
- ♦ مالیات بر درآمد
- ♦ کلیه امور حسابرسی

Work: (209)835-9655 (408)440-9622

Cell: (209)740-2764 Fax: (209)740-2764

www.behnamaccounting.com ♦ behnamaccounting@yahoo.com

504 W 11th Street, Tracy, CA 95376

تعمیر انواع موبایل و کامپیوتر

قیمت استثنائی برای هموطنان عزیز

BayCoTech Group
Bay Commercial Technical Group











- * Cracked Screen Repair :
- Iphone 4/4s \$45
- Iphone 5 \$70
- Iphone 5c/5s \$85
- Ipad 2 \$60
- Ipad 3/4 \$70
- Ipad Mini \$85
- Ipad Air \$95
- * Unlock Factory
- * Pc Repair \$50+Part
- * Mac Repair \$80+Part

(408)459-0107

393 E Hamilton Ave., Suite 200, Campbell, CA 95008

www.baycotechgroup.com Info@baycotechgroup.com

ایران باید حکم اعدام سهیل عربی را لغو کند

سازمان دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید، دستگاه قضائی ایران باید حکم اعدام مرد ۳۰ ساله‌ای را که به دلیل پست‌هایی در فیس‌بوک که به حساب کاربری وی مرتبط است و با اعدام قریب‌الوقوع مواجه است، ملغی سازد. در تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴، دیوان عالی کشور حکم یک دادگاه کیفری را که سهیل عربی را به اعدام محکوم کرده بود تایید کرد. این دادگاه پرونده عربی را به واحد اجرای احکام فرستاد که راه را برای اعدام وی هموار می‌سازد.

ایران امروز: سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که دستگاه قضائی ایران باید حکم اعدام مرد ۳۰ ساله‌ای را که به دلیل پست‌هایی در فیس‌بوک که به حساب کاربری وی مرتبط است، با اعدام قریب‌الوقوع مواجه است، ملغی سازد. در تاریخ ۲۴ نوامبر ۲۰۱۴، دیوان عالی کشور حکم یک دادگاه کیفری را که سهیل عربی را به اعدام محکوم کرده بود تایید کرد. این دادگاه پرونده عربی را به واحد اجرای احکام فرستاد که راه را برای اعدام وی هموار می‌سازد.

در ماه اوت ۲۰۱۴ یک شعبه دادگاه کیفری در تهران، عربی را به اتهام «سب‌النبی» یا توهین به پیامبر که به محمد، پیامبر اسلام، اشاره دارد متهم و به مرگ محکوم کرد. وکلای عربی از دستگاه قضائی درخواست تعلیق این مجازات و اعاده دادرسی کرده است.

اریک گلداستاین، معاون بخش خاورمیانه در سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت: «تکان‌دهنده است که کسی به راحتی و صرفاً به دلیل پست‌های اینترنتی‌ای که ناسزا، ناراحت‌کننده یا توهین آمیز تلقی شده‌اند، با چوبه دار روبرو شود. ایران باید فوراً قوانین مجازات خود را مورد تجدید نظر قرار دهد تا موادی که آزادی بیان صلح آمیز را جرم می‌انگارند، مخصوصاً آن‌ها که سبب اعمال مجازات مرگ می‌شوند را حذف کند.»

نسترن نعیمی، همسر سهیل عربی، به سازمان دیده‌بان حقوق بشر گفت که در



اجازه‌ی مرور پرونده را پیش از دفاع از موکلش به وی دادند. او همچنین گفت که هنوز به دختر ۵ ساله‌شان نگفته است که پدرش در زندان و در خطر قریب‌الوقوع اعدام قرار دارد. وی گفت: «ما بهش گفتیم اونجا محل کار سهیل و فکر میکنه باباش به مسافرت کاری رفته.»

در ۲۸ نوامبر ۲۰۱۴ یک تارنمای خبری، داستانی را با این ادعا منتشر کرد که عربی نه بر اثر اتهام «سب‌النبی» بلکه بدلیل تجاوز به عنف چندین زن محکوم به اعدام شده است. این سایت خبری گفت که شواهدی در پشتیبانی از این مدعا دارد اما هیچ اطلاعات دیگری منتشر نکرد. در پاسخ «سحام نیوز»، سایت منتقد دولت ایران، تصاویری از دادنامه و حکم دادگاه بدوی را منتشر کرد که در تضاد با هر گونه ادعایی مبنی بر آنست که دستگاه قضائی، عربی را به دلیل تجاوز یا روابط جنسی ممنوعه محاکمه کرده باشد. همچنین یکی از وکلای عربی انکار کرد که موکلش تا کنون به دلیل چنین اتهامی محاکمه شده باشد. دنباله مطلب در صفحه ۵۰

به پیامبر توهین کند، به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود و محکوم به مرگ نیست. حکم دادگاه بدوی که سازمان دیده‌بان حقوق بشر بررسی کرده است، مبتنی بر اعترافات عربی و «تصاویر و پرینت‌های موجود» است که به صفحه فیس‌بوک وی نسبت داده شده است؛ و بدین نتیجه ختم شده است که «اقدامات صورت گرفته... از مصادیق بارز» است که وی به محمد، پیامبر اسلام، توهین کرده و باید محکوم به مرگ شود. در ۴ سپتامبر ۲۰۱۳ مقامات قضائی، عربی را بر اثر اتهامات «تبلیغ علیه نظام» و «توهین به مقام رهبری» در پرونده‌ای جداگانه که به همین پست‌های فیس‌بوکی مربوط می‌شد، به ۳ سال زندان محکوم کردند.

نعیمی گفت که بازجویان عربی را تحت فشار روانی قرار دادند و تهدید کردند که اگر وی مسئولیت پست مطالب توهین آمیز در صفحه فیس‌بوک خود را بر عهده نگیرد، همسرش را محاکمه و محکوم خواهند کرد. وی افزود اولین دفعه‌ای که عربی امکان ملاقات با وکیلش را یافت درست پیش از محاکمه اش بود. با این حال مقامات قضائی

Advantage in Learning LLC

تدریس خصوصی و گروهی
دروس ریاضی و فیزیک

تحت مدیریت ایمان لاله پرور - برای تمام سنین



Iman Laleparvar
MS Electrical Engineering
UCLA Graduate

فارغ التحصیل دانشگاه (UCLA) در رشته فوق لیسانس مهندسی الکترونیک
عضو هیئت علمی کالج «وست ولی»

Professional Tutor, one on one & group all ages (1st-12th grade & College)
Specializing in SAT Math Prep, Study skills & all subjects of Math & Physics

Johns Hopkins University MBA Candidate

Faculty member at West Valley College, Dep. of Engineering

(408)605-9493 www.advantageinlearning.com

دکتر میشل حق پناه

متخصصی در دندانپزشکی اطفال - کودکان - نوجوانان



"Healthy smiles start here"



*روش‌های پیشگیری *رژیم غذایی *درمان با استفاده از داروهای آرامش بخش
و یا تحت بیهوشی کامل *بیماری‌های لثه کودکان *درمان‌های اورژانسی

*Preventive Dentistry *Sedation & General
Anesthesia *Special Care Patient Management

(408)866-3000

Dr. Michelle Haghpanah, D.D.S., M.P.H.

1480 Saratoga Ave., Saratoga, CA 95070

تأثیرات روانی و اجتماعی اسیدپاشی

شهلا مصمصامی

زن بودن تقریباً در تمام دوران تاریخ بشر و در بیشتر نقاط جهان یک چالش بزرگ بوده است. زنان با وجود اینکه بخش بزرگی از جوامع را تشکیل می‌دهند ولی همانند اقلیت‌هایی که حقوق آن‌ها پایمال می‌شود، بطور سیستماتیک از جانب حکومت‌ها، گروه‌ها و افراد بعنوان گوناگون مورد تجاوز، تبعیض، سرکوب و بی‌حرمتی قرار گرفته‌اند.

دنیا به زیر این پرچم آمده‌اند. حقوق زن احترام و حقوق ویژه‌ای قائلند دقیقاً به دلایل مذهبی زنان در طول تاریخ قربانی بی‌عدالتی‌های بسیاری بوده‌اند.

مبارزات زنان ایران

امروز در قرن بیست و یکم در خاورمیانه و بویژه کشورهای مسلمان زنان و دختران بیش از همیشه تحت فشار بوده و حقوق انسانی آن‌ها زیر پا گذاشته شده است. نگاهی به آنچه در افغانستان، پاکستان، عراق، سوریه، ایران، عربستان و حتی هند می‌گذرد شاهد زنده‌ای بر پایمال شدن حقوق انسانی بزرگ‌ترین جمعیت در این کشورهاست. تجاوز جنسی، خشونت علیه زنان، اهانت و توهین به آن‌ها و البته عمل وحشیانه اسید پاشی به صورت و بدن زنان و دختران به راستی نشانگر ظالمانه‌ترین و اهانت‌آمیزترین خشونت علیه زن است.

این عمل فجیع تحت عنوان هیچ بهانه‌ای قابل توجیه نیست. به راستی این اندازه خشونت و دشمنی علیه زن قابل درک نیست. اقدامات اخیر اسید پاشی به صورت و بدن دختران جوان بی‌گناه در اصفهان بازتابی از یک فرهنگ عقب‌مانده و ضد زن است که باید با تمام نیرو در مقابل آن ایستاد و این بار اجازه نداد جامعه ایران تبدیل بیک جامعه طالبانی خشن شود. زنان ایران پرچمدار مبارزات بسیاری در طول تاریخ بوده‌اند. امروز زنان و حامیان حقوق بشر در بسیاری از نقاط

در ایران در جنبش‌های «بهار عربی» الهام بخش بوده است. نسل‌های جوان، میلیون‌ها زن و مردی که پس از انقلاب و جنگ ایران و عراق متولد شدند، نسل‌های متفاوتی بودند. این بار مسئله آزادی، حقوق بشر و فردیت تبدیل به یک موضوع حیاتی و اصلی شد که با برخی قوانین تحمیل شده در تضاد بود. جوانان در جمهوری اسلامی خواهان آزادی‌های فردی و احترام به حقوق انسانی خود بوده‌اند. دختران و زنان در این راستا پیشرو و پرچمدار شدند.

از جمله تغییرات مهم در این دوران آغاز جنبش «فمینیسم اسلامی» بود. برای مثال زنانی که در جنگ ایران و عراق به عنوان گوناگون شرکت کرده بودند بزودی دریافتند که وعده‌های آزادی و تساوی آغاز انقلاب پوچ بوده است. به اینگونه زنان سکولار و اسلامی علیه تبعیض، خشونت و سرکوب هم صدا شدند. قوانین مذهبی که مرد سالاری و سیاست‌های علیه زنان را تقویت می‌کرد مورد پرسش قرار گرفت.

زنان و دختران دیوارهای تبعیض، خشونت



و سرکوب را در درون خود فرو ریخته بودند. آن‌ها به دانشگاه‌ها و مدارس عالی رفتند، به محیط کار بازگشتند. از استعدادها و هنرهای خود بهره جستند. انقلاب زنان ایران یک انقلاب درونی بوده است که به آن‌ها نیروی مقاومت داده است. به اینگونه زنان ایران؛ اسلامی یا سکولار، پیر و جوان، با سواد یا بی‌سواد امروز بیش از هر زمان آگاه به شرایط زندگی خویش هستند و خواهان تغییرات اساسی در قوانین حاکم بر جامعه، روابط خود با همسران، پدر و مادر و فرزندان، کارفرمایان، دستگاه‌های قضایی و حکومت می‌باشند.

زنان ایران آگاه به حقوق فردی و انسانی خود هستند و این یک تغییر بنیادی در جامعه می‌باشد. مبارزه برای دست یافتن به این حقوق همانند مبارزات سیاهان آفریقای جنوبی برای پایان دادن به آپارتاید و یا جنبش سیاهان و زنان در آمریکا برای دست یافتن به حقوق مساوی یک روند تغییر ناپذیر است که بازگشت به گذشته را غیر ممکن می‌سازد. زمانیکه این آگاهی و نیاز حیاتی در انسان بوجود می‌آید، تلاش‌ها خستگی ناپذیر خواهد بود.

دنباله مطلب در صفحه ۵۱

دکتر تینا نافیعی

کایروپراکتور

معالجه تصادفات رانندگی، کاری و ورزشی

*We take the time. We listen.
We partner with our patient.*



معالجه دردهای عضلانی و ناراحتی‌های مفاصل و استخوان، تصادفات رانندگی و صدمات کاری با پیشرفته‌ترین وسایل پزشکی، دستگاه‌های ورزشی و فیزیوتراپی

www.drnafei.com

اکثر بیمه‌های درمانی پذیرفته می‌شود!

Tel: (510) 791-6332 ♦ Fax: (510) 791-1923
1860 Mowry Ave. Suite 201, Fremont, CA 94538

FINE HOMES REALTY

محمد هرندی

مشاور آگاه و دلسوز جامعه ایرانی
در امور وام مسکن و خرید و فروش خانه

از موقعیت استثنایی پائین
بودن نرخ بهره و وام‌های بدون
کارمزد استفاده نمایید



Mohamad Harandi



(408) 605-1138



moharandi@yahoo.com ♦ DRE#01183647 ♦ NMLS#332989

4950 Hamilton Ave., Suite 211, San Jose, CA 95130

به گزارش بانک مرکزی:

۲۴ درصد خانوارهای ایرانی هیچ شاغلی ندارند

از طریق مشاغل کاذب یا اشتغال‌های کوتاه‌مدت زندگی‌شان را می‌گذرانند. افزایش بیکاری

پیش از این مرکز آمار ایران اعلام کرده



بود که در یک سال گذشته در ایران ۶۷۰ هزار شغل از بین رفته است. حال بررسی جدید بانک مرکزی نیز گویای افزایش بیکاری است. همچنین این آمار با بررسی وضعیت اشتغال در میان افراد بالای شش سال به نوعی به معنای به رسمیت شناختن اشتغال کودکان است.

بر اساس این آمار، در بین افراد شش سال به بالا و در بیشتر خانوارها، ۳۰.۶ درصد شاغل، ۴۰.۱ درصد بیکار، ۱۰.۴ درصد با درآمد بدون کار، ۲۳.۲ درصد محصل، ۲۷.۴ درصد خانه‌دار و ۴.۳ درصد متعلق به سایر گروه‌ها هستند. دنباله مطلب در صفحه ۵۱

بانک مرکزی در آخرین بررسی‌های خود گزارش داده در حالی که ۲۴ درصد خانوارهای ایرانی هیچ فرد شاغلی ندارند، ۵۷ درصد دیگر دارای تنها یک نفر شاغل هستند. در بررسی‌ها تنها ۱۵.۵ درصد خانواده‌ها دارای دو نفر شاغل و ۳.۵ درصد دارای سه نفر شاغل و بیشتر هستند.

بررسی هزینه و درآمد خانوارهای ساکن در مناطق شهری ایران در سال ۹۲، در ۷۹ شهر و با مراجعه به ۱۲ هزار و ۳۰۰ خانوار نمونه انجام شده است و بر اساس اطلاعات فراگیر نیست. این گزارش براساس نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران در سال ۹۲ تهیه شده است و نشان می‌دهد درصد خانوارهای بدون فرد شاغل و با سه نفر شاغل در مقایسه با سال ۹۱ بیشتر و درصد خانوارهای با یک نفر شاغل و با دو نفر شاغل کاهش یافته است.

این در حالی است که ۶/۸ درصد از جمعیت شاغل کشور از «اشتغال ناقص» برخوردارند. بر اساس یافته‌های مرکز آمار ایران، میزان اشتغال ناقص در روستاها بیش از شهرهاست و مردها بیش از زنان

شانزدهمین سالگرد قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای

کانون نویسندگان ایران، همچون سالیان گذشته، از خواست برحق خانواده‌های قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای مبنی بر محاکمه‌ی علنی آمران و عاملان این جنایات حمایت می‌کند. ما خواستار تامین امنیت، آزادی‌های مدنی و حقوق شهروندی برای همگان، لغو سانسور، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.

و بیان عقاید خود نداشتند. آمران و عاملان آن جنایت اما تاریخ اندیشانی بودند که حقوق مردم و آزادی اندیشه و بیان در قاموس‌شان معنایی نداشت. چنانکه چندی بعد روشن شد، آن‌ها با تکیه بر قدرت سیاسی، قصد امحای فیزیکی مخالفان عقیدتی و سیاسی خود را در ابعادی بسیار گسترده‌تر از آنچه رخ داد داشتند. دریغاً که پرونده‌ی قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای هیچگاه به روشنی در برابر مردم گشوده نشد تا همگان دریابند که وقوع چنین فجایعی، ریشه در کدام تفکر و کدام محافل قدرت دارد.

یاران هم‌قلم ما، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، نویسندگانی توانا و آزاد اندیش بودند که بخشی عمده از زندگی کوتاه و پربرخ خود را در راه مبارزه با جهل و استبداد سپری کردند و سرانجام جان گرامی خود را در راه دفاع از آزادی اندیشه و بیان از دست دادند.

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران به مناسبت شانزدهمین سالگرد قتل‌های سیاسی زنجیره‌ای و گرامی‌داشت یاد محمد مختاری و محمد جعفر پوینده



مردم ایران! شانزده سال پیش، در آذرماه سال ۱۳۷۷ جنایتی سازمان یافته و هولناک در کشور ما رخ داد که طی آن چندین انسان آزاده و روشنفکر به وحشیانه‌ترین شیوه به قتل رسیدند. شماری از اعضای کانون نویسندگان ایران، از جمله محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، در میان جان باختگان بودند. قربانیان آن جنایت ددمنشانه گناه‌ی جز دفاع از حقوق مردم

Ali Driving & Traffic School

کلاس‌های تعلیم رانندگی و ترافیک علی برای بزرگسالان و نوجوانان

- ♦ ترجمه فارسی آئین نامه رانندگی و راهنمایی برای امتحان به زبان فارسی.
- ♦ ما تضمین می‌کنیم که امتحان خود را قبول خواهید شد.
- ♦ به طور قانونی و در کوتاهترین مدت گواهینامه ضبط شده شما را برایتان پس میگیریم
- ♦ شما می‌توانید برای تعلیم رانندگی از اتومبیل‌های مدرسه ما نیز استفاده کنید.

افرادی که جریمه رانندگی دریافت کرده اند می‌توانند در مدرسه ما شرکت کرده و امتحان خود را به راحتی قبول شوند. این کلاس‌ها به زبان فارسی نیز عرضه می‌گردد.

We offer a Complete Course in Drivers' Education & Training with Professional Instructors



- ♦ Driving ♦ Training ♦ Traffic School
- ♦ Drivers Education ♦ Seniors, Teens & Adults ♦ Free Home & School Pick-up ♦ Hiring & Training Instructors
- ♦ Licensed & Bonded

آموزش رانندگی توسط کادری مجرب و حرفه‌ای

(408)370-9696 ♦ (408)394-5249

کامران پورشامی

متخصص و مشاور در امور

خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Kamran Pourshams
Experienced Professional Realtor

Residential, Commercial,
Property Management

Proven Insights.
Proven Results.

DRE# 01066478



- ♦ چگونگی تحت شرایط اقتصادی کنونی صاحب خانه شوید؟
- ♦ به چه طریقی در این موقعیت زمانی می‌توانید خانه تان را بفروشید؟

من میتوانم با آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییر و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، شما را در موارد فوق مطلع و یاری نمایم!

Experienced Agent in Short Sale
& Bank Owned Properties

با در دست داشتن لیست کامل خانه های ضبط شده از طرف بانکها

Res: (408)879-9343

Bus: (408)369-2000

Dir: (408)369-2020

Cell: (408)781-1200

419 E. Hamilton Ave., Campbell, CA 95008

نمی رسیم و سکوت ما این جماعت متجاوز را جسورتر بی باکتر و خونخوارتر خواهد کرد بد نیست این روشنفکرهای قلابی این گویندگان یکی به نعل و یکی به میخ این کج دار و مریزها سی و هفت سال سلطنت پهلوی دوم را با سی و هفت سال* ضلالت روان پاره ها مقایسه کنند وجدانشان را قاضی کنند شرفشان را گروگان بگذارند و بگویند که آنها چه کردند و این ها چه کرده و می کنند. سی و هفت سال سکوت که سی و هفت قرن عقب ماندگی برای مردم ایران ارمغان آورده آیا بازهم ادامه خواهد داشت آیا هنوز شعار مرگ خوشت اما برای همسایه سر داده و می دهیم و فقط همسایه نیست که مرگ به سراغ او می آید دامنه مرگ اندیشان و مرگ فروشان آنقدر گسترده است که به سراغ سنگر بندی های ساکت نیز می رود و تازه آنها را از خواب خوش بمن چه رهائی می بخشد. بیائیم در این شبیخون بلا همقدم رهروان شویم باشد آنها که در سنگر سکوت خف کرده اند پای بیرون بگذارند و تفنگشان را از زمین بردارند.

*از انقلاب اسلامی ایران نزدیک به ۳۶ سال می گذرد. (پژواک)

کاری نداریم. وقتی سرچشمه آب آلوده است تاهرکجا که این آب پیش برود آلودگی پخش و پلا میشود. آب را از سرچشمه باید پاک کرد این لاشه مرده آلوده به هزاران نوع میکروب را از سرچشمه برداشت و در زیر خاک دفن کرد حتی این لاشه جمهوری ننگین اسلامی بدر زیر خاک هم نمی خورد باید آنرا سوزاند باید خاکسترش را بباد داد و گرنه فردی دیگر اگر اسید نشد بنزین می پاشند اگر بنزین نشد آتش میزنند اگر آتش نشد خفه می کنند همانطور که آن روشنفکر با کراواتش خفه کردند همانطور که دانشمند اتمی ترور کردند همانطور که قاتل متجاوز را به حکم دادگاه مسخره ای قصاص کردند.

سی و هفت سال سکوت به ۲۰۰ سال خواهد رسید اگر این جمعیت ساکت که اکثرشان ضربه از جمهوری کثیف اسلامی خورد یا خواهند خورد به سکوت خود ادامه دهند. تا ما مردم قبول نکنیم جواب های هوی است و کمرمان در زیر بار ظلم همانطور خم بماند بلاهای دیگر هم یکی یکی به سراغمان خواهد آمد و خواهیم دید که در سنگر سکوت بجائی



یک سینه سخن

مسعود سپند

از سنگر سکوت بیرون بیاییم!

اینها گناهکارند و بعد به سراغ خودشان یکی یکی رفتند و دمار از روزگارشان درآوردند همان مجاهدین همان چپی ها و بعد کشتار ۶۷ که از چپ و راست کشتند و مهر سکوت بر لب های مخالفان جمهوری اسلامی چنان محکم بود که پنداری دارند گوسفند قربانی می کنند و بسیار بودند که گفتند ما که نه سلطنت خواهیم نه مجاهد نه چپ نه راست ما که گوشه ای نشستیم ایم و ماست خودمان را می خوریم بویژه بازاریها که دنبال درآمدهای هزار درصد خود می گفتند بما چه مربوط است هر که خر شود ما پالانش می شویم و دیدیم که چگونه فرزندان همین بزرگان بازار را قلع و قمع کردند و دلهای بیدردشان را به درد آوردند.

دیدیم که مرگ و درد به سراغ همان کسانی رفت که می گفتند ما که سیاسی نیستیم ما که به کار کسی کار نداریم اما جمهوری ننگین اسلامی نگذاشت این اکثریت ساکت ماست خودش را بخورد یک روز پسرشان از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. یک روز دخترشان به دانشگاه رفت و از زایشگاه سر درآورد و دیگر روز مادر داغدیده شان به گورستان رفت از تیمارستان سر در آورد.

همانطور که دنیا کوچک شده و هرکسی در هر جایی که زندگی می کند اگر در اطاق نه تونی هم خودش را حبس کند بازهم نه تنها مرگ بلکه درد و مرض و کوفت و هزاران درد بیدرمان به سراغش می آید و می بیند که خیر! سکوت فایده ای ندارد بمن چه بدر نمی خورد ما که به کار کسی کار نداریم حرف بیهوده ایست.

دختر از خانه اش بیرون می رود شب با صورت پاره پاره و اسید پاشیده در بیمارستان پیدایش می کنند و این درد بزرگ چیزی نیست جز جمهوری فساد جمهوری و درد رنج، حماقت نادانی جهل جنون و بازهم بگوئیم ما که به کار کسی

چه زود می گذرد و چه دیر تمام می شود این اندوه بزرگ ملت ایران انگار همین دیروز بود که بچه های ده پانزده ساله به عشق ناخودآگاه قهرمانی کرکره های مغازه ها را پائین می کشیدند و فریاد مرگ بر شاه سر میدادند و میدانم اگرچه بیشتر فرزندان خود را این انقلاب لعنتی خودش خورد اما از آنها که باقی مانده اند جز تنی چند که سوار کارند و خر خودشان را می می کنند بقیه در گوشه ای کپه ی مرگشان گذاشته اند یا به گروه تارک دنیاها پیوسته و در گوشه یاهو یا حق سرداده اند یا در خارج از آن سرزمین آخوند زده پشیمان از کرده خود گوشه گیر شده و مهر سکوت از لبانشان وانمیشود و بقول آن شاعر (شاید کلید حادثه پیدا نمیشود) اما بارها کلید حادثه پیدا شد اما خموشان گوشه گیر یا تماشاچیان کنار گود آنقدر ایندست و آندست کردند تا باردیگر جنایتکاران اسلامی سکان این کشتی فلک زده را بدست گرفته و به در و دیوار دریای ظلمانی خیالات ابلهانه خود کوبیده و می کوبند و بی پروا از اینهمه فریاد (هش هش) اما حتی صدای هُش هُش آنها را ترمز نمی گیرد.

داستان همان گوینده یا نویسنده یا شاعر را شنیده اید که گفت وقتی که کمونیست ها را گرفتند من که گفتم کمونیست نیستم و زمانی که سوسیالیست را دستبند زدند منکه گفتم سوسیالیست نیستم و آنروزی که به یهودی های حمله کردند من گفتم من که یهودی نیستم و حالا که به سراغ خودم آمدند هیچکس نیست که بگوید چرا او را می گیری! آن روزی که صدها افسر و درجه دار و سرباز را به چوخته های اعدام سپردند آن روزی که پاسبان بیگناه را که تیراندازی هوایی کرده بود به جرم محاربه با خدا اعدام کردند و بیچاره نمی دانست که تیر او به کجای خدا خورده که باید اعدام شود و هیچکس از آنها دفاع نکرد یعنی همان مخالفان زمان شاه گفتند بگذارید بکشند

رستوران فیمس کباب



غذای هر ملتی بخشی از فرهنگ آن مردم است

رستوران فیمس کباب با غذاهای بسیار خوشمزه و با طعم و عطر منحصر بفرد ایرانی در مکانی متفاوت آماده پذیرایی از شما و میهمان های شماست



کیتیرینگ کامل میهمانی و جشن های شما در سراسر شمال کالیفرنیا

رستوران فیمس کباب با افتخار از شما پذیرایی می کند.

(916) 483-1700

www.famouskabob.com



1290 Fulton Ave., #C, Sacramento, CA 95825

خنده بهترین داروست

«هیچ کس آنقدر فقیر نیست که نتواند لبخندی به کسی ببخشد و هیچ کس آنقدر ثروتمند نیست که به لبخندی نیاز نداشته باشد.»

نیازمندیم خندیدن است. لازمه ی هنر شاد بودن توانایی خندیدن به مشکلات در کوتاه ترین زمان ممکن پس از وقوع آنهاست. شخصی ممکن است با قرار گرفتن در موقعیت های بد و ناگوار تا دو سال نخندد. دیگری ممکن است بعد از دو هفته گریه و زاری را کنار بگذارد و شروع به خندیدن کند، پس نفر اول پنجاه مرتبه بیشتر از دومی در بیچارگی و غم باقی می ماند و این انتخاب خود اوست.

دنباله مطلب در صفحه ۵۰

وقتی که می خندیم همه چیز به نفع ذهن و جسم ما پیش می رود. آندرفینی که در مغز تخلیه می شود به ما حس پرواز طبیعی می دهد و بازدهی سیستم تنفسی درست مانند زمانی می شود که به ورزش دو پرداخته ایم. خنده درد را کم می کند. بسیاری از فیلم ها و کتابهای کمدی مسکن های فوق العاده ای هستند. ما وقتی مریض می شویم که خود و زندگی را بیش از اندازه جدی می گیریم. آنچه برای سالم ماندن به آن

کافیست جنایت و خسارت کوتاه بیا ز قتل و غارت حالا تو بگو که حرف هادی باشد ز توهم زیادی افشایت اگر که میکنم من یعنی دانی جان ناپلئونم من اما نه، نقاب خود بزنی پس افشاگری من این میان بس ترسم که اگر بگویمت بیش محروم شوم ز کله ی خویش

بشار اسد به همت دوست از دشمن خویش میکند پوست با خامنه ای تو همصدائی همکاسه ی قاتلان مائی ای حضرت صاحب کرامات ای داعش گردنت کراوات ای بازی گلف تو مرتب ودکای تو در پیاله هرشب گیلاس شراب تو کریستال حال تو همیشه بهترین حال



با هادی خرسندی

www.asgharagha.com
hadikhorsandi@aol.com

ای داعش گردنت کراوات

در فکر فروش توپ و تانکی یک روز به فکر کودتائی اجرا کن نقشه ی سیائی چاقوکش و لات هرکجا هست دستش گیری که گیردت دست یک روز رفیق انقلابی دارای شعارهای نابی یک روز برای جنگ مذهب تحریک تو میرسد مرتب تو تفرقه را وسیله سازی تو دسته گرا و فرقه بازی یک روز علم کن امامی یک روز پی بوکوحرامی القاعده را تو میزدی باد تو درس به طالبان دهی یاد حزب اللهی به لطف سرکار مشغول تجاوزست و کشتار

ای حضرت صاحب کرامات ای داعش گردنت کراوات ای بازی گلف تو مرتب ودکای تو در پیاله هرشب ای کشتن با نقاب، کارت سر میبری از خبرنگارت آنگاه به زیر اسم داعش آن را به جهان دهی گزارش از پشت نقاب گر در آئی خود چهره ی آشنای مائی آن چهره که هرکجا که رفته ست انگیزه ی او دلار و نفت است تو دیپلمات دزد و گرگی فرمانبر لابی بزرگی دلال سلاح مرگباری انبار سلاح نیز داری تو صاحب شعبه های بانکی

حمید رئیسیه

مشاور در امور خرید و فروش املاک و وام

Hamid Reiesieh
Real Estate Broker & Finance Advisor

سرویس دوستانه،
سریع، مطمئن و حرفه ای

Cell: (408)234-5793

Office: (408)298-2591



DRE#01326116+NMLS# 344666

- ◆ Selling or Buying Residential and Commercial Properties
- ◆ Residential and Commercial Mortgages, FHA, HARP & Conventional
- ◆ Complimentary home evaluation
- ◆ No Cost Short Sales
- ◆ 1031 Exchange Transaction (Tax Deferred)

Your Trusted Advisor in
Real Estate & Mortgage



hamidr63@yahoo.com ◆ www.hamidreiesi.com



1925 S. Winchester Blvd., Suite 200, Campbell, CA 95008



دکتر فرانک پورقاسمی متخصص و جراح پا

◆ درمان بیماری های پا ناشی از امراض قند و روماتیسم ◆ درمان عفونت های قارچ ناخن و پوست پا ◆ ترمیم پارگی ماهیچه، غضروف و شکستگی پا
◆ درمان بیماری های پا در کودکان ◆ صافی کف پا و صدمات ورزشی
◆ Foot related diseases ◆ Bunion, Callus, Corn ◆ Hammer Toe, Ingrown Toe Nail ◆ Sports Medicine & Injuries ◆ Heel Pain & Diabetic Foot Care ◆ Ankle Arthroscopy ◆ Pediatric Foot Conditions ◆ Flat Feet & Orthotics ◆ Skin & Nail Conditions

Dr. Faranak Pourghasemi, DPM

My mission is to provide superior, comprehensive foot & ankle treatment for patient's current and long-term needs.

اکثر بیمه ها پذیرفته می شود

National Foot & Ankle Center

(408)884-5851

14981 National Ave., Suite #2, Los Gatos, CA 95032

شفافیت بین الملل: ایران همچنان از فاسدترین کشورهاست

دانمارک در رأس و سومالی و کره شمالی در ته جدولی هستند که "شفافیت بین الملل" برای نشان دادن میزان فساد بخش دولتی در کشورهای جهان منتشر کرده است. ایران با وجود بهبود رتبه خود هنوز از فاسدترین کشورها به شمار می رود. کشورهایی چون روسیه، کامرون، قرقیزستان، لبنان و نیجریه از نظر فساد دولتی با ایران در یک جایگاه قرار گرفته اند.



دوچپه وله: دانمارک در رأس و سومالی و کره شمالی در ته جدولی هستند که "شفافیت بین الملل" برای نشان دادن میزان فساد بخش دولتی در کشورهای جهان منتشر کرده است. ایران با وجود بهبود رتبه خود هنوز از فاسدترین کشورها به شمار می رود.

سازمان "شفافیت بین الملل" (Transparency International) در آخرین گزارش خود میزان فساد و رشوه در ۱۷۴ کشور جهان را منتشر کرده است. شاخص فساد با توجه به رفتار و کردار کارمندان دولتی و سوءاستفاده سیاستمداران از موقعیت خود در کشورهای مختلف اندازه گیری می شود. شاخص سازمان "شفافیت بین الملل" با در نظر گرفتن معیارهای متفاوتی تعیین می شود که شامل نظر کارشناسان و مدیران اقتصادی نیز هست.

طبق تحقیقی که "شفافیت بین الملل" انجام داده است، فساد در بخش دولتی بیش از همه در کشورهای در حال رشد افزایش یافته است.

جدول شاخص فساد این سازمان نشانگر آن است که بخصوص در ترکیه و نیز گروه کشورهای تازه صنعتی شده، چون برزیل، روسیه، هند و چین وضعیت وخیم تر شده است.

دنباله مطلب در صفحه ۴۹

مجلس فرانسه فلسطین را به رسمیت شناخت

نمایندگان مجلس ملی فرانسه با صدور قطعنامه ای از دولت فرانسه دعوت کردند فلسطین را به رسمیت بشناسد.

مستقل به رسمیت بشناسد. نمایندگان جناح راست با این قطعنامه مخالف بودند. آن ها در مخالفت با این قطعنامه استدلال آوردند که قانون اساسی فرانسه به هیچیک از دو مجلس (ملی و سنا) حق تغییر دادن سیاست خارجی کشور را نمی دهد.

دولت فرانسه واهمه دارد که همزیستی مسلمانان مقیم فرانسه و یهودیان این کشور در پرتو ناآرامی ها و تنش ها بین فلسطین و اسرائیل مخدوش شود.

پیش از این لورن فابیوس، وزیر خارجه فرانسه خواهان از سرگیری مذاکرات صلح بین فلسطین و اسرائیل در یک دوره دو ساله شده بود. به گزارش خبرگزاری فرانسه، فابیوس ۲۹ سپتامبر سال جاری در سخنانی در مجلس ملی فرانسه گفته بود: «ما و شرکایمان در سازمان ملل متحد همکاری می کنیم تا شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه ای را برای از سرگیری و به نتیجه رسیدن مذاکرات در یک دوره دو ساله تصویب کند. دولت فرانسه از این زمان تعیین شده حمایت می کند.»

رادیو زمانه: روز، سه شنبه ۲ دسامبر قطعنامه شناسایی فلسطین به عنوان یک کشور مستقل در مجلس ملی فرانسه به رأی گذاشته شد. ۳۵۹ نماینده به شناسایی کشور فلسطین رأی مثبت و ۱۵۱ نماینده به این قطعنامه رأی منفی دادند.



قطعنامه مجلس ملی فرانسه اما برای دولت فرانسوا اولاند الزام آور نیست و تنها یک اقدام نمادین است. با این اقدام نمادین مجلس ملی فرانسه در نظر دارد روند مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطین را شتاب بدهد. در این قطعنامه که توسط نمایندگان سوسیالیست تهیه شده بود و اکنون به تصویب رسیده است، از دولت فرانسه خواسته شده فلسطین را به عنوان یک کشور

دنباله مطلب در صفحه ۵۰

هنرستان موسیقی نژاد

آموزش تمامی سازهای موسیقی (ایرانی و غربی) برای رده سنی ۴ تا ۸۴ سال

Individual & Group Lessons for All with Persian Traditional & Western Instruments



(408)559-7864

Cell: (408)771-3996

کلاس های خصوصی و گروهی

14505 Union Ave San Jose, CA 95124

www.nejadmusic.com



پیامک طنز نیز به همراه داشته است. در یکی از این پیامکها نوشته شده است: «به دستور فرهنگستان زبان و ادب پارسی، زین پس به جای واژه غریب و نا مانوس "افزایش قیمت" بگوییم: «تمشیت قیمت!»

اشاره این پیامک به قسمتی از موضع محمد باقر نوبخت است که گفته: «استانداران این افزایش قیمت را تمشیت خواهند کرد.»

یک بازتنشسته تامین اجتماعی که با سه عدد نان سنگک در حال خروج از نانوائی است می گوید: «این نان شده است ۸۰۰ تومان. چهارتا دانه گنجد هم زده اند و می فروشند ۱۰۰۰ تومان. من پیرمرد با آرتوروز و هزار درد و مرض که نمی توانم سرپا بایستم.

دنباله مطلب در صفحه ۴۷

در تنها موضعگیری رسمی دولت تدبیر و امید درباره گرانی قیمت نان آمده است: «دولت هیچ تصمیمی برای افزایش قیمت نان ندارد و یارانه خرید گندم را همانند سابق پرداخت خواهد کرد»، با این حال دولت «این اجازه را به نانوائیها در استانهای مختلف خواهد داد تا بر اساس اقتضائات هر استان به منظور جبران مابه التفاوت افزایش هزینه های جانبی، قیمت نان را تا حداکثر ۳۰ درصد افزایش دهند.»

با یک محاسبه ساده و مراجعه به یک نانوائی می توان فهمید که با دستور و مجوز دولت، قیمت انواع نان در ایران بین ۳۴ تا ۳۶ درصد افزایش قیمت داشته است. اظهارات عجیب و غریب سخنگوی دولت یک سری

غم نان اگر بگذارد!

عزیز خسروشاهی

گزارش میدانی درباره گران شدن نان

و نیم جواب می داد. حالا با همان پول ۲۴ تا نان به من دادند. قبلا ۳۷ هزار تومان در ماه پول نان می دادم حالا می شود ۶۰ هزار تومان. ما اندازه دخل و خرج خودمان که سواد داریم. از صدی، شصت هم بیشتر است. چرا دروغ می گوئید که ۳۰ درصد زیاد کردید. همه جوره دارند سر مردم کلاه می گذارند.»

شبیبه آنچه را که خواندید، مدام از این و آن می شنوید. در اتوبوس، در خیابان، در مغازه و این روزها در صف نانوائیها. در کل کشورهای جهان کم سابقه یا حتی می توان گفت بی سابقه است که سخنگوی یک دولت اعلام کند افزایش قیمت مهمترین و اصلی ترین ماده غذایی در آن کشور، دلخواهی است. حتی در کشورهای که به دلیل وجود فساد گسترده اداری و اقتصادی و نیز ضعف دولت، در عمل، نظارتی بر قیمتها وجود ندارد، دولتها در ظاهر و در اظهارات رسمی خود از تایید وجود هرج و مرج و بی قانونی خودداری می کنند.

«به آخوندها بگوئید گران کنند. نان، برق، گاز، سیب زمینی، همه چیز را گران کنند. اینقدر گران کنند تا همه ما بمیریم و خیالشان راحت شود. چه می دانم بروند از فلسطین و لبنان آدم بیاورند به جای ما. خدا شاهد است اگر یک ماه این آخوندها را تحمل کنند. فلسطینیها اینقدر شرف دارند که صد سال است دارند سنگ پرت می کنند تا خانه خودشان را بگیرند. مثل ما نیستند که هر چی بیشتر می زنند توی سرمان، بیشتر بی غیرت می شویم.

ماشین گران شد، بنزین گران شد، کرایه تاکسی گران شد، شیر گران شد، کرایه خانه گران شد، همه چیز گران شد؛ دور از جان شما مثل گوسفند نشستیم سر جایمان و گفتیم همین نان خالی را می خوریم و می گذرانیم. به این نان خالی هم رحم ندارید بی انصافها؟ اینقدر مگر می شود کسی بی وجدان باشد؟! ۵۶۰۰ تومان می دادم، ۴۰ تا نان لواش می خریدم برای چهار نفری که در خانه هستیم. گاهی اوقات چهار روز، گاهی اوقات چهار روز



بابک رحیم زاده

Bobby Rahim

IRS Enrolled Agent



Personal & Business Federal & State Tax Return Filing

- Tax preparation (individual & Corporation)
- Specialized in "C," "S," & LLC Corporation
- Payroll taxes
- Monthly bookkeeping
- Tax Audit
- Accounting system & installation

- ♦ انجام کلیه امور حسابداری و حسابرسی
- ♦ رسیدگی به امور حقوق و دستمزد
- ♦ مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای افراد و موسسات تجاری

1900 Camden Ave, Suite 204
San Jose, CA 95124

www.BandRaccounting.com

(408)247-5626

(408)899-8727

سپرد که اگر فرزندی از من زاده شد که دختر بود مهره را به نیک اختر بر گیسوی او بدوزد و اگر پسر بود «بندش به بازو نشان پدر» و:

به بدرد گرفتن گرفتش به سر بسی بوسه دادش به چشم و به سر بر رستم آمد گرنامه به شاه

بپرسیدش از خواب و آرام گاه چو این گفته شد مژده دادش به رخس

از او شادمان شد دل تاج بخش از آنجا سوی سیستان شد چو باد

وزین داستان کرد بسیار یاد چو نه ماه بگذشت بر دخت شاه

یکی کودک آمد چو تابنده ماه کودکی همانند گوپلتن که تهمینه او را

سهراب نامید، سهراب کودکی بیش نبود که اداب جنگاوری آموخت و هنوز کودک

و نوجوان بود که با شیر می جنگید و پشت پهلوانان برخاک می کشید، پس به نزد

مادر آمد و طلب نام و نشان پدر کرد، مادر او را از نام پدر و نشان او آگاه کرد و:

یکی نامه از رستم جنگ جوی بیاورد و بنمود پنهان بدوی

سه یاقوت رخشان و سه بدره زر از ایران فرستاده بودش پدر

سزد گر بداری بدون یادگار همانا که باشد ترا این به کار

دنباله مطلب در صفحه ۸۸

در خوابگه نرم کردند باز، بنده ای شمعی در دست و در پس او ماهروی چون خورشید تابان از پس بنده خرامان به بالین وی آمد، زیبارویی گیسو کمند، فروهشته و قامتی چون سرو دلپذیر، رستم چون در او نگرست از آن زیبایی خیره شد و نامش پرسید:

چنین داد پاسخ که تهمینه ام تو گویی که از غم به دو نیمه ام

یکی دخت شاه سمنگان منم ز پشت هژبر و پلنگان منم

کس از پرده بیرون ندیده مرا نه هرگز کس آوا شنیده مرا

به کردار افسانه از هر کسی شنیدم همی داستانت بسی

ترا ام کنون گر بخواهی مرا نیند همی مرغ و ماهی مرا

رستم چون با پرچهر زیباروی از هر دری سخن راند و او را بهره ور از هر دانشی

یافت خواستار پیوند با او شد و موبدی طلب کرد تا خبر به پدر او رساند و شاه سمنگان

از این خبر شادی های بسیار کرد و از پیوند با رستم با افتخار بسیار استقبال کرد و دختر را طبق کیش و آیین به رستم سپرد.

همی بود آن شب بر ماهروی همی رفت هر گونه ای گفت و گوی

به بازوی رستم مهره ای بود که شهره جهان بود، رستم آن مهره را به پریروی



هما گرامی (فره وشی)

فردوسی، بزرگ استاد تراژدی

چو نزدیکی مرز توران رسید بیابان سراسر بر از گور دید

تنی چند از گوران را شکار کرد و از آن کبابی ساخت و چون سیر خورد به خواب

رفت و اسب او رخس که در مرغزار به چرا مشغول بود مورد توجه ترکانی که از

آنجا گذر می کردند قرار گرفت و او را به بند کشیدند و همراه خود بردند، رستم

چون بیدار شد بدان مرغزار اندرون بنگرید

ز هر سو همی بارگی را ندید غمی گشت چون بارگی را نیافت

سراسیمه سوی سمنگان شتافت چون آگاهی به شاه سمنگان رسید که

تهدمت پیاده به آنجا آمده است بزرگان شهر و شاه به دیدارش شتافتند و شاه سمنگان با

نرمی و ملاطفت با او سخن گفت که: در این شهر ما نیکخواه توایم

ستاده به فرمان و راه توایم و از او خواست که مهمان او باشد تا شاه

فرمان دهد که بجویند و رخس را بیابند پس مجلسی آراستند و شاه و بزرگان

در کنار تهمتن به شادی و می گساری پرداختند و چون پاسی از شب گذشت

تهمتن قصد خوابیدن کرد و: سزاوار او جای آرام و خواب

بیار است بنهاد مشک و گلاب چو یک بهره زان تیره شب درگذشت

شبهانگ بر چرخ گردان گذشت

تراژدی (رستم و سهراب): داستان رستم و سهراب یکی از بزرگترین تراژدی های ادبیات جهان است. به گفته «هگل»

بالاترین نوع تراژدی موضوع کشاکشی است که در آن هر دو طرف کشمکش

دارای حق هستند و هریک به سرنوشتی دچار می شوند که نتیجه و پی آمد عمل

خود آنهاست و گریزی از آن نیست و هر دو طرف منازعه حق دارند، حوادث به

گونه ای اتفاق می افتد که خواننده بدون تصمیم برای انتخاب فرد ذیحق داستان تن

به قضا می دهد و غالب و مغلوب از دید وی دارای حقوق برابر و مساوی هستند.

در داستان رستم و سهراب دو پهلوان محبوب در برابر یکدیگر قرار گرفته اند، هر دو را دوست داریم و می خواهیم زنده

بمانند، هر دو برای ما ارزشمندند، آزاده اند و پایداری هر یک از ایشان آرزوی

ماست، پدر و پسری که سرنوشت چنان خواسته است که برای یکدیگر ناشناس

باشند تا فاجعه این تراژدی غم انگیز اتفاق افتد. دست سرنوشت در کار است و سیل

خروشان فاجعه روان است. بامداد شروع فاجعه تهمتن پر بهانه از خواب شبانه چشمی گشاید.

غمی بد دلش ساز نخجیر کرد کمر بست و ترکش پر از تیر کرد

سوی مرز توران چو بنهاد روی چو شیر دژ آگاه نخجیر جوی

حمید ابطحی

متخصص و مشاور در امور سرمایه گذاری خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

Hamid Abtahi



منطقه منطقه منطقه

آگاهی و شناخت درست از آخرین تغییرات و تحولات در امور خرید و فروش خانه و املاک، مهمترین مسئله می باشد. من می توانم شما را در این امر مهم مطلع نمایم!

Location! Location! Location!
Why Do You Pay Rent?!

Whatever my client's goals, my goal is to make it happen.
I am an expert seeking to add value to your next transaction.

hamid@true-vision.com + DRE# 01071456



(408)-366-2180 + (408)-253-5100

12376 Saratoga Sunnyvale Rd. Saratoga, CA. 95070



به مدیریت دکتر منصور سپهر

با بیش از ۲۰ سال تجربه در تمیز کردن آب و خاک در خشکسویی ها و پمپ بنزین هایی که آلودگی مواد شیمیایی دارند!

♦ Phase I & II Environmental Site Assessment

♦ Regulatory Compliance Monitoring

♦ Soil & Groundwater Remediation

♦ Site Closure

Tel: (925) 734-6400 Cell: (925) 381-3247

6620 Owens Drive, Suite A, Pleasanton, CA 94588

یکدیگر شریک هستند و یکی از پزشکان در جریان درمان بیمار خود به آن بیمار صدمه بزند، بیمار می تواند از پزشک دیگر که او را درمان نکرده یا پزشک خود یا هر دو پزشک شکایت و ادعای خسارت نماید. به دلیلی ریسک بالای مسئولیت یک شریک در برابر اعمال شرکای دیگر، نوعی از شراکت شکل گرفته است که به آن شراکت با مسئولیت محدود (Limited Liability Partnership) گفته می شود. در این فرم از شراکت، هریک از شرکا تنها در قبال اعمال صورت گرفته از جانب خود مسئول می باشند و ملزم به جبران خسارات ناشی از اعمال دیگر شرکا نمی باشند. برخلاف یک شراکت معمولی (General Partnership)، که برای تشکیل آن نیازی به ثبت آن در هیچ نهاد دولتی نیست، یک شراکت با مسئولیت محدود را باید در ایالت کالیفرنیا با کامل کردن مدارک مربوط ثبت نمود. در غیر اینصورت، حتی در صورت توافق میان شرکا، شراکت مربوطه یک شراکت معمولی خواهد بود که در آن تمامی شرکا در قبال اعمال یکدیگر مسئولیت قانونی (Liability) دارند. با توجه به جزئیات قانونی و پیچیدگیهای مربوط به شراکت، توصیه می شود که پیش از تشکیل یک شراکت با یک وکیل آشنا در این زمینه مشورت نمایید.

مثلاً، طبق قانون، تمامی شرکا در تصمیم در مورد همه امور جاری کسب و کار حق مساوی دارند. بنابراین، طبق قانون، هریک از شرکا می تواند بدون گرفتن اجازه از شرکای دیگر، در مورد امور روزانه ای چون بستن قرارداد با فروشندگان کالاها، مورد نیاز کسب و کار، گرفتن وام، استخدام یا اخراج کارمندان، و غیره تصمیم بگیرد. انجام هریک از موارد ذکر شده توسط یکی از شرکا، شراکت را ملزم و متعهد به انجام وظایفی که در این حین به وجود می آید می نماید. مثلاً، اگر یکی از شرکا حتی بدون مشورت و توافق دیگر شرکا برای کسب و کار وام بگیرد، دیگر شرکا نیز ملزم به تعهدات مربوط به آن وام می شوند. یکی از مسائل حقوقی بسیار مهم در مورد شراکت، مسئله مسئولیت قانونی (Liability) در قبال اعمال صورت گرفته از جانب شرکا می باشد. در یک شراکت معمولی، هریک از شرکا در قبال تمامی اعمال صورت گرفته مربوط به کسب و کار توسط شرکای دیگر مسئول می باشند. مثلاً، اگر یکی از شرکا، در حین انجام کار خود به یکی از مشتریان خود آسیبی برساند، شریک یا شرکای دیگر نیز در قبال آن مشتری مسئول می باشند و آن مشتری می تواند از تک تک شرکا به طور جداگانه ادعای خسارت کند. مثلاً، اگر دو پزشک با



کاوه میر شایعی
وکیل رسمی
دادگاههای کالیفرنیا و فدرال
KM@headwaylegal.com

نگاهی کوتاه بر قوانین مربوط به شراکت
در یکی از مقالاتی که در چندین شماره پیش این مجله چاپ شد، درباره اشکال مختلف قانونی تشکیل کسب و کار (Business) توضیحاتی کلی ارائه دادم. همانطور که گفته شد، یکی از اشکال قانونی تشکیل یک کسب و کار شکل شراکت (Partnership) می باشد. در این نوشته قصد دارم که توضیحاتی کاملتر در مورد نحوه تشکیل و مسائل قانونی مرتبط با فرم قانونی شراکت ارائه دهم. به طور کلی، شراکت توافقی است که براساس آن دو یا چند فرد با یکدیگر همراه می شوند تا کسب و کاری را برای سوددهی اداره کنند. بنابراین، در یک کسب و کار شراکتی، دو یا چند شریک، هزینه و سود آن کسب و کار را با یکدیگر تقسیم می کنند. برای تشکیل یک شراکت، نیازی نیست که شرکا قرارداد نوشته شده یا ثبت شده شراکت داشته باشند. طبق قوانین ایالت کالیفرنیا، این امر که دو یا چند نفر کسب و کاری را با همکاری یکدیگر اداره می کنند



نسرین حسینی
طراح و مشاور دکوراسیون داخلی
عضو انجمن طراحان داخلی آمریکا
Interior Designer-ASID Member
Home, Staging, Remodeling, Interior Design



من با در اختیار داشتن کادری مجرب و متخصص و با استفاده از جدیدترین متدها و استانداردهای روز دنیا و با هدف ارائه خدمات حرفه ای در زمینه مشاوره، طراحی و اجرای دکوراسیون داخلی، موفق شده گامی مؤثر در راستای صرفه جویی در هزینه و زمان برداشته تا آنچه را که در رویاهایتان بدنبالش هستید در کمترین زمان و مناسب ترین قیمت در محیط کار و منزل شما اجرا نمایم.

برای اطلاعات بیشتر لطفاً با من تماس حاصل فرمایید!

www.Luxorinterior.com Nasrininteriors@gmail.com
(408) 800-2151



دکتر فتانه هوشداران
کایروپراکتر

Chiropractic care is more than just making the pain disappear. It is about learning, understanding & taking care of your body to improve your quality of life.

www.chiropracticusaca.com

تشخیص، معالجه و جلوگیری از ناراحتی های مفاصل و استخوان، ورزشی، صدمات کاری و تصادفات رانندگی با پیشرفته ترین وسایل پزشکی

سر درد + رماتیسم + دیسک + شانه و زانو درد + دردهای عصبی + دردهای گردن + دردهای کمر + دردهای دست

مطب مجهز به دستگاههای فیزیکیال تراپی و
ماساژ طبی، ورزشی، Aqua Med Massage

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته می شود
Serving: San Jose & Santa Clara

(408) 712-3788
1610 Blossom Hill Rd., Suite #1
San Jose, CA 95124

(408) 244-7677
2797 Park Ave., Suite #103
Santa Clara, CA 95050

قرار گرفت و شما همین یکی دو روزی که در زندان هستید کمی با خود خلوت کرده و از کسانی که پرده آبروی آنها را دریده اید و آنها را محکوم به زندان و یا شلاق کرده اید حلاوت بطلبید و اگر در آینده هم انتقاد می کند بر تحمل و سعه صدر خود در شنیدن انتقادات بیافزایید. برآستی ما شاهد نزول تدریجی مریبانی هستیم که دیگر واقع بین، منطقی و عمل گرا تر از دوره های گذشته نیستند. آیا ریشه مسائل فوتبال ما از کجا سرچشمه می گیرد و خراب کردن اگر حاصلش یک آبادانی بهتر نباشد، آیا تلاش بیهوده ای نیست! آیا بازی فوتبال بزرگتر از همه ما نیست! آیا ورزش ما از نو روی خوشبختی را خواهد شناخت! آیا آقای دائی که شاگرد آقای مایلی بوده است از آنهایی است که اعتقاد ندارد چوب معلم گل است؟

بدون تردید زمان برای هر دوی آنها گذشته است و آنها اگر می خواهند هنوز هم محبوب باشند می توانند به سینما روی بیاورند.

خبر این بود رفیق

دشمنانت مردند

دلم از غصه گرفت

گفتم ایکاش خبری می دادند

دشمنی ها مرده سعید وزیری

در این میان این فوتبال ما است که رنگ می بازد و ورزشگاه ها هر روز خالی تر می شوند. در جامعه ای خالی از صداقت که هر کس سعی بر آن دارد به هر بهانه ای دیگری را مقصر قلمداد کند و برپام کوتاه تر جنگ بیاندازد چنین درگیری هائی باعث فروپاشی ارزش ها و قراردادهای اجتماعی و احترام است و چنین است که هر کسی

در پيله خود بافته خود منزوی می شود، در حالیکه آشکار بودن نارسائی های مشترک که همه در آن سهمی کم و بیش دارند کار شرم آوری نیست و احتیاجی نیست که هر کس نان مظلومیت خود را بخورد و پر کردن چنین خلاء اخلاقی کار ساده ای نیست که باین زودی ها پر شود. بقیه اش را خودتان می توانید حدس بزنید و این بی منطقی در بالاترین سطوح مریبگری رخنه کرده است. حرف های همه مریبان را بعد از بازی ها مرور کنید، همیشه داوران مقصرند، همیشه بازیکنان به کم کاری متهم می شوند، همیشه شانس هائی بوده است که توپ به تیر دروازه ها خورده است و به گل تبدیل نشده است، هیچ کس نمی گوید هیچ بازیکن عاقلی توپ را به تیر نمی زند و هیچ کس نمی پرسد پس چرا روی این کم کاری ها کار نمی شود، پارهچه تنگ تر شدن حوزه حقیقت و وظایف آنها ورم می کند. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

کامران احمدپور در روزنامه نود جالب بود. او نوشت این اتفاق بسیار بدی است، مخصوصا که حرمت معلم و شاگردی و بزرگی و کوچکی زیرپا گذاشته شده است و اصلا باید اسم انسان را از روی کسی که از ناراحتی، بیماری و به زندان رفتن دیگری خوشحال می شود برداشت، اما یک چیز را نباید فراموش کرد، از هر دستی که بدهی از همان دست می گیری. او می گوید که مایلی کهن بدعت گذار شکایت از روزنامه ها و این و آن بود. او ذره بینی بزرگ به روی نوشته های روزنامه می گذاشت و از کلمات بار حقوقی می گرفت و تا ته داستان می رفت و به قدرت و نفوذش می نازید و دیگران را به شلاق و زندان محکوم می کرد تا جایی که کامران احمدپور را به ۹۱ روز زندان محکوم کرد و چندین نفر دیگر و البته در تمامی این دوران او می تازید و کسی جلو دارش نبود و از هر تهمت و افترا فروگذار نبود و زبانی آتشین داشت، اما انتظار می رفت او که یک منتقد سرسخت و تندزبان بود از انتقاداتی که از خود او می شود، صبوری و متانت به خرج دهد اما در عمل او نه تنها اینطور نبود که در روی ساده ترین جملات ذره بین حقوقی میگذاشت و شکایت او از تیرهای روزنامه ۹۰ که در جواب آن همه توهین و بی احترامی نسبت به اهالی فوتبال شده بود، همه را به دادگاه کشاند و آخر سر مرا (کامران احمدپور) به ۹۱ روز زندان محکوم کرد. داروغه فوتبال آقای مایلی کهن نیاز به زمان دارد. کاش او حرف هایش را مزه مزه میکرد و اینگونه بود که این بار به مصداق آن بیت شعر مشهور نظامی که گفت:

بهرام که گور می گرفتی همه عمر

دیدی که چگونه گور بهرام گرفت فراموش نکنیم این بار شکارچی حاجی، علی دائی، شاگرد او بود. راستی حاجی یادت هست برای کسب رضایت از شکایت چقدر دوستان قدیمیت را نزدت فرستادیم و قبول نکردی. مرغ شکایت تو یک پا داشت و تا آخر رفتی و رفتیم. حاجی می خواهم من کم ایمان تر و کم اعتقادتر به شما بگویم به زندان بردن و به شلاق کشیدن منتقد است. چقدر به دینت و بزرگان دینت شبیه است. اگر امروز یکی مثل علی دائی پیدا نمیشد و تا آخر پیش نمی رفت و کار را به اینجا نمی کشاند باید به قوانین و وعده های الهی شک می کردیم، اما شد آنچه نباید می شد. هرچند به زندان رفتن شما اتفاق خوبی نبود، اما امیدوارم همین امروز علی دائی بدون درخواست کوچک کردن شما رضایت بدهد و بداند که باید بخشید تا مورد بخشایش خداوند

ورزش از نگاه من

احمد طوسی

Email: tousi1515@aol.com



روزهائی که از سکوت یا هیاهو سپری شد، آقای مایلی کهن که در دادگاه به خاطر شکایت آقای دائی از ایشان محکوم به چهارماه زندان رفتن شده بود، راهی زندان اوین شد. او در طول راه از مأمور زندان می خواست که به دست های او دست بند بزنند و هنوز در زندان جا نیفتاده بود که آقای پروین، استیلی و عابدزاده به عیادتش رفتند. انسان از تجربه بسیار می آموزد. حاج آقا مایلی باید باورهای خود را بازبینی کند. کشمکش های چندساله بین او و علی دائی که هراز گاهی فضای آلوده فوتبال را آلوده می کند و احترام معلمی و شاگردی را زیر پا گذاشته است، در نهایت پای مایلی کهن را به زندان باز کرد. به نظر می رسد که او از این مساله ناراحت نیست زیرا قبل از اینکه به زندان برود گفت که کتاب خاطراتش پرفروش خواهد شد و علی دائی پس از مشورت با خانواده اش تصمیم گرفت که برای آزادی مایلی رضایت بدهد. اما در این میان مقاله آقای

در حالیکه جهان درگیر دگرگونی های جهانی است و در برگردان قرن تصویر فردا را روشن دیدن آسان نیست، آیا بی فایده است که از ورزش و مفاهیم رهائی بخش آن سخن گفت؟

«برتولت برشت» نمایشنامه نویس آلمانی گفته بود، مردم مجلس را قبول ندارند. اما بخاطر اینکه دموکراسی تعطیل شدنی نیست به جای انحلال مجلس باید مردم را تعطیل کرد. آیا باید از آدم هائی که هستند اما وجود ندارند سخن گفت؟! سخن گفتن از مریبان همواره کار شاقی است و بی تردید یکی از آنهایی که بیشترین بگومگوها را برانگیخته است آقای محمد مایلی کهن است. تا آنجائی که حافظه خسته من کار می کند او هرگز محبوب تماشاگران نبوده است و حالا بازنشسته شغلی و بدون تیم داشتن مردی است که در گذشته زندگی می کند، مردی که می خواهد باشد و دوست دارد دوستش داشته باشند. در طی روزهایی که گذشت و در



لیلی و شاهین
مشاوران املاک
DOMINE GROUP
Residential & Commercials

Shawn Jahanbani & Lilly Yaz
Realtors



We charge only 4.5% total commission to sell your house including complimentary Staging & Videography

دست خود را در دستان ما بگذارید و با اطمینان کامل قدم به عرصه خرید و فروش ملک بنمائید. ما معاملات «آس» مارکت را یافته و در اختیاران قرار می دهیم. ما شما را از آخرین وضعیت املاک در مارکت کنونی مطلع می نمائیم.

تنها با یک تماس تلفنی می توانید از آنها آگاه شوید!

Lilly: (408)761-7499 Shawn: (408)916-8665
BRE#01506610 BRE# 01952057
Email: lillyyazrealty@gmail.com
3194 De La Cruz Blvd., # 10, Santa Clara, CA, 95054

ترافیک بوده یا شارژ تلفن اش تمام شده است، به همین سادگی.

ذهن فوآنی، ممنوع!

پیش داوری را کنار بگذارید

اگر می بینید همکاران در حال گفتگو با رئیس است و نگاهی به شما می اندازد یا با آمدن تان حرف اش را قطع می کند بی جهت دلشوره نگیرید که حتما درباره شما صحبت می کرده و باید تا پایان روز منتظر وقوع حادثه بدی باشید.

در مورد آنچه شما را می آزارد

با یک هم راز صحبت کنید

کسی که قابل اعتماد باشد و از نظر شخصیتی مانند شما نباشد (اهل دلشوره نباشد) می تواند گوش شنوای شما شود و انرژی مثبت بدهد و باعث شود شما با گفتن و گفتن از بار استرس و غمی که در دل دارید بکاهید.

البته باید دقت کنید سفره دل تان را پیش هر کسی باز نکنید.

از تکنیک های آرام سازی استفاده کنید

انجام بعضی حرکات نرمشی یا شل و سفت کردن عضلات می تواند کمک کننده باشد و از اضطراب و دلشوره تان بکاهد. حتما و حتما ساعتی را به خودتان اختصاص دهید و آن کاری را که مایه لذت تان است انجام دهید.

دنباله مطلب در صفحه ۵۳

این توصیه ها را عملی کنید و اگر پاسخ مناسب دریافت نکردید و همچنان دلشوره داشتید به پزشک مراجعه کنید.

کلاه خودتان را قاضی کنید

یک کاغذ و قلم بردارید و بنویسید چند وقت است که بدون دلیل منتظر دریافت خبرهای بد هستید و مدام دلشوره دارید؟ اگر فرزندان دیر کند می گوید حتما تصادف کرده؟! اگر تلفن زنگ بزند و قطع شود دلهره می گیرید که حتما کسی می خواسته خبر بدی را به شما بدهد اما

تماس اش قطع شده است؟! حالا بنویسید چند بار این دلشوره ها واقعا صحت داشته و اضطراب شما به دلیل آن محرک واقعی بیرونی بوده است؟ سپس

کلاه خودتان را قاضی کنید و دریابید که نباید همه چیز را تعمیم داد و در آینده که دلشوره گرفتید یادتان بیاید انتهای این ماجرا چیزی نخواهد بود و تا چند لحظه دیگر همسران می آید و می گوید که در



مقابله با دلواپسی

و ارزشمند، از مشکلات فرار کند در واقع به یک مکانیسم ناپخته روی آورده است. مافقط به کسانی که بیمار هستند و مبتلا به وسواس فکری هستند (یعنی مدام یک فکر آزاردهنده در ذهن شان می آید و تکرار می شود) و تحت درمان هستند توصیه می کنیم دنبال اخبار بد نزنند، صفحه حوادث را نخوانند و یا اگر در خیابان با دعوای کسانی مواجه شدند، از آن جا دور شوند. اما در مورد دیگر افراد توصیه می کنیم به جای این که سرشان را مانند کبک در برف بکنند و در این خیال باشند که هیچ خبری نیست، با واقعیات رو به رو شوند و آن را آن طور که هست، ببینند. اگر شما جزو کسانی هستید که نمی دانید چه طور باید از دست این دلشوره ها رها شوید و مدام با آن درگیر هستید، چند توصیه ساده برای تان دارم. بهتر است

تنظیم این که چه طور به محرک های محیطی پاسخ دهیم تا حدی در اختیار خودمان است. درست است که تیپ شخصیتی ما و نوع نگرش مان به مسایلی که به وقوع می پیوندند نقش مهمی در این باره دارند اما خودمان هم باید کمک کنیم تا بدن مان پاسخ مناسبی در مواقع لازم ارایه کند. مانند کسی که دزدگیر ماشین اش را طوری تنظیم می کند که فقط وقتی دزدی قصد ربودن آن یا صدمه زدن به آن را کرد، آژیر بزند اما شخص دیگری آن قدر آن را حساس می کند که تا از کنارش رد می شوید آژیر می زند.

باید به خودتان کمک کنید تا اضطرابی که به دلیل استرس های مختلف محیطی دچار آن می شوید در حد معقول و کنترل شده باشد. اگر نتوانید چنین تعادلی را در بدن تان ایجاد کرده و استرس ها را مدیریت کنید، اضطراب می گیرید و با علائم جسمی، روانی و هیجانی آن درگیر خواهید شد. بعضی ها دلشوره می گیرند، برخی مشکلات معده و تپش قلب، بعضی دیگر علامت های رفتاری مانند ناخن جویدن، و... که بارها در موردش شنیده اید. این که کسی بخواهد به جای رفتار صحیح



Immigration & Translation Services

شرکت ساعی

۱۳۱۸-۵۵۴-۴۰۸

مشکل گشای شهر شما



کارت سبز، ویزای نامزدی

امور مربوط به دفتر حفاظت ایران

ترجمه کلیه مدارک، عکس گذرنامه

تشکیل شرکت ها

تعویض نام

تابعیت

www.saeicompany.com

(408)554-1318

برای اطلاعات بیشتر با آقای داریوش کیلانی تماس بگیرید

940 Saratoga Ave., Suite #112, San Jose, CA 95129

تلویزیونی اش کمابیش مشخص است و می شد آن کلیپ ها را مرمت کرد تا با بقیه فیلم همخوانی داشته باشد.

یکی دو صحنه ابتکاری در فیلم هست، یکی آنجا که «بهاری» در خیابان در حال راه رفتن است و «استوارت» با نمایش زندگی او روی شیشه مغازه ها که پدرش در زمان شاه به خاطر افکار کمونیستی زندانی و شکنجه شد، همین طور خواهرش مریم (گلشیفته فراهانی) بعد از انقلاب، نیز گفتگو با پدرش - بطور خیالی - در سلول زندان که تماشاگر را با گذشته «بهاری» بیشتر آشنا می کند.

«گلاب» در کل، برای فیلم نخست یک فیلمساز (اگر «استوارت» فیلمسازی را ادامه بدهد) قابل تأمل است. اما اگر بخواهیم آن را در ردیف فیلم های سیاسی بی مثل «اعتراف»، «حکومت نظامی»... هر دو ساخته «کوستا گاوراس» قرار دهیم، چنین موردی پیش نخواهد آمد.

جنبالی که فیلم «گلاب» به پا کرده، نه به خاطر «مازیار بهاری» که شانس آورد تا مطبوعات دنیا درباره اش بنویسند، بلکه به خاطر شهرت «جان استوارت» است که همگان خواستار آن هستند تا ببینند او برای نخستین فیلمی که ساخته چه کرده، و تا چه حد در کارش موفق بوده. **دنیاله مطلب در صفحه ۵۱**

از تکنیک CGI (کامپیوتر) نشان می دهد که همانی بود که هست، اینجا به خاطر خلق صحنه ها (خیابان ها، تابلوها، تصاویر دیواری...) آن حس را به تماشاگر ایرانی منتقل نمی کند.

مورد دیگر، لهجه تمامی بازیگران فیلم است که گرچه اجبارا (به خاطر راحتی در مفهوم دیالوگ و عدم محبوبیت زیرنویس) انگلیسی صحبت می کنند، و اکثرا هم از کشورهای مختلف می آیند (نقش «بهاری» را یک بازیگر مکزیک با اسم «گائل گارسا برنال» و نقش بازجویش «گلاب» را یک بازیگر دانمارکی با اسم «کیم بودینا» بازی می کنند...) که اگر داستان را در داخل ایران در نظر بگیریم، که همه فارسی صحبت می کنند، دیگر چه ضرورتی بود تا اینها با لهجه صحبت کنند؟

ایضا «بهاری» در جایی گفته بازجویش را به خاطر بستن چشمهایش هیچگاه ندید، او را با بوی عطر گلابی که به خودش می زد می شناخت، در حالیکه در فیلم بارها این دو بدون چشم بند مقابل هم قرار می گیرند و حتی در پایان که او را آزاد می کنند، ملاقاتی رو در رو صورت می گیرد که با گفته او تضاد دارد.

استفاده از فیلم های خبری برای نمایش روزهای انتخابات که مثلا «بهاری» در میان جمعیت بود، به خاطر کیفیت



ارمغان آورده، شاید از موضوع دستگیری اش هم چندان ناراضی نباشد چرا که به یک سوپرستار تبدیل شده که با وجود مستند سازی («عنکبوت» درباره قتل های زنجیره ای، «از سیروس تا احمدی نژاد» درباره تاریخچه یهودی ها در ایران و اسرائیل، «روشن کردن شمع» درباره

شکنجه کلیمی ها در ایران...) [که می رساند «بهاری» مثل «استوارت» باید کلیمی باشد]، و خبرنگاری، کمتر کسی از وجود او اطلاع داشت. اما فیلم...

در حول و حوش انتخابات ۲۰۰۹، ایران، جان استوارت، مجری برنامه «دیلی شو»، «جیسن جونز» یکی از افراد شویس را به ایران می فرستد تا یک سری مصاحبه که همواره با طنز همراه است انجام دهد. یکی از افرادی که با او مصاحبه می شود «مازیار بهاری» مستند ساز و خبرنگار



کار در تلویزیون، به ویژه در مقام مجری که شخص با عوامل تکنیکی آن هم چندان در ارتباط نباشد او را قادر به سازندگی یک فیلم که با وجود شباهت هایی که با تهیه یک برنامه تلویزیونی دارد، نخواهد کرد زیرا در کل تفاوت فاحشی میان آن دو هست که بدون تجربه، گام گذاشتن در یک حیطه نامانوس است. اما با وجود عدم تجربه و پیشینه فیلمسازی و کارگردانی، جان استوارت، باید از طرق کسانی راهنمایی می شده و یا افرادی بوده اند که او را در ساخت سکانس ها، زاویه بندی ها، حرکت دوربین... و بطور کلی تکنیک همراهی می کرده اند چرا که او را در مجموع کارگردانی متبحر و آشنا به فن و تکنیک سینما نشان می دهد. بطور مثال، هنگام شروع تظاهرات خیابانی، وقتی «بهاری» از روی پشت بام با همسرش تلفنی صحبت می کند، به او می گوید تا صدای جمعیت را گوش کند. نمای بعدی، او را از پائین می بینیم که تلفن دستی اش را در هوا نگه داشته تا صدای جمعیت به گوش همسرش برسد. این تقسیم نما از دو زاویه، کار یک فیلمساز حرفه یی است که در طول فیلم بارها آن را شاهد می شویم. فیلم گرچه تماما در کشور اردن، به خاطر شباهت به ایران از نظر محیط و مردمش، فیلمبرداری شده اما حس و هوای ایران را ندارد و برای تماشاگر ایرانی دلچسب و پذیرفتنی نیست. آن چه «آرگو» در فضا سازی خیابان ها، ساختمان ها... با استفاده

مجله «نیوزویک» است. مجری (جونز) به شوخی خودش را جاسوس آمریکا معرفی می کند و همین باعث می شود تا «بهاری» دستگیر و سؤال و جواب شود که چرا با یک جاسوس آمریکا صحبت کرده و حتما او نیز جاسوس است. این دستگیری که به استنطاق چندماهه می انجامد، او را راغب می کند تا وقتی از زندان آزاد شد کتابی به اسم «بعد به سراغ من آمدند» را بنویسد که به خاطر آن «جان استوارت»، «بهاری» را به شویس دعوت می کند و بعد وقتی «بهاری» از او می خواهد تا فیلمی درباره او بسازد، با وجود اینکه هیچوقت فیلمی را کارگردانی نکرده بود، قبول می کند و برای این منظور تابستان سال گذشته را از برنامه اش مرخصی می گیرد و با گروهی به اردن رفته و فیلم «گلاب» را می سازد. عنوان فیلم هم از اسم بازجوی «بهاری» می آید که چون به خودش گلاب می زده، «بهاری» او را به خاطر بویش «گلاب» می خواند و «استوارت» نیز که فیلمنامه فیلم را هم نوشته، عنوان فیلمش را «گلاب» انتخاب می کند.

در مورد داستان فیلم که همگان از آن مطلع هستند، چیز تازه یی را نمی توان اضافه کرد. خبرنگاری که برای یک نشریه خارجی کار می کند دستگیر می شود، بعد از چندماه آزاد می شود و ایران را ترک می کند. «بهاری» این تجربه را در قالب کتابی منتشر می کند و اینک به خاطر فیلم و شهرتی که برایش به

اردشیر وثوقی

کارشناس و مشاور در امور
فرد و فروش ساختمان های
مسکونی و تجاری

Find Your Happy Home



Ardeshir Vosoghi
Realtor

حجت مشاوره رایگان لطفا با من تماس بگیرید!

(408) 342-3160

rdvhomes.com ♦ avosoghi@interorealestate.com

10275 N. De Anza Boulevard, Cupertino, CA 95014

'Your neighborhood
is my neighborhood'



کنتک خوردن نبود و خیال ها راحت. به دیوار آغل تاپاله چسبیده بودن. تاپاله، آه! تاپاله. بوی پهن تازه، بوی زندگی. بوی اصالت. عطر عشق. ما چه چیزها داریم که قدرش نمی دونیم. ای جان! به خر داشت یونجه می جوید. حتما تاپاله ها مال همین خره. حیوون نجیب.

حیوون ده زحمتکشه. اما حیوون شهر چیه؟ سگ. مفتخور و تپیل! هنوز از تماشای مناظر سیراب نشده بودیم که به ننه بزرگ از لای در سرک کشید. با عصا و گیس سفید. دیگه خوشبختی ما تکمیل شد و همه چیز رنگ قصه به خود گرفت. این خونه که آدمو یاد کلبه داستان هانسل و گرتل می انداخت فقط به مادر بزرگ کم داشت. مادر بزرگ، مظهر نخودچی کشمش و قصه های پای کرسی شب های زمستون. آدمیزاد دیگه چی بیشتر از این می خواد؟ راست می گن مرگ می خواد برو گیلان. از در و دیوار صلح و صفا و عشق و سادگی و تمیزی می بارید. حق با ما بود و پدر اشتباه می کرد.

انسان شهری هويت خودشو از دست داده. اصالت ها به باد رفته. هرچه هست در وجود همین ده و دهاتی هاست. مولوی بیخود گفته که: ده مرو، ده مرد را احق کند. احق ماهايم که دو دستی به گند و کثافت شهر چسبیدیم.

دنیاله مطلب در صفحه ۵۶

که تو کتاب ها خونده بودیم. سرزمین شاه پریان. همیشه فکر می کردیم این تصاویر ساخته ذهن نویسنده هاست. اما بفرما. آگه همدان دوره، کردوش نزدیکه. یه دهکده حی و حاضر کاملا افسانه ای. اصلا یه تابلو نقاشی. کلبه ای در کمرکش کوه، و کوه یه تیغ سبز. این جا توی گوش آدم هم علف درمیاد. همه جا سبز و سبز و سبز. اسم ده رو نمی دونستیم اما می شد بهش گفت دهکده زمرد. رویه روی کوه یه دشت سبز و مخملی بود و وسط دشت یه رود خونه نقره ای پیچ واپیچ در جریان و جابه جا گاو و بزغاله در حال چریدن. اصلا جای بحث نداشت. اتاق رو درجا کرایه کردیم. اهل خونه به غیر از مشد فتح الله و زنش، پسر و عروس و دو سه تا بچه فسقلی با ادب دهاتی بودن. پدر بیشتر از همه از این خشنود بود که این جا دختر آب زیر پوست افتاده نداره. می گفت قاعده شده که جوانان بیکار ساحلی مسافران رو با دلیل و بی دلیل به انگیزه های ناموسی تحریک کنند! هرکس یه جور جلب توریست می کنه. توریسم شمال توریسم ناموسیه. اما خوب قابل درکه. غیرت که زیادی فوران کنه ترکشش می تونه ناموس چهارتا خیابون و حتی چهارتا شهر اون طرفتر روهم پوشش بده. اما خوشبختانه در این کلبه خطر



چاه دهکده زمرد

و اسرائیل و با لهجه شتر گاو پلنگ گفت: «جسارت نباشه ها! من سی ساله این جا کاسبی می کنم و تا امروز هیچین چیزی به چشم ندیده بودم. همیشه از زن ها اصراره و از مردها انکار. راستش آگه زن ها نباشن ما از نون خوردن می افتیم. زن جماعت واسه این خرید می کنه که تنبون شوهرش دوتا نشه بره یه زن دیگه بگیره و گرگه کاری نداره به دردش می خوره یا نه. شما اولین خانمی هستی که شوهر دست به نقد داری اما مثل جن و بسم الله از خرید فرار می کنی. خدا کامله اما همیشه یه جای کارش می لنگه». مادر که به کسی رو نمی داد چه برسه به آستر گفت: «سایه آقامون کم نشه همه چی داریم. شمام حساب دخل و خرج خودتو می کنی و گرگه دلت به حال من نسوخته». مشد فتح الله که پخته روزگار بود و با برندگی زبون زن ها آشنایی داشت برای گزیده نشدن عقب نشست و گفت: «برمنکرش لعنت آبیچی. هرکه نقش خویشتن بیند در آب، بزرگ باران و گازر آفتاب. آدمیزاد شیرخام خورده دو قطره اشکی هم که تو شب های عزیز می ریزه حساب سود و زیان می کنه. حالا شمام کوتاه بیا، بزار این آقا یه چیزی براتون بخره. مردونگی مرد به اینه که دستش به جیبش بره. یه نونی هم به ما می رسه و امشب همه راضی می خوابیم!» حاصل زبون ریختن مشدفتح الله به شکل بسته ای زیر بغل مادر جا گرفت. پدر پرسید: «این طرف ها هتل یا مهمون خونه تر تمیز سراغ دارین؟» مشد فتح الله گفت: «بودنش که هست اما بفرمایین بنده منزل رو مزین کنین. چاکرتون یه کلبه درویشی داره که قابل دار نیست. توی همین ده بغلیه آگه از صدای خروس بدتون نیما. ما بچه ها یه هو باهم گفتیم: «خروس؟ ده؟» ما از شهر فرار کردیم اومدیم این جا که چهارتا خروس ببینیم. کور از خدا چی می خواد؟ دو چشم بینا. این جور یه بود که خواسته نخواسته راهی ده شدیم. چیزی که منتهای آرزوی ما بود. ده نگو، بهشت. یه ده واقعی. یکی می گم صدتا از دهنم می ریزه. انگار از دل کتاب های قصه بیرون اومده بود. همه چیزش درست همونی بود

زندگی واقعی یعنی ده. خوشبختی رو باید توی ده جست و جو کرد. ما شهری ها انگل ده هستیم. از دسترنج اونا می خوریم. زبونمون چهارمتره. آدم های واقعی دهاتی ها هستن. با اصالت، پاکدل، سختکوش، بی ادعا. این نظر ما بچه ها بود که دانشگاهی بودیم. پدر چندان موافق نبود. حرفش این بود که: خوب، توی ده از کجا میارین می خورین؟ پول رو فقط توی شهر می شه درآورد. مرد جایی زندگی می کنه که نون در بیاد. وقتی بهش می گفتیم که ما شهری ها مفتخوریم جوابش این بود: البته که مفتخورین! با اینکه دانشگاه میرین هنوز من نون شما رو میدم. مادر بی نظر بود. شوهر بره کاروانسرا، نونش بیاد حرمسرا. نظرش این بود که هر جا بچه هام باشن منم خوشم. شهر و ده فرق نمی کنه. این بحث تمومی نداشت درست مثل پیچ های جاده چالوس که ماشین مارو به قیقاق و خودمون رو به رقص لامبادا انداخته بود. اصلا تمام قشنگی جاده چالوس به پیچ هاشه. زیباترین جاده ایران. به جاده کناره که رسیدیم داخل یه دکان همه چیز فروشی شدیم. باوجود این که کسبه جاده های توریستی معمولاً نبریده و بی همه چیز هستن اما این یکی خوش سخن و باهمه چیز بود. مغازه اش هم مثل خودش باهمه چیز بود. اسمشو پرسیدیم. باون هیکل رشید انتظار داشتیم بگه رستم یا نریمان و یا لااقل مازیار و مزدک و مزدا. اما گفت: فتح الله! خوب اشکالی نداره. کوه و جنگل قرتی بازی ورنمیداره. پدر که سرخوش بود رو به مادر گفت: بیا یه روسری ترکمنی برات بخرم.

نه. این رنگ ها رو نمی شه تو تهران پوشید. مشکلی شو می خوام که این جا نداره. خوب یه قواره چادری یا پیرهنی وردار. چادر و پیرهن واسه چی؟ ما که جایی نمی ریم. جایی نمی ریم؟ پس این جا کجاست؟! حالا یکی از این دمپایی ها وردار. قشنگه. نه. پاشنه اش زیادی بلند. سبکه. رنگ مو نمی خواد؟

تو زندگی فقط یه گیس دارم که دلم بهش خوشه. با دست خودم خرابش کنم؟ حنا و وسمه بهتره. مشد فتح الله که بی طاقت شده بود پرید وسط جنگ اعراب



Silicon Valley TaxSavers, Inc.

دفتر خدمات اجتماعی
لیدا کوچصفهانی

کار را به کاردان بسپارید!



Not a Law Office

- ♦ دریافت حقوق و مزایای دولتی
- ♦ دریافت حقوق پرستاری
- ♦ اخذ تابعیت آمریکا (بدون امتحان) برای واجدین شرایط
- ♦ دریافت گرین کارت از طریق خانواده و ازدواج
- ♦ تنظیم فرمهای اداره مهاجرت و پناهندگی
- ♦ اخذ ویزای نامزدی
- ♦ مدیکر و مدیکل، SSI
- ♦ گرفتن وقت از سفارت آمریکا جهت ویزای توریستی
- ♦ اخذ پاسپورت سفید

(408)269-7283

lida.taxsavers@gmail.com

1777 Hamilton Ave., Suite 1100, San Jose, CA 95125

مجنون را به خانه اش برد، و لباس پوشاند و غذا داد و چون صباحی بگذشت اندک اندک چهره زردش ارغوانی شد و زیبایی و طراوت گذشته به او بازگشت.

نوفل پیامی به شیخ قبیله لیلی فرستاد که یا لیلی را به دلداده اش مجنون برسانید و یا آماده نبرد شوید. قاصد با جواب بازگشت - قبیله لیلی از دادن لیلی به ازدواج با مجنون سرباز زدند و آماده جنگ گردیدند. نوفل بر نیروهای مواضع قبیله لیلی تاخت و نبردی درگرفت و از هر سو افراد بسیاری کشته شدند. مجنون چون بدید از جان سپاری افراد قبیله لیلی پریشان گشت، دست بدعا برداشت و تقاضای صلح کرد. چیزی نمانده بود که به طرفداری افراد قبیله لیلی خودش هم داخل نبرد با نوفل و یارانش شود. نوفل که چنین دید افرادی به قبیله لیلی فرستاد و با آنان از در صلح درآمد و مجنون را شمامت نمود. مجنون زار و اندوهگین سرود:

میل دل مهریامم آنجاست
آنجا که دلست جانم آنجاست
شرط است به پیش یار مردن
زو جان ستن و زمن سپردن
چون جان خود این چنین سپارم
بر جان شما چه رحمت آرم
ابن سلام باردیگر با ثروت و حشمت بسیار به خواستگاری لیلی آمد - خواستگاری جادو سخن را با خزینه بسیار به نزد پدر لیلی فرستاد و او این بار موافقت کرد. همین که روز دیگر برآمد، پدر عروس، داماد و همراهان را نزد خود بخواند و آئین جشن و شادکامی بگسترد و به رسم عرب، عقد آن دو را بستند و حجله آراستند. چون بامدادان فرارسید داماد شادمان و نشاط مند محمل بیاراست و عروس سیه روزگار را در عمراری نشاند و با بزرگواری به خانه برد. چند روزی بر طریق آرم با او مدارا کرد و چون طرفی نیست سخت برآشت و سبلی بر چهره اش نواخت. آنسان که لیلی بینوا چون مرده ای بر خاک افتاد. دنباله مطلب در صفحه ۵۴

مجنون را ببیند و یکدم با او گوشه ای نشیند: بادی که ز نعد بر دمیدی

جز بوی وفا در او ندیدی
و ابری که از آنطرف گشادی

جز آب وفا بدو ندادی
لیلی دل و دین باخته، پیوسته چشم براه بود تا از محبوب پیامی و یا سلامی به او رسد. هر رهگذری که از کوی او می گذشت غزلی از مجنون به گوش او می رساند. او هم جوابی بر ورق می نوشت و از بام خانه فرو می انداخت تا رهگذران پیامش را به معشوق برسانند.

بودند بر این طریق سالی

قانع به خیال و چون خیالی
وقتی موسم بهار فرا رسید روزی لیلی به اتفاق عده ای از دوستانش به قصد تفریح و تفرج رو به باغ و صحرا آوردند. لیلی با حالی نزار در گوشه ای نشست و بر حال خود و فراق از معشوق می گریست. رهگذری پیامی از مجنون به او رساند و چون این خبر به مادر رسید، لیلی بینوا را در کنج حصاری در چهار دیوار خانه پنهان کرد. در بازگشت از باغ و صحرا جوانی از طایفه بنی اسد، هنرمند و بلند پایه به نام ابن سلام لیلی را در راه بدید، دل به او بست و روز بعد خواستگاری به منزل او فرستاد و از لیلی برای ازدواج خواستگاری کرد. اما پدر مهلتی خواست. ابن سلام خوشحال شد و شکیبائی پیشه کرد.

در این اثنا ماجرای تازه ای رخ داد: روزی جوان نیرومند و دلاور و جنگاوری برای شکار به آن نواحی آمد. در پی شکار داخل غاری شد و در آنجا مجنون دل شکسته را در آن حال نزار یافت و از احوالش جستجو شد صحبت به لیلی و عشق مجنون به او رسید و مجنون از اشعار سوزناک و دل نشینی که در هجران و فراق از لیلی سروده بود برای جوان دلاور زمزمه کرد. نوفل که از حال نزار او سخت آشفته شده بود به مجنون قول داد که به زر یا به زور لیلی را به او برساند. نوفل

سیر و سفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش:
مهندس پرویز نظامی



عشاق نامدار جهان (۳) لیلی و مجنون

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر
بر جمال تو چنان صورت چین حیران شد
به تماشاه زلفش دل حافظ روزی
یادگاری که در این گنبد دوار بماند
که حدیث اش همه جا در در و دیوار بماند
شد که باز آید و جاوید گرفتار بماند
بشنوید تا نام شش زوج دلدادگان نامدار دوران کهن را در یاد خود بسپارید. نام زال و رودابه را که با کشش عشق روی بهم آوردند. نام یوسف و زلیخا را که ناشناسانه از دو دیار دور دست بهم پیوستند؛ نام فرهاد و شیرین را که یکی در آتش عشق می سوخت و دیگری سربوفانی داشت؛ نام مجنون و لیلی را که جز به خاطر هم نزیستند و چیزی به جز یکدیگر از جهان ندیدند؛ و نام وامق و عذرا که روزگاری دل به مهر هم دادند و عشق ورزیدند و جز به خاطر عشق نمی زیستند. اگر کتاب عشق را بخوانید آن را شگفت انگیزترین کتاب جهان خواهید یافت؛ در آن چند صفحه کوچک کوتاه و وصف شادی و چندین دفتر بزرگ داستان غم خواهید دید؛ فصل هجرانش فصلی دراز و بحث و صالاش بحثی کوتاه است و آنجا که سخن از رنج عشق می رود گفتگو چندان است که شرح و حواشی خود از چندین مجلد فزون می گردد.

از آن طرف، لیلی زیبا و بافضیلت و تقوی
هم یک لحظه از خیال قیس دل سوخته آرام
نداشت. در پنهانی بر سر بام می رفت و نظاره
کنان از صبح تا شام، هر سویی می نگریست تا

دکتر کاملیا محمودی

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

Law Office of
Camelia Mahmoudi



طلاق، لیوینگ تراست، وصیت نامه، مالیات

Family Law:

♦ Divorce (Litigation & Mediation)

♦ Prenuptial Agreements

Estate Planning:

♦ Wills & Living Trust

Taxation:

♦ IRS & State Tax problems

دعای خانوادگی:

♦ طلاق: دعای و موافقتی

♦ قراردادهای قبل و بعد از ازدواج

انحصار وراثت:

♦ تنظیم وصیت نامه، تراست و وکالتنامه

امور مالیاتی:

♦ مشکلات مالیاتی و دفاع در مقابل IRS

Experience and results matter.

Our law firm has both.

Camelia Mahmoudi

Attorney at Law/J.D., LL.M. Taxation

(408)658-8580

camelia@camelialaw.com + www.camelialaw.com

2021 The Alameda, Suite 200. San Jose, CA 95126

سوپر مارکت زمزم

انواع لبنیات، جای، شیرینیجات ایرانی، ادویه جات، میوه جات و سبزیجات تازه فصل و کلیه مایحتاج مورد نیاز شما

گروهی مرغ و گاو طبیعی، پیوسته شور و خوش طعم و گنج حلال

♦ نان بربری ۲\$ ♦ برنج باسماطی، ۱۰ پوند \$۹.۹۹ ♦ نان تافتون ۷۵ سنت
♦ پنیر بلغار، هر پاند \$۴.۹۹ ♦ خرمای درجه یک اعلا، هر پاند \$۳.۹۹ ♦ ماهیچه گوسفند،
هر پاند \$۳.۹۹ ♦ کباب کوبیده با نان تازه \$۳.۹۹ ♦ کباب جوجه با نان تازه \$۶.۹۹

انواع سوسیس، مارتادلا و سلامی تازه

Zam Zam Halal Supermarket

(510)226-1777

40645 Fremont Blvd., Fremont, CA 94538
(Grimmer & Fremont Blvd., next to Bank of America)

منطقه فضول آباد

چه عجب!

- ◆ چه عجب آمدی تو جلسه انجمن ما موبایلت را خاموش کردی!
- ◆ چه عجب امروز با ما فارسی حرف زدی اما چهل و هشتا لغت فرنگی در آن نچپاندی!
- ◆ چه عجب امروز معلوم شد به کتاب به زبان فارسی خواندی!
- ◆ چه عجب بالاخره به پسر سلام فارسی هم یاد دادی!
- ◆ چه عجب بعد از نصف سال بالاخره به لباس دیگه پوشیدی، «هوم لس» بازی در نیاوردی.
- ◆ چه عجب توهم میان نابوری به مهمونی دادی!
- ◆ چه عجب آمدیم خانه ات جلومان چایی گذاشتی نه گفتی ما فقط «قهوه» می خوریم!
- ◆ چه عجب امروز نگفتی می فهمی چه میگم!
- ◆ چه عجب تو هم خندیدن را یاد گرفتی!
- ◆ چه عجب به بار هم دیدیم تو هم رفتی سفر!
- ◆ چه عجب بعد از سالها بابات از ایران اومده پیشتون. مامانت پس کو؟!!
- ◆ چه عجب این بار بچه هات که اومدن خووونه ما، خووونه رو کن فیکون نکردند!
- ◆ چه عجب بالاخره به بچه هات طرز غذا خوردن یاد دادی!
- ◆ چه عجب به بچه هات یاد دادی خووونه مردم پارک بچه ها نیست، اونم تو اناقا!
- ◆ چه عجب یاد گرفتی انتقاد کردن با فحش دادن فرق می کنه!
- ◆ چه عجب امروز ناله نکردی!
- ◆ چه عجب مجله هم می خونی!
- ◆ چه عجب این بار فکر نکردی که فقط تو همه چی رو میدونی و بقیه از شوت آباد آمده اند!

خودکم بینی فرهنگی همراه شده بود. بند بوده. پیروان آن معتقدند که نویسنده و شاعر باید بودن ملاحظه قیود اخلاقی و ابستکی ذهنی یا تعصب یا مراعات قواعد ادبی و هنری و کلا آنچه را که به مغز و فکرش خطور می کند بروی کاغذ بیاورد. دنیاله مطلب در صفحه ۰۴

مشقی تازه
در روزهای غربت

حسینعلی مکرندی

فریمان - کالیفرنیا

e-mail: ha@makvandi.com



نوع بشر است. قومی که سومری خوانده می شود از قدیم ترین زمان، در مصب رودهای دجله و فرات یعنی فاصله میان بابل قدیم و خلیج فارس مستقر شده بود. این مردمان از حیث نژاد با هیچ یک از ملت های همسایه خود شباهت نداشتند و تمدن و فرهنگشان که کهن تر از همه فرهنگ های آسیای غربی است شاید در همان مسکن ایجاد شده و پرورش یافته بودند ولی از روی بعضی قرائن این گمان می رود که نخست از مشرق به آن سرزمین آمده باشند. خط میخی از اختراعات سومریان است. تکامل این خط را در طی قرن ها از روی آثار بازمانده ایشان می توان دریافت.

چند سطر را با هزار و یک غلط خواندم دکتر عباس میلانی استاد دانشگاه و مورخ و محقق می نویسد: ده ساله بودم که روزی دکتر سیدفخرالدین شادمان به دیدن مادرم آمد. او به «دایی دکتر» شهرت داشت. زمستان بود، «دایی دکتر» و مادرم در اطاقی، گرد بخاری نشسته بودند و گپ می زدند. گهگاه از لایلای پرده نظاره شان می کردم. ناگهان مادرم به صدایی بلند مرا به اطاق فراخواند. با ترس و نگرانی وارد شدم. آنچنان که رسم آن روزگار بود دست «دایی دکتر» را بوسیدم، تفقدی کرد. از وضع مدرسه ام پرسید. آن روزها دانش آموز مدرسه ای کوچک بنام مادام ماریکا بودم. درس هایمان همه به زبان فرانسه بود. روزی یک ساعت هم فارسی می خواندیم. خواست که گلستان سعدی را نزدش بیاورم. کتاب را جستم و آوردم. دیباچه را گشود و گفت بخوان. چند سطر از کتاب را با هزار و یک غلط خواندم. عرق شرم از چهار ستون بدنم سرازیر شده بود. با لحن پر محبتی تسکین داد و در عین حال به مادرم متذکر شد که عیب است فرزند یک خانواده ایرانی زبان فرانسه را بهتر از فارسی بدانند. بیست سالی طول کشید تا سرانجام دریافتم که در تجربه آن روز، درواقع عصاره اندیشه های سیدفخرالدین شادمان را سراغ میتوان گرفت. می گفت برخی از ما مفتون فرنگ شده ایم و ریشه های فرهنگی خویش را واگذاشته ایم. معتقد بود که تجدد با بی بتگی عجین نیست، برعکس تجدد واقعی را با خودشناسی اصیل همراه می دانست. در فرنگ تجدد و غرور ملی همزاد یکدیگر بودند. در ایران، انگار، آغاز تجدد با نوعی

شعر من اهل ولایت است
شعر من در کوچه های شهر زود گم می شود
شعر من وزن و قافیه و دنگ و فنگ نمی داند
می ترسد به انجمن های ادبی برود
به قصیده سراها سلام نمی کند و از مدیحه سراها خوشش نمی آید.
اسم حافظ که بیاید از جا بلند می شود
شعر من مثل کودک همسایه است
زمین می خورد
گریه می کند
بلند می شود
زود می خندد
شعر من می گویند هوشیار است
می داند کودک، کودک نمی ماند
و شعر من

فریمان آوریل ۲۰۰۵

لیلی گلستان از احمد مامود می گوید
احمد محمود را چندبار در کتاب فروشی ام دیدم و مجذوب سادگی و شخصیت محکم اش شدم. نوشته هایش را هم که همیشه دوست داشتم. فضا را آنقدر خوب در می آورد که انگار ما همان جا هستیم. همه چیز برایمان ملموس می شود. من آنقدر از کتاب «داستان یک شهر» او خوشم آمد که رفتم بندر لنگه از نزدیک دیدم استاد انتقال تنش ها، التهاب ها و حس ها به خواننده است. وقتی سه جلدی «مدار صفر درجه» او را خواندم حس کردم دلم می خواهد با او گفت و گو کنم. نمی دانستم او هرگز با کسی گفت و گو نکرد. وقتی پیشنهادم را گفتم خیلی صریح گفت این کار را دوست ندارم. من هم اصرار نکردم چون صراحتش بی اندازه بود، فقط گفتم من دوست دارم این کار را بکنم و شما بیشتر درباره این پیشنهاد فکر کنید... چند ماه بعد خودش زنگ زد و اعلام آمادگی کرد. من از خوشحالی پر در آوردم.
اما باید کتاب سه جلدی را از نو می خواندم و همین کار را کردم. هرگز آن روزهایی که به خانه او می رفتم و تا ظهر حرف می زیم را از یاد نمی برم. آخرین باری که او را دیدم روی تخت بیمارستان بود و هزار لوله به او وصل کرده بودند. دستش را بوسیدم. دستش از اشک هایم خیس شد. در اغمای کامل بود و دو روز بعد از دنیا رفت.

زبان سومری

زبان سومری، کهن ترین زبان نوشته شده

آرایش دائمی صورت توسط مینو پارسا



Mino Parsa/Beautician

با تکنیک منحصر به فرد در این مرکز، زیبایی طبیعی خود را نمایان کنید.

طراحی دائمی ابرو و هاشور زدن، خط لب، خط چشم، متناسب با چهره، کشیدگی پوست (lifting) از طریق ماسک و لایه برداری کامل پوست، بدون عوارض جانبی، با استفاده از مواد درجه یک و استریل در محیطی کاملا آرام و بهداشتی

*Permanent Makeup Specialist

*Non-Surgical Facelift *Phytic Skin Peeling



Take your pick from our affordable selection of treatments & Skin Care products, & we will take care of the rest.

Step into our discreet, relaxed clinics & you will feel instantly reassured that you have made the right choice.

Clinics in South, East & North Bay

(415) 370-3974

خاک می خوریم اما خاک نمی دهیم!



مارو به این روز انداخته...

اما... مادر کودک اومد طرفش و بچش رو بغل کرد و گفت:

(عیبی نداره فرزندم... خاک میخوریم اما خاک نمیدهیم...)

اونجا بود که اشکم در اومد...

هست و می آیند و می مانند و به جمع ما افسردگان افزوده می شوند. حکومت تهران اشتباه دوران شاه را تکرار نمی کند. در فکر جذب و جلب نیروهای مخالف در خارج از کشور نیست. برای مخالفان قسم خورده که ظاهراً پشیمان شده اند، از تهران فرمان مدیر کلی و وزارت نمی فرستد. اصلاً نیازی به جلب و جذب این مخالفان که در روزی دورتر احتمالاً سر برخواهد داشت، ندارد.

برای آنها اصلاً مهم نیست که این آقا استاد تمام وقت فلان دانشگاه است یا محقق برجسته فلان انستیتو. برای آنها افرادی که ادعای بیش از تصور داشته باشند البته در پناه معلومات و یا تخصص خود، پا از دایره مجاز بیرون بگذارند حکم هیچ را ندارند. مثل صفری هستند که بدون عدد معنایی ندارند. اصطلاحی درست کرده اند که شما حتماً شنیده اید. «خودی» و «غیر خودی». این اصطلاح در معنای این که کسی به قانون اساسی یا ولایت فقیه پای بند است نیست. آنها از خودی و غیر خودی کسی را اراده می کنند که سیستم را قبول کرده است یا نکرده است. جای اما و چرا هم باقی نمی گذارند.

رژیم در طول این سالها آدمهای خود را تربیت کرده و سر کار گذاشته است. شما را به شرطی می پذیرد که برابر استانداردهای او باشید و مهمتر از همه در سن و سالی باشید که بتواند از نیروی شما استفاده کند. من معتقدم که نسل شما و من و دو نسل بعد از ما بهتر است به فضایی که در آن زندگی می کنیم عادت کنیم و با ادعای مبارزه، بر افسردگی ملی نیفزائیم.

ستارخان، سردار مقاومت آذربایجان و جنبش مشروطیت، در جایی نوشته است: «من هیچ وقت گریه نمیکنم چون اگر اشک میریختم آذربایجان شکست میخورد و اگر آذربایجان شکست بخورد ایران زمین میخورد... اما تو مشروطه دو بار اون هم تو یه روز اشک ریختم.

حدود ۹ ماه بود که تحت فشار بودیم... بدون غذا... بدون لباس... از قرار گاه اومدم بیرون... چشمم به یک زن افتاد با یه بچه تو بغلش... دیدم که بچه از بغل مادرش اومد پایین و چهار دست پا رفت به طرف بوته علف...

علف رو از ریشه درآورد و از شدت گرسنگی شروع کرد خاک ریشه ها رو خوردن...

با خودم گفتم الان مادر اون بچه به من فحش میده و میگه لعنت به ستارخان که

حکومت، یک حد اقل سنی بین پنجاه تا پنجاه و پنج دارد.

به عبارت دیگر کسانی که حزب و کنگره و جلسه تشکیل می دهند گروهی هستند که از جهت فعالیت عملی در فصل بازنشستگی بسر می برند و چون خود به این حقیقت دست یافته اند «افسردگی ملی» خود را پنهان می دارند و می خواهند نشان بدهند که در خط اول مبارزه هستند. به شما برنخورد. من خود در حدود سن و سال شما هستم و همکارانم و همه کسانی که بظاهر مبارزه می کنند. این گروه مادام که از حمایت یک نسل بالنده و مبارز برخوردار نباشد جز سخنرانیهای پر طمطراق کار دیگری نمی تواند کرد.

در داخل ایران نسلی بالیده و بالا آمده است که با معیارهای ما قابل شناسایی نیست. این نسل دچار بیماری بی اعتباری خود است و بنابراین با طرح حمله به جلو، تمام کسانی را که سد راهش می شوند کنار می زند. احتیاج به بهبود وضع آنها را وادار می کند که ناگزیر در یکی از جریانهای داخل مملکت قرار بگیرند و این در حالی است که جریانهای داخل از سوی گروههایی رهبری می شود که در نهایت با اصل حکومت مخالفتی ندارند و فقط اختلاف بر سر نحوه برخورداری از مواهب قدرت است.

افسردگی ملی در نزد ساکنان خارج هنگامی به اوج می رسد که کارگزارانی از داخل به خارج می آیند و مدعی طرز تفکری تازه اند. اینها بعد از مدتی یا دستشان باز می شود و معلوم می شود که فرستاده مخصوص هستند یا حقیقتی در وجودشان

یادداشتهای بی تاریخ

صدرالدین الهی



افسردگی ملی

این خلاصه نامه یکی از خواننده های مطالب یادداشتهای بی تاریخ می باشد که برای من فرستاده است و خلاصه آن با حفظ نکات اصلی با عنوان "پیش بسوی افسردگی ملی" در اینجا چاپ می شود.

تکراری گروهی بود که با دو واقعیت بیگانه اند.

اول - بعد از قریب سی و پنج سال قبول نکرده اند که چیزی عوض شده است. در ایران حکومتی دیگر بر سر کار است که قواعد بازی خود را دارد و در صحنه مراجعات و معاملات بین المللی به زبانی حرف می زند که تا کنون سابقه نداشته است.

دوم - باز هم بعد از سی و پنج سال نتوانسته اند باور کنند که انسجام لازم برای تشکیل یک نیروی مخالف در خارج از کشور وجود ندارد و این دسته ها با اصطلاح قدیمی زمان شاه، گروهکهایی بیش نیستند که هر لحظه بیم از هم پاشیدنشان می رود.

افسردگی ملی که عرض کردم از همین جا شروع می شود. گروه مهاجر افسرده است برای این که نمی تواند موجودیت خود را به عنوان نیروی مخالف کارآمد به جهانیان عرضه دارد. تفاوت بزرگی میان مخالفان امروز حکومت و مخالفان دوران شاه وجود دارد. در آن روزگار متوسط سنی مخالفان رژیم شاه حد اکثر سی سال بود. یعنی نیرویی کارآمد، اهل عمل و مبارزه؛ و امروز نیروی مخالف

آقای الهی گرامی، مطمئن هستم که شما که با کتاب و کاغذ فرانسوی سر و کار داشته و دارید کتاب مشهوری را که خانم ژولیا کریستورا روانشناس و دانشمند برجسته بلغار مقیم فرانسه در سالهای پیش نوشته است، خوانده اید. منظوم کنار «افسردگی ملی» یا Depression National است.

این خانم در آن کتاب به حال و روز ملی پرداخته است که به یکی از دلایل قابل توجه از قبیل انقلاب، ورشکستگی اقتصادی، انحطاط اخلاقی، به ورطه افسردگی ملی در می افتند.

چند شب پیش من بعد از خواندن دو اعلامیه که از طرف دو گروه سیاسی خارج از کشور به دستم رسیده بود بدون تعارف دچار این افسردگی ملی شدم زیرا دیدم که نویسندگان این اعلامیه ها خود دچار این بیماری هستند.

در هر دو اعلامیه کلمات و عبارات قلمبه به حدی بود که واقعاً معنا کردن آن برایم مشکل می نمود و در عین حال می دیدم که هدف نویسندگان فقط این بوده است که خود را از ورطه چکنم به کمک عبارات مغلق و ظاهراً متفکرانه بیرون بکشند. راهیابی های هر دو اعلامیه حرفهای

لادن الهی

مشاور آگاه و با تجربه

در خرید و فروش املاک مسکونی و تجاری

My mission is to provide an excellent service & to exceed all your expectations!



فرید منزل می تواند بزرگترین سرمایه گذاری در طول زندگی شما باشد. با من در اجرای این امر مهم مشورت کنید!

Ladan Elahi, Broker Associate, CDPE, GRI BRE # 01866376

Cell: (925)336-0227 ♦ ladan@ladanhomes.us

760 Camino Ramon #200, Danville, Ca 94526



سوپر مارکت اطمینان



عرضه محصولات گوشتی در سوپرمارکت اطمینان:
کله، پاچه، زبان، گوشت و مرغ با ذبح حلال، ماهی سفید و ماهی دودی



عرضه کننده مجموعه ای از لوازم خانگی، آشپزخانه، کادویی، قلیان و انواع تنباکو

5754 Santa Teresa Blvd. San Jose, CA 95123
(408) 226-5992

از در گوشه‌ها به قلم؛ پیرایه

در چارچوب زن و شوهر و بچه قرار گیرد رسم نامعقول بیکی و تنهایی آینده را هدیه می کند. در عین حال چه توان گفت که ما نسل دور انداخته قدیم اواخر عمر در چاه ویلی سرنگون افتادیم که هیچگونه مشابهنی با عالم روشن و مهر پرور زمان ما ندارد. دو سه نسل زیر یک سقف پیران و بزرگسالان صدر مجلس و تمام خانواده بزرگ و کوچک پیرامون عزیزان سالمند و چقدر مایه تاسف که ما اینجا نه همانیم که بودیم و باور داشتیم و می پسندیم. مثلا ایرانی هستیم ولی با عقاید افراطی آمریکائی پیرانمان اسیر کنج خانه های سالمندان، فرزندانمان مقید راهکارهای آنها و نوادگان ما آمریکائی دو آتسه فراری از خانه و خانواده و بزرگترها.

سستی احساس امنیت، پشتوانه و تکیه گاه مادی و معنوی می بخشید. گمان ندارم در روزگاری که فامیل در سه یا چهار آدمیزاده ناچور شکل می گیرد خانواده مفهوم قدیم را القا نماید. در دوران صدق و صفای دیرین پدر و مادر بزرگ کلید معمای خانواده، عقل کل و واسطه مهر و آشتی طبعاً جایگاه محترم و معتبری را دارا می بودند و اینجا با وجود حقوق قانونی مسلم در قبال نوه نتیجه پدر و مادر بزرگ تقریباً مطرود و اکثرا مقیم خانه سالمندان، زیرا پدر مادرهای امروز خوش ندارند فرزندانشان با طرز تفکر واپسگرایی آدمهای قدیمی بار بیایند و از فضای نوگرایی پیشرو و دنیای روشنفکران آزاده و رها از قید و بند گذشتگان جدا شوند، ناچار تماس پدر و مادر بزرگ های این دیار معمولاً محدود و حتما در محضر یکی از والدین. مبادا بر و بچه ها خدای ناکرده احمق و گمراه از درک تجدد و واقعیت آزادی همه جانبه نوآوران دور افتند. در ملک ما تا بوده پیر معنای تدبیر داشته، اینجا پیر مفهوم تقصیر دارد. همانطور که برای ما جوانی مترادف تحصیل است و برای آنها تفریح. بنابراین وقتی خانواده، فامیل، خویشاوند

گذشته ها گذشت و رفت و برای ما از هر دو جهان آوارگان خاطره ای شد محو و دور. در عین حال بازهم یادی می کنیم و افسوس می خوریم، می پرسیم، چون و چرا می کنیم و می دانیم گفتگو از آن دوران نعمت و برکت و مقایسه ها بانابسمانی های این دوره را گوشه بدهکار نیست. می گوئیم و می گذریم تا شاید لحظه ها را در یادگارها از غم غربت رها نمائیم. ما بودیم و خانواده که مرکز ثقل و مبداء موجودیت و هویت فرد فرد ما اهل خانه و خانمان بشمار می رفت، اما خانواده در پدر و مادر و دو سه فرزند خلاصه نمیشد. از ایران امروز در زمینه بافت همبستگی قوم و قبیله بی خبرم. شاید آنجا هم در پیروی از روشنفکری و آزادی و وارداتی آمریکای بلبشو تغییر پسند و مسلک یافته باشد. نمی دانم توجه کرده اید اینجا خانواده یعنی مردی و زنی و یکی در بغل و یکی در شکم و چه بسا دو مرد بعنوان زن و شوهر و حتما کودکی در آغوش،

دنباله مطلب در صفحه ۵۵

کاوه میر شفیعی

Attorney at Law

وکیل رسمی دادگاههای کالیفرنیا و فدرال
با دانش و تجربه در امور ورشکستگی،
امور خانواده و امور تجاری و بازرگانی



Kaveh Mirshafiei, Esq.

مشاوره اولیه رایگان

♦ کلیه امور ورشکستگی ♦ کلیه امور خانوادگی

♦ کلیه امور تجاری، بازرگانی، و ثبت شرکت ها

♦ Business Law

♦ Bankruptcy ♦ Family Law

I am committed to providing you with excellent legal service within a culture that encourages innovative problem-solving!

To schedule your free consultation, please call:

(408)663-6286

www.headwaylegal.com

4701 Patrick Henry Dr., Bldg. 6, Santa Clara, CA 95054



مشاور مالی و مالیاتی

Accounting, Auditing & Tax Services

سرویس مطمئن - قیمت مناسب - توجه کامل به نیازهای شما



خدمات دفترداری

مشاوره و برنامه ریزی مالی و مالیاتی

رسیدگی و جوابگویی در حل اختلافات با مراجع مالیاتی

تهیه و تنظیم اظهار نامه های مالیاتی (شخصی و شرکت ها)

Tax Planning

Tax Return Preparation

Business Bookkeeping

Tax Problem Resolution



Responsive to Your Needs

Reliable Service Reasonable Rates

www.mytaxmd.com

Tel: (408)236-2444 Fax: (408)236-2484

3550 Stevens Creek Blvd., Suite 330 San Jose, CA 95117

فیلم کوتاه فیلمساز جوان ایرانی نامزد جایزه اسکار شد



فیلم کوتاه «پروانه» ساخته تلخون حمزوی، در میان ده فیلم منتخب فهرست اولیه جایزه اسکار ۲۰۱۵ قرار گرفت. تلخون حمزوی فیلمساز ایرانی مقیم سوئیس است که فیلم کوتاهش را به زبان آلمانی تهیه کرده و از طرف کشور محل اقامتش به اسکار فرستاده است. خانم حمزوی در سال ۱۹۷۹ در تهران متولد شده و در ۷ سالگی به سوئیس مهاجرت کرده است. او که دارای مدرک فوق لیسانس فیلمسازی از دانشگاه هنر زوریخ است، با فیلم کوتاه «پروانه» پیش از این در چند جشنواره خارجی دیگر نیز شرکت کرده است. کسب جایزه اسکار دانشجویی بهترین فیلم کوتاه خارجی در سال ۲۰۱۳ در شهر لس آنجلس، از جمله موفقیت‌های این کارگردان به‌شمار می‌رود. فیلم کوتاه ۲۵ دقیقه‌ای «پروانه» درباره دختری افغان است که به اردوگاه پناهندگان

بربادرفته ۱۹۳۹، بن هور ۱۹۵۹، گراند هتل ۱۹۳۲، بد و زیبا ۱۹۵۲، داستان فیلاولفیا ۱۹۴۰، شمال از شمال غربی ۱۹۵۹، شورش در کشتی بوتنی ۱۹۳۵، ژنی ژنی ۱۹۵۸، گربه ای روی شیشه‌ای داغ ۱۹۵۸، دکتر ژیاگو ۱۹۶۵، چگونه غرب تفسیر شد ۱۹۶۲، دفتری با فالتکوبی اژدها ۲۰۱۲...

از معروفترین هنرپیشگانی که برای این کمپانی کار کردند می‌توان به این نامها اشاره کرد: جین کلی، جودی گارلند، کلارک گیبل، جانی ویس مولر (سری تارزان)، دیک پاول و میرنالوی (سری مرد باریک)، جیمز استوارت، کری گرانت، کاترین هیپورن، اسپنسر ترسی، الیزابت تیلور، چارلتون هستون...

از معروفترین هنرپیشگانی که برای این کمپانی کار کردند می‌توان به این نامها اشاره کرد: جین کلی، جودی گارلند، کلارک گیبل، جانی ویس مولر (سری تارزان)، دیک پاول و میرنالوی (سری مرد باریک)، جیمز استوارت، کری گرانت، کاترین هیپورن، اسپنسر ترسی، الیزابت تیلور، چارلتون هستون...

از معروفترین هنرپیشگانی که برای این کمپانی کار کردند می‌توان به این نامها اشاره کرد: جین کلی، جودی گارلند، کلارک گیبل، جانی ویس مولر (سری تارزان)، دیک پاول و میرنالوی (سری مرد باریک)، جیمز استوارت، کری گرانت، کاترین هیپورن، اسپنسر ترسی، الیزابت تیلور، چارلتون هستون...



جاده‌گر از ۱۹۳۹، در شهر ۱۹۴۷، آوای در باران ۵۳، مرا در سن لوئی ملاقات کن ۱۹۴۴، زیگفید بزرگ ۱۹۳۹، هفت عروس برای هفت برادر ۱۹۵۴، یک آمریکایی در پاریس ۱۹۵۱...

از معروفترین هنرپیشگانی که برای این کمپانی کار کردند می‌توان به این نامها اشاره کرد: جین کلی، جودی گارلند، کلارک گیبل، جانی ویس مولر (سری تارزان)، دیک پاول و میرنالوی (سری مرد باریک)، جیمز استوارت، کری گرانت، کاترین هیپورن، اسپنسر ترسی، الیزابت تیلور، چارلتون هستون...

از دیگر فیلمهای به یاد ماندنی این کمپانی می‌توان به این فیلمها اشاره کرد: الیزابت تیلور، چارلتون هستون...

کمپانی مترو گلدوین مایر از بزرگترین و مشهورترین کمپانیهای فیلمسازی هالیوود به حساب می‌آید که در سال ۱۹۲۴ توسط سامویل گلدوین، مارکوس لو و لوئیس بی مه یر بنا گذاشته شد. در دهه های



۱۹۵۰، ۱۹۴۰، ۱۹۳۰ با ساخت معروفترین فیلمهای موزیکال در تاریخ سینما جاودانه شده فیلمهایی مانند:

KHOBSURAT
THREADING SALON

سالن آرایش و زیبایی خوب صورت

Full Service Salon
30 years of Experience. Serving Bay Area

\$10 EYEBROW THREADING

بند ابرو ۱۰ دلار

♦ بند ابرو و صورت ♦ واکس ♦ آرایش عروس ♦ آرایش ♦ رنگ مو و های لایت ♦ حنا ♦ کوتاه کردن مو ♦ فیشال



♦ Threading ♦ Waxing ♦ Bridal ♦ Makeover ♦ Full Hair Service ♦ Facials ♦ Hair Color ♦ Henna...and much more!

All our facials are herbal & chemical FREE

www.khoobsuratsalon.com

(408)588-1215

Serving in Two Locations

(408)774-1214

3956 Rivermark Plaza
Santa Clara, CA 95054

Now Hiring

1014 East El Camino Real
Sunnyvale, CA 94087

Tues-Sat: 10am-8pm Sun. 10am-6pm
Closed Mondays

Threaders, Cosmetologist,
Estheticians, Full Time &
Part Time Receptionist

Mon- Sun: 11:am to 8:pm
Closed Mondays

آبی و صورت سرخ و سفید خان عمو را خورده بود.

یک روز؛ یک آقایی از تهران آمده بود خانه خان عموی مان. اسمش بود داش اسمال. از آن داش مشدی های بزین بهادر تهران بود. طوری حرف میزد که ما تا آنروز نشنیده بودیم. داش اسمال؛ برادر مامان اسدالله بود. یک شب پای سفره شام؛ زن عموی مان - مامان اسدالله - داشت از سفرش به قم تعریف میکرد. اینکه رفته است زیارت حضرت معصومه و یک شکم سیر گریه کرده است!

بعدش برایمان تعریف کرد که آیت الله بروجدی را دیده است که چه آدم بزرگی بوده است.

داش اسمال در آمد که: خیلی بزرگ بود؟؟ مامان اسدالله با سادگی گفت: آره داداش؛ واقعا بزرگ بود. داش اسمال گفت: یعنی از شتر بزرگتر بود؟؟ همه لب هاشان را گاز گرفتند اما من نمیدانم چرا از این حرف داش اسمال خیلی خوشم آمد.

یکسال تابستان قرار شد من و برادرم برویم توی یکی از مزارع خان عمو و یکی دو هفته ای آنجا بمانیم. تازه مدرسه ها تعطیل شده بود.

مزرعه خان عمو؛ حوالی سیاهکل بود. محله ای بنام تجن کوک. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

میدید؛ دستی به سر و گوش مان میکشید و راهش را می کشید و میرفت.

خان عمو؛ با بابای ما هم میانه خوبی نداشت؛ رابطه شان انگار شکر آب بود چونکه یادم نمیآید که هیچوقت بخانه مان قدم گذاشته باشد.

خان عمو چهار تا زن داشت. زن اول خان عمو براستی یک فرشته بود. چشمان آبی و موهای طلایی داشت؛ اما آنقدر از دست خان عموم عذاب کشیده بود که روی صورتش هزار تا چین و چروک بود. در چهل سالگی هفتاد ساله بنظر میرسید.

هر وقت که از دست خان عمو بجان میآمد؛ چادرش را سرش میکرد و میآمد خانه ما. سه چهار روزی خانه ما میماند بعد دوباره راهش را میکشید و میرفت. خیلی کم حرف و مهربان بود. شاید بخاطر همین مهربانی اش بود که خان عمو سه تا "هو" سرش آورده بود!! همیشه یک مشت هله هوله و شکلات و آب نبات قندی توی چارقدش پیچیده بود و آنها را بمان میداد. یک فرشته واقعی بود. اسمش یادم نمانده است؛ اما ما صدش میکردیم مامان اسدالله.

مامان اسدالله از یک خانواده ریشه دار و اصیل گیلان بود. اما نمیدانم چطور شده بود از خانه خان عموی مان سر در آورده بود. بگمانم گول بازوان ستبر و چشمان



مان میکرد؛ یا از یکی بدمان میآمد؛ به علیرضا می گفتیم. فردایش؛ علیرضا بهانه ای گیر میآورد و دک و پوز یارو را خونین مالین میکرد. مشتی آقایی؛ توی لاهیجان باغات چای و مزارع برنجکاری داشت. وضع مالی اش روبراه بود؛ توی هر مزرعه ای خانه ای ساخته بود و به یکی از زنهایش داده بود. خان عمو؛ آدم عجیب و غریبی بود. با هیچکسی رفت و آمد نمیکرد. اهل رفیق بازی و اینحرفها نبود. به مسجد و میخانه هم نمیرفت.

تابستانها میآمد توی محله و روی تالار خانه اش می نشست و مثل اعلیحضرت همایونی فرمانروایی میکرد. پیراهن رکاکی سفیدی بتن میکرد و به دو سه تا متکا تکیه میداد و با صدای بلند امر و نهی میکرد. آنقدر بچه دور و برش بود که دیگر حال و حوصله ما را نداشت. شاید هم اسم ما را نمیدانست. بگمانم اسم بچه های خودش را هم نمی دانست. گاهی که ما را توی کوچه

فان عمو...

خان عمو مان؛ چهار تا زن داشت!! اسمش بود مشتی آقایی.

هیچوقت نفهمیدم اسم واقعی اش چیست؛ نمیدانم چرا بهش مشتی آقایی میگفتند. بخاطر مشتی بودنش بود یا بخاطر مشهد رفتنش؟ نمیدانم.

خان عمو؛ قیافه اش بیشتر به روس ها شباهت داشت. چشمان آبی. قد بلند. پوست سرخ و سفید؛ بازوان ستبر؛ و صدایی که رنگ و بوی فرماندهی داشت.

خان عمو مان؛ چهار تا زن داشت. بگمانم سی چهل تا هم بچه داشت. من اسم بسیاری از بچه هایش را نمی دانستم و خیلی هاشان را هم نمی شناختم. فقط یکی شان همکلاسی ام بود که انگار سببی بود که از وسط نصف کرده باشند. رونوشته برابر اصل مشتی آقایی بود. اسمش بود علیرضا.

هر وقت توی مدرسه؛ یکی انگولک

تالار با شکوه رویال پالاس

Royal Palace Banquet Hall & Event Center

با خوشمزه ترین غذاهای ایرانی و با کیفیتی عالی زیر نظر سر آشپز ماهر ایرانی



Cuisine:
Afghan/Persian
Middle Eastern

Occupancy:
From 50 to 1200 people
With 3 large Banquet Halls

رویال پالاس دارای سالن های با شکوه و مجلل و با مدرن ترین امکانات و تجهیزات برای برگزاری جشن ها، مراسم های عروسی، سمینارها، و همایش های بین المللی می باشد. مجموعه تالارهای پذیرایی رویال پالاس با حضور کارشناسان برگزاری مراسم و همچنین کارشناس ارشد غذایی، برای نظارت کامل بر کیفیت خدمات و مواد غذایی، دارای بالاترین درجه کیفی در برگزاری مراسم های شما مهمان های گرامی می باشد!

(510)258-4637 www.RoyalPBH.com

Book Your Event Today & Get up to \$1000 OFF. Exp. 12/31/15

6064 Stevenson Blvd., Fremont, CA 94538

خصوصی بودن مدارک را رد کرد و تصمیم خود را به این ترتیب توجیه کرد: با اینکه مدارک پزشکی اشخاص معمولاً محرمانه و خصوصی هستند ولی این حق مطلق نیست و در طبق شرایط خاصی ممکن است مدارک کیفیت خصوصی خود را از دست بدهند. در این مورد خاص، دادگاه حق فرزند و این که چه مسائلی به نفع فرزند است را در نظر گرفت و نفع فرزند را با ارزش تر از حق پدر (که حق خصوصی و محرمانه ماندن مدارکش بود) تشخیص داد. در نتیجه دادگاه دستور داد که دکتر پدر، مدارک پزشکی پدر را برای ارزیابی شدت بیماری او ارائه دهد. ادعای مادر این بود که وقتی پدر دچار سرع می شود، موقتاً کنترل سر، گردن، یک دست و توانایی صحبت کردن را از دست می دهد و در دوران ازدواج به دفعات هنگام رانندگی و زمانی که فرزند هم در ماشین بوده این اتفاق افتاده بوده است. به این دلیل دادگاه به منظور صدور بهترین حکم برای سرپرستی فرزند به نفع فرزند در مقابل حقوق خصوصی ماندن مدارک پدر ارجحیت داد و دستور داد که مدارک برای ارزیابی، ارائه داده شود.

با دارو قابل کنترل است. مادر از طریق احضاریه دادگاهی خواستار این شد که پدر پرونده مدارک پزشکی اش را توسط دکترش به دادگاه ارائه دهد و اظهار کرد که این مدارک برای اثبات بیماری سرع پدر در دادگاه لازم است. پدر اعتراض خود را به حکم احضاریه مادر رسماً با دادگاه ثبت کرد و ادعا کرد که این مدارک چون خصوصی و محرمانه هستند دارای مصونیت حقوقی دکتر - بیمار می باشد و در نتیجه باید به صورت محرمانه باقی بمانند. دادگاه با تقاضای پدر موافقت کرد و حکمی صادر کرد که مدارک پرونده پزشکی پدر باید به صورت محرمانه باقی بمانند. مادر دوباره به دادگاه

مراجعه کرد و عرضحال اعتراض خود را مبنی بر لغو حکم محرمانه ماندن مدارک ارائه داد. بعد از بررسی اعتراض مادر، دادگاه حکم جدیدی صادر کرد که براساس آن ادعای پدر را مبنی بر محرمانه



آیا در مراحل طلاق، پرونده پزشکی پدر و مادر همیشه محرمانه باقی می ماند؟

کاملیا ممدودی، وکیل رسمی
دادگاه های کالیفرنیا و فدرال
camelia@cameliaw.com

«مادر» و «پدر» خطاب می کنیم. مادر برای اینکه سرپرستی فرزند را خودش قانوناً برعهده بگیرد، اظهار کرده



بود که پدر مبتلا به بیماری سرع می باشد و این بیماری تاثیر مستقیم در توانایی پدر برای نگهداری از فرزند می گذارد. پدر ادعای مادر را رد کرده بود و مدعی شد فقط دچار یک «تیک» عصبی است که

بعضی از قوانین دادگاه خانواده براساس مواردی که در دادگاه تصمیم گیری می شوند وجود می آیند. به دلیل اینکه هر مورد طلاق با دیگری متفاوت است و هر کدام از عناصر مختلفی تشکیل می شوند ممکن است قانونی که در یک مورد دادگاهی تصمیم گیری شده به مورد دیگر که مشابه آن است اعمال نشود. در یکی از موارد طلاق که در دادگاه تحت بررسی قرار گرفت، موضوع محرمانه بودن و محرمانه ماندن پرونده پزشکی یک همسر مطرح شد. در این پرونده طلاق، زن و شوهری که در مورد گرفتن حق سرپرستی فرزندشان به توافق نمی رسیدند، به دادگاه مراجعه کردند و درگیر جنگ و دعوا بر سر مبادله اطلاعات و شخصی و مالی شدند. برای اینکه موضوع در مورد گرفتن سرپرستی فرزند است، «زن» و «شوهر» را



رستوران بیژن
New Years Eve @
Bijan Bar & Restaurant
شبی فراموش نشدنی در رستوران بیژن
همراه با شام کامل، رقص عربی و دی جی
New Years Eve Package: Three Course Dinner
International DJ & Belly Dancer
Seating starts from 7:30 Open Until 1:00am
Reservation Required
(510)440-1755
لطفاً جای خود را از قبل رزرو فرمایید!
www.bijanresturant.net
39935 Mission Blvd., Fremont, CA 94539

وارد عمل شده و کار خود را از طریق شاخه سمپاتیک خود شروع کرده و بدن را برای مقابله با استرس آماده می کند بطوریکه بدن با یک پدیده مقابله یا فرار (Fight / Flight) به عامل محرک پاسخ می دهد که در این حالت هورمون آدرنالین یا هورمون ترس ترشح می شود. این هورمون خون پر از اکسیژن را از اعضاء دیگر نظیر سیستم گوارش به اعضایی نظیر مغز و دست و پا می رساند که بدن بتواند در این حالت سریعاً تصمیم گیری کرده و با مشکل مقابله کند.

از طرف دیگر شاخه پاراسمپاتیک سیستم عصبی خودکار، بدن را آماده می کند که پاسخ به استرس را کاهش داده و بدن را به یک حالت آرامش برگرداند.

بدن انسان هنگام اضطراب واکنش های زیر را از خود نشان می دهد

- ۱- بالا رفتن ضربان قلب
- ۲- سخت شدن و سنگینی سینه
- ۳- عرق کردن
- ۴- خشک شدن دهان
- ۵- تنگی نفس
- ۶- بی حسی و احساس بیهوش شدن
- ۷- مشکل در حرف زدن
- ۸- از دست دادن کنترل
- ۹- وحشت مرگ دنباله مطلب در صفحه ۵۵

آمریکا تحقیقات بسیار زیادی در تشخیص و درمان اضطراب کوتاه مدت و طولانی مدت انجام داده است و موسسات علمی که در این مورد تحقیق می کنند را از نظر مالی پشتیبانی می کند.

اضطراب یا Anxiety یک بیماری بسیار پیچیده است که مجموعه ای از عوامل ژنتیکی، رفتاری، تکامل و روانی در آن اثر داشته و دارای انواع گوناگون و متفاوت از یکدیگر می باشد.

وحشت ناگهانی (Panic Attack)، اضطراب و افسردگی همزمان، اضطراب ناشی از رفتار اجتماعی و اضطراب عمومی (GAD)، هر کدام دارای علائم خاص خود هستند ولی همگی در بروز بیش از حد عدم آرامش و ترس در افراد باهم مشترک هستند.

مکانیسم اضطراب

بدن انسان دارای دو سیستم عصبی می باشد ۱- سیستم عصبی مرکزی که شامل مغز و نخاع در ستون فقرات می باشد و ۲- سیستم عصبی خودکار که تابع کنترل و اراده فرد نیست. اضطراب از طریق سیستم دوم انجام می گیرد بطوریکه گاهی عوامل خارجی نظیر یک جسم، واقعه و موقعیت خاص و حتی عوامل داخلی نظیر افکار منفی شدید، وحشت و اضطراب را شروع می کنند. در چنین مواردی سیستم عصبی خودکار



تازه های دنیای پزشکی

دکتر منوچهر سلجوقیان

اضطراب (Anxiety)

امتحان مهم، مصاحبه برای یک کار جدید، ارائه سخنرانی در مقابل یک گروه بزرگ، همگی حالت استرس و اضطراب کوتاه مدت بوجود می آورند که بسیار زودگذر هستند و عوامل روانی به همراه ندارند ولی چنانچه پس از پایان این وقایع، اضطراب ادامه پیدا کند و شدت روزانه آن بیشتر شود بطوریکه زندگی روزمره را دچار اختلال کند نیاز به درمان پزشکی سریع دارد.

خوشبختانه روشهای درمانی بسیار گوناگونی جهت درمان و برطرف کردن این حالات وجود دارد نظیر دارو درمانی، رفتار درمانی، روان درمانی، روشهای گوناگون آرامش دادن، تغییر در روش زندگی رژیم غذایی، شروع ورزش، گیاه درمانی و حتی عطر درمانی.

انستیتو ملی سلامتی و روان درمانی در

اضطراب یک واکنش طبیعی انسان در مقابل استرس و عواملی است که روزانه در زندگی ما مشکلاتی بوجود می آورند، ولی چنانچه این حالت از حد معمول خود بیشتر شود و یا دلائلی برای وجود و یا ظهور آن وجود نداشته باشد، دیگر یک واکنش طبیعی بدن نبوده و یک بیماری به حساب می آید که نیاز به درمان فوری دارد.

اضطراب متداوم یک بیماری تلقی شده که در آمریکا بیش از ۳۰ میلیون انسان به آن مبتلا هستند ولی شدت آن در افراد متفاوت می باشد. این افراد در زندگی روزمره خود دچار پریشانی، ترس و عدم آرامش شده و برای آن دلیلی منطقی وجود ندارد.

اضطراب موقتی گاهی به دلائل شرایط و عوامل گوناگون در زندگی اتفاق می افتد بعنوان مثال، آماده شدن برای یک

بستی و فالوده گل نظر و کیتینگ دسر

Family owned business with a tradition & history of fine hospitality, outstanding icecream & courteous service!



- ◆ Weddings
- ◆ Birthdays
- ◆ Private Events
- ◆ Corporate Events
- ◆ Graduation



(925)803-6964



- ◆ عروسی
- ◆ تولد
- ◆ مهمانی های خصوصی
- ◆ گرد هم آبی اداری
- ◆ فارغ التحصیلی



Golnazar Gourmet Ice Cream, Inc. info@Golnazar.com www.Golnazar.com



Golnazar Catering can make your event an unforgettable one by providing you with our delicious ice cream and desserts in a variety of flavors and shapes.



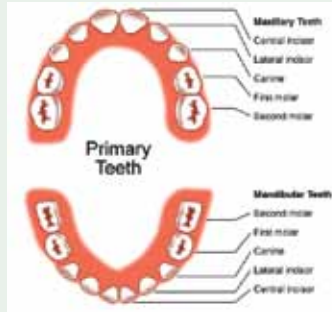
معجزه جوش شیرین!

جوش شیرین ترکیبی بی طعم و بو است که به صورت پودری سفید یا بلورین مورد استفاده قرار می گیرد. از این پودر بیشتر برای متخلخل کردن خمیر نان استفاده می شود و هم چنین از آن به عنوان یک بوگیر بسیار مناسب برای یخچال نیز می توان استفاده کرد.

به آب وان یک خنک کننده و کاهش دهنده تب می توان به دست آورد. **۱** برای سفید کردن دندان ها کافی است مسواک را با کمی جوش شیرین آغشته و دندان ها را با آن تمیز کرد. **دنباله مطلب در صفحه ۴۹**

بزرگ پوشیدگی دندان بر اثر استفاده از شیر خشک و یا حتی شیر مادر است. کودکانیکه از شیر خشک در شب یا هنگام خواب روزانه استفاده می کنند و یا به مدت طولانی بر سینه مادر هستند در معرض خطر کرم خوردگی دندان هستند. ولی میتوان با ویزت کردن زودهنگام به دندانپزشک اطفال دندانهای سالمی دارند، بهتر میجوند، از تغذیه بهتری برخوردارند، سریعتر یاد میگیرند و راحت تر و به وضوح صحبت می کنند. آنها همچنین با اعتماد به نفس لیخنند میزند. به یاد داشته باشید، دندان درآوردن یک مرحله است، و وقتی که از این مرحله گذشتید، کودک شما آماده تجربه کردن یک دنیای جدید پر از طعمها و بافت های جدید خواهد بود حالا که میتواند بجود.

دیگر موارد استفاده از جوش شیرین: **۱** با اضافه کردن یک قاشق غذاخوری به ۳ لیتر آب یک ماده ضد عفونی کننده بسیار مناسب برای میوه و سبزی به دست می آید. **۲** با اضافه کردن یک فنجان جوش شیرین گرفتن کودک تا دندان در آورد (بدون Phthalates). **۳** پارچه خیس با آب خنک یا حلقه لاستیکی



مخصوص گاز گرفتن که سرد شده. **۴** شیر مادر یا فرمولا که سرد باشد. مشکلات دهان و دندان در کودکان میتواند خیلی زود آغاز شود. یک مشکل



نکات مهم برای داشتن دندان سالم
دکتر میشل حق پناه
drnichellehdds@gmail.com



دندان در آوردن

دندان در آوردن بخش طبیعی و با هیجان رشد کودک است. اغلب خردسالان بین پنج و دوازده ماهگی شروع به دندان در آوردن می کنند. ممکن است بعضی از اطفال با یک یا دو دندان که قبلا در آمده به دنیا بیایند. معمولا مجموع کامل ۲۰ دندان شیری تا سن سه سالگی در خواهند آمد. دندانهای شیری نقش مهم در تکلم و جویدن بازی می کنند و همچنین راه را برای دندانهای دائمی باز می کنند.

- دندان نیش زدن؛ چگونه و کی انتظار میرود
- دندانهای پایین معمولا قبل از دندانهای بالایی نیش میزنند.
- ۵-۱۰ ماهگی دندانهای پیشین مرکزی.
- ۷-۱۲ ماهگی دندانهای پیشین جانبی.
- ۱۱-۱۸ ماهگی اولین دندانهای آسیا.
- ۱۶-۲۰ ماهگی دندانهای نیش.
- ۲۰-۳۰ ماهگی دومین دندانهای آسیا.
- چه مشکلاتی ممکن است به هنگام دندان درآوردن پیش بیاید؟**
- در حالیکه که خیلی از کودکان مشکلی در حین دندان درآوردن ندارند، ولی علایمی مانند:
- کج خلقی کردن و زود عصبانی شدن.
- ترشح بیش از حد آب دندان.
- تورم لثه.
- علاقه به گاز زدن.
- مشکل هنگام خوابیدن.
- تغییر در مدفوع کودک و تب پایین (ولی هنوز اثبات پزشکی وجود ندارد). اگر کودکان اسهال یا تب دارد، بلا فاصله به پزشک اطفال خود تماس بگیرید.
- چگونه میتوانم ناراحتی دندان درآوردن کودکم را کم کنم؟**
- لثه ها را با گاز ماساژ دهید.
- حلقه لاستیکی مخصوص گاز

S & S Tire And Auto Repair

Complete Automotive Repair Service



Family Owned & Operated

Oil Change Special
Get \$5 OFF on Regular Oil Change

Oil Change Special
Get \$10 OFF Synthetic Oil Change

For Scheduled Maintenance & any other information please visit our website at www.sstireandautorepair.com

(408)738-1960
597 S. Murphy Ave.
Sunnyvale, CA 94086

We Are #1
Established in 1996

(408)583-1200
1800 S. Winchester Blvd.
Campbell, CA 95008

اسرار رنگین کمان

رنگین کمان جلوه شکفت آوری از طبیعت است که موقع بارش نم و یا پس از بارندگی دیده می‌شود. در قدیم مردم فرای رنگین کمان را نشانی از شور بفتی می‌پنداشتند. و خیال می‌کردند، رنگین کمان پلی است برای بالا رفتن ارواح و زمانی که آنرا می‌دیدند گمان می‌کردند شفصی در آستانه مرگ است.



رنگین کمان چگونه تشکیل می‌شود؟ این منظره زیبا از شکستن نوری که از میان قطرات باران گذشته است، پدید می‌آید. در اینجا قطرات باران هر کدام نقش منشوری را دارند. که نور خورشید را تجزیه و بازتاب می‌کند و باعث تفکیک رنگها بصورت مرتب و شکل هندسی زیبایی می‌شوند.

می‌دانیم که نور سفید ترکیبی از هفت رنگ است که بوسیله منشور و ... تجزیه می‌شود، همان طوری که در منشور، نوری که کمترین طول موج را دارد (بنفش) بیشتر منحرف می‌شود، لذا رنگ بنفش با حداکثر انحراف در پایین طیف قرار می‌گیرد و رنگ قرمز که بیشترین طول موج را دارد، در بالای کمان دیده می‌شود. ترتیب رنگها بصورت زیر است:

سایر اسرار رنگین کمان

نکته جالب توجه در مورد رنگین کمان این است که یک قطبشگر آن را نامرئی می‌کند. مثلاً زمانی که با یک فیلتر قرمز رنگ نور به رنگین کمان نگاه کنیم، فقط زمینه‌ای قرمز رنگ خواهیم دید. علت این امر این است که فقط نور به رنگ قرمز از پولاوید عبور می‌کند و سایر رنگها جذب آن می‌شوند.

موضوع جالب توجه دیگر، این است که اگر دو نفر کنار هم ایستاده باشند، یک رنگین کمان واحد را نخواهند دید. این قوس هفت رنگ، کمان دایره‌ای می‌باشد، که سایه سر ناظر مرکز آن دایره است. پس بسته به جای هر فرد و فاصله او تا قطرات باران، کمانهای متفاوتی خواهیم داشت و هر کس رنگین کمان مخصوص خودش را خواهد دید.

رنگین کمان چگونه تشکیل می‌شود؟ این منظره زیبا از شکستن نوری که از میان قطرات باران گذشته است، پدید می‌آید. در اینجا قطرات باران هر کدام نقش منشوری را دارند. که نور خورشید را تجزیه و باعث تفکیک رنگها بصورت مرتب و شکل هندسی زیبایی می‌شوند.

می‌دانیم که نور سفید ترکیبی از هفت رنگ است که بوسیله منشور و ... تجزیه می‌شود، همان طوری که در منشور، نوری که کمترین طول موج را دارد (بنفش) بیشتر منحرف می‌شود، لذا رنگ بنفش با حداکثر انحراف در پایین طیف قرار می‌گیرد و رنگ قرمز که بیشترین طول موج را دارد، در بالای کمان دیده می‌شود. ترتیب رنگها بصورت زیر است:

قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی، بنفش. طیف به گونه ای می‌باشد که نمی‌توان مرز بین دو ناحیه رنگی را مشخص کرد. در ترتیب رنگی فوق ضریب شکست و زاویه انحراف رفته رفته زیادتر شده و طول موج بتدریج کاهش می‌یابد.

چه موقع رنگین کمان دیده می‌شود؟
اغلب رنگین کمان موقعی دیده می‌شود که هم باران می‌بارد، و نیز از سوی دیگر خورشید می‌تابد و ما نیز بین این دو قرار گرفته‌ایم. یعنی خورشید باید از پشت سر ما بتابد و باران هم در جلوی روی ما ببارد. در این حالت نور خورشید از پشت سر ما به قطرات باران می‌رسد، این قطرات نور را تجزیه کرده و آنرا

انرژی مثبت
زندگی سالم و شاد
پاریناز کدخدایان
مشاور با گواهینامه رسمی در فنگ شویی و ستاره شناسی
Parinaz@FengShuiAndLiving.com
Feng Shui & Astrology Certified Consultant

دانش تحلیل افلاک

دانش تحلیل افلاک بر دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- **استرونومی:** مقدمه دانش استرولوژی همان علم نجوم است، علمی که تعیین و مشاهده موقعیت و شناخت کواکب و افلاک و مدار و جایگاه آنها در هستی را مورد بررسی قرار میدهد (علم هیئت).
۲- **استرولوژی:** علم نیست بلکه دانشی اند چگونگی و دلیل بروزشان چه بوده و نسبت به تمام این مسائل چه باید کرد. از این دیدگاه استرولوژی نه فالگیری است و نه پیشگویی، بلکه استرولوژی آگاهی پیدا کردن از انرژی مدیر و هوشمند کیهانی، شناخت، بررسی و استفاده از آن است.

استرولوژی در ۵۰ درجه شمالی و ۵۰ درجه جنوبی زمین در بین ملل مختلف وجود داشته، بیشتر به دلیل وجود روز و شب و فصول.

یعنی افلاک و جهان هستی دارای انرژیهای هوشمندی است که به وسیله استرولوژی میتوان آنها را شناخت و درک کرد و به تاثیرات آنها به هر چیزی و بر زندگی انسانها پی برد. در واقع استرولوژی دانش درک و تحلیل انرژی و نظم حاکم بر هستی و هر چه در آن است میباشد که رنگ و لعاب دیگری به زندگی هر انسانی خواهد داد.

استرولوژی سیستم تجزیه و تحلیل وضعیت ستارگان روی زندگی انسانها برپایه اطلاعات استرونومی است. این سیستم به دستداران آن اجازه می‌دهد به ارزیابی سیارات و تاثیرات آنها بپردازند. این دانش قدیمی ترین سیستم ستاره بینی در جهان است و همچنین کمترین خطا را در میان سیستم های مختلف دارد. براساس این سیستم هر کس در چیدمانی مشخص از ستارگان به دنیا می‌آید، زایچه یا جدول تولد هر شخص دارای دوازده خانه است. می‌توان با استفاده از دانش ستاره بینی و ابزارهای مکمل آن از بسیاری از مشکلات که در جدول ستاره شناسی فرد ظاهر می‌شود، جلوگیری کرد.

عمیق و عظیم است همان دانش تنجیم، دانشی که صدور حکم نسبت به موقعیت و انرژی کواکب و افلاک و تاثیر آنها بر زندگی فیزیکی و ورای فیزیکی را مورد بررسی قرار میدهد و می‌توان استرولوژی غیر مدون را پایه ای ترین دانش زندگی بشری دانست که قدمتی به زمان پیدایش انسان دارد.



این دانش ابزار است که میتوان فهمید که در چه زمانی و مکانی چه انرژی و چه مقدار کجا رفت و چه شد و چگونه می‌توان آن را باز یافت، در زمان به وجود آمدن و یا وجود داشتن هر چیزی (مثلاً یک اتفاق مثل تولد یک انسان و یا به وجود آمدن یک حالت خاص برای هر چیزی) و یا در زمان از بین رفتن آن چه صورت فلکی و با چه وضعیتی باعث بروز آن شده و در کل تاثیر آن چیست که با استرولوژی میتوان به آنها دست پیدا کرد (به خصوص هنگام تولد هر نوزادی وضعیت انرژی کیهانی چه تاثیری بر او داشته و آن شخص به واسطه تاثیر پذیری از آنها و جذب انرژی آنها دارای چه خصوصیتی در زندگی است).

تفاوت بین یک استرولوگ و عارف از دید دانسته های آنها در زندگی فیزیکی و ورای فیزیکی نسبت به آینده این است که یک عارف نمی‌داند و تسلیم است و

ستاره شناسی بر اساس علم قدیم چینی
پاریناز کدخدایان
مشاور با گواهینامه رسمی در فنگ شویی و ستاره شناسی
در مورد سرمایه، شانس، اقبال، عشق، دوستی، سلامتی، حرفه، خانواده، مکان زندگی و ... آگاه شوید
Parinaz Kadkhodayan
Feng Shui & Astrology Certified Consultant
www.FengShuiAndLiving.com ★ Parinaz@FengShuiAndLiving.com
(۶۵۰)۷۰۴-۵۶۸۷

قفر نتیجه تفکر فقیرانه می باشد. اگر ثروت می خواهیم باید نوع تفکر خود را عوض کنیم. یادمان باشد در زمینه مورد علاقه خودکار کنیم چون احتمال موفقیت مان بیشتر می شود و شادتر خواهیم بود. همانطور که در مقالات از بدست آوردن موفقیت و راه کارهای آن نوشتیم، لذت بردن از کارمان می تواند یک تصمیم و انتخاب باشد. انتخاب و تصمیمی که یک عمر زندگی ما را تحت شعاع قرار می دهد. اگر می خواهیم زندگی مان دستخوش تغییرهای سازنده و بهتر شود باید باورهای خود را تغییر بدهیم و زمینه آن را با تلاش زیاد و خوش بینی آماده کنیم. آنگاه چرخ هستی با ما هماهنگ می شود و همکاری آن با ما و تلاش ما (Help of Universe) موفقیت و موقعیت استثنایی را بوجود می آورد. خواستن، توانستن است. اکثر اشخاص مشهور و موفق و مبتکر که کمپانی های بزرگ را ساخته اند، انسانهایی پرکار و پرتلاش ولی فوق العاده مثبت و امیدوار بوده اند که با عشق و حرارت (Passion) به دنبال هدف خود رفته اند و چون آنها باور داشته اند به آنچه در اینجا فرصت و شانس می گویند (Chance+Opportunity) بخاطر همکاری خود با چرخ های هستی (Universe) رسیده اند. هوش و ذکاوت به تنهایی بدون کار و تلاش، عشق وافر و یا بدون شانس و فرصت میسر نمی شود. ریسک کردن و تجربه های مختلف از لازمه های هنر زندگی کردن است. ریسک هایی که از عقل و نبوغ و فضیلت سرچشمه می گیرد که بر اثر هشیاری و در لحظه بودن بوجود آمده. (+ knowledge wisdom).

ثابت شده که به هرچی بیاندیشیم آنرا وسعت می دهیم. دنباله مطلب در صفحه ۵۲

تارمو وصل می باشد. این خودمان هستیم که در درون خود و با پرورش دادن روح و ذهن خود مرزها را درست تعیین می کنیم. با محدود کردن خود در دنیای بسته و یا راحت همیشگی (Comfort Zone) از خود انسانی که می توانیم باشیم دور می شویم زیرا اگر در این دایره محدود بمانیم و پا فراتر نگذاریم از پتانسیون ها و توانایی واقعی خود استفاده نکرده و از خود ناراضی خواهیم بود. خالص بودن و یکرنگ بودن (Purity) تنها راه جلا و تازه ماندن روح و جسم ما می باشد.

اگر نسبت به مسائل پیش پا افتاده که برداشت دیگران و یا مسائل بی اهمیت زندگی هستند، بی خیال شویم و رهپیشان کنیم آنها هم ما را رها خواهند کرد و آنوقت است که به صلح بیشتری می رسیم. این مهم است که در زندگی چه اتفاقاتی می افتد ولی مهمتر آن است که اتفاقات را چگونه می بینیم و با آنها چگونه رفتار می کنیم. وقتی همه چیز خوب و آرام است از بی دوام بودن آن ناگهان ترسیم و اگر ندایی به ما گفت می گذرد به خود بگویم که من باور می کنم که تازه فردا قرار است شیرین تر و بهتر هم بشود. برعکس اگر مشکلات و ناراحتی ها بسراغمان آمد، مرکز توجه مان را به حل مشکلات بدهیم تا به فکر کردن و غصه خوردن در مورد آنها. انرژی خود را برای حل آنها متمرکز کنیم و برای پیروزی بر آنها.

با خوش بینی و شکر در مورد مسائل زیبا و خوب، انرژی مثبت را به سوی مشکلات حرکت دهیم. از دیدگاه بالا به آنها نگاه کنیم و می بینیم که چنان سهمناک و عظیم هم نیستند و فقط ما نیستیم که مشکلات داریم. گاهی هم ثمراتی بسیار شیرین و سازنده از بدترین تجارب به دست می آیند که ما در ابتدا از آن واقف نبودیم.

هیچوقت دیر نیست!

آتوسا یکان

مشاور و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach

atoosa30@yahoo.com



هنر زندگی کردن (Art of living)

با سلامی به گرمی آفتاب، صمیمیت آبی آسمان و صداقت زلال دریاها.
شادباش به همه خوانندگان خوب این ماه مجله پژواک.

تظاهر به همه چیز می خندد و می داند که خنده طبیعی و حقیقی او را سالم و متعادل نگه می دارد. برای همه چیز نشاط و شادی دارد زیرا که هنوز با دنیای تظاهرها، دورویی ها و دروغ ها آشنا نشده است. بچه ها دنبال آدمهای شاد و یکرنگ هستند و فرق آدمهای صادق و نادرست را قبل از ما حس می کنند زیرا حس های آنها تمیز و شفاف هستند.

یکی از مهمترین رازهای شاد زیستن بوجود آوردن افکار شاد و سالم است. باید همیشه خود را سلامت تصور کنیم و یا اگر بیمار هستیم خود را در حال بهبود و در جهت یافتن سلامتی و شادی تصور کنیم و به خود دلداری و قول بدهیم که به بیماری پیروز شده و به طور صد در صد باور داشته باشیم که سلامتی و شادی و لذت حق طبیعی ما انسانهاست که ما شایسته این حق که خالق برایمان می خواهد هستیم. گاه شاد بودن می تواند کاری دشوار باشد. لازمه آن جستجو و چشم دل باز کردن به زیباها، خوبیها و محبت هاست.

زندگی خود را همیشه ارزیابی و بازایی کنیم. صادقانه زمان صرف کنیم و ضعف ها و قوت های خود را شناسایی کنیم. در چه کاری خوب هستیم و در چه مواردی باید خود را اصلاح کنیم.

دیدگاه خود را وسیع کنیم. زندگی خود را، به جای زندگی دیگران، زیر سؤال ببریم و روی خود کار کنیم. واقع بین تر، بالانصاف تر و بخشنده تر باشیم. در دنیای پر اضطراب و ساختگی بوج به سر نبریم. مرتب چیزهای جدید یاد بگیریم و کلاسهای مختلف در هر سن و موقعیت برداریم چون همیشه می توانیم فهم و شعور خود را تا لحظه آخر زندگی بالاتر و بالاتر برده و افق دیدگاهمان را وسعت دهیم. برای خودمان زندگی کنیم و در پی تاکید و تایید دیگران هرگز نباشیم. تایید، تاکید و تعریف دیگران همیشه به یک

دوستان و مهربانان، زندگی آنقدر هم جدی نیست که ما آن را تلقی می کنیم!... بعضی از ما با زندانی کردن خود در دنیای پیش ساخته، معیارها و استانداردهای تحمیل شده برای خود محدودیت و مانع ایجاد می کنیم. دیگران و نقش آنها را در زندگی خود زیادی بزرگ کرده زیرا که آنها را مانع و یا باعث شادی و کیفیت زندگی خود می دانیم، در صورتیکه ما خودمان به اشخاص و یا حتی نزدیکان خود این اجازه و یا امتیاز را می دهیم و فقط خودمان حق انتخاب و گزینش این تاثیرها را داریم. بسیاری از این مسائل ریشه های فرهنگی و یا تربیتی دارد که ما باید بتوانیم آنها را کنار گذاشته و همراه خودشناسی با احتیاجات خود تطبیق بدهیم.

عزیزان، همانطور که بارها به آن اشاره کرده ام زندگی کردن و در لحظه ها هشیار و باحضور بودن، با زنده بودن متفاوت است. قاعده های زیادی وجود دارند که من به مقداری از آنها این ماه می پردازم. زندگی ای پر از شادی، سلامتی، لذت و تعادل نه تنها برای خود ما ارمغانی سالم و پرحرارت و پرتراوت دارد بلکه انرژی ای شفاف و پرنور و زیبا برای دیگران هم منعکس می کند. هنر زندگی کردن از آنجایی شروع می شود که ما شهادت داشته باشیم که خودمان باشیم بدون تظاهر، دورویی و آماده بهتر شدن.

در تعلیمات Life Coaching به ما می گویند: (Is courageous to be you) یعنی خود بودن شهادت می خواهد. پس از اینکه به حقیقت وجودمان پی برده و مراحل خودشناسی و خودسازی (خود بهتری را ساختن) را انجام دادیم بهتر می توانیم تصمیم های زندگیمان را با یکرنگی با خود و با آزادی و صداقت در مورد دیگران بگیریم. می توانیم برای شاد زیستن کودکان را سرمشق خود کنیم! کودک به طور طبیعی و بدون خجالت و یا



آتوسا یکان

مربی و راهنمای زندگی

Professional Certified Life Coach

atoosa30@yahoo.com

- ♦ رسیدن به شادی و رضایت خاطر نسبی
- ♦ تصمیم گیری های درست و هدف یابی
- ♦ روابط، حل اختلافات و تضادهای فرهنگی
- ♦ خودشناسی، اعتماد و حرمت نفسی
- ♦ صحبت های مثبت با تین ایچرها
- ♦ به دست آوردن نشاط و شادی درونی

۹۷۰۰-۲۹۷ (۹۲۵)



برای کف زمین میتوانید از کفپوشهای چوبی و یا آجری استفاده کنید و حال و هوای محیطی طبیعی و روستایی را به منزل خود بدهید. در صورت استفاده از قالی بهتر است که از نوع ساده و غیر رسمی مانند گبه یا گلیم استفاده شود.

دکور و اجزای تزئینی

همانطور که قبلا اشاره کردیم، سادگی رکن اصلی سبک کاتج یا بیلاقی میباشد. بنابراین استفاده از اشیای دکوری ساده که یاد آور طبیعت بی آرایش میباشد در تزئین این سبک قابل اهمیت است. گذاشتن گلهای رنگارنگ در ظرف های سفالی و یا لعابی، استفاده کردن از شمدانهای چوبی و یا فلزی، اضافه کردن وسایل دکوری دست ساز، قراردادن صندوقهای چوبی به جای میز اتاق پذیرایی، استفاده کردن از نیمکتیهای چوبی به جای صندلی ناهار خوری، همگی عناصر تعریف کننده سبک بیلاقی و یا کاتج میباشد. برای اطلاعات بیشتر و استفاده از خدمات ما با من در لاکسر اینتریور تماس بگیرید. با امید زندگی پر از آرامش و لطافت برای شما خوانندگان عزیز پژواک.

پارچهای گلدان را در یک یا دو صندلی خلاصه کرد و از روکش مبلی که معمولا سفید و کتان میباشد برای کاناپه اصلی استفاده نمود. زمانی که روکش کتان روی کاناپه میکشید، بلافاصله احساس راحتی و آرامش در محیط فراهم میشود. بنابراین این با استفاده از روکش مبلی میتوانید سبک بیلاقی را در فضای خانه تقویت کنید.

چوب و وسایل چوبی

چوبهای پتینه شده یا به اصطلاح خودمان، رنگ و رو رفته، یکی دیگر از ارکان این سبک میباشد. امروزه اینگونه وسایل چوبی بسیار پر طرفدار هستند و شما میتوانید آنها را به صورت نو یا عتیقه از فروشگاه بخرید.

تخته کوبی روی دیوار یا همان پنل های چوبی نیز نقش مهمی در این سبک ایفا میکنند. پوشاندن قسمتی از دیوار به وسیله چوبهای رنگ آمیزی شده به رنگ های سفید و یا کرم روشن، گرمای خوشایندی به محیط میبخشد و راحتی و آرامش لازم برای سبک کاتج یا بیلاقی را تامین میکند. همچنین بهتر است از طبقات و قفسه های بدون در و چوبی، بخصوص به جای کابینتهای بالایی در آشپزخانه استفاده کنید.



آشنایی با دکوراسیون به سبک کلبه یا بیلاقی

با سلام خدمت شما خواننده عزیز و ارجمند پژواک. ضمن تشکر از تماس های همه عزیزان، در این شماره در مورد سبک بیلاقی با شما صحبتی خواهیم داشت.

نام انگلیسی سبک بیلاقی همان کاتج (cottage) است. تعریف حقیقی این سبک سادگی و راحتی میباشد. در دکوراسیون این سبک خبری از پیچیدگی نیست و هر چه هست آرامش و سادگی است. دلیل محبوبیت این سبک در راحتی و غیر



رسمی بودن آن است. سبک بیلاقی تدایی کننده صحرا، گلهای وحشی و رنگارنگ و زندگی آرام دور از شهرهای بزرگ میباشد. نکات قابل اهمیت در دکوراسیون سبک بیلاقی، رعایت سادگی و دوری از تجملاتی بودن، در انتخاب لوازم و وسایل میباشد. انتخاب رنگ در این سبک رنگهای مناسب برای سبک بیلاقی، رنگهای ملایم و پاستیلی مانند صورتی، سبز و آبی ملایم میباشد. دقت داشته باشید

تزیینی به کار گیرید. در نهایت، رنگ آمیزی کلی دکوراسیون باید به رنگهای روشن، دلپذیر و ملایم اختصاص یابد. نقش پارچه ها در سبک بیلاقی منسوجاتی که در این دکوراسیون انتخاب میشود نقش مهمی در تعریف این سبک دارند. پارچه های گلدان با نقش های قدیمی و رنگهای ملایم، که جلوه و احساس لطافت را القا میکنند، گزینه مناسبی هستند. البته میتوان استفاده از

بهرام فروهر، شادی و قاسم گلی در جشن مجلل شب سال نو چهارشنبه ۳۱ دسامبر از ۸ شب تا ۱ بعد از نیمه شب رستوران دیوید (408) 722-4155

نظر خواهی از خوانندگان پژواک

سردبیر پژواک از خوانندگان عزیز درخواست می کند که از میان انبوه مطالب پژواک فقط یکی دو تا را بیش از بقیه مطالب دوست دارند و نیز فقط یکی دو تا را که نمی پسندند نام ببرند. ما را با نامه، فاکس، ایمیل، اس ام اس یا تلفن از نظرات خود آگاه فرمایید.



انجمن فردوسی زاد روز حکیم فردوسی را گرامی می دارد!

سخنران: آقای محمد علی موسوی پژوهشگر فرهنگ ایران و ادب فارسی

موضوع سخن: خدمت ترکان در ترویج زبان فارسی و شاهنامه فردوسی

برنامه شامل: سخنرانی، پرسش و پاسخ، موسیقی و پذیرایی

موسیقی توسط هنرمند ارزنده بانو مهوش گرامی با همکاری آقای هوشنگ پاکپور

زمان: شنبه بیست و چهارم ژانویه ۲۰۱۵

ساعت: ۶:۳۰ بعد از ظهر

مکان: مرکز بزرگسالان ایران در شهر سانتا کلارا

تلفن اطلاعات: (408) 295-1240

Grace Adult Center

3010 Olcot St., Santa Clara, CA 94054

برای تامین هزینه این نشست، ده دلار ورودی در نظر گرفته شده است



اصل تضاد و اصالت عقل از دیدگاه مولوی و هگل

دکتر حسین مسیح پور

بحر بی پایان بود عقل بشر
بحر را غواص باید ای پسر
صورت ما اندر این بحر عذاب
می دود چون کاسه ها بر روی آب

لطف حق این شیر را و گور را
الف داده است این دو ضد دور را
در ابیات بالا مولانا به چند نکته دیگر
اشاره دارد اینکه زندگانی سازش و آشتی
ضدهاست و مرگ تاوقتی است که میانشان
جنگ باشد و اضافه می کند که عمر این



جهان در صلح اضداد است و همانطور
که قبلاً اشاره رفت مولوی جنگ اضداد
را در تفاعل دو ضد و درگیری آن و
صلح اضداد را به تکاپو و تفاعل می
داند که نمود سومی آشکار می شود
و ضدها در انفعال مشخصات خود را
از دست می دهند سپس زیرکانه باید
عرفانی مضمون را به آنجا می کشاند
که خداوند بین اضداد با مشیت خود
سازش ایجاد می کند تا نمود تازه ای
پا به عرصه حیات گذارد و سرانجام هر
جنسی به سوی اصل خود رهسپار خواهد
شد و در پایگاه اصلی خود فرا می گیرد
و نیز شیخ محمود شبستری (۶۸۷-۷۲۰)
که حدود ۱۵ سال پس از مولوی تولد
یافته در این باره می گوید:

زهی نادان که او خورشید تابان

بنور شمع جوید در بیابان
اگر خورشید بر یک حال بودی
شعاع او بیک منوال بودی
ندانستی کسی کین پرتو اوست
نبودی هیچ فرق مغز از پوست

لذا شناسائی هرچیز نیاز به شناسائی
ضد یا عین آن را دارد و اینکه ما نمی
توانیم آنطور که شاید و باید خداوند را
بشناسیم که ما عرفناک حق معرفتک زیرا
خداوند را ضد و همتائی نیست تا بدان
وسیله او را دریابیم و خلاصه اینکه اشیا
با اضداد خود شناخته می شوند و تعرف
الاشیاء باضدادها و این همان چیزی است
که کاملاً اصل اول هگل است.

در خاتمه ابیات اشاره دارد براینکه آواز و
سخن از اندیشه و اندیشه از دریای عقل
نشأت می گیرد و پس از آنکه صورت
در جهان هستی نمود را ساخت اندیشه
که منشا و علت نزدیک آن بود به اصل
خود که همان عقل کل است باز می گردد.
مولوی در جای دیگر می گوید:

این جهان جز باقی و آباد نیست
زانک آن ترکیب از اضداد نیست
این تفرانی از ضد آید ضد را
چون نباشد ضد نبود جز بقاء
پس نهایتاً به ضد پیدا شود
چونکه حق را نیست ضد پنهان بود

پس به ضد نور دانستی تو نور

ضد ضد را می نماید در صدور
مولوی در جای دیگر این مسئله را به
صورتی بهتر توجیه می کند که گوید:

خاصه جزوی کاو ز اضداد است جمع
ز آب و خاک و آتش و باد است جمع
این عجب نبود که میش از گرگ جست
این عجب که میش دل در گرگ بست
زندگانی آشتی ضدهاست

مرگ آن کاندر میانشان جنگ خاست
صلح اضداد است این عمر جهان

جنگ اضداد است عمر جاودان
زندگانی آشتی دشمنان

مرگ را رفتن به اصل خویش دان
صلح دشمن وار باشد عاریت

دل به سوی جنگ دارد عاقبت
روزگی چند از برای مصلحت

باهمند اندر وفا و مرحمت
عاقبت هریک به جوهر بازگشت

هر یکی با اصل خود انباز گشت
لطف باری این پلنگ و رنگ را

الف داد و برد از ایشان جنگ را

ظهور جمله اشیا به ضد است
ولی حق را نه ضد است و نه ند است
چون بود ذات حق را ضد همتا
ندانم تا چگونه دانی او را
ندارد ممکن از واجب نمونه

چگونه داندش آخر چگونه
در این ابیات نیز شناخت اضداد به وسیله اضداد آن
تائید می شود و نکته ظریف تر این که خداوند چون
ضد و مثلی ندارد لذا شناخت او به طور واقع و
کامل مقدور نیست و از محتوای کلام برمی آید که
اشیا را با امثال آن هم می توان شناخت و شناخت
اشیا با امثال آن راه دیگری در تامین این نظر است.
شیخ محمود شبستری در جای دیگر می گوید:

عناصر آب و باد و آتش و خاک
گرفته جای خود در زیر افلاک
ملازم هر یکی در منزل خویش
که ننهد پای یک ذره بس و پیش
چهار اضداد در طبع مراکز
بهم جمع آمده کس دیده هرگز؟

مخالف هریکی در ذات و صورت
شده یک چیز از حکم ضرورت
موالید سه گانه گشته ز ایشان
جماد آنگه نبات آنگاه حیوان

جماد از قهر بر خاک افتاده
نبات از مهر برپای ایستاده
نزوع جانور از صدق و اخلاص
پی ابقای جنس و نوع و اشخاص

باتوجه به توضیح مطالبی که گذشت به
نظر می رسد که توجیه دیگری در باب
ابیات بالا لازم نباشد.

وجه دوم اشتراک مولوی و هگل در اصالت
عقل کل است. هگل معتقد است ۱- وجود
یک امر حقیقی و واقعی نیست. ۲- آنچه
حقیقی است وجود ندارد زیرا کلی است و
اما اینکه وجود حقیقی نیست در مکاتیب
فلسفی و عرفانی دیگر چون فلسفه و عرفان
هندوان و نظر ایده الیست ها نیز مثل آن
دیده می شود مقصود این است که جهان
خارجی و آنچه در رویت ما قرار دارد تنها
اوهام و خیالات است احساس خالص و
مجرد برای ما نه چیز تازه و بدیعی است
و نه چیز تازه ای به ما می آموزد مثلاً
وقتی از دید منظره ای احساس لذت می
کنیم در حقیقت آن منظره را بیش از این
در شکل گروهی از واحدهای جداگانه یا
در شکل ترکیبات گوناگونی از آن واحدها
دیده ایم فقط در این مشاهده آنچه صورت
می گیرد مقایسه و برآورد منظره مزبور
با ترکیباتی است که پیش از آن دیده ایم

و در ذهن ما وجود دارد و همچنین لذت
را هم به جهت شناسائی واحدهای دیگر
درونی خود در می یابیم بدیهی است که
هر دو نوع واحدها و ترکیبات گوناگون
از واحدها و ترکیبات منظره مفروض و
همچنین واحدهای دیگر درونی از قبیل
مفاهیمی هستند که در ذهن ما پیش از
این به وجود آمده اند. ذات یا گوهری
وجود ندارد که مفاهیم ناشیه از احساسات
را با آن نسبت وقتی از مشخصات چیزی
صحبت می کنیم مفاهیمی هستند که در
ذهن از آن چیز قبلاً وجود داشته است از
مطالب فوق این نتیجه حاصل می شود
که ما از اشیا خارجی چیزی جز مفاهیم
کلی ذهنی نداریم. افلاطون هم کلیات را
حقیقت اصیل می داند ولی نه در جهان
ذهن بلکه خارج از ذات که در اصطلاح
مثل نامیده است در نتیجه باید گفت که
کل حقیقت دارد ولی وجود ندارد زیرا هیچ
موجودی بدون تشخیصات زمانی و مکانی
و کیفی و کمی تحقق ندارد در صورتی
که کلی دارای هیچگونه تشخیصی نیست
کلی حقیقت دارد زیرا فقط کلی است که
می تواند موضوع دانستن ما قرار گیرد
و نتیجه می گیریم که شی حقیقی یعنی
کلی وجود ندارد زیرا وجود بدون تشخیص
امکان پذیر نیست.

و بالاخره از نظر هگل تمام نموده های جهان
هستی اعم از پدیده های روانی و مادی
موجودند ولی حقیقت ندارند زیرا نموده های
جهان هستی بدون واسطه با آگاهی انسان
مطرح نمی شوند بلکه بواسطه مفاهیم و
کلیاتی احساس می شوند که در ذهن ما
وجود دارند و قبلاً آنچه لازم آن بود گفته
ایم و این موجودات جهان هستی که هریک
مشخصات مستقلی دارند دارای موجودیت
تبعی به دیگری هستند و وجود آنها وابسته
به کلی است. این نظر هگل را اگر با روش
ارسطویی تفسیر کنیم باید بگوئیم که کلی
به منزله غایت و موجودات مورد رویت ما
به منزله صور نوعیه هستند و به طوری
که گفته شد کلیات مانند سایر موجودات
جهان هستی که در دید ما قرار می گیرند
وجود مشخص ندارند بلکه کلیات حقایق
اصیلی هستند. که وابسته به ذهن ما نمی
باشند زیرا اگر وابسته به ذهن انسان ها
باشند مانند سایر موجودات محدود به
مشخصات زمانی و مکانی بوده و حقیقت
نخواهند داشت.

ادامه دارد

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

کج دار و مریز

بهرام گرامی

bgrami@yahoo.com



متصد دریافت این امر است که اصلاح طلبان شجاعت گذر به حوزه جامعه مدنی را در عمل کسب خواهند کرد و یا باز با رفتاری کج دار و مریز فرصت سوزی کرده و به چانه زنی با قدرت خود را مشغول خواهند ساخت.

♦ بعد مدتی سکوت را ادامه دادم تا اثر حرفای قبلی ته نشین بشه و از نظر خودم زمان دادم و صبر کردم تا ببینم چی پیش میاد... اسم این مرحله رو برای خودم گذاشته بودم کج دار و مریز! خواستم سکوت را بشکنم شنونده اش نبود...

♦ راه سوم یا راه میانه هم همین روش کج دار و مریز و بی هدف و اراده است که ایشان پی گرفته است و نتیجه‌ای جز فروپاشی به دنبال ندارد.

♦ به احتمال زیاد محافظه کاران تا انتخابات ریاست جمهوری کج دار و مریز رفتار خواهند کرد تا به هر قیمتی شده دولت را هم تصاحب کنند.

یکسره تکیه بر کج دار و مریز های این جناح زد ...

♦ [تیم فوتبال] برق شیراز هم فعلا کج دار و مریز روزگار سپری می کند تا ببینم آیا ... می تواند راهی برای فرار از بحران امتیاز از دست دادن پیدا کند.

♦ روند حوادث نیز ثابت کرد که حزب مذکور با روشهای کج دار و مریز خود نخواهد توانست در میان مردم و طیف وسیع جمهوری خواهان دمکرات و مبارز در داخل و خارج از کشور جانی باز کند.

♦ کج دار و مریز عنوان گزارشی است که موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ایران در تاریخ ۳۱ خرداد ۱۳۸۲ در مورد بازار اوپک و تحولات بازار نفت و عرضه و تقاضای آن در جهان منتشر نموده است.

♦ شما و من، گویا، در دوخط موازی، بکراه کج دار و مریز را پیموه ایم و هر دو از سرخوردگانیم.

♦ بر این نظریه که جامعه مار گزیده

مانیم و تویی و خانه خالی برخیز
هنگام ستیز نیست ای جان مستیز
چون آب و شراب با حریفان آمیز
چندانکه رسم بجای کج دار و مریز
در اینترنت گشتی می زدم، موارد زیر را با
اصطلاح کج دار و مریز دیدم:
♦ در آستانه انقلاب، شریعتمداری که بر
ادامه رفتار کج دار و مریز روحانیون با
دولت پافشاری می کرد، سازشکار و نوکر
سرمایه داری شناخته شد.
♦ اصلاح طلبان که به شدت بر اثر رفتار
کج دار و مریز بر اعتبارشان لطمه وارد
آمده است...

♦ ملیون که بیشتر از دو طیف دیگر
سلطنت طلب ها و چپ ها با مسئله ملی
در ایران مشکل دارند و برخورد کج دار
و مریز آن ها را با این مسئله در نشست
اخیرشان در برلین شاهد بودیم، خود به سه
جناح تقسیم می شوند.

♦ کردها مصمم به نظر می رسند که منطقه
تحت نفوذ خود را حفظ کرده و تنها به یک
رابطه کج دار و مریز با بغداد بسنده کنند.
♦ سلام. اومدیم کرمون، شهر خودمون.
اوضاع و احوال خوب نیست. بد هم نیست.
در کل مالی نیست. من که بعد از شمال
مریز [مریض] شدم و کج دار و مریض
[مریز] طی میکنم!!

♦ در تمام آن سالهایی که با او و حضورش
کج دار و مریز تا کرده بودم...

♦ عدم قاطعیت وزارت علوم و حرکت
کج دار و مریز این وزارت در اعلام عدم
لغو امتحانات و نیز همراهی بعضی روسای
دانشگاهها بستر لازم را برای اجرای این
توطئه فراهم آورده است.

♦ اذله ناکافی و سکوت بی ادبی تلقی می
شود. سال ها طول می کشد تا با کج دار و
مریز به خلق الله بفهمانم که هیچ یک از
ما از کره مریخ نیامده ایم و شیوه فکر ما
متعلق به اهالی غیرزمینی نیست.

♦ هنگامی که این نامزدها انصراف خود
را اعلام نکرده اند، پس چگونه میتوان
از هواداران خود و مردم خواست که در
انتخابات شرکت نکنند؟! این سیاست کج
دار و مریز را چگونه میتوان توضیح داد؟

♦ بحث بر سر همین بود که انگار قراره
مجلس کج دار و مریز رفتار کنه، یکی دو
نفر هم مثل...و...رای کبود بدند تا آنها از
آسیاب بیفته.

♦ می توان بدون در نظر گرفتن ضعفهای
اساسی و بسیار مهم اصلاح طلبان حکومتی
بر شرکت در هر انتخاباتی پای فشرده و

روزی از خانم هموطنی حال مادرش را
پرسیدم. گفت: حال مادرم چندان خوب
نیست، پیر است و مریض احوال، ما هم
با او "کژدار و مریز" می کنیم. ابتدا از
این لطف کلام و جناس لفظ خوشم آمد
که ایشان با چه ظرافتی در یک جمله هر
دو لفظ مریض و مریز را با هم به کار برده
است، ولی بعد مودبیانه گفتگو را کش دادم
و دریافتم که مقصود ایشان از هر دو لفظ
مشابه، همان مریض به معنی بیمار بوده
یعنی با مادرشان "کژدار و مریض" می
کردند، و کژدار هم در ذهن ایشان به نحوی
مرتبط با کژدم بوده است!

چند هفته بعد در یک جلسه فرهنگی
ضمن اشاره به برخی اشتباهات متداول و
مصطلحات نادرست، گفتم که "کج دار و
مریز" شامل یک فعل امر "کج داشتن" و
یک فعل نهی "نریختن" است و در مثل می
توان گفت: "جامی که به دست توست کج
دار و مریز". تعبیر آن چنین است که چون
ظرف آبی را به جانبی زیاد متمایل کنند آب
از دهانه یا لوله آن بیرون ریزد، ولی می توان
آن را طوری با دقت و احتیاط متمایل نمود و
نگاه داشت که در عین کجی آب فرو نریزد.
عبارت "کج دار و مریز" یا فعل "کج دار
و مریز کردن" غالباً برای توصیف وضعیت
یا تدبیری مانند لطف و قهر، مهربانی و
سختگیری، و بطور کلی مدارا و ممانعت و
گاهی هم به معانی عذر و بهانه آوردن، به
تاخیر انداختن، و مکر و تزویر به کار می
رود، با سه بیت شاهد به ترتیب از کمال
خجندی (شاعر قرن هشتم)، محسن تبریزی
- متخلص به تاثیر - و ابوالفیض فیاضی
(هر دو از شاعران عهد صفوی):

کرد خون همه به گردن زلف
گفت کج دار طره را و مریز

نه از رحم است گر خونم نریزد چشم فتانش
که کج دار و مریزی می کند برگشته مزگانش

کج دار و مریز ساقی دهر
می بین و مکن حواله بر غیر

سه رباعی زیر به ترتیب از محتشم
کاشانی، سنایی و مولوی است:

در بزم حکیمان ز می شورانگیز
نی پای نشستن است نی پای گریز

از بهر من تنگ سراب ای ساقی
مینا به سر پیاله کج دار و مریز

ای در سر زلف تو صبا عنبر بیز
وی نرگس شهلاهی تو بس شورانگیز

هر قطره که می چکد ز خون دل من
در جام وفای توست کژدار و مریز

کشتیان یا کشتیان؟

(اصل قضیه)

۲۶۶ در مقاله ای زیر عنوان "نگاهی به
۳۷ سال تلاش رادیو ایران و یادی از
آنان که گفتند: اینجا تهران است صدای
ایران" به قلم پرویز خطیبی چنین آمده
بود که "در سال ۱۳۳۱ که شاه با وزارت
جنگ دکتر مصدق مخالفت کرد و به دنبال
اعتراض و استعفا او حکم نخست وزیری
قوام السلطنه را صادر کرد، رضا سجادی
اعلامیه شداد و غلاظ قوام را همراه با
عبارت معروف کشتیان را سیاستی دگر
آمد با بیان گرم و توفنده در رادیو خواند
که به قول بعضی ها همین کار سقوط
حکومت سه روزه قوام را تسریع کرد، و
در ضمن سجادی کشتیان را کشتیان ادا
کرده بود که مردم به همان طریق که شنیده
بودند آن را تکرار کردند."

در ره آورد شماره ۳۲ صفحه ۲۸۳ رضا
سجادی، همان گوینده رادیو و خواننده
اعلامیه، چند نکته از نوشته پرویز خطیبی
را تصحیح کرد ولی به این مطلب که به
خود او مربوط می شد اشاره ای نمود و
این حجتی قاطع بر درستی نوشته پرویز
خطیبی است که رضا سجادی کشتیان را
کشتیان خوانده است.

خلاصه آنکه از جهت اصالت و ثبت در
تاریخ ادبیات فارسی "کشتیان" درست
است و از نظر آنچه گفته و شنیده شده و
در تاریخ معاصر سیاسی ایران ثبت گردیده
"کشتیان" بوده است.

بهرام گرامی، دانشگاه Hebut، تیانجین/
چین، نوامبر ۲۰۱۴

سالها قبل، در فصلنامه ره آورد شماره
۴۶، دکتر مشیر نوشته بود "شایع است
اعلامیه شدیدالحن و نسنجیده قوام درباره
کشتیان را سیاستی دگر آمد ... با انشاء
دکتر ارسنجانی بوده است." سردبیر ره
آورد در ذیل همان صفحه یادآور شده
بود که "... اصطلاح کشتیان را سیاستی
دگر آمد خطاست و درست آن کشتیان را
سیاستی دگر آمد است" و نویسنده را به
این شعرمنوچهری توجه داده بود:

عمر خوش دختران رز به سر آمد
کشتیان را سیاستی دگر آمد

در ره آورد شماره ۴۷، دکتر مشیر با ذکر
شش مأخذ در پاسخ و خطاب به سردبیر
ره آورد نوشته بود "... در اسناد مشروح
زیر به همین صورت کشتیان را سیاستی
دگر آمد ذکر شده است. شما واژه روشن
کشتیان را به تعبیر خود به کشتیان تغییر
می دهید، در حالیکه لغت کشتیان در کتب
لغت فارسی آمده و در هیچ یک از کتب
لغت کشتیان نیامده است." باز سردبیر ره
آورد در همانجا با تکیه بر آگاهی قوام
السلطنه به ادب فارسی و سروده منوچهری
و لغت نامه دهخدا بر درستی کشتیان تأکید
نمودند. ضمناً در همان شماره ۴۷، آقای
بهمن بزرگمهر در نامه ای به دکتر مشیر
اشاره کرد که "اعلامیه معروف کشتیان را
سیاستی دگر آمد، که ایشان آن را کشتیان
پنداشته اند، نوشته ارسنجانی است."
و اما اصل قضیه: دو سه دهه به عقب برمی
گردیم. در ره آورد شماره ۳۰ صفحه

ضيافتي با حضور هنرمندان محبوب شما



بهرام فروهر، خواننده آهنگ فراموش نشدنی «مگر تمام عمر چند تا بهاره»
شادی، خواننده خوش صدا، زیبا و مردمی **قاسم گلی**، کمدین معروف و خاطره ساز
سیروس علی آبادی، موزیسین و آهنگ ساز **محمد پرندیان**، طپش قلب بی اریا

مجری برنامه دی جی علی رضا

انواع غذاها، پیش غذاهای ایرانی و نوشیدنی
 همراه با سرو شامپاین و انجام سنتهای شب سال نو

تاریخ: چهارشنبه ۳۱ دسامبر

ساعت: از ۸ شب تا ۱ بعد از نیمه شب

مکان: تالار زیبا و مجلل رستوران دیوید

تلفن رزرو جا و اطلاعات

(408) 722-4155

(408) 986-1666

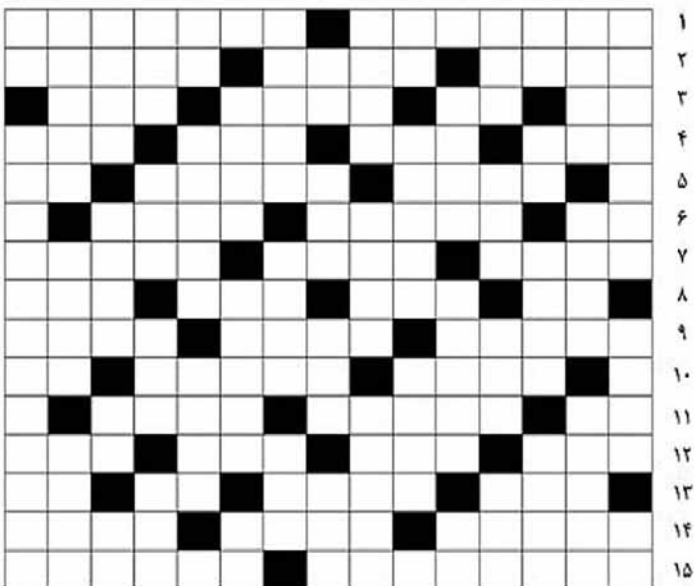
www.david-restaurant.com

5131 Stars and Stripes Drive, Santa Clara, CA 95054

حل جدول در صفحه ۵۰

سرگرمی

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱



پژواک ماهنامه

پل ارتباطی ایرانیان شمال کالیفرنیا
۸۶۲۴-۲۲۱-۴۰۸

پژواک ماهنامه

عمودی:

- ۱- پایه برانزنگی است- در حال دویدن- رنگ موی فوری
- ۲- لوح فشرده- گدایی- خرس چینی
- ۳- زمین- پراکندگی- حلال رنگ- هدف و مقصود
- ۴- قوت لایموت- شهر مازندران- صدا- میهمانی
- ۵- حلیم- ریزه آهن- زینت چهره
- ۶- صدمه- ویرانه- راکب
- ۷- از دروس دوران دبیرستان- صدای فرو ریختن سقف- عقیده باطنی
- ۸- نت چهارم موسیقی- مخفف بدتر- نمونه خروار است- مادر تازی
- ۹- فریبنده- ماهی فروش- مظهر سردرگمی
- ۱۰- چرک آلود- عبادتگاه یهودیان- ساده دل
- ۱۱- درخت زبان گنجشک- گاو بندی- جوابش پشتک است
- ۱۲- مهربان- آماس- اولین قوم- ریشه
- ۱۳- ستون خیمه- حمام بخار- اراده- ضمیر غایب
- ۱۴- از دورقمی ها- بخشی از گوش- دژ و قلعه
- ۱۵- تکبر و غرور- پایه و اساس- صفت ساعت خراب.

افقی:

- ۱- همان وضو است- اولین ماه سال
- ۲- اشاره- مجازات عمل- کمیاب
- ۳- رفوزه- حرف صریح- غیر و دیگر- چالاک
- ۴- دندان مار- اقبال و شانس- خانه شعرا- تیره و تار
- ۵- جای نان پزی- گیاه هندی- ضمیر تازی
- ۶- گنده- ناپسند داشتن- میوه کال
- ۷- نامی زنانه- بازار خرید و فروش اوراق بهادار- اسوه و الگو
- ۸- دیروز- قیمت- از انواع سوره هایی که به پیامبر اکرم(ص) نازل شد- جنس مذکر
- ۹- سکه طلای رایج در قدیم- داستان بلند- محل امن
- ۱۰- کله پز- با حوصله و صبور- علامت جمع فارسی
- ۱۱- بالای فرنگی- وسایل- بی غل و غش
- ۱۲- اسم- جوابش هوی است- اسب سرخ تیره- هر چیز شبیه مار
- ۱۳- پرستار- فالگیر- کاغذ روزنامه- نیم صدای مگس
- ۱۴- همیشگی- آرزوها- قدرت و جرات
- ۱۵- آهنگی از سنفونی های باربد- دعوت کننده.

تقویم برنامه های فرهنگی و هنری در شمال کالیفرنیا

انجمن ادبی شمال کالیفرنیا

هر دو هفته یکبار روزهای یکشنبه از ساعت ۱:۳۰ تا ۴:۳۰ پس از نيمروز برگزار می شود. ورود برای عاشقان شعر و ادب پارسی رایگان است. برای آگاهی بیشتر با شماره ۹۳۹-۰۹۹۸-۹۲۵ و یا ایمیل mayheravi@yahoo.com تماس حاصل فرمایید.

جلسات انجمن فردوسی

هر دو هفته یکبار در دومین و چهارمین جمعه هر ماه
www.ferdosi.org
۴۰۸-۲۹۵-۱۲۴۰
ورود برای عموم آزاد است

جلسات شعر فریمانت

اولین و سومین شنبه های هر ماه میلادی در شهر فریمانت. مکان:
Fremont, Main Library
۵۱۰-۲۲۶-۷۱۶۰
۵۱۰-۷۴۵-۱۴۰۰
ورود برای عموم آزاد است

شب شعر در ساکرامنتو

اولین چهارشنبه هر ماه در رستوران فیمس کباب. تلفن اطلاعات: ۹۱۶-۴۸۳-۱۷۰۰
1290 Fulton Ave., #3
Sacramento, CA

برنامه تلویزیونی رهنمودهای مسیح

با کشیش فرید فروتن یکشنبه ها ساعت ۲:۳۰ بعد از ظهر از کانال ۲۹ سانفرانسیسکو شنبه ها ساعت ۱۰ شب از کانال ۱۵ سن حوزه

آموزش شعر و ادب با نصرت الله نوح

در کلاس تدریس حافظ و حافظ خوانی، غزلیات حافظ از نقطه نظر اسطوره شناسی، تاریخ، آیات و احادیث مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. هر هفته در روزهای سه شنبه از ساعت ۷ تا ۹ عصر برگزار می شود.
۹۶۸۵-۵۶۵-۶۵۰
Ortega Park, 636 Harrow Way, Sunnyvale

شب بانوان

دومین چهارشنبه هر ماه شروع برنامه با شام و موزیک از ساعت ۷ عصر تا ۱۱:۳۰
۱۲۳۴-۳۶۹-۴۰۸
۶۴۴۰-۳۷۱-۴۰۸
مکان: رستوران ساقی
1392 S Bascom Ave, San Jose
ورودیه با شام ۲۵ دلار

کلاس خصوصی

کلاس خصوصی عرفان و رفع مشکلات آثار مولوی، سعدی و حافظ توسط دکتر مسیح پور، استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برای کسب اطلاعات بیشتر لطفا با ما تماس حاصل فرمایید.
۲۹۲۲-۷۲۵-۴۰۸

نیاز مندیها ۸۶۲۴-۲۲۱(۴۰۸)

استخدام

به خانمی ایرانی جهت نگهداری از مادرم برای روزهای یکشنبه و دوشنبه در شهر Half Moon Bay نیاز است.

(۴۰۸)۴۰۱-۴۳۱۸

جویای کار

خانمی تحصیل کرده، قابل اعتماد، قابل اتکاء آماده نگهداری از سالمند یا فرزند عزیز شما همراه با آشپزی غذاهای ایرانی و خانه داری سبک.

(۵۱۰)۴۷۹-۶۹۹۲

جویای کار

خانمی با ۱۲ سال تجربه و دارای مدرک Child Development و با گواهینامه معتبر رانندگی و داشتن اتومبیل، آماده نگهداری از فرزندان دلبد شما.

(۴۰۸)۷۲۸-۰۸۷۵

L S G O D S L E W O T C U M L
L S C C E A O I D A R M S R L
E T I H C S F S M K B L E S A
Z M N I E U M D A R E L A A B
J B C L D N B I E K O N S S Y
S L I D I G B L R O D Y E P E
W A P R T L L O C W O L L D L
I N A E K A N X H A S A G G L
M K E N B S A Q S V S G G N O
M E G E E S U N D E R T O W V
I T D G B E O J U S H Z G Z T
N S E T A S D R A U G E F I L
G D O K U V I K V H G Z R O B
S A N D A L S R N A E C O H X
Y S H E L L S I F V M N L N H

BLANKETS	SWIMMING	FRISBEE	OCEAN
CHILDREN	TIDE	GOGGLES	PICNIC
COOLER	TOWELS	LIFEGUARD	RADIO
DOGS	UMBRELLA	OCEAN	SAND

خارج ستارگان

دی

کمی بیشتر قدر خود را بدانید و خودتان را دست کم نگیرید. حقی از شما زایل شده است ولی با زبان نرمتری هم می توان مقصر را متوجه خط و خطایش کرد. کمی بیشتر به درس هایتان توجه کنید. و اگر شاغل هستید کمی بیشتر به کارتان توجه کنید. درخواستی از شما می شود بهتر است اول خوب در مورد آن فکر کنید. جوانب را بسنجید و سپس آن را قبول یا رد کنید.

مهر

به برخی مسائل بسیار بی اعتنا هستید و به برخی دیگر بسیار حساس. این افراط و تفریط اصلا خوب نیست. بهتر است کمی متعادل تر برخورد کنید. به یک مهمانی بزرگ دعوت می شوید. در این ماه امکان درگیری لفظی با اشخاصی وجود دارد پس تا می توانید با هر کسی هم صحبت نشوید. کمی با دید مثبت تر به اطرافتان نگاه کنید شکر گزار باشید.

تیر

انرژی انجام کاری را ندارید. کمی ناراحت و دلسرد هستید. نگران نباشید، محکم باشید و موانع را از پیش پای خود بردارید که به قله های موفقیت می رسید. اسرار درونی خود را با کسانی که شناخت کافی از آنها ندارید، در میان نگذارید. در مورد اتفاقی که افتاده زود تصمیم نگیرید! در قضاوت عجله نکنید. بهتر است که بگذارید کمی بگذرد و سپس تصمیم بگیرید تا ضرر نکنید.

شروالدین

شایستگی های شما از چشم هیچ کس پنهان نیست پس چرا زمان را با کارهای بیهوده تلف می کنید و منتظر لقمه آماده هستید؟ به آرزوی که دارید می رسید ولی باید اندکی صبر کنید. سعی کنید به کسانی که فقط به ظاهر شما اهمیت می دهند و بر اساس آن قضاوت می کنند، اعتنا نکنید، چون دوستی با آنها فایده چندانی برایتان نخواهد داشت.

بهمن

گاهی به صلاح نیست که به خواسته خود برسیم یا زمان دلخواه ما زمان مناسب رسیدن به خواسته مان نیست پس نگرانی های بیخود به خود راه ندهید و مثبت بیندیشید. در تصمیمی مردد هستید. بهتر است به نزدیکانتان اعتماد کنید و از آنها کمک بخواهید. جایبایی دارید. خبر خوشی از راه دور به شما می رسد. قراردادی را امضا می کنید.

آبان

جاه طلب و بلند پرواز بودن عاقبت خوبی ندارد و خیلی زود انسان را خسته و دلزده می کند. گاهی بسیار غرق رویاها می شوید، این خوب است اما نه آنگونه که شما را از زندگی اصلی دور کند. اگر به کسی علاقه دارید و از او دورید در این ماه غرور را کنار بگذارید و به او زنگ بزنید. به پدر و مادرتان بیشتر احترام بگذارید. از جر و بحث های بیمورد خودداری کنید.

مرداد

قدر فرصت ها را بدانید. اگر با بی خیالی آنها را از دست بدهید دیگر امیدی به موفقیت نمی توانید داشته باشید. فکری در سر دارید؛ فکر آغاز یک کار جدید، خرید یک وسیله نو یا... اگر می خواهید فکرتان را واقعا عملی کنید بهتر است قبل از شروع این کار با صاحبان نظر مشورت کرده و سپس این کار را آغاز کنید. در زمان نزدیک مهمان یا قدم نو رسیده ای در راه دارید که قدمش بسیار برایتان مبارک خواهد بود.

اردیبهشت

خریدی کرده اید که نهایت سود را خواهید برد. دچار اضطراب و نگرانی شده اید، باید به خودتان اعتماد بیشتری داشته باشید. قدر کسانی را که برایتان زحمت می کشند بدانید و شما هم تا می توانید به آنها کمک کنید. کمی استراحت کنید، وضعیت جسمانی خوبی ندارید، شاید بیش از انرژی تان از خود کار می کشید که باعث خستگی تان می شود.

اسفند

حسرت روزهای از دست رفته را خوردن فقط شما را کسل و بی انگیزه می کند، پس به جای غصه خوردن سعی کنید از اشتباهات عبرت بگیرید و دیگر آنها را تکرار نکنید. حد اعتدال را در هر چیزی رعایت کنید. یک سفر کوتاه مدت، می تواند روحیه کسل و غمگین تان را از این رو به آن رو کند. نگران نباشید مشکلات گذرا هستند فقط نگذارید که اثر سوء آنها روی شما بماند.

آذر

کاری را شروع کرده اید، شروع هر کاری ممکن است با سختی و مشکلات همراه باشد، اما مهم این است که چگونه آن را به پایان برسانید. قولی که داده بودید یا نذری که داشتید را هر چه زودتر خوشایند است. خواب بدی دیده اید که ذهنتان را بشدت مشغول کرده، بهتر است آن را خواب تعبیر کنید و بد به دل تان راه ندهید. از راه دور مسافری خواهید داشت.

شهریور

بیماری دارید، در این روزها او را فراموش نکنید. یکی از آشناهای قدیمی را خواهید دید. اگر کار دادگاهی دارید کمی طول خواهد کشید. از دوستان قدیمی خود نیز یاد کنید. شاید بودن با آنها خاطرات خوب گذشته تان را برایتان یادآوری کند. هیچگاه امید خود را از دست ندهید. البته که در هر اتفاقی مصلحتی است. مسافرت کوتاهی در پیش دارید.

فرورداد

هدف مهمی دارید. اگر واقعا تصمیم گرفته اید به این هدف برسید، شجاعانه قدم در راه بگذارید و کمی تلاش خود را بیشتر کنید. این ماه باید بیشتر از ماه های قبل انرژی برای خواسته تان صرف کنید. با کسی که دوستش دارید شاید دلخوری پیش آید و اگر یکی از طرفین کوتاه نیاید ممکن است که رابطه تان بهم بخورد. اگر قصد خرید چیزی را دارید کمی عجله کنید که به نفع شماست.

زنان و آموزش مسائل جنسی

نعیمه دوستدار



با همه اینها، مدت‌ها از تاسیس کلینیک‌های سکس‌درمانی در ایران می‌گذرد و متخصصان اعصاب و روان با تخصص ویژه در آن‌ها فعالیت می‌کنند. همچنین بسیاری از کلینیک‌های مشاوره در کنار مشاوره‌های خانوادگی و تحصیلی و ... موضوع سکس را هم جزو فعالیت‌هایشان قرار داده‌اند. با این حال، میزان مراجعه زنان

در ایران، هرچند ادعا می‌شود سخن گفتن از مسائل جنسی در حوزه دین کار آسانی است و بسیاری از متون منتسب به دین، به صراحت از روابط جنسی حرف زده‌اند، اما در تمام این متون، زن یک سوژه جنسی غیر فعال بوده و کارکردی ابزاری داشته است. در هیچ یک از این متون، زنان مخاطب مستقیم نبوده‌اند و مردان به عنوان عنصر فاعل، به بهره‌برداری هرچه بیشتر از ویژگی‌های جنسی زن تشویق شده‌اند. در کنار این نوع نگاه به زنان در مسائل جنسی، عرف و فرهنگ سنتی ایران هم پذیرای حضور زنان به عنوان موجودات فعال جنسی نیست و نقش زن را تنها به عنوان برآورنده نیازهای جنسی مرد تعریف می‌کند تا جایی که به باور عموم زنان ایرانی، نیاز جنسی نیازی مردانه است و زنان تنها برای کسب رضایت مرد و انجام وظیفه، تن به رابطه جنسی می‌دهند. بر اساس این نگاه، کسب لذت جنسی هم امری مردانه است و زنان گاه خود را بی‌نیاز از آن می‌بینند و حتی در صورت احساس نیاز، هرگز آن را به زبان نمی‌آورند. در چنین بستری مخاطب قرار گرفتن زنان برای آموزش مسائل جنسی خود گامی به جلو محسوب می‌شود؛ به خصوص که در نمونه‌های اشاره شده که برآمده از بخش سنتی و مذهبی جامعه بوده‌اند، نیاز جنسی زن لاجرم به رسمیت شناخته شده است.

تابه‌شکنی در کلینیک‌های سکس‌درمانی

فرهنگ، اجتماع و تربیت در ایران گاه زن را وادار به سرکوب تمایل‌های جنسی می‌کنند و این تمایل‌ها در عرف ایرانیان تمایلی ناپسند به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین دلایل نداشتن شوق و میل جنسی در زنان، باوری است که در ناخودآگاه جمعی زنان ایرانی نسبت به گناه‌آلود بودن سکس وجود دارد، هرچند تحقیقات روان‌پزشکی اثبات کرده سردمزاجی عموماً جنبه ارگانیک ندارد.

در مواجهه با موضوع سکس، مطرح کردن اختلال‌های جنسی از سوی زنان هم تا به حساب می‌آید. درحالی که در کشورهای غربی، تحقیق درباره موضوع سکس و اختلال‌های مرتبط با آن یک موضوع رایج است، در ایران همچنان پرداختن به این موضوع خط قرمز به حساب می‌آید و فعالیت متخصصان سکس‌ولوژی با محدودیت مواجه بوده است.

کشف نشده باقی می‌ماند چون زنان از طرح این مسئله حتی به نزدیک‌ترین دوستان‌شان خودداری می‌کنند یا اصلاً متوجه مشکل‌شان نمی‌شوند. البته این مسئله در سال‌های اخیر کمی فرق کرده است. آگاهی جنسی زنان جوان به مراتب بیشتر از نسل‌های قبلی است و به همین دلیل من در میان مراجعانم، دختران جوانی را دارم که پیش از رابطه جنسی مشاوره می‌گیرند و می‌خواهند درباره ساختار ارگان‌های جنسی‌شان بیشتر بدانند.

تجربه زنان کارگاه‌های آموزش جنسی

در حالی که هنوز ساختار سنتی جامعه ایران با مقاومت می‌خواهد خود را سرپا نگهدارد،



به این کلینیک‌ها محدود است.

دکتر مه‌سام، متخصص بیماری‌های زنان و زایمان در ایران می‌گوید: "درصد خیلی کمی از زنان به دلیل مشکلات جنسی به من مراجعه می‌کنند. بسیاری از مشکلات جنسی زنان هم البته به شکل اتفاقی در مطب‌های متخصصان زنان کشف می‌شود. مثلاً زنی به دلیل درد در هنگام نزدیکی به مطب می‌آید و دنبال علت پزشکی و فیزیکی می‌گردد، اما متوجه می‌شویم که مشکل ذهنی دارد یا عده‌ای که بعد از ازدواج موفق نمی‌شوند رابطه جنسی برقرار کنند و برای برداشتن بکارت مراجعه می‌کنند، اما متوجه می‌شویم که پرده بکارت‌شان مشکلی ندارد و بیشتر گرفتار گره‌های ذهنی هستند. هرچند گاهی اختلال‌های هورمونی باعث سردمزاجی می‌شود، اما خیلی اوقات در معاینه متوجه می‌شویم که بیمار مشکل هورمونی جدی ندارد. در همه این موارد، بیمار را به سکس‌ولوژیست ارجاع می‌دهیم. خود من با یک پزشک کار می‌کنم که تازگی از خارج کشور آمده و فعالیتش را در این زمینه متمرکز کرده است و بیمارانش را به او ارجاع می‌دهم."

این پزشک متخصص بیماری‌های زنان می‌گوید: "البته همه زنانی که دچار اختلال‌های جنسی هستند مشکل‌شان را کشف نمی‌کنند. مشکل بسیاری همیشه

گرفته است. با اینکه هزینه این کارگاه‌ها چندان کم نیست، فیروزه از شمار زیاد شرکت‌کنندگان در این دوره‌ها می‌گوید: «برای شرکت در هر دوره ممکن است چند ماه در فهرست انتظار بمانید. خود من چهارماه منتظر ماندم تا در دوره اول شرکت کنم.» به گفته او شمار زیادی از زنان شرکت‌کننده در این کارگاه‌ها از شهرهای دیگر می‌آیند؛ از اصفهان، کاشان، قم، کرج و شیراز.

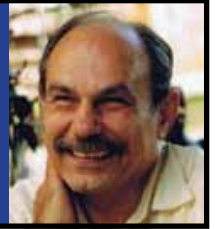
شناسایی توانمندی‌های جنسی زن و مرد، آشنایی با بیولوژی بدن زن و مرد، ارائه راه‌های قابل اجرا در مورد مشکلات معمول در روابط جنسی و بالا بردن سطح اطلاعات و آگاهی‌های لازم در مورد روابط زناشویی و... موضوعاتی هستند که در این نوع کارگاه‌ها مطرح می‌شوند. در جلسات کارگاهی این امکان وجود دارد که اعضا درباره مشکلات و تجربه‌هایشان به شکل عمومی حرف بزنند و فیروزه این موضوع را نکته مثبت این دوره‌ها می‌داند: «در دوره قبلی بچه‌ها درباره مشکلات‌شان حرف می‌زدند و جو کلاس خیلی صمیمی بود. همین فضا باعث شکسته شدن خیلی از تابوها می‌شد. دوستان من در آن دوره می‌گفتند که انتظارات‌شان از خودشان و شریک جنسی‌شان کاملاً تغییر کرده است. بعضی‌ها حتی فهمیده بودند که خودشان نبودند که مشکل داشتند، این طرف مقابل بوده که مشکل داشته است.»

مق‌ناگذشتنی یک زن امروزی

موسسه‌هایی هم هستند که دوره‌های مشابهی را برای مردان برگزار می‌کنند، اما استقبال مردان از این دوره‌ها به اندازه زنان نیست و حتی چندماه طول می‌کشد تا دوره‌ها به حد نصاب برسند. در مقایسه با مردان، زنان با وجود موانع ذهنی و فرهنگی فراوانی که دارند، در مواجهه با آگاهی‌های جنسی انعطاف‌پذیرترند و در صورت شناخت حقوق جنسی‌شان، آن را جدی‌تر پی می‌گیرند.

پونه، ۳۱ ساله است و هفت سال از زندگی زناشویی‌اش می‌گذرد. برخلاف فیروزه این همسر پونه است که دچار مشکلات جنسی است، اما او به هیچ وجه زیر بار مشکلاتش نمی‌رود و حاضر نیست برای درمان به پزشک مراجعه کند. پونه می‌گوید: «من تا الان هم خیلی فداکاری کرده‌ام و فکر نمی‌کنم بتوانم بیشتر از این به شرایط فعلی ادامه بدهم. هرچند خیلی از زنها روی خواسته‌های جنسی‌شان سرپوش می‌گذارند، اما من از آنها نیستم. اگر همسر حاضر بود درمانش را پیگیری کند، حتماً کنارش می‌ماندم، اما در جامعه ما مردها اصلاً قبول نمی‌کنند که مشکل دارند.

خیلی قدیم های تهران

بخش چهارم
عباس پناهی

تا دو روز از بوی نفت، خلاصی نداشتیم و حمامی هم در دسترس نبود که بلافاصله خود را شستشو دهیم. تازه مجبور بودیم که به بقالی بر گردیم و دو باره نفت تهیه کنیم. اغلب، بعلت آنکه بقال، پیمانہ یک لیتری نفت را در بشکه فرو میبرد و پُر میکرد، مقداری نفت بصورت قطره میچسبید و به دست بقال میخورد و دستش بوی نفت میگرفت و پس از آن، دست به هر چیزی که میزد آنرا هم به بوی نفت آلوده مینمود و این بود که پنیمران بوی نفت میداد و حلوا آمده و خوراکی هایی که از بقال خریدہ بودیم همه طعم نفت داشتند.

برای گرمای خانه، در تابستان، مردم از ذغال فروشی ها که مکانهای بسیار بزرگی بودند، که پُر از ذغال بصورت انبوه میشدند، ذغال را با سه درجه از ریزی و درشتی میخریدند و یا آنکه سر هم میخریدند و توسط الاغها به خانه میبردند و در خانه، آنها را سَرَد (غریبال) میکردند. ذغالهای درشت را برای آتش کردن اولیه کنار میگذاشتند و سپس با سَرَد یا الکی ریز تر، ذغالهای بسیار ریز را از ذغالهای نسبتاً بزرگتر جدا مینمودند. ذغالهای بسیار ریز را خاکه ذغال میگفتند و آنرا در ظرفهای فلزی بزرگی مانند طشتها میریختند و با آب، خمیری میساختند و گلوله هایی به اندازه کوفته یا انار درشت، درست میکردند و با نظم، در حیاط در زیر آفتاب، میچیدند تا در اثر گرمای آفتاب خشک شوند و پس از خشک شدن، با احتیاط، آنها را که به تعداد روزهای زمستان، و نیمی از پاییز، (معمولاً صد و پنجاه عدد) درست شده بودند، در جعبه هایی قرار میدادند و آن دو نوع ذغال را هم، در گونی های مجزا میریختند و برای زمستان، در انبار میگذاشتند. دنباله مطلب در صفحه ۲۲

و خاک رُس و آهک را با هم مخلوط کنند و گلی بسازند و پس از لگد کوب کردن درست و حسابی، سطح زمین را هموار و صاف کنند. یکی دو روز موانعی در کوچه میگذاشتند که کسی پایش را بداخل آن گل و آهک که به آن شفته گفته میشد نگذارد تا سفت شود. این شفته خوبی ای که داشت آن بود که اگر نه باندازه سیمان، اما هرچه آب میخورد محکمتر میشد و تنها زمینهایی که در زمستان چاله چوله نمیشد و کسی از رهگذران لیز نمیخورد، همین محل هایی بودند که شفته داشتند. چون توزیع نفت در ایران بسیار مشکل بود و انگلیس ها که مالک اصلی نفت مابودند، رغبتی به اینکه از آن همه نفت، مردم خود ایران هم سهمی ببرند نداشتند و دولت ایران هم که سالهای جنگ را تازه پشت سر گذاشته بود و در کمال افلاس و فقر بسر میبرد، با توان مالی بسیار کم، تا میتوانست با کامیونهای، نفت سفید را در پالایشگاه، از انگلیس میخرد و به تهران و چند شهر بزرگ میفرستاد تا حد اقل، برای روشنایی، مقداری نفت در مخزن چراغهای گرد سوز، که لوله ای شیشه ای بر سرش قرار میگرفت و یا چراغ زنبوری ها بریزند. این نفت ها در بشکه ای که در بقالی ها بود بدست مردم میرسید. یعنی از بقالی ماست و پنیر و تخم مرغ و نخود و لوبیا و روغن و سرکه شیره و نفت و حلوا ارده را باهم تهیه میکردیم. هر خانه ای یک پیت نفت داشت که اصولاً گنجایش چهار لیتر نفت را داشت و یک لوله کوتاه هم در بالای آن برای ریختن نفت به چراغ تعبیه شده بود. بسیار وقت ها میشد که وقتی با پیت پُر از نفت بر میگشتیم، پیمان در یکی از آن چاله ها لیز بخورد و با پیت نفت سرنگون شویم و نفت به سرو رویمان بریزد و دیگر

ای از او مشورت و کمک فکری میگرفتند. حتی گلی خاله که قابله محله بود و بیشتر بچه های محل ما توسط گلی خاله بدینا آمده بودند و در هر زایمانی، و بیبایستی دو رکن اصلی امور زنان، یعنی (گلی خاله) و (خاله خانم) حضور داشته باشند.

در زمستان، بعلت بارش باران و برف، زمینها گل میشدند و آنها در چاله های متعدد کوچه ها، جمع میگردند و هنگام عبور از کوچه ها،

مدام پیمان لیز میخورد و در داخل چاله ها میافتادیم و لباسهایمان خیس و گلی میشدند و کفشهایمان هم پر از آبهای گل آلود میگرددید و هنگام راه رفتن از کفشهایمان صدای لاف، لاف، لاف در میآمد و چون آن

آبها، از ذوب برفها حاصل میشدند، بسیار سرد و درد آور بودند. برای زمستان نوعی کفش بود که با لاستیک ساخته میشد که به آن گالش میگفتند. بعضی از گالش ها را هم ساق بلند میساختند که به آنها هم چکمه میگفتیم. حُسن این گالش ها ضد آب بودنشان بود و داخلشان خیس نمیشد. اما در سرما، بشدت سرما را بداخل هدایت میکردند که برای گرم نگه داشتن نسبی پا، روزنامه های باطله را مجاله میکردیم و در دور و اطراف و زیر پا قرار میدادیم تا سرما، کمتر به پیمان برسد. اما اگر هوای بیرون گرم میشد، گالش ها به همان نسبت، گرما را به داخل منتقل مینمودند و پا بسرعت عرق میکرد و در داخل لاستیک، بوی بدی میگرفت و روزنامه ها هم خیس و مزاحم میشدند.

بعضی از صاحب خانه ها که نسبتاً وسعشان میرسید، برای محکم کردن و تسطیح سطح کوچه ای که در حریم خانه شان بود، چند بار الاغ، خاک رُس و چند بار الاغ، آهک میخریدند و کارگران را وامیداشتند تا عمق بیست سانتی متر زمین جلو خانه را با بیل و کلنگ شخم بزنند و پس از آن، خاک زمین

...خاله خانم زندگیش را با همان مبالغ کمی که از ما بچه ها دریافت میکرد میگذرانید که شامل خورد و خوراک و پوشاک و وسایل گرمایی و پول اجاره بهای یک اتاق که در آن، هم، زندگی میکرد و هم، مکتب داری. زنان محله، برای آنکه زندگی خاله خانم لنگ نشود، خود را موظف میدانستند که بچه هایشانرا به مکتبش بفرستند تا به آن طریق، پول حلالی را بدستش رسانده

باشند. او در عین فقر، زن با عزتی بود که هرگز پولی بنام صدقه را نمیپذیرفت. تنها هدایایی را قبول میکرد که بهانه درستی برایش موجود باشد. و این بهانه تنها وقتی میسر میشد که اتفاقی برای درس خواندن ما افتاده باشد. مثلاً

هربار که سی جزء قران را به ما تعلیم میداد و ما آن سوره ها را به هر اندازه که میتوانستیم، میخواندیم، مراسمی را به عنوان پایان دوره عمه جزء، برپا میکردند و مادران بچه ها، به همین بهانه، برای خاله خانم یک کله قند و چند متر پارچه و نیز یک جفت کفش و بقول خودش (اروسی) میخریدند و همه را در یک بقچه زربفت میگذاشتند و بعنوان قدر شناسی از استادی که راه ثواب آخرت را به بچه هایشان نشان داده تقدیم میکردند. و خاله خانم هم در این حالت، بسیار مسرور و سرفراز بود که کاری ثواب در حق فرزندان آن مادران کرده، آن هدایا را میپذیرفت. و دوباره، تعلیم عمه جزء از سر شروع میشد و در این بده بستانها، ما بچه ها بودیم که باز عزا میگرفتیم که باری دیگر باید به ضرب ترکه های خاله خانم، آن سوره ها را از نو، از بر کنیم....

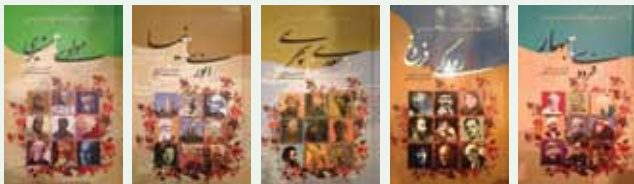
ناگفته نماند که خاله خانم با همه بد خلقی های سر مکتبخانه اش، بیرون از مکتب، زنی مردم دار و شریف بود و به علت سن و سال زیادش نسبت به همه اهل محل، دارای احترام زیاد و نیز نسبت به همه زنان محل، عاقل تر بود که زنان محله، در هر زمینه



سیروسفری در گلستان ادب پارسی

گردآوری و نگارش مهندس پرویز نظامی

مجموعه کتاب در هفت جلد مشتمل بر شرح حال-تحلیل و معرفی آثار و گلچینی از زیباترین اشعار شاعران-عارفان و عالمان ایران در یکپارزدویست سال اخیر



قیمت هر جلد بیست دلار

تلفن سفارش و خرید

(۵۱۶)۲۰۸-۷۷۸۷

parviznezami@yahoo.com

میرزا کوچک خان و قیام جنگل

(به مناسبت دوم دسامبر سالروز درگذشت او)

سابقه

میرزا یونس معروف به میرزا کوچک فرزند میرزا بزرگ، اهل رشت، در سال ۱۲۵۹ شمسی دیده به جهان گشود. سال های نخست عمر را در مدرسه حاجی حسن واقع در صالح آباد رشت و مدرسه جامعه آن شهر به آموختن مقدمات علوم دینی سپری کرد. در سال ۱۲۸۶ شمسی، در گیلان به صفوف آزادی خواهان پیوست و برای سرکوبی محمدعلی شاه روانه تهران شد.

هم زمان با اوج گیری نهضت مشروطه در تهران، شماری از آزادی خواهان رشت کانونی به نام "مجلس اتحاد" تشکیل دادند و افرادی به عنوان فدایی گرد آوردند. میرزا کوچک خان که در آن دوران یک طلبه بود و افکار آزادی خواهانه داشت به مجلس اتحاد پیوست. در سال ۱۲۸۹ شمسی، در نبرد با نیروی طرفدار محمد علی شاه در ترکمن صحرا شرکت داشت و در این نبرد زخمی و چندی در بادکوبه در بیمارستان بستری گردید. در سال ۱۲۹۴ شمسی، به جای "مجلس اتحاد"، "هیأت اتحاد اسلام" مرکب از یک گروه هفده نفری در رشت تشکیل گردید. بیشتر افراد این گروه روحانی بودند. میرزا کوچک خان عضو مؤثر آن بود. این هیأت هدف خود را خدمت به اسلام و ایران اعلام کرد و به زودی میرزا کوچک خان رهبری هیأت را بر عهده گرفت. پس از اشغال نواحی شمالی ایران از سوی روسیه تزاری، هیأت اتحاد اسلام به مبارزه با ارتش تزاری پرداخت و یک گروه مسلح به عنوان فدایی تشکیل داد و روستای کسما را در ناحیه فومن مرکز کار خود قرار داد و در آن جا سازمان اداری و نظامی به وجود آورد. این هیأت پس از چندی به کمیته اتحاد اسلام تبدیل شد و اعضای آن به ۲۷ نفر افزایش یافت و رهبری کمیته را میرزا به عهده گرفت و تا پایان سال ۱۲۹۶ شمسی بخش وسیعی از گیلان و قسمتی از مازندران، طارم، آستارا، طالش، کجور و تنکابن زیر نفوذ کمیته درآمد. این کمیته "نهضت جنگل" و "حزب جنگل" نامیده شد.

فعالیت های نظامی نهضت جنگل

در فروردین ۱۲۹۷، فداییان نهضت جنگل پس از چند درگیری با نیروهای انگلیسی مواضع مهم راه رشت - منجیل را در اختیار خود گرفتند. در خرداد ۱۲۹۷، "کلنل پیچرا خوف" افسر روسی که قصد بازگشت از ایران را داشت با "ژنرال دانسترویل" انگلیسی که او نیز می خواست از طریق

انزلی به بادکوبه برود هم پیمان شدند و نیروهای روسی در منجیل با مبارزان کمیته اتحاد به نبرد پرداختند، در حالی که زره پوش ها و هواپیماهای انگلیس هم به حرکت درآمدند. پیچراخوف راه منجیل تا رشت و انزلی را گشود و پس از گشوده شدن این راه، نیروهای انگلیسی در دو طرف راه مستقر شدند. در این میان نیروی کمیته اتحاد رشت را تصرف کرد، اما پس از ده روز نیروهای انگلیسی به کمک زره پوش ها و هواپیماها رشت را تسخیر نمودند. در ۲۷ مرداد ۱۲۹۷،

میان نمایندگان کمیته اتحاد اسلام با نمایندگان انگلیس در رشت قرارداد امضا شد. امضای این قرارداد چنان اختلاف نظر پدید آورد که میرزا کوچک خان به ناچار انحلال کمیته اتحاد اسلام را اعلام

تسلیم کند و اگر موفق شد یا نشد خود را پس از ده روز معرفی نماید. اما دکتر حشمت پس از بازگشت به لاهیجان دچار تردید شد و چون بازگشت او به تأخیر افتاد، یک گردان مأمور دستگیری او شد. او با گردان دولتی درگیر و شماری از افراد "نظام ملی" کشته شدند و دکتر حشمت دستگیر و در دادگاه نظامی در ۴ اردیبهشت ۱۲۹۸ محکوم به اعدام شد.

نهضت جنگل و بهران انقلاب اکتبر روسیه
مبارزان جنگل در دوران تزارها قیام خود را آغاز و به مخالفت با آنان پرداختند، اما در آغاز پیروزی انقلاب اکتبر، روابط این مبارزان با روس ها حسنه شد. پس از چندی روس ها سیاست خود را تغییر دادند و از حمایت نهضت جنگل دست کشیدند



داشت و کمیته انقلابی گیلان را تشکیل داد. شماری از سران کمیته اتحاد اسلام کناره گیری کردند و شماری از افراد تندرو در کمیته انقلابی گیلان عضویت یافتند. برای از بین بردن نهضت جنگل، وثوق الدوله در بهمن ۱۲۹۷، به وسیله سید محمد تدین پیام صلحی برای کوچک خان رهبر نهضت فرستاد و از او خواست که نیروی مسلح خود را در اختیار دولت قرار دهد. میرزا نپذیرفت. وثوق الدوله در ۱۸ اسفند ۱۲۹۷ تیمور تاش را با اختیارات تام به استانداری گیلان فرستاد و در خرداد ۱۲۹۸ کلنل استاروسلسکی فرمانده نیروی قزاق با اختیارات تام، مأمور سرکوب نهضت گیلان شد. در عملیات تسخیر رشت، توپخانه و هواپیماهای نظامی انگلیس هم شرکت داشتند. پیش از حمله کلنل تکاچینکف از تهران نامه تأمین برای میرزا نوشتند، ولی میرزا نپذیرفت و پس از درگیری های فراوان عده ای از سران نهضت از جمله دکتر حشمت که پزشک بود و به واسطه خدمات پزشکی محبوبیت بسیاری در لاهیجان کسب کرده بود و در آن جا یک گروه چند صد نفری به نام "نظام ملی" گرد آورده بود، تسلیم نیروی دولتی در رشت شد. نیروهای دولتی تصمیم گرفتند، او را به واسطه نزدیک بودن به میرزا آزاد کنند تا او میرزا را ترغیب به

دو- حکومت موقت جمهوری حفاظت جان و مال عموم اهالی را به عهده می گیرد. سه- هر نوع معاهده و قرارداد قدیم و جدید را با هر دولتی لغو و باطل می شناسد.

چهار- حکومت موقت جمهوری همه اقوام بشر را یکی دانسته و تساوی حقوق درباره آنان قائل است و حفظ شعائر اسلامی را از فرایض می داند.

کودتای مزب عدالت

پس از ورود ارتش سرخ به ایران، چند تن از اعضای حزب کمونیستی عدالت باکو نیز از روسیه وارد گیلان شدند. این افراد در رشت دست به تشکیل حزبی به نام "عدالت" زدند و رفته رفته، ضمن برگزاری اجتماعات و سخنرانی ها، عملاً موارد توافق شده میان مبارزان جنگل و روس ها را زیر پا گذاشتند و تبلیغاتی را علیه میرزا آغاز کردند. میرزا در تیر ۱۲۹۹ معترضانه رشت را ترک کرد و اعلام داشت تا زمانی که حزب عدالت از کارهای خلاف و حمله به اسلام و تبلیغ کمونیسم دست بردارد به رشت باز نخواهد گشت. به دنبال این حادثه اعضای حزب عدالت که بعضی از آنان همچون احسان الله خان و خالو قربان قبلا از دوستان نزدیک میرزا بودند، درصدد بر آمدند دست به کودتایی بزنند که طرح آن را قبلا ریخته بودند. نقشه کودتا چنین بود که میرزا یا باید کشته شود و یا دستگیر و از رهبری انقلاب کنار رود. میرزا که تا حدی از هدف اعضای حزب و نقشه آنان مطلع شده بود، به جنگل رفت و در این درگیری ها بسیاری از یاران او دستگیر یا کشته شدند.

شکست نهضت و شهادت

میرزا کوچک خان جنگلی

پس از تسلیم خالو قربان، نیروهای دولتی وارد رشت شدند و چون مذاکرات صلح با افراد جنگل به نتیجه نرسید، نیروهای دولتی به تعقیب آنان پرداختند. برخی از نیروها متفرق، برخی تسلیم و تعدادی نیز کشته شدند. با چنین وضع سخت و دردناکی میرزا در سرمای شدید زمستان از همسرش خداحافظی کرد و در اعماق جنگل عقب نشست تا بتواند نیروهای پراکنده را در فرصت مناسب جمع آوری و سازماندهی کند. اما در اثر سرما مرگ به سراغش آمد. روزنامه جنگل ارگان نهضت درباره هدف نهضت چنین نوشته است: "ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم. استقلال به تمام معنای کلمه، یعنی بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی، [و طرفدار] اصلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلاتی دولتی، که هر چه بر سرایران آمده از فساد تشکیلات است. ما طرفدار یگانگی عموم مسلمانانیم.

چرا باید اینقدر پیچیده باشد، منکه کاری نکرده بودم و اگر مادرم هم از رفتن من خبر داشت دیگر لباس مردانه پوشیدن من مشکلی نبود. در راه وقتی سوری نگرانی و شک و تردید مرا نسبت به خودش دیدگفت: دختر جان زیاد نگران نباش. غلام کارش را خوب می داند و تا ترا به جایی که می خواهی نرساند راحت نخواهد نشست.

پرسیدم: غلام کی و چکاره است؟

- غلام مدتها با پدر تو هم رزم بود

و زمانی که پدرت کشته می شود غلام هم از حزب کناره می گیرد و به پدرت قول داده بود در صورتی که برای او اتفاقی بیافتد از تو و مادرت حفاظت کند، زیرا پدرت بیم این را داشت که جمهوری اسلامی با شناسائی او به سراغ تو و مادرت بیایند که خوشبختانه پدرت که از دوستان بسیار صمیمی دکتر قاسم لو بود به مجرد زخمی شدن او را از میدان کارزار بیرون می برند که



بدست ارتش های پادگاه سندانج نیافتد و این بود که تو و مادرت شناسائی نشدید. پرسیدم: شما چه نسبتی با غلام دارید و مرا چگونه می شناسید؟

سوری جواب داد: غلام برادر من است و در غیاب او من باید این وظیفه را به آخر برسانم یعنی تا زمانی که تو و مادر سر و سامانی بگیری. خوب الحمدالله وقتی مادرت شوهر کرد ما قدری خیالمان راحت شد تا آن اتفاق افتاد. همان موقع مادرت غلام را خبر می کند و قضیه را برای غلام شرح می دهد. غلام به مادرت میگوید به مامورین بگوید که ناپدری تو مشغول پاک کردن اسلحه بوده و بدون اینکه بداند اسلحه پر است آن اتفاق می افتد. ماموران این داستان را قبول می کنند و چون مملکت در حال جنگ با عراق بود دیگر پیگیری ماجرا نمی شوند.

دنباله داستان در ماه آینده

که در اتوبوس پهلوی من نشسته بود. گنج شده بودم و نمی دانستم آنها چکار می خواهند بکنند و چرا به من کمک می کنند. فقط مجبور بودم که در آن موقعیت هرچه می گویند گوش کنم.

هنوز از منزل خارج نشده بودیم که سر و کله راننده و دوتا مامور پیدا شد. غلام بدون اینکه مامورین متوجه او شوند سریع خود را در زاویه درب پنهان کرد و سوری در حالیکه دست مرا گرفته بود بدون اعتنا خیلی عادی و طبیعی به همان

طرفی که ماموران میآمدند حرکت کرد و در حالیکه از پهلوی آنها می گذشت سلامی داد و بایکی از آنها حال و احوال پرسی کرد. مامور که سوری را می شناخت از او پرسید که کسی را با یک پسر جوان دیده است یا نه و سوری به علامت نفی سرش را تکان داد و پرسید: غریبه بودند؟

مامور گفت: نه شاید از اهالی سندانج بودند. سپس سوری در حالیکه دست مرا می کشید از آنها تشکر کرد و براه افتاد. منکه دل تو دلم نبود به دنبال او راه افتادم. بعد از چند کوچه ای که رفتیم غلام خودش را به ما رسانید و گفت: سوری خانم من باید برگردم سندانج چون ماموران مرا شناسایی کرده اند و ممکن است تو راه دچار دردسر شویم تو گل نم را به تهران ببر بعدا من خواهم آمد. هنوز به درستی نمی دانستم که جریان

چمدان را فراموش کن، راننده دارد با پاسدارها صحبت می کند. هر دو شروع به دویدن در کوچه باغهای آبادی کردیم. پیرمرد مرا به در منزلی برد. در زد خانمی در را باز کرد و مرد مرا به داخل راند و خود بدنالم وارد شد و گفت: این دختر را یک لباس درست و حساسی به پوشان و بزک کن و خودت هم راه بیفت بریم. زن نگاهی به من انداخت و گفت: این پسر و یا دختری؟ پیرمرد گفت: فعلا وقت حرف زدن نیست. عجله کنید، دیر می شود، الان پاسدارها میان زن که اسمش سوری بود مرا به اتاقی راهنمایی کرد و از کمد یک دست لباس بلند و شلوار و روسری بیرون آورد و به من گفت که کمی هم صورتت را آرایش کن. انگشتری هم به دستم کرد و بعد پرسید: اسمت چیه؟

-اسم من گل نم است.

-گل نم تو تا زمانی که امنیت پیدا نکردی ظاهرا زن غلام هستی. هرچه می گوید گوش کن و به او اطمینان داشته باش.

-غلام کیه؟

در این موقع غلام وارد شد. گفت: حاضرید برویم؟! و رو به سوری کرد و پرسید: همه چیز را به او گفتی؟ سوری پاسخ داد که بله. تازه فهمیدم غلام همان پیرمردی است

گل نم

شیدوش باستانی

داستان دنباله دار



مقدمه: همراه با تشکر و قدردانی تقدیم به دوست زیبا و نازنینم گل نم. ۱۶ سال طول کشید تا توانستم گل نم را پیدا کنم و از او اجازه بگیرم تا داستان زندگی را همانگونه که بود به رشته تحریر درآورم. در این سرگذشت نویسنده از هر نوع تشابه اسمی و استراتژی رزمی و منطقه ای و یا اشتباهات تاریخی خود را معذور میدانم. سننا پارابرا- کالیفرنیا

...گل نم سکوت کرد و بفکر فرو رفت.

من با اینکه سخت علاقه به شنیدن دنباله داستان داشتم سکوت او را محترم شمردم و چیزی نگفتم می دانستم که دارد خاطراتش را مرتب می کند. بعد از چند دقیقه سکوت ادامه داد: اتوبوس به ایستگاه بعدی که یک آبادی کوچکی بود رسید و توقف کرد. کمک راننده با صدای بلندی به مسافری گفت: کسی پیاده نشود، فقط اون آقا پسر پیاده شود تا بره و بلیط بخره و تیزی برگردد و سپس اشاره ای به من کرد و گفت: برو ببینم چکار می کنی؟

پیرمرد از جای بلند شد و به من اشاره کرد که همراهش بروم، کمک راننده داد زد که آهای آقا کجا؟ گفتم کسی از جاش بلند نشه.

پیرمرد گفت میرویم بلیط بخیریم دیگه. کمک راننده گفت فقط اون آقا پسر بره!! پیرمرد اعتنائی نکرد و دست من را گرفت و از اتوبوس پیاده شدیم و بطرف گیشه بلیط فروشی رفتیم. راننده نیز با ما پیاده شده و به سمت دیگر ایستگاه رفت. در این موقع پیرمرد بجای اینکه به گیشه بلیط فروشی مراجعه نماید راهش را کج کرد و به من گفت: عجله کن که باید از اینجا فرار کنیم. گفتم آخه چمدانم... در حالیکه دستم را می کشید گفت: حالا

کلوب تخته نرد در
شهر سن حوزه

هر پنجشنبه از ساعت
۱۱ صبح الی ۱ بعد از ظهر

Vineland
Branch Library

تلفن اطلاعات

(408) 808-3000

1450 Blossom Hill Rd.
San Jose, CA



آرزو دارم روزی این حقیقت به واقعیت مبدل شود
که همه ی انسانها برابرند. (مارتین لوتر کینگ)

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

مناظره سوزن و نخ

در دست بانویی به نخ می گفت سوزنی
 کای هرزه گرد بی سر و بی پا چه می کنی
 ما می رویم تا که بدوزیم پاره ای
 هر جا که می رسیم تو با ما چه می کنی
 خندید نخ که ما همه جا با تو هم رهیم
 بنگر به روز تجربه تنها چه می کنی
 هر پارگی به همت من می شود درست
 پنهان چنین حکایت پیدا چه می کنی
 در راه خویشتن، اثر پای ما بین
 ما را ز خط خویش مجزا چه می کنی
 تو پای بند ظاهر کار خودی و بس
 پرسندت از ز مقصد و معنی چه می کنی
 گر یک شبی ز چشم تو خود را نماند
 چون روز روشن است که فردا چه می کنی
 جانی که هست سوزن و آماده نیست نخ
 با این گزاف و لاف در آنجا چه می کنی
 خود بین چنان شدی که ندیدی مرا بچشم
 پیش هزار دیده بپوش چه می کنی
 پندار من ضعیفم و ناچیز و ناتوان
 بی اتحاد من تو توانا چه می کنی
 پروین اعتصامی

مهتاب شبانگاه

دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم
 این درد نمان سوز نهفتن نتوانم
 تو گرم سخن گفتن و از جام نگاهت
 من مست چنانم که شنفتن نتوانم
 شادم به خیال تو چو مهتاب شبانگاه
 گر دامن وصل تو گرفتن نتوانم
 چون پر تو ماه آیم و چون سایه دیوار
 گامی به سر کوی تو رفتن نتوانم
 دور از تو من سوخته در دامن شبها
 چون شمع سحر یک مژه خفتن نتوانم
 فریاد ز بی مهریت ای گل که در این باغ
 چون غنچه پاییز شکفتن نتوانم
 ای چشم سخنگوی تو بشنو ز نگاهم
 دارم سخنی با تو و گفتن نتوانم
 دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی

جوونی هم بهاری بود و بگذشت
 به ما یک اعتباری بود و بگذشت
 میون ما و تو یک الفتی بود
 که آن هم نوبهاری بود و بگذشت
 باباطاهر

تک بیتی هایی از صائب تبریزی

(شاعر عصر صفوی، صدر نشین سبک هندی)
 اظهار عشق را به زبان احتیاج نیست
 چندان که شد ننگه به ننگه آشناس است

مخندای نوجوان زینهار بر موی سفید من
 که این برف پریشان بر سر هر بام می بارد

عالم تمام یک گل بی خار می شود
 دل را اگر ز کینه مصفا کند کسی

معیار دوستان دغل، روز حاجت است
 قرضی به رسم تجربه از دوستان طلب

ریشه ی نخل کهن سال از جوان افزون تر است
 بیشتر دل بستگی باشد به دنیا پیر را

من از بی قدری خار سر دیوار دانستم
 که ناکس ، کس نمی گردد بدین بالا نشینی ها

بزرگ اوست که بر خاک همچوسایه ابر
 چنان رود که دل موررا نیازارد

خنده رسوا می نماید، پسته بی مغز را
 چون نداری مایه، از لاف سخن خاموش باش

چون خطایی از تو سر زد، در پشیمانی گریز
 کز خطا نادم نگردیدن، خطای دیگر است

چون وا نمی کنی گره ای خود گره مباش
 ابرو گشاده باش اگر دست گشاده نیست

غزلی از سعدی

پیش ما رسم شکستن نبود عهد وفا را
 الله الله تو فراموش مکن صحبت ما را
 قیمت عشق نداند قدم صدق ندارد
 سست عهدی که تحمل نکند بار جفا را
 گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی
 دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را
 گر سرم می رود از عهد تو سر باز نیچم
 تا بگویند پس از من که به سر برد وفا را
 خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید
 دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را
 باور از مات نباشد تو در آینه ننگه کن
 تا بدانی که چه بودست گرفتار بلا را
 سر انگشت تحیر بگزد عقل به دندان
 چون تأمل کند این صورت انگشت نما را
 همه را دیده به رویت نگران ست ولیکن
 خود پرستان ز حقیقت شناسند هوا را
 مهربانی ز من آموز و گرم عمر نماند
 به سر تربت سعدی بطلب مهرگیا را

«بارو»

دریغانی..
 پیوند دستی
 با دستی
 عشق را
 می سازد
 و پیوستن خشتی
 با خشتی
 خانه را،
 یگانه ام .. اکنون ،
 این دستان من
 دستان تو کجاست؟
 دریغاً....
 دریغ
 منوچهر کوهن، ۱۳۷۱ تهران

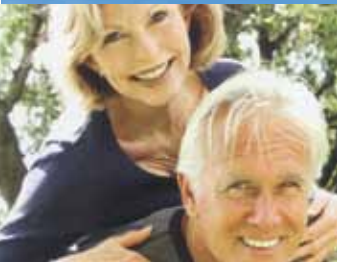


Protecting our communities one home at a time.

1-888-298-9274



Health Response Systems



Living independently doesn't mean you're alone. Help is here with the ADT Companion Services Personal Emergency Response Systems.

Shop Now



From burglary & fire monitoring to complete home automation, we have an ADT Home Security package that is right for you.

ADT Pulse Remote Security



From almost anywhere, you can have the power to arm and disarm your home - it's home automation, climate and light control, and video.

piece of mind



ADT award winning home security offers your home 24-hour security monitoring for burglary, fire, carbon monoxide and more.

Video Surveillance



Keep an eye on what matters most, whether you're there or on-the-go. With home video surveillance, you can have peace of mind.

Help protect your home and family with a monitored alarm system. 24 hours a day, every day.

- ✓ Wireless Keypad
- ✓ Three Points of Protection
- ✓ Pet Sensitive Motion Detector
- ✓ Loud High Decibel Siren
- ✓ Yard Sign & Window Decal
- ✓ Lifetime Warranty

«خود کم بین ها» و مشکلات روانی شان

یکی از عوامل اساسی انحرافات روان و شخصیت انسان، «عقده حقارت» یا خود کم بینی است. عقده حقارت به حالت سرکوفتگی و افسردگی همراه با کینه توزی که به سبب ناکامی و تحمل رنج و خفت و حقارت پدید می آید، تعریف شده است. «احساس حقارت» داشتن، همان طور که از کلمه دومش بر می آید، یعنی اینکه یک نفر حس کند در برابر دیگران کوچک است و خودش را دست کم بگیرد. البته همان طور که از کلمه اولش هم بر می آید، نشان از این دارد که این «خودکم بینی» چندان ربطی به واقعیت ندارد و بیشتر باور و حس یک آدم است نسبت به خودش. در واقع اگر انسان نفس خود را عزت بخشد، همان نفس با عزت را نیز خواهد یافت. «عقده حقارت» دارای ماهیت فطری نبوده و اختصاص به طبقه یا قشر معینی ندارد، بلکه عارضه ای است که علل پیدایش آن را باید در تربیت و پرورش اولیه فرد و روابط و مناسبات متقابل او با محیط در دوران کودکی تا بلوغ جست وجو کرد. مثل تبعیض، نازپروردگی، نقص عضو، عدم ارزش گذاری های خانواده برای شخص، عدم مسئولیت دادن و... از علل دیگر می توان گزینه های زیر را نام برد.

بی احترامی به دیگران

آدم هایی که برای خودشان احترام قائل نیستند، به دیگران هم احترام نمی گذارند، آنها فکر می کنند چون خودشان، خودشان

به همین خاطر سعی می کنند تا جایی که می شود، توی چشم نباشند و با کسی دهان به دهان نشوند تا ضعف خیالی شان مشخص نشود. رقابت گریزی آدم های خود کم بین با اینکه دلشان می خواهد همیشه برنده شوند، سعی می کنند تا جایی که می توانند وارد هیچ رقابتی نشوند. آنها خودشان فکر می کنند که بازنده خواهند بود و بازندگی هم یک فاجعه دیگر است! باید خودتان دست به کار شوید، باید خودتان را



را قبول ندارند، پس نباید کس دیگری را هم قبول داشت. آنها کوچک ترین مشکل دیگران را چنان به رخ شان می کشند که آنها تحقیر شوند.

دهن بینی

همان قدر که آدم های دارای عزت نفس بالا خودمختار هستند، برعکس، آدم های خودکم بین با کوچک ترین توصیه دیگران، یک دفعه مسیر زندگی شان را عوض می کنند. کافی است که به این آدم ها بگویید لباس شان زشت است، دیگر عمراً فرد آن لباس را نتشان ببینید. اگر دقت کنید، می بینید که احساس حقارت، یا خودش را با انتقاد ناپذیری شدید نشان می دهد یا انتقاد پذیری شدید!

انزوا

کسانی که احساس حقارت دارند، فکر می کنند دیگران هم مثل خودشان، آنها را غیرجذاب، خنگ و خسته کننده می دانند.

باور کنید. در تمام شرایط باید خودتان باشید. خود خودتان.

انتقادناپذیری

یکی از علت هایی که آدم ها انتقاد پذیر نیستند، همین است که آنها هر نوع انتقاد سازنده یا ناسازنده ای را دشمنی تلقی می کنند. خودکم بین ها دوست ندارند کسی ناتوانی های آنها را گوشزد کند.

توهم توطئه

کسانی که برای خودشان ارزشی قائل نیستند، فکر می کنند که همیشه دشمن های فرضی ای نشسته اند در فکر دسیسه تا آنها را از هر جایی که هستند پایین بکشند. در واقع این آدم ها این جوری خودشان به عوامل بیرونی نسبت دهند تا حقارت خودشان، البته توهم توطئه در شکل شدیدش یک بیماری روانی است و باید درمان شود. بنابراین برای آن که بتوان با «عقده حقارت»، به سازشی منطقی رسید یا



وجود، خودتان را بپذیرید. حتماً می پرسید چگونه می توانم چنین کار مهمی را انجام دهم. مکانیزم باور خود، عزت نفس است. برای اینکه خودمان را باور کنیم باید عزت نفس را در درون خودمان افزایش دهیم. عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن؛ این حس از مجموعه افکار، احساسات، عواطف و تجربیات ما در طول زندگی ناشی می شود.

می اندیشیم که فردی با هوش یا کودن هستیم، احساس می کنیم که شخصی منفور یا دوست داشتنی هستیم، مورد قبول و اطمینان هستیم یا خیر؟ خود را دوست داریم یا نداریم؟ همانطور که ملاحظه می کنید، مولفه های عزت نفس گسترده و پیچیده است. مجموعه این برداشت ها و ارزیابی ها و تجاربی که از خویش داریم باعث می شود که نسبت به خود احساس خوشایند یا ارزشمند بودن، یا بر عکس احساس ناخوشایند بی کفایتی داشته باشیم؛ لازم به ذکر است که اعتماد به نفس و در یک کلام تمام ویژگی های مثبت فرد، برآیند عزت نفس بشمار می آید. یعنی از عزت نفس ناشی می شود.

ادامه مطلب میرزا کوچک خان ... از صفحه ۳۸

این است نظریات ما که تمام ایرانیان را دعوت به هم صدایی کرده، خواستار مساعدتیم." رهبر نهضت جنگل در ابتدا روحانی و مرد دین بود و انقلاب جنگل و همه مظاهر آن را از دریچه اندیشه های سیاسی که از اسلام آموخته بود می نگریست. او یک پاره دست به قیام مسلحانه نزد، همه راه ها را آزمود و پس از یأس وارد عمل شد و مردانه پا به صحنه کارزار نهاد. او شاهد به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط محمد علی شاه و تحصن علما در سفارت عثمانی بود. او به امید نجات مشروطه به مجاهدین پیوست و در فتح قزوین شرکت کرد و با مشاهده اعمال خلاف بعضی از مجاهدین به موطن خود رشت بازگشت، اما بار دیگر به مجاهدین پیوست و در فتح تهران شرکت نمود و با قوای استبداد جنگید.

این است نظریات ما که تمام ایرانیان را دعوت به هم صدایی کرده، خواستار مساعدتیم." رهبر نهضت جنگل در ابتدا روحانی و مرد دین بود و انقلاب جنگل و همه مظاهر آن را از دریچه اندیشه های سیاسی که از اسلام آموخته بود می نگریست. او یک پاره دست به قیام مسلحانه نزد، همه راه ها را آزمود و پس از یأس وارد عمل شد و مردانه پا به صحنه کارزار نهاد. او شاهد به توپ بستن مجلس شورای ملی توسط محمد علی شاه و تحصن علما در سفارت عثمانی بود. او به امید نجات مشروطه به مجاهدین پیوست و در فتح قزوین شرکت کرد و با مشاهده اعمال خلاف بعضی از مجاهدین به موطن خود رشت بازگشت، اما بار دیگر به مجاهدین پیوست و در فتح تهران شرکت نمود و با قوای استبداد جنگید.

وی از مجاهدان مشروطیت و از هواداران

ماهنامه پژواک

۸۶۲۴-۲۲۱ (۴۰۸)



(408) 345-3848

355 Santana Row #1010, San Jose, CA 95128

Blowfish Sushi Presents

**Happy Hour
4-7pm
Everyday**

**Under New
Operations**

**Middle
Eastern
Night**

Every Thursday
11:00pm - 1:30 am
DJ ANO
Top 40 - Hip Hop - Middle Eastern
Epic Music Ent.

**Monday-Friday
Lunch:
11:30am-2:30pm
Dinner:
5:00pm-11:00pm**

**Saturday & Sunday
Lunch:
11:30am-5:00pm
Dinner:
5:00pm-11:00pm**

Blowfishsushi.com - 355 Santana Row, STE 1010 San Jose, Ca 95128 - 408 345 3848

کودکان بی خواب

رایج برای درمان بی خوابی کودکان داروهای ضدافسردگی تجویز می شود. اما چنین درمانی باعث اعتیاد آنها به داروهای دیگر می شود و این معضل حتی می تواند بزرگ تر از مشکل بی خوابی باشد. والدینی که با تجویز دارو برای درمان بی خوابی فرزندشان موافق نیستند می توانند با تغذیه سالم و تغییر شیوه زندگی آنها این مشکل را از میان بردارند.

تغذیه سالم: کمبود مواد معدنی و ویتامین هایی که در زیر ذکر شده باعث بی خوابی فرزند شما می شود: کلسیم: این ماده خاصیت آرام بخشی بر بدن انسان دارد و کمبود آن باعث ناآرامی و ضعف شدید می شود. منیزیوم: این ماده خاصیت ترغیب کنندگی برای خواب دارد.

ویتامین ب ۶ و ب ۱۲: آرام کننده اعصاب است. اینوسیتل: این ماده باعث بهتر شدن خواب می شود.

رژیم غذایی بچه ها متشکل از فست فودها، غذاهای کنسروی و تنقلات است. مواد معدنی و ویتامین ها در جلوگیری از بی خوابی موثرند در حالی که این گونه غذاها فاقد آنها هستند. والدین باید غذاهای تازه و غیر کنسروی را وارد رژیم غذایی کودکانشان کنند مانند غلات تازه. دنباله مطلب در صفحه ۲۰

نمی روند. برخی هم هرگز نمی توانند بخوابند. معمولاً بی خوابی به عنوان یک وضعیت دردناک تنها برای بزرگسالان معرفی شده است. در حالی که بسیاری از کودکان به همان اندازه بزرگسالان از آن رنج می برند. والدینی که در تنظیم خواب فرزندشان ناموفق هستند باید بدانند که این موضوع به خواب رفتن آنها را دچار مشکل می کند. برخی از کودکان ناآرام و لجاجت هستند و دوست

ندارند که والدینشان به آنها بگویند وقت خوابشان است. و از طرفی دیگر والدینی که تا دیر وقت بیدار می مانند و با صدای بلند موزیک گوش می



ممیط خواب: اتاق خواب گرم یا سرد، روشن و یا پر سر و صدا باعث بی خوابی کودک می شود. پوشک مرطوب، لباس خواب نامناسب، تخت خواب غیراستاندارد، ملافه زیر

و به طور کلی یک محیط نامناسب مانع از به خواب رفتن کودک می شود.

والدین و مشکل بی خوابی کودکان: بی خوابی مشکلی است که بسیاری از مردم با آن دست و پنجه نرم می کنند. برخی از مردم به خواب می روند اما در طول شب به طور دائم بیدار می شوند. برخی دیگر تنها پس از چند ساعت خواب بیدار می شوند و دیگر به خواب

بررسی و شناخت علائم بی خوابی در کودکان بسیار دشوار است زیرا الگوهای خواب کودکان براساس سن و طبیعت آنهاست. مشکل به خواب رفتن و بیدار نشدن در طول خواب دو مشخصه مهم در بی خوابی کودکان و متی بزرگسالان است. تا دیر وقت بیدار ماندن، ساعتها در خواب غلت زدن، بیدار شدن های ناگهانی و ناتوانی در دوباره به خواب رفتن نیز از علائم بی خوابی است.

علل بی خوابی در کودکان: علت بی خوابی در کودکان بستگی به محیط، سن و میزان نیاز آنها به خواب دارد.

عادت به کم خوابی: نداشتن زمان خواب منظم، تغییر فعالیت های روزانه، تا دیر وقت بیدار ماندن، عوامل باز دارنده خواب مانند سرگرمی ها، انجام تکالیف مدرسه و فعالیت بیش از حد قبل از خواب، استفاده بیش از حد از نوشیدنی های کافئین دار، خوردن شیرینی ها و غذاهای چرب قبل از خواب و یا حتی مشاخره میان خواهر و برادرها از عواملی است که منجر به بی خوابی کودکان و نوجوانان می شود.

عوامل فیزیکی و عاطفی: سرما، گوش درد، دل درد، دندان درد، آلرژی، آسم، آگزما، شب ادراری، خر و پف با صدای بلند و اختلال تنفسی از جمله عوامل فیزیکی هستند که خواب کودک را مختل می کنند. بی خوابی کودکان همچنین ریشه در مسائل عاطفی مانند اضطراب های

ارتش آمریکا استخدام می کند!

به قدرت صدای خود پی ببرید! "از طریق صدایم، مأموریت من تغییر دادن مسیر تاریخ است."

برای حل و فصل ناسازگاری ها، نجات دادن زندگی و بازسازی یک ملت، به عنوان مترجم با حقوق و مزایای بسیار عالی به ارتش آمریکا بپیوندید!

تسلط شما در زبان فارسی نقشی حیاتی در تداوم تلاشهای نوسازی کشور ما ایفا خواهد کرد. شما می توانید در ارتباط با شغل مترجمی و یا موقعیت های دیگر در ارتش آمریکا، سئوالات خود را با ما مطرح کنید. مسئولین استخدامی ما آماده هستند تا سئوالات شما را در اسرع وقت پاسخ دهند.

Part Time or Full Time. Between the ages of 18 and 41 years old. Total compensation includes Housing, Medical, Dental, Food, Special Pay, Vacation Times and many more.

Earn your *Citizenship* within six to eight months



For more information on the US Army's Linguist Program in your area, please call:

Sergeant Jamie Laurent 650-248-4760

ادامه مطلب بهره‌کشی از زن مهاجر... از صفحه ۱۳

[از این روست که] آنچه ترونک خدمات «عاطفی جنسی» می‌خواند، به طور روزافزون در تشکیلات مدیریتی شرکت‌ها گنجانده می‌شود.

بخش اعظم شرح‌هایی که از کار جنسی ارائه می‌شود بسیار آزاردهنده است، پس دلیل آنکه زنان وارد این کار می‌شوند چیست؟ شمار زیادی از زنان اغفال می‌شوند، کسانی که در کار استخدام زنان هستند از روی فریب می‌گویند که کار مورد نظر برای آنها پیشخدمتی یا کار خانگی است. اما بنا بر استدلال کمپادو ۷ همیشه کار بدین منوال نیست: «کار جنسی منبع درآمد دیگری است که زنان برای تأمین مخارج و سرپناه خود و خانواده‌شان ... برای خرید قطعه‌ای زمین ... یا به‌طور کلی برای بهبود کیفیت زندگی خود و فرزندان‌شان بدان تکیه می‌کنند. مقدار درآمدی که زنان باقوه موقتاً در کوتاه‌مدت به‌واسطه تجارت جنسی به دست می‌آورند، می‌تواند در این راه یک آغاز و یک نیروی پشتیبان محسوب شود.»

هر چند وی در ادامه استدلال می‌کند که کارگران مهاجر به دلیل ناآشنا بودن با محیط مهاجرت، نداشتن حقوق شهروندی، اتکاءشان به دلال‌ها و نژادپرستی در کشوری که در آن به شرمی‌برند، در معرض بهره‌کشی هستند، اما همه این موارد به‌دلیل ماهیت غیرقانونی روسپی‌گری و بزهکاری شمرده شدن سکس سوداگرانه، در تجارت جنسی وضعیت بدتری پیدا می‌کنند.

سیاست‌ورزی پیرامون کار جنسی در برگیرنده گستره وسیعی از عقاید و نظرات است. در این میان، بسیاری استدلال می‌کنند که «هیاهو» پیرامون قاچاق [انسان] کمکی به ایجاد بحث جدی در این باره نمی‌کند. ۱۰ موری ۱۱ معتقد است که «تمایز قابل شدن بین انواع مختلف کار سوداگری جنسی اهمیت دارد. وضعیت‌هایی که سخت مورد انتقاد مخالفان قاچاق انسان است - اگر وجود داشته باشند - از نابرابری‌های اقتصادی، سیاسی و جنسیتی ناشی می‌شوند و دقیقاً این نابرابری‌هاست که باید در کانون توجه ما قرار بگیرد.» قوانین و کنواسیون‌های موجود موضوعات بردگی، سکس تحمیلی و بهره‌کشی از کودکان را شامل می‌شوند؛ بنا براین، به عقیده موری ۱۲، مسئله آن است که دولت‌ها این قوانین را به رسمیت بشناسند و آنان را اعمال و از روسپی‌گری جرم‌زدایی کنند. اما مشکلی که همچنان باقی می‌ماند آن است که اطلاعات در مورد مهاجرت و کار جنسی ناهمگون و در اغلب موارد غیرقابل اتکا بوده، عمدتاً متکی به کار روزنامه‌نگاران و یا مطالعات خرد است

و بسته به اینکه فرد در کدام موضع سیاسی باشد بروجهی از آن تأکید می‌شود. صنعت دیگری که برای زنان مهاجر در سطح جهانی رشد بسیار دارد کار خانگی است. در ده سال گذشته تقاضا برای کارگران خانگی در سطح جهان افزایش زیادی داشته است ۱۳. در کشورهای مرفه با افزایش شمار زوج‌هایی که هر دو درآمد دارند، شمار تقاضا برای داشتن مستخدم هم افزایش یافته و در غالب موارد این تقاضا مستلزم زندگی پیشخدمت در خانواده‌ای است که برای آن کار می‌کند.

کار خانگی انواع بسیاری دارد و هر چند مشاغل این حوزه کاری در اختیار کارگران مهاجر است اما برخی از آنان که درآمد بهتر، امنیت بیشتر، منزلت بالاتری دارند همچنان زنان و مردان بومی را به اشتغال می‌گیرند. به طور مثال، کاکس (۱۹۹۹) از افراد پیر (کسانی که در قبال دریافت مسکن و غذا کار خانه را انجام می‌دهند) که در لندن با آنها مصاحبه کرده، در می‌یابد که بیشتر آنها اروپایی‌اند، دایه‌ها و کسانی کمک دست مادران هستند یا بریتانیایی هستند یا از کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا، در حالی که خدمتکارها، نظافتچی‌ها، آشپزها و خدمتکارهای خانگی از ملیت‌های مختلف بخصوص پرتغالی، فیلیپینی و اسپانیایی هستند.

در اینجا مورد ایتالیا و عرضه و تقاضای کارگران خانگی در آن کشور می‌تواند آموزنده باشد. از جنبه تقاضا، افزایش شمار زنان شاغل (بخصوص در نواحی شمال این کشور)، عدم تمایل ایتالیایی‌ها به کار خانگی، و حتی در نواحی مانند امیلیا رومانا، نبود امکانات رفاهی برای سالخوردگان و معلولان معمولاً منجر به افزایش و استمرار تقاضا برای کارگران خانگی مهاجر شده است ۱۴. از جنبه عرضه نیروی کار، کار خانگی حیطه‌ای از اشتغال است که ایتالیایی‌ها از آن پرهیز می‌کنند و از این رو به این کار هر چه بیشتر به دید کار «زنان مهاجر» نگریسته می‌شود.

کار خانگی نمودی است از کالایی شدن روابطی که بسیار شخصی و عاطفی است. اما برای بسیار از کارفرماها، به کارگیری یک کارگر خارجی به نظر فرصتی می‌رسد برای برخورد نامحترمانه با آنها. و درست مانند کار جنسی، در کار خانگی هم یک سلسله مراتب نژادی وجود دارد و زنان سیاه‌پوست کمتر از گروه‌های «سفیدپوست» درآمد دارند.

تقریباً تمامی پژوهش‌هایی که در کشورهای مبدأ مهاجرت صورت گرفته نشان می‌دهد که مهاجران نه فقیرترین افراد محسوب

می‌شوند و نه کم‌سوادترین آنها. فقیرترین افراد در این کشورها بسیار نامحتمل است که الزامات رفتن به شهرهای بزرگ به عنوان «نقطه پیاده شدن» یا دسترسی به دلال‌ها برای مهاجرت به خارج از کشور را داشته باشند. معای این امر آن است افرادی که مهاجرت می‌کنند به طور جدی نیمه بیکار هستند. تحقیقاتی که در اسپانیا در ۱۹۹۶ صورت گرفت نشان می‌دهد که زنان فیلیپینی ملیت ارجح برای خدمتکاری خانگی در میان خانواده‌های فرزنددار بودند، دقیقاً به این خاطر که می‌توانستند به بچه‌ها انگلیسی یاد بدهند.

چرا زنان مهاجر برای کار خانگی و کار جنسی انتخاب می‌شوند؟ اینکه قیمت آنها پایین‌تر است و یا به راحتی می‌توان از آنها بهره‌کشی کرد؟ نه، مسئله فقط مادی نیست. دلایل دیگری در این میان وجود دارد که به پیشفرض‌هایی مرتبط می‌شود که مبنای نژادپرستانه دارند. این پیشفرض‌ها در مورد ماهیت زنان مهاجر از کشورهای «فقیر» است، ماهیتی که آنها را مناسب کار جنسی و خانگی تلقی می‌کند. بر مبنای این پیشفرض‌ها با مهاجران می‌توان رفتاری متفاوت داشت، رفتاری متأثر از نژادپرستی که مهاجران را «بیگانه» یا «پست» می‌داند، رفتاری که برای بسیاری از اروپایی‌ها به معنی دوباره برقرار کردن آن چیزی است که روابط «مناسب» بین جنسیت‌ها و «نژادها» تصور می‌شود.

تولید لباس و به راه انداختن کار تجاری

در اواخر دهه ۷۰ میلادی تغییری عمده در کار زنان مهاجر در آلمان (یا آنچه در آن زمان به نام آلمان غربی شناخته می‌شد) اتفاق افتاد. این تغییر از تمرکز بر تولید به سمت حضور قابل ملاحظه در بخش خدمات، مربوط می‌شد. در این تغییر شرکت‌های تولیدی آلمانی به سرعت از فرصت کاهش بیشتر هزینه‌های نیروی کار بهره‌گرفتند و تولیدات خود را به مکان‌هایی با کارگرانی که دستمزد کمتری طلب می‌کردند انتقال دادند.

تغییر محل تولید برای صنایعی مانند صنایع تولید لباس در سی سال گذشته همچنان ادامه داشته است، اما اینکه این صنایع در چه کشوری باشد همیشه یکسان نبوده و همچنان نیز در حال تغییر است که تا حدودی می‌توان آن را به واسطه همزمانی تغییر بازارها و سیاست‌ها مهاجرتی توضیح داد.

مطالعاتی که در آلمان غربی صورت گرفته نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۷۵ تغییر محل تولید به کشورهایی که نیروی کار دستمزد کمتری طلب می‌کردند، راهبردی بود که شرکت‌های نساجی و تولید لباس برگزیده بودند. صنایع تولید لباس از جمله

کارفرمایان عمده کارگران مهاجر زن در آلمان بودند، در سال ۱۹۶۹ از مجموع نیروی کار در تولیدات لباس، دوازده درصد از کشورهای عمده‌ای بودند که نیروی کار از آنان تأمین می‌شد. در دهه ۱۹۷۰ شرکت‌های تولید لباس بریتانیایی هم با مشکل رقابت در سطح بین‌المللی مواجه بودند، و هر چند هر دو کشور آلمان و بریتانیا راهبرد گام به گام در فناوری را انتخاب کرده و همچنان به دنبال نیروی کار ارزان بودند، اما جستجوی نیروی کار ارزان در این دو کشور به طور کاملاً متمایزی صورت می‌گرفت. در بریتانیا شرکت‌های تولید لباس بخش‌های تقاضا که غیرقابل پیش‌بینی بودند و ریسک بالایی داشتند را حذف کردند، و با افزایش واگذاری به کارآفرینان و کارگران خارجی که بسیاری از آنان در کشور وجود داشت، قابلیت تغییر شرکت‌های خود را بالا بردند. در مقابل در آلمان تولیدکنندگان از مزیت دستمزد کارگران که در نحوه جدید تقسیم کار در سطح جهانی وجود داشت، بهره‌بردند و در کشورهایی که دستمزد کارگران کم بود پیمان‌کاران فرعی خود را انتخاب کردند ۱۵.

بدین ترتیب سرنوشت زنان مهاجر در صنایع تولید لباس در این دو کشور شکل نسبتاً متفاوتی به خود گرفت. در آلمان زنان مهاجر به سمت کارهای خدماتی سوق داده شدند که به نیروی کار زیادی نیاز داشتند، در حالی که زنان مهاجر در بریتانیا (بخصوص زنان آسیایی) جذب پیمانکاران فرعی در تولید لباس می‌شدند.

راه دیگری که پیش پای کسانی قرار داشت که از کار بیکار شده بودند، کارآفرینی بود، هر چند این بخش در بریتانیا، فرانسه و هلند (که همین «اقتصاد قومیتی» در صنایع لباس بوجود آمده بود) زیر سلطه مردان بود. زنان بندرت در کسوت کارآفرینی در می‌آمدند؛ این مردان بودند که رئیس بودند و زنان همچنان عمدتاً کارگر باقی می‌ماندند و در بهترین حالت در این شرکت‌های کوچک پیمانکاری کار نظارت را بر عهده می‌گرفتند ۱۶.

با این وجود پژوهش‌های اخیر نشان داده است که دست‌کم برخی زنان از کار آزاد به عنوان ابزاری برای تحرک اجتماعی بهره‌گرفتند و در کارهای مناسب پرسودتری که جنبه قومیتی هم داشت، مانند کارهای مرتبط با مد و صنایع غذایی، جای برای خود دست‌وپا کردند ۱۷. برخی از افراد در نسل دوم مهاجران تحرک اجتماعی پیدا کرده و درآمد لازم برای خرج‌های غیرضروری بدست آوردند، و مجموعه‌ای از مشاغل برای برآوردن نیازهای خاص آنها شکل گرفت. دنباله مطلب در صفحه ۴۶

ادامه مطلب بهره کشی از زن مهاجر... از صفحه ۴۵

راگام و هاردهیل (۱۹۹۸) زنان کارآفرین و صاحب شرکت‌هایی را شناسایی کردند که در کار فروش اجناس عتیقه و لباس‌هایی با مدهای خاص بودند. اما این موفقیت در بین همه گروه‌های قومی دیده نمی‌شود، مثلاً در شهر لستر زنانی که از کشورهای آفریقایی و حوزه کارائیب آمده‌اند همچنان در مشاغل مانند آرایشگری کار می‌کنند که درآمد آن کم است. همچنین در شهر برلین در بین افرادی که کار آزاد دارند، نسبت مردان به زنان همچنان بالا است، به طور مثال در بین مردان و زنان ترک تبار این نسبت ۳ به ۱ است. شاید دلیل این امر تا حدی مربوط به زنان ترک تبار باشد که به نسبت مردان هم‌وطن‌شان تا حدودی راحت‌تر در بخش‌های تجاری و فروش کار پیدا می‌کنند. با این همه، به طور کلی زنان همچنان در کسب و کارهای کوچک نقش حمایتی دارند. به دست دادن یک الگوی کلی و فراگیر برای کار آزاد در همه اروپا کار مشکلی است. در بریتانیا احتمال اینکه اقلیت‌های قومی دارای کار آزاد باشند دو برابر سفیدپوستان است، اما جدای از مورد چینی‌ها، زنان به طور میانگین نصف یا کمتر از نصف مردان به کار آزاد اشتغال دارند. ۱۹. موروکواسیچ مطالعه جالبی در پنج کشور اروپایی در مورد اقلیت‌های قومی و زنان مهاجر که به صورت آزاد کار می‌کنند یا کسب و کاری دارند انجام داده است. بسته به توان و اراده زنانی که برای این تحقیق با آنها مصاحبه شده، نتیجه گرفته شده که مانع اصلی برای زنان مهاجری که کار آزاد دارند فائق آمدن بر قالب ذهنی کلیشه‌ای است که زنان مهاجر را «دردساز» می‌داند. البته برای شهروندان کشورهای غیر عضو اتحادیه اروپا کار کردن در این اتحادیه با موانع حقوقی و مادی جدی روبرو است، که باید برداشته شود. برای مثال در هلند، کارآفرینان برای ایجاد کسب و کار باید مجوز دریافت کنند، و این مجوزها از طریق برنامه‌های خاص کارآموزی ممکن می‌شود که به نوبه خود احتمالاً دسترسی به آنان برای زنان مهاجر سخت است. ۲۰. علاوه بر این مدارک شهروندان خارج از اتحادیه اروپا ممکن است بدرستی به رسمیت شناخته نشود و لازم باشد که زنان مهاجر، نه به عنوان رابطه با مردی که شوهر یا پدرشان است، بلکه به طور فردی از حقوق اقامت و شهروندی برخوردار باشند.

براعتنایی به مهارت‌ها

نادیده گرفتن زنان مهاجر با مهارت

ادامه مطلب فیلم کوتاه... از صفحه ۳۳

«آیا» به کارگردانی اودد بینن و میهال برزیس، «مسی بغداد» ساخته سهیم عمرخلیفه، «بوگالو و گراهام» به کارگردانی مایکل لناکس، «کامیون پدر من» ساخته موریسیو اوساکی، «SLR» ساخته استفن فیتگلتن و «تعطیلات تابستانی» ساخته حوش گادول از دیگر فیلم‌های کوتاهی هستند که از میان ۱۴۱ فیلم شرکت‌کننده در این بخش، برای حضور در مراسم اسکار ۲۰۱۵ انتخاب شده‌اند. از این میان، پنج فیلم برای حضور قطعی در اسکار برگزیده خواهند شد.

دیده بود تا پزشک شود و دیگران قبل از مهاجرت دارای مدرک در زمینه‌های پرستاری و آموزگاری بودند. کاهش نیاز به مهارت و از دست دادن حرفه تنها به کارگر مهاجر صدمه نمی‌زند. زنانی که همراه همسران خود که پست مدیریتی داشته و جلای وطن کرده‌اند، در غربت امکان بیشتری برای یافتن شغل پیدا نمی‌کنند. ۲۹. و در واقع جمعی را تشکیل می‌دهند که همسران دنباله‌رو بین‌المللی خوانده می‌شوند. ۳۰. پناهندگان بخصوص با مشکلات زیادی برای دنبال کردن حرفه اصلی خود مواجهند، اغلب بدین خاطر که مدرک‌های آنها به رسمیت شناخته نمی‌شود، فاقد معلومات زبانی لازم هستند و منابع مالی لازم برای آموزش مجدد را نیز در اختیار ندارند.

اینکه چه نوع تبعیضی پیش روی فرد قرار دارد تا حد زیادی به سرمایه اقتصادی و اجتماعی فرد مهاجر، جنسیت، پیشینه قومی و کشور مبدأ وی بستگی دارد. ۳۱.

نتیجه‌گیری

بیست و پنج سال پیش زنان مهاجر در گستره‌ای از مشاغل «زنانه» به کار گرفته می‌شدند، اما کار آنها به بخش‌های یدی مشاغل «زنان» - یا به عبارتی وظایف کم منزلت - در کارهایی مانند پرستاری محدود می‌شد. موقعیت کاری آنها هم همیشه «نوبت اول برای اخراج و نوبت آخر برای استخدام» بود. هنوز هم در مقام مقایسه با عموم زنان، سطح بیکاری زنان مهاجر بسیار بالا است. ۳۲. با این همه، امروز زمانی که از «زنان مهاجر» در اروپا سخن می‌گوییم با تصویری متفاوت و متمایز مواجه هستیم. زنان سالخورده‌تر از نسل نخست مهاجران از کارهای تولیدی به سمت کارهای خدماتی و برخی به رکن

اصلی کار در کسب و کار «خانوادگی» سوق یافته‌اند. دختران این زنان تمام تحصیلات خود را در اروپا به انجام رسانده‌اند و اکنون شور و شوق آنها نظیر همسالان [اروپایی‌شان] است، و از این کارهای سطح پایین به بخش‌های کاری امن تر و با درآمد بیشتر سوق می‌یابند. با این همه شواهدی از تبعیض نژادی در روند اصلی بازار کار به چشم می‌خورد و در بسیاری از کشورها معضل حقوق شهروندی همچنان به جای خود باقی است. «مهاجرت‌های جدید» زنان در مواجهه با کنترل‌های تشدید شده مهاجرت، فرصت آنها برای کار را به شدت محدود کرده است. همان گونه که پیش از این دیدیم بر حسب گزارش‌هایی که از وضعیت کنونی آنها به دست می‌آید کارهای خانگی و کارهای جنسی تنها راه‌های اشتغال برای زنانی است که اکنون دست به مهاجرت می‌زنند. از این رو جریان‌های کنونی مهاجرت تصویری به دست می‌دهند که در آن شمار زیادی از زنان اروپایی، با شهروندی کشورهای عضو [اتحادیه اروپایی] کارهایی که به طور سنتی حوزه کاری زنان تلقی می‌شود و به همان نسبت کم‌درآمد و کم ارزش هستند را رها کرده و یا از بازگشت به چنین کارهایی سرباز می‌زنند. سخن گفتن از مهاجرت تنها با توجه به ظاهر عباراتی مانند «بر حسب تقاضا» کاری سهل و آسان است، [اما] باید به ورای ظاهر این توجیه نظر داشت: [مهاجرت در روزگار کنونی ما آشکارکننده نکات بسیاری در مورد روابط جنسیتی است که در فراسوی [روابط حاکم بر] بازار کار قرار می‌گیرد و برای فمینیست‌ها سرتاسر جهان پرسش‌های دشواری را رقم می‌زند.

اگر زیبایی را آواز سردهی، حتی در تنهایی بیابان،

گوش شنوا خواهی یافت. (خلیل جبران)

ادامه مطلب غم نان آگر ... از صفحه ۱۱

ملت را می خوانند. هه، تمشیت! ای سگ به قیر همه امواتشان بر...د.»

پدرش صاحب یک مغازه لباس فروشی است و خودش دانشجو است. از تصمیم دولت برای افزایش قیمت نان دفاع می کند و معتقد است: «چون روحانی، روحانی است دیگر حق ندارد هیچ چیزی را گران کند؟ دولت آقای روحانی تورم را پایین آورده و افزایش قیمت ها را کنترل کرده است. نان باید گران می شد چون تقریباً سه سال بود که گران نشده بود. لیافت این افرادی که به خاطر ۲۰۰ تومن بالا رفتن قیمت نان به آقای روحانی فحش می دهند همان احمدی نژاد بود که در زمان او دلار هر روز ۲۰۰ تومان افزایش قیمت پیدا می کرد. مگر چقدر فشار وارد می کند؟ برای یک خانواده پر جمعیت فوق آخرش ۵۰ هزار تومن در ماه می شود و برای خانواده یک نفره و دو نفره، ماهی ۱۰ هزار تومان فکر می کنم بشود.»

یک معلم میان سال معتقد است افزایش قیمت نان روی زندگی مردم فقیر جامعه تاثیر منفی دارد اما دولت روحانی را بی تقصیر می داند. او می گوید: «یک نفر آمده و خرابی زیادی ایجاد کرده. این طول می کشید. زمان لازم است تا خرابی ها درست شود. پدر من کنار خیابان دست فروشی می کرد. ارث و میراثی نداشتم. خودم هم معلم هستم. وضعیت معلم ها را همه می دانند که تعریفی نیست. یکی از همکاران ما که در زمان انتخابات خود ما را هم ایشان بردند در ستاد آقای روحانی، روی وایبر نوشته بودند که غذای اصلی ما ایرانی ها برنج است و افزایش قیمت نان مسئله ای نیست. به ایشان گفتم بی خود توجیه نکنید. مردمی هستند که شاید هفته ای یک وعده برنج نخورند. با نان خودشان را سیر می کنند. اگر شما غذای اصلی ات برنج است دلیل نمی شود همه مثل شما باشند. اگر خودرو گران می شد یا به فرض بلیط هواپیما یا مواردی که مردم فقیر استفاده نمی کنند اینقدر روی زندگی این مردم تاثیر نداشت که با این گرانی نان تاثیر می گذارد... من از آقای روحانی دفاع می کنم اما عرض بنده این است که اگر دولت کسری بودجه دارد باید یارانه افراد ثروتمند را حذف کند. راهش گران کردن نان نبود.»

حکومت ترسی ندارد. می گوید: «مرد خر آمده است در تلویزیون و می گوید نانواها قیمت را اگر دوست داشتند بالا ببرند. احمدی نژاد دوره اول زیاد داغان نبود، از دوره دوم افتاد به لوده بازی و مسخره کردن مردم، ولی اینها از همین اول کاری شروع کرده اند. مثل این می ماند که دولت بگوید اگر مردم دوست داشتند پول آب و برق را ندهند. معلوم است که یک نفر هم پیدا نمی شود که پول آب و برق بدهد. سیاه بازی است. دستورالعمل داشتند. شب اخبار گفت، صبح ساعت ۶ صبح قیمت های جدید همه جا اجرا شده بود. احمدی نژاد می گفت محل ما گوجه ارزان است، لابد این مردم هم می گوید نانواهای محل شان گران نکرده اند. وجودش را داشته باشید راستش را به مردم بگویید. قضیه این است که مذاکره و این حرف ها همه اش الکی بوده و اینها دیگر فرمان از دست شان در آمده است. محمود و روحانی و رضایی هم فرقی ندارد. همینطوری دارند جلو می روند که ببینند آخرش چی می شود.»

افغان است. با حقوق ۷۰۰ هزار تومان به کار خاکبرداری مشغول است و به گفته کارفرمایش به اندازه سه کارگر ایرانی کار می کند. او هر ماه مبلغی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان از درآمدش را برای همسر و فرزندان به کشور افغانستان می فرستد و خودش با مبلغی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان زندگی می کند. محل اقامت و خواب او، چهار دیواری ای است که با سنگ، بلوک سیمانی، گل، نخاله های ساختمانی، گونی و چوب و پلاستیک ساخته شده است. غذای او به صورت تکراری نان و تخم مرغ یا سیب زمینی است. او ضعف بدنی خود را از طریق مصرف یک ماده مخدر به نام "ناس" پنهان می کند. افزایش قیمت نان به صورت متوسط ۲۲.۵ درصد به هزینه هر وعده غذایی او افزوده است. با اینکه صاحب کار به او اجازه صحبت می دهد اما به دلیل نداشتن کارت اقامت جرات گفتگو ندارد و تنها می گوید: «به خدا من چیزی نمی دانم.»

پیر مردی با بدنی ورزیده که بر خلاف بسیاری از رانندگان تاکسی کم حرف و بی حوصله است می گوید: «تمشیت کردند آقا. همه ما را تمشیت کردند. تمشیت می دانی چیه؟ توی مجلس ختم ها چندباری شنیدم. خودشان فهمیده اند که دارند فاتحه

روی این مسائل ولی وقتی نگاه می کنم دور ریز نان داریم، می فهمم که به اندازه ای که باید دقت کنم، دقت نمی کنم.» این شهروند ایرانی می گوید «ممکن است بالا رفتن قیمت نان باعث بشود مردم کمتر اصراف کنند. همه چیز پول نیست اما پول حرف اول و آخر را در زندگی ما می زند و اگر مردم احساس بکنند این چیزی که دست شان هست ارزش دارد شاید نان را بهتر مصرف کنند.»

یک خانم ۴۰ ساله که کارمند یک اداره دولتی است می گوید: «علت اصلی اصراف نان، قیمت آن نیست. دلیل اصلی این است که نان ها در ایران کیفیت ندارند. نان سنگک وقتی تازه است خوشمزه است و می شود آنرا با پنیر یا مربی به عنوان غذا خورد اما وقتی نصف روز می گذرد دیگر نمی توان آنرا خورد. چون سفت می شود و به درد غذاهایی مثل آبگوشت می خورد. بعد از یک روز کاملاً خشک و بیات می شود و دیگر قابل استفاده نیست.» این خانم ادامه می دهد: «علت اصلی را باید درست کرد. ایراد از نان هاست که نمی شود آنها را نگه داشت. به جز نان لواش که به دلیل استفاده از جوش شیرین نرم می ماند اما برای خانم ها ضرر دارد.»

یک کارگر ۳۲ ساله از دخل و خرجی می گوید که با هم سازگار نیست: «به چیزی گرون میشه؛ خرج و مخارج را اینطرف و آنطرف می کنیم تا با هم جور بشه ولی نمیشه خوب. لامصب هر روز، یک چیزی گرون میشه. این خرج هایی که اینطوری بالا میره به ظاهرش ماهی بیست هزار تومان یا اینقدره است اما آخر ماه که با هم جمع میشه، چطوری باید پرش کرد؟ یکدفعه می بینی ۱۵۰ یا ۲۰۰ هزار از حقوق می زنه بالا، اونوقت مجبوریم قرض کنیم یا یک ماه قید گوشت و مرغ را بزنیم. اینم تا چقدر؟ من که کارگری می کنم باید جان داشته باشم یا نه؟ بچه هایم از الان چیزی به بدنشان نرسه ضعیف بار میان. دولت مگر نمی گفت تا آخر امسال دیگر گرانی نداریم. الان گران کردند، شب عید یکبار دیگه قیمت ها میره بالا، بعد از عید همین قیمت هایی که رفته بالا را تصویب می کنند... وسط سال باز بتزین گرون میشه یا اتفاق دیگه ای می افته، باز یک سری چیزها گران می شه. من خودم هیچی، این بچه های من چه گناهی کردن به دنیا اومدن؟ بدون اینکه فکر کنیم بچه دار شدیم حالا نه ما به خرج شان می رسیم نه این طفل معصوم ها زندگی درست و آدمی زادی دارند.»

داشتن سه بچه برای یک کارگر ۴۸ ساله وضعیتی را به وجود آورده است که از صحبت با صدای بلند درباره دولت و

نوبتم شده، شاطر می گوید توی تنور فقط نان کنجدی هست و باید صبر کنی برایت ساده پخت کنیم. دیدم باید نیم ساعت دیگر سرپا بایستم برای همین از روی ناچاری نان کنجدی خریدم. شما خودت ببین و قضاوت کن. تعداد این کنجدها را می شود شمارد. کنجد را مگر دانه ای می فروشد. روی هر دانه نان، ۲۰۰ تومان پول زور از مردم می گیرند. دویست تومان هم دولت گران کرده، می شود ۴۰۰ تومان پول زور. از ۸۰۰ تومان قیمت یک نان سنگک، نصفش پول زور است. همان وقتی دولت جلوی اینها ایستاده بود، نمی شد حریف دزدی و زیاده خواهی نانواها شد حالا که دست و دولت و نانواها در یک کاسه رفته دیگر وای به حال و روز مردم.»

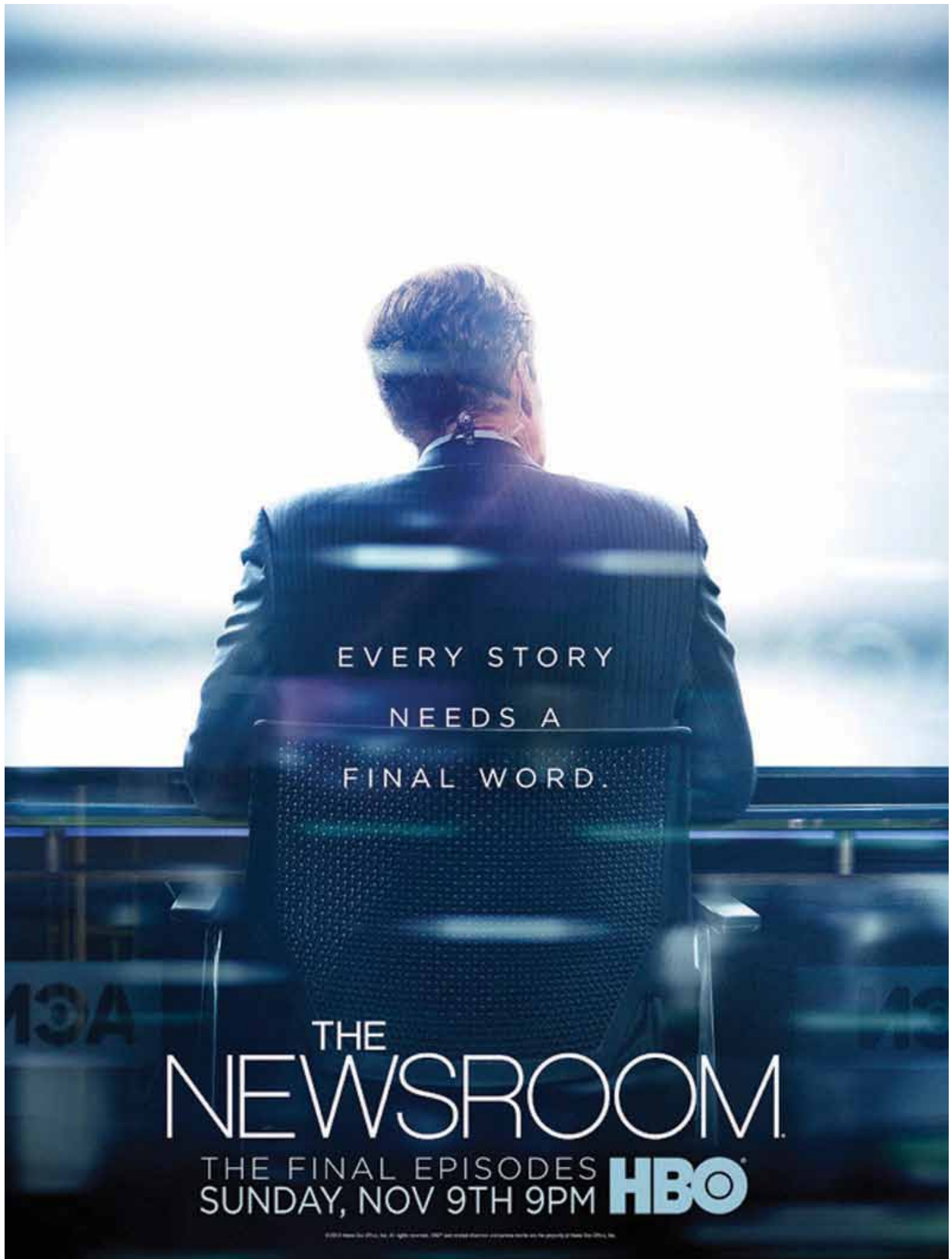
زنی که می گوید ۳۷ ساله است اما ظاهراش به یک خانم با بیش از ۵۰ سال سن شباهت دارد از تعطیلی بانک ها در ساعات عصر استفاده کرده و روی پله های یک بانک، بساط فروش لباس زیر زنانه راه انداخته است. می گوید: «مانده تا همه به غلط کردن بیافتیم و بگوییم کاش احمدی نژاد رئیس جمهور می ماند.»

زن فروشنده از گرانی تا اذیت و آزار ماموران شهرداری و مزاحمت مردها و جوانان می گوید. نوع نگاهش به جایگاه ریاست جمهوری به این شرح است: «گفتند احمدی نژاد باعث تحریم شده. دلار کم شده، گرانی راه افتاده. گفتند هر کسی باشد به جز احمدی نژاد، تحریم ها کمتر می شود. مردم می گفتند قیلا روحانی مسئول پرونده هسته ای بوده و آن موقع اصلاً دعوا نبوده بین ایران و خارج. رای دادیم به روحانی دیگه. حالا الان که همه چیز با آمریکا خوب شده چرا همان جور مثل قبل مانده؟ چه فرقی کرد برای ما؟

من فهمیدم که دلار ۴۰۰۰ تومان باشه یا ۳۰۰۰ تومان، فرقی برای ما که مردم هستیم نداره. این تورم، اینا اصلاً معلوم نیست چیه. بالا بره یا پایین بیاد باز گرانی بیشتر میشه. زمان اون گرانی، زمان این گرانی؛ احمدی نژاد حداقل یارانه نان به مردم داد. نداده؟ خوب اون که بهتر بود. زشت بود یا فحش می داد به خارجی ها، به ما چه؟ پول می داد به مردم و کار همه راه می افتاد.»

یک مهندس کامپیوتر که در یک گروه نصب پکیج های گرمایشی شاغل است با دو عدد نان بربری عازم محل کار خویش است. او معتقد است که در ایران از نان و گندم استفاده درستی نمی شود و «مردم اصراف می کنند. خود من و خانواده ام هم یکی از این مردم هستیم. من دقت می کنم





ادامه مطلب غم نان اگر... از صفحه ۴۷

نانوایی یکبار گفتیم یک نفر دیگر بیابور برای کمک، گفت نمی‌توانید اینطوری کار کنید، بروید به سلامت.»

یک فروشنده دوره‌گرد که سر چهارراه دستمال کاغذی، لنگ و سی‌دی می‌فروشد از غذای خانواده‌اش می‌گوید: «زنم سنگ‌دان مرغ، آشغال گوشت، پی و سویا را چرخ می‌کند. آبگوشت می‌خوریم اما فقط قلم دارد. آب است و رب. نان تریب می‌کنیم و می‌خوریم به اسم آبگوشت. دو تا بچه کوچک دارم که مدرسه نمی‌روند. دخترم کنار دست خودم گل می‌فروشد و پسرم شاگرد سلمانی است با حقوق هفتاد هزار تومان.»

او بعد از نیم ساعت درد و دل و شکایت، عاقبت می‌پرسد: «نان من و زن و بچه‌ام اینقدر به دولت فشار آورده بود که گران‌ش کردند؟ هیچ چیز دیگری در ممکت نبود گران کنند که چسبیدند به نان؟ نان خوردن ما راه گلوی کسی را بسته بود؟»

ادامه مطلب معجزه جوش شیرین... از صفحه ۲۷

کنید و ناخن‌هایی شفاف نیز داشته باشید.

در صورتی که زیورآلات طلای شما کدر شده است با یک مسواک و کمی جوش شیرین مثل روز اول درخشان می‌شود؛ جوش شیرین تمام جرم‌های روی زیورآلات را به راحتی پاک می‌کند.

با ریختن کمی جوش شیرین در جا سیگاری منزل می‌توانید تا حدی از بوی سیگار در امان باشید.

اما با تمام محاسنی که برای جوش شیرین شمردیم، جا دارد که به مضرات این سفید کننده ارزان قیمت نیز اشاره‌ای داشته باشیم:

استفاده از جوش شیرین در تولید نان مانع از انجام تخمیر صحیح نان می‌شود، هم چنین موجب اختلال در جذب کلسیم، آهن و روی می‌شود و ارزش غذایی نان را کاهش می‌دهد.....

منبع: aftab.ir

جدول "شفافیت بین‌الملل" سومالی و کره شمالی قرار گرفته‌اند. سودان، افغانستان، سودان جنوبی و عراق پیش از آن‌ها هستند.

خانم خانه‌داری که برای یک خانواده پنج نفره هر سه روز یکبار ۴۵ عدد نان لواش خریداری می‌کند از ناچاری‌های زندگی می‌گوید: «آدم‌هایی مثل ما دیگر باید بروند و بمیرند. ما راه نجاتی نداریم. چه کار کنم؟ به بچه‌هایم نان ندهم بخورند؟ مجبورم از خرج‌های دیگر بزنم. همینجوری‌اش هم چیزی نمی‌خوریم دیگر نان هم نخوریم باید از گرسنگی بمیریم.»

یک کارگر نانوایی از وضع خود این صنف می‌گوید: «مردم فکر می‌کنند ما صاحب نانوایی هستیم. به ما غر می‌زنند. همین نان را من باید بخرم. صاحب نانوایی که نان مجانی به ما نمی‌دهد. نان مردم را ۳۰ درصد گران می‌کنند اما حقوق‌ها را ۱۰ درصد و ۲۰ درصد بالا می‌برند. کار چهار نفر را دو نفری انجام می‌دهیم. از ۱۰ صبح تا یک ظهر، از چهار بعد از ظهر تا نه شب پای دستگاه هستیم. ۲۱ ماه است دارم اینطوری کار می‌کنم. به صاحب

برای رفع بوی بد پا یک لگن را با آب ولرم و کمی جوش شیرین پر کنید و پاها را ۵ تا ۱۰ دقیقه درون آن قرار دهید.

با پاشیدن کمی جوش شیرین به داخل کفش‌ها به راحتی بوی بد آن از بین می‌رود.

برای از بین بردن بوی دست‌ها پس از خرد کردن پیاز و سیر و یا تمیز کردن ماهی، کافی است دست‌های خود را با آب و کمی جوش شیرین شست و شو دهید.

با ترکیبی از نمک، آب و جوش شیرین یک پاک‌کننده قوی برای جرم‌های کنار حمام بسازید.

از جوش شیرین به همراه آب می‌توان یک لایه بر ملایم برای پوست صورت و پندهای انگشتان استفاده کرد که برای آرنج‌ها و زانو‌ها بسیار مناسب است.

با یک لیف و کمی جوش شیرین به راحتی می‌توانید پوست دور ناخن‌ها را نرم و لطیف

یک ۴۳ امتیاز کسب کرده و همگی در مقام ۶۹ جدول قرار گرفته‌اند. یونان بدین ترتیب نسبت به سال ۲۰۱۳ مقام بهتری کسب کرده است. در انتهای

ادامه مطلب شفافیت بین‌المللی... از صفحه ۱.

بهبود (رتبه ایران)

است که درست در کشورهایی که دارای اقتصادی در حال شکوفایی هستند باید به رشد سالم توجه شود. او افزوده است که رشدی که بر پایه فساد صورت گیرد را نمی‌توان در طولانی‌مدت حفظ کرد.

مراکز مالی جهانی کمک می‌کنند

"شفافیت بین‌الملل" از مراکز مالی بین‌المللی نیز انتقاد می‌کند. به گفته این سازمان، بانک‌های چندملیتی و مراکز مالی بین‌المللی اغلب در کشورهایی واقع شده‌اند که در آن‌ها میزان فساد کمتر است، مثل آلمان، بریتانیا یا آمریکا. اما این مراکز و بانک‌ها می‌توانند نقش مهمی در رشد یا عدم رشد فساد در کشورهای در حال صنعتی شدن ایفا کنند. برای نمونه برخی افراد می‌توانند با کمک این موسسات مالی سرمایه‌هایی چند میلیونی را کنار بگذارند یا دست به پول‌شویی بزنند.

به گفته "شفافیت بین‌الملل"، رشوه و پولی که مالیات آن پرداخت نشده به موسسات مالی بین‌المللی در فرانکفورت، لندن و نیویورک هم رسیده است. این سازمان می‌گوید در این موسسات نیز باید مبارزه با فساد تشدید شود.

تخصیصاتی که در رأس جدول

به گزارش "شفافیت بین‌الملل"، میزان فساد در کشورهای به لحاظ سیاسی بی‌ثبات از همه بیشتر و در کشورهایی که دارای آزادی مطبوعات، جریان مالی شفاف و مکانیسم‌های ضمانت و تعهد هستند از همه کمتر است. بدین ترتیب در رأس جدول شاخص فساد "شفافیت بین‌الملل" تغییرات کمی نسبت به گذشته به چشم می‌خورد. مانند سال پیش دانمارک با ۹۲ امتیاز در رأس جدول قرار گرفته، یعنی "پاک‌ترین" کشور جهان است، پس از دانمارک، نیوزیلند، فنلاند و سوئد قرار گرفته‌اند.

همچنین نروژ، سوئیس، سنگاپور، هلند، لوکزامبورگ، کانادا و استرالیا هر کدام با دست کم ۸۰ امتیاز در پله‌های بالای جدول قرار دارند. آلمان دارای ۷۹ امتیاز و همچون سال گذشته در مقام دوازدهم است.

"شفافیت بین‌الملل" بخصوص دانمارک را می‌ستاید. دولت دانمارک تصمیم دارد فهرست همه شرکت‌هایی را تهیه کند که در این کشور فعالیت دارند. در این فهرست مشخص خواهد شد که چه کسی واقعا یک شرکت را کنترل می‌کند یا از آن استفاده می‌برد. "شفافیت بین‌الملل" از آمریکا و اتحادیه اروپا دعوت می‌کند که دانمارک را سرمشق خود قرار دهند.

چهار کشور عضو اتحادیه اروپا بلغارستان، یونان، ایتالیا و رومانی هر

ایران نسبت به سال ۲۰۱۳ دو امتیاز بیشتر کسب کرده و جایگاه خود را در جدول شاخص فساد بهبود بخشیده است. ایران در سال ۲۰۱۳ در ردیف ۱۴۵ جدول "شفافیت بین‌الملل" بود و در سال ۲۰۱۴ به مقام ۱۳۶ صعود کرده است.

مقام ۱۳۶ جدول فساد تنها مختص ایران نیست، بلکه کشورهای روسیه، کامرون، قرقیزستان، لبنان و نیجریه نیز با کسب ۲۷ امتیاز در همین جایگاه قرار گرفته‌اند. با توجه به این مقام، هنوز نیز ایران یکی از فاسدترین کشورهای جهان به شمار می‌رود. با نظر به پرونده‌های فساد مالی که در ماه‌های اخیر مطرح شده است، این جایگاه ایران در جدول شاخص فساد تعجب‌انگیز نیست.

"دیده‌بان بین‌المللی مالی" نیز در آخرین نشست خود در ماه اکتبر ۲۰۱۴ ایران و کره شمالی را به تداوم "پول‌شویی" و "تامین منابع مالی گروه‌های تروریستی" متهم کرد. این سازمان همزمان به کشورهای جهان هشدار داد که در معاملات مالی با ایران و کره شمالی نهایت دقت و احتیاط را به کار برند.

سقوط ترکیه

طبق تحقیق "شفافیت بین‌الملل"، بزرگترین سقوط در جدول امسال را ترکیه تجربه کرده که به ۴۵ امتیاز دست یافته، یعنی ۵ امتیاز نسبت به سال پیش از دست داده است. با این حساب، این کشور در جدول شاخص فساد سال ۲۰۱۴ در مقام ۶۴ قرار گرفته، در حالی که سال پیش در مقام ۵۳ بود. یعنی ترکیه ۹ پله سقوط کرده است.

به گفته "شفافیت بین‌الملل"، سقوط ترکیه در این جدول به اوضاع سیاسی ترکیه نیز برمی‌گردد. این سازمان در گزارش خود اشاره می‌کند که پس از اعتراضات سال گذشته علیه دولت ترکیه محدودیت‌هایی در عرصه‌های آزادی بیان در این کشور بوجود آمد و نیز خبرنگاران آن تحت پی‌گرد قرار گرفتند و بازداشت شدند.

در کشورهای تازه صنعتی شده چون چین (که امسال ۴ امتیاز از دست داده و با ۳۶ امتیاز در مقام ۱۰۰ است) یا برزیل (با ۴۳ امتیاز در مقام ۶۹) فساد افزایش یافته است. حوزه اوگان، رئیس "شفافیت بین‌الملل" می‌گوید: «در کشورهایی که راه رشد اقتصادی را می‌پیمایند و دولت‌هایشان مخالف شفافیت‌اند و فساد را تحمل می‌کنند، فضایی بوجود می‌آید که کسی در آن نگران مجازات شدن نیست و بدین ترتیب فساد رشد می‌کند.»

رئیس "شفافیت بین‌الملل" هشدار داده

آنکه خود را به امور کوچک سرگرم می‌کند چه بسا که توانایی کارهای بزرگ را ندارد. (لاروشفوکو)



ادامه مطلب **خنده بهترین** ... از صفحه ۹

مانند تمام انسان های دیگر ممکن است کارهای احقانه و اشتباه از ما سر بزند. اگر شما توقع دارید بی عیب و نقص باشید پس به این سیاره تعلق ندارید. « قلم و رنگ در اختیار شماست، بهشت را نقاشی کنید و بعد داخل آن شوید.»

ادامه مطلب **کودکان بی خواب** ... از صفحه ۴۴

تحصیلی، تمام هفته خود را با بازی های ویدیویی سرگرم کند. هنگامی که فرزند شما شروع به بازی می کند تقریباً دست کشیدن از آن برای او غیر ممکن می شود. بنابراین شما باید قواعدی وضع کنید که این بازی ها تنها در آخر هفته و در یک مدت زمان مشخصی که معمولاً نباید بیش از دو ساعت باشد انجام شود. در طول تعطیلات تابستان به آنها این اجازه را بدهید که این بازی ها را بدون محدودیت زمانی در آخر هفته انجام دهند. شما باید در طول سال تحصیلی فرزندان خود را در استفاده از بازی های ویدیویی و کامپیوتر در اتاق شخصی شان محدود کنید. زیرا در این صورت آنها وسوسه نمی شوند که تا دیر وقت بیدار بمانند.

متأسفانه بسیاری از کودکان از بی خوابی رنج می برند اما با نظارت والدینشان می توانند بر این مشکل غلبه کنند. والدین باید از مواد خوراکی سالم برای رژیم غذایی کودک خود استفاده کنند و با آگاهی و بینش کامل، از شیوه درست زندگی آنها مطمئن شوند. باید بدانیم که تغییر در رژیم غذایی و شیوه زندگی کودکانمان برای کمک به آنها در غلبه بر بی خوابی کافی نیست و در صورت نیاز باید به پزشک مراجعه کنیم و از درمان های دارویی نیز بهره مند شویم.

همه ی ما به نوعی از بد شانس و بد اقبالی رنج می بریم، اما مردم شاد با انتخاب درست، خود را از انتظار طولانی برای دیدن روی خوش سکه ناامیدی ها نجات می دهند. بیایید گاهی برای خودمان خاطر نشان کنیم که ما انسان هستیم و

همچنین باید مکملهایی را که دارای مواد معدنی و ویتامین ها هستند در نظر بگیرند. **تغییر شیوه زندگی**؛ برای تغییر و یا اصلاح رژیم غذایی کودکان باید با تلاش های مداوم شیوه زندگی آنها را تغییر دهید. **تنظیم زمان خواب**؛ شما باید زمان خواب کودک خود را تنظیم کنید و آن را به اجرا بگذارید. ساعت هشت شب برای خواب بسیار زود است. بهترین زمان برای خوابیدن ساعت نه و نیم شب می باشد که نه خیلی دیر و نه خیلی زود است. ساعت شش و نیم صبح بهترین زمان برای بیدار شدن از خواب است زیرا کودک شما باید هشت ساعت تمام بخوابد. فراموش نکنید که شما نیز باید همزمان با او بخوابید. تنظیم زمان خواب برای از بین بردن میل کودکان به بیدار ماندن، درمان بسیار خوبی است.

تکالیف درسی؛ شما باید در طول سال تحصیلی کودک خود را از انجام تکالیف درسی زیاد منع کنید. تکالیف بیش از حد، زمان زیادی را در طول روز از او می گیرد و او مجبور می شود برای به اتمام رساندن آن تا دیر وقت بیدار بماند در نتیجه زمان خواب او به عقب می افتد. بنابراین شما باید در این زمینه دقت کافی را داشته باشید.

بازی های ویدیویی و کامپیوترها؛ شما نباید به کودکان اجازه دهید که در طول سال

ادامه مطلب **ایران باید** ... از صفحه ۵

استفاده قرار می دهند، تحت پیگرد قرار داده، محاکمه و محکوم به اعدام کنند. سازمان دیده بان حقوق بشر با مجازات اعدام در همه موارد به دلیل ماهیت ذاتا ظالمانه و بازگشت ناپذیر آن مخالف است. طبق سازمان گزارشگران بدون مرز ایران یکی از بزرگترین زندانبانان جهان برای نویسندگان است. تا ماه ژوئیه ۲۰۱۴ حداقل ۶۵ روزنامه نگار، وبلاگ نویس و فعال رسانه های اجتماعی بر اثر اتهامات مبتنی بر سخنان یا نوشته هایشان در زندان های ایران نگهداری می شدند. از زمان گام نهادن رئیس جمهوری، حسن روحانی، به عرصه قدرت و آغاز به کار وی در اوت ۲۰۱۳، عوامل امنیتی و اطلاعاتی از جمله سپاه پاسداران سرکوب مخالفین در فضای سایبری را تشدید کرده اند، و مقامات قضائی نیز مجازات های سنگینی برای وبلاگ نویسان و کاربران رسانه های اجتماعی تخصیص داده اند.

در ماه مه ۲۰۱۴، پلیس ۴ مرد و ۳ زن جوان را پس از به نمایش درآمدن ویدیویی که آن ها را در حال رقص یا آهنگ مشهور «هی» نشان می داد، دستگیر کرد. مقامات آنها را آزاد کردند تا بر اثر اتهاماتشان که از جمله ی آنها داشتن «روابط نامشروع» بود، محاکمه شوند. در همان ماه یک شعبه دادگاه انقلاب ایران، هشت کاربر فیس بوکی را بر اثر انتساب اتهام پست کردن پیام هایی حاوی توهین به مقامات دولتی و «مقدسات مذهبی» در میان سایر جرائم، به ۸ تا ۲۱ سال حبس محکوم کرد.

ادامه مطلب **مجلس فرانسه** ... از صفحه ۱۰

پیش از این چند کشور اروپایی دیگر نیز از دولت مستقل فلسطینی دفاع کرده بودند. ۱۳ اکتبر سال جاری نمایندگان بریتانیایی به لزوم به رسمیت شناختن کشور فلسطین از سوی دولت بریتانیا رأی دادند. روز ۱۸ نوامبر نیز نمایندگان مجلس اسپانیا به چنین طرحی رأی مثبت دادند. دولت سوئد هم ۳۰ اکتبر «به صورت رسمی» فلسطین را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت شناخت.

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل پیش از این رأی گیری به فرانسه هشدار داده بود که در حال ارتکاب «خطایی بزرگ» است. نتانیاهو گفته بود: «آیا فرانسوی ها در دوران سربریدن ها در خاورمیانه کار بهتری برای انجام دادن ندارند؟»

پس از آخرین دور حملات اسرائیل به غزه در سال جاری که ۵۰ روز به طول انجامید، انتقادهای علیه اسرائیل افزایش یافته است.

دستگاه قضائی در خصوص اتهام یا محاکمه ی عربی بر اثر انتساب اتهام تجاوز جنسی هیچ گونه اظهار نظری نکرده است. موقعیت و شرایط فعلی در حول اعدام اخیر مردی دیگر به نام محسن امیراصلانی نگرانی ها را برای عربی دو چندان کرده است. در ۲۴ سپتامبر سال جاری، مسئولین زندان در زندان رجایی شهر واقع در شهر کرج، امیراصلانی را که مقامات بر اثر انتساب اتهام اشاعه و پیشبرد تفسیر بدعتگراییه از اسلام و توهین به یونس پیامبر به «افساد فی الارض» محکوم کردند، اعدام کردند. پس از اعدام امیراصلانی، یکی از سخنگویان قوه قضائیه، غلامحسین اسماعیلی، منکر این امر شد که مقامات امیراصلانی را به دلیل معتقدات دینی اعدام کردند، و گفت که اعدام وی به دلیل «تجاوز به عنف» در ارتباط با چندین زن بوده است. این در حالیست که دیوان عالی کشور حکم اعدام امیراصلانی را در ۳ نوبت جداگانه نقض کرد و حکم کرده بود که مجازات مرگ بر اثر اتهامات تجاوز به عنف به دلیل عدم وجود شواهد، معتبر نبوده و وارد نیستند.

سازمان دیده بان حقوق بشر قبلاً در خصوص تعریف گسترده و مبهم «افساد فی الارض» در قانون اصلاح شده ی مجازات ابراز نگرانی کرده بود. طبق این قانون بر اثر وارد کردن اتهام مزبور، مقامات می توانند مخالفین سیاسی و سائیرینی که حقوق اساسی خود برای آزادی بیان، تجمع، تشکیل جمعیت، و آزادی دین را مورد

وزیر خارجه فرانسه همچنین گفته بود: «به موازات مذاکرات در سازمان ملل متحد، فرانسه قصد دارد شرایطی را برای تلاش ائتلاف بین المللی برای برقراری صلح ایجاد کند.»

لورن فابیوس دولت اسرائیل را تهدید کرده بود که چنانچه مذاکرات صلح در طی دو سال به ثمر نرسد، دولت فرانسه «بدون هیچگونه تأخیری» کشور فلسطین را به رسمیت می شناسد.

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱

ادامه مطلب ۲۴ درصد خانوارهای ... از صفحه ۷

پاره‌وقت نیز به عنوان شاغل یاد می‌شود. بر این اساس، ۸/۶ درصد از جمعیت شاغل کشور از «اشتغال ناقص» برخوردارند. بر اساس یافته‌های مرکز آمار ایران، میزان اشتغال ناقص در روستاها بیش از شهرهاست و مردها بیش از زنان از طریق مشاغل کاذب یا اشتغال‌های کوتاه‌مدت زندگی‌شان را می‌گذرانند.

استقبال از عمده و فرودفروشی

در سال ۱۳۹۲، دو رشته خدمات با ۲۱.۱ درصد و عمده و خرده‌فروشی، هتلداری و رستوران با ۲۲.۴ درصد، بیشترین شاغل را داشته است. بقیه با ۳.۸ درصد در بخش «کشاورزی، دامپروری، شکار، جنگلداری و ماهی‌گیری»، ۱۷.۸ درصد در بخش «صنعت و معدن»، ۰.۸ درصد در بخش «برق، آب و گاز»، ۱۵.۳ درصد در بخش «ساختمان»، ۱۱.۷ درصد در بخش «حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات» و ۷.۱ درصد در بخش «خدمات مالی، بیمه، ملکی، حقوقی و تجاری» شاغل بوده‌اند. بیشتر افراد بی‌سواد، دارای توانایی خواندن و نوشتن و تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، در دو بخش «ساختمان» و «عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، هتلداری و رستوران» فعال بوده‌اند. بیشترین تعداد افراد شاغل دارای تحصیلات دانشگاهی نیز با سهمی معادل ۱۳.۳ درصد در بخش خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی به کار اشتغال داشته‌اند.

زنان زیردست بوده و مهم‌ترین وظیفه‌شان پیروی از مرد است. در چنین جوامعی هر نوع خشونت علیه زن قابل توجیه است. بویژه بدلالی دینی و ایدئولوژیکی، خشونت بر علیه زن تنها به زنان خاتمه نمی‌یابد. تأثیرات روانی برای مثال خشونت در خانواده کودکان را نیز در بر می‌گیرد. زمانیکه روح و روان جامعه با خشونت آمیخته است، زن و مرد و کودک را در بر گرفته و در نهایت به انهدام سیستم و جامعه‌ای می‌انجامد که صدهای انسان و انساندوستی خفه شده و تبدیل به تازیانه، اسید، تیر و تفنگ می‌شود.

با پاشیدن اسید بر چهره یک زن و یا یک دختر، چهره جامعه دچار جراحات روانی غیرقابل جبران می‌شود. جراحاتی که ریشه‌های نفرت، خشم و ترس را عمیق‌تر کرده و به ناامیدی و احساس ناامنی می‌انجامد. ناامنی در نهایت تبدیل به هرج و مرج می‌شود. روان‌های خشن و بیمار بزرگ‌ترین خطر برای سلامت و بقای یک جامعه هستند.

ولی بسیاری از افرادی که خود را معتقد و مذهبی می‌دانند از این وقایع اخیر نگرانند و آنرا محکوم می‌کنند. براساس گزارش خبرگزاری‌ها فرمانده سپاه انقلاب اصفهان گفته است که چنین عملیاتی چه بر اساس مذهب، شریعت و یا قانون غیر مجاز است. وی همچنین گفته است: «این‌ها انسان نیستند هر کسی که به چنین کارهایی تحت هر عنوانی دست زند مرتکب جرم شده و باید به حداکثر مجازات برسد.» به نظری اسید پاشیدن یک گناه مهلک است که باید با مرگ مجازات شود.

زمانیکه از او پرسیدند در مورد «انصار حزب‌الله» که زنان را بدلیل عدم رعایت قوانین افراطی حجاب هدف قرار می‌دهند چه نظری دارد گفته است من عضو «انصار حزب‌الله» نیستم. من متعلق به سپاه انقلاب هستم و این عملیات را از نقطه نظر سپاه و بسیج محکوم می‌کنم.

پرزیدنت روحانی متعاقب حملات اسید پاشی و اعتراضات مردم ایران و جهان گفته است که مردم نباید تردیدی داشته باشند که دولت برای دستگیری کسانی که مسئول این جرائم هستند همه کار خواهد کرد و سخت‌ترین مجازات‌ها را انتظار آنها است. مردم اصفهان، دختران و زنان در سراسر ایران نگران آینده خود هستند. «سپیده» می‌گوید: هر بار که در آینه نگاه می‌کنم و بیاد کسانی که قربانی اسید پاشی شده‌اند فکر می‌کنم لرزه به اندامم می‌آید و هر بار این پرسش به ذهنم می‌آید که آیا این آخرین باری است که چهره خود را سالم می‌بینم؟

تأثیرات روانی اسید پاشی

پاشیدن اسید بصورت و بدن زنان و دختران یک عمل وحشیانه و یکی از شدیدترین نمونه‌های خشونت علیه زنان است. نیت و قصد افرادی که به چنین عمل غیر انسانی دست می‌زنند آزار و شکنجه جسمی و روحی زنان و دختران است. این عمل همچنین می‌تواند به منظور ایجاد ترس و ناامنی برای زنان در جامعه باشد.

شدت جراحات می‌تواند بحدی باشد که قربانیان این عمل وحشیانه چهره‌شان بطور کلی تغییر کرده، گوش، بینی، لب‌ها بسوزد و از بین برود. می‌تواند موجب کوری چشم، کر شدن و حتا صدمات مغزی شود. در مواردی به مرگ قربانیان انجامیده است. علاوه بر جراحات جسمی می‌تواند تأثیرات روانی، اجتماعی دراز مدت داشته باشد. از جمله مشکلات روانی افسردگی، ترس، دلهره، نگرانی‌های شدید و بی‌خوابی است.

دختر و زنی که مورد حمله قرار گرفته برای همیشه زندگیش تغییر خواهد کرد. اسید پاشی دردناک است. در یک لحظه نه تنها چهره و ظاهر یک دختر جوان و یا زن فرم و شکل خود

ادامه مطلب تأثیرات روانی ... از صفحه ۶

انسان بودن و مانند یک انسان آزاد زندگی کردن لازم‌هاش برخورداری از حقوق و احترامی است که بتوان در امنیت زندگی و کار کرد. این امنیت در خانه در خیابان، در محل کار در شب، در روز در خواب و بیداری است. چنین امنیتی با قوانین درست و عادلانه بوجود می‌آید. احترام به قوانین لازمه یک جامعه با ثبات است به شرط آنکه قانون و قانونگذار احترام به حقوق انسانی شهروندان را در رأس کار قرار دهند.

اسید پاشی در اصفهان

هر روز پیش از ترک خانه «سپیده» در برابر آینه ایستاده و گره روسری‌اش را محکم‌تر می‌کند. برای دو هفته آرایش نکرده. در زیر روپوش یک بلوز مشکی استین بلند می‌پوشد. دگمه‌های روپوش را نگاه می‌کند تا مطمئن شود که بسته است. ولی وقتی پایش را از خانه بیرون می‌گذارد هنوز نگران است، نه تنها او بلکه پدر و مادرش نیز نگرانند.

«سپیده» ۲۲ ساله در شهر تاریخی اصفهان و در نزدیکی «جلفا» زندگی می‌کند. در چند هفته گذشته شایعاتی شنیده می‌شود که یک گروه موتور سوار سیکلت سوار به زنان و دخترانی که به نظر آن‌ها حجابشان مطابق با قوانین اسلامی نیست اسید می‌پاشند. این حملات در دور و اطراف خانه و محله «سپیده» بوده است. شهروندان اصفهان احساس ناامنی می‌کنند. دختران و زنان جوان متعددی مورد حمله قرار گرفته‌اند.

«سپیده» می‌گوید پس از خبر اولین حمله‌ها بود که برای خرید رفتن. از دور دیدم جمعیت زیادی جمع شده‌اند. فکر کردم تصادفی شده است ولی وقتی نزدیک شدم شنیدم که مردم می‌گفتند به دو دختر از پشت حمله شده و فرد ناشناسی با سُرنگ به آن‌ها اسید پاشید و بخشی از بدن آن‌ها سوخته است.

یک شهروند دیگر اصفهانی گفته است که دو هفته پیش یک گروه موتور سیکلت سوار یک سطل بطرف زن‌ها پرتاب کرده که آن‌ها را بترسانند. خوشبختانه اسید نبوده بلکه آب با نوعی محلول تمیز کن. ولی احساس سوختگی داشته است. این حوادث همراه با پاشیدن اسید واقعی ترس و نگرانی بسیاری بوجود آورده است.

این وقایع همزمان با گذشتن قانونی از مجلس است که به «انصار حزب‌الله» اجازه می‌دهد به فعالیت‌های خود تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» بیاورند. یک شهروند دیگر اصفهانی که با خبرنگاران صحبت کرده، گفته است کسانی که شاهد اسید پاشی بودند گفتند مردانی روی موتور سیکلت‌های بزرگ با جسارت و بدون هیچ نوع ترسی اسید پاشیده و رفتند. این افراد مانند کسانی بودند که در برخی مراسم مذهبی دیده می‌شوند.

ادامه مطلب خیلی قدیم های ... از صفحه ۱۳۷

پس از آنکه ذغالها کاملاً شعله ور میشدند، بر روی ذغالهای کوچکتر داخل منقل میگذاشتند و دور ذغالها و گوله را با خاکستر میپوشاندند و فقط قسمتی از ذغالهای شعله ور که در قله آن ها قرار داشت، بیرون از خاکستر میماند و بلا فاصله منقل را به زیر کرسی میگذاشتند و در آن سرمای زمستان، از گرمای سکر آور آن آتش زیر کرسی، مست میگرددند. آن آتش، به آرامی به ذغالهای کوچک سرایت میکرد و از آن ذغالهای کوچک هم گوله گرم و آتشین میشد و این روند آتش گیری آرام و پیوسته تا فردا ادامه داشت و کرسی با گرمایی که از آن دمیده میشد، همیشه گرم میماند. در حالی که بیرون از کرسی، گاهی کاسه آبی که بر روی کرسی قرار داشت، یخ میزد و برای استفاده از آب آن، باید آنرا به زیر کرسی میگذاشتیم. بامدادان برای دست و صورت شستن، آب نبود. چون همه آنها، از شدت سرما، یخ زده بودند. اما برای چاره آن، از شب قبل، آفتابه مسی تمیزی را پر از آب میکردند و به یکی از پایه های کرسی میبستند و آن آب گرم میشد و صبح با آن آب، دست و صورتها شسته میشدند و پیش از رفتن به بیرون از خانه، کفشها و گالش ها را در زیر کرسی میگذاشتند که حسابی گرم شوند تا مدتی با پای گرم راه بروند **ادامه دارد**

کرده است و گفته است من قضاوت نمی کنم بین علی دائی و محمد مایلی کهن چه کسی گناهکار است. اما مطمئناً آنچه مسلم است پسند نبودن چنین حرکت هائی در فوتبال است و خوشحالم که دائی محبت کرد و رضایت داد چرا که باید حق استاد و شاگردی را به جا میآورد.

وی با بیان شعری از صائب تبریزی نسبت به اتفاق رخ داده میان علی دائی و مایلی کهن گفت:

زلیخا مرد از این حسرت که یوسف گشت زندانی
چرا عاقل کند کاری که باز آرد بشیمانی
پیروانی دربارۀ علت تنش های اخیر در
میان شخصیت های اصلی فوتبال ایران
اظهار کرد که از زمانی که پول به وسط آمد همه چیز خراب شد، همه افراد با پول های کلان اشباع شدند و اتفاقات ناگوار بسیاری رخ داده است. تاریخ در مورد بسیاری قضاوت خواهد کرد. آیا باید حق را به یک تسبیح بلند در دست دیگر داد که در لباسکنی نوحه می خواند و بین دو نیمه با بازیکنانش سینه می زند!

ادامه مطلب ورزش از نگاه ... از صفحه ۱۴

مورد مصرف این سه نوع ذغال چنین بود که در منقلی مقداری خاکستر که از سال پیش باقی مانده بود را در کف و در کنار دیواره اش میریختند و گودالی برای ریختن ذغالهای کوچک درست میکردند. در میان آن خاکستر، نخست یکی از آن گوله ذغالها را قرار میدادند و بعد روی آن و در اطرافش، ذغالهای کوچک را میریختند.

سپس ذغالهای درشتی را در یک سبد کوچکی که از سیمهای فلزی ساخته شده بود و نیز طنابی که آنها را از قطعات سیم های فلزی بهم قلاب شده ساخته و به سبد، وصل گردیده بود میریختند، با کمی نفت، و یا با خورده کاغذ، یا چوبهایی که زود آتش میگرفتند، آتشی درست میکردند و به روی آن ذغالهای درشت مینهادند و به آن با دهان و فوت، میدمیدند تا آتش به ذغال سرایت کند و به محض آنکه یکی از ذغالها دارای سرخی آتش میشد، آن سبد را که آتش چرخان نام داشت، به توسط همان طناب فلزی به دور سر، میچرخاندند و آن ذغال که باد زیادی بر رویش جریان مییافت بسرعت شعله ور میگردد و آن آتش به ذغالهای دیگر هم سرایت مینمود و همه، سرخ و شعله ور میگرددند و در اثر چرخاندن آن، بطور مدام در بالای سر، دایره ای از آتش با جرقه هایی که از آن به اطراف می جستند، منظره ای بسیار دوست داشتنی و دیدنی درست میکردند.

ادای لیگ داشتن و باشگاه داری را در می آوریم و اغلب ایمان مردم به صداقت های این آقایان رنگ باخته است.

الله اکبر یعنی خدا بزرگ است، بزرگ تر از همه آفریده هایش، آقایان قبول کنیم، خدا می خواهد ما باید خودمان بخواهیم و آموزش ببینیم. برای درک بسیاری از آنها حتی آقای کی روش که مدتی است با آن همکار شده است باید قادر به ایجاد رابطه بین حس ها بود و دیدن، شنیدن و لمس کردن را تجربه کرد. آیا ما از دهکده جهانی رانده شده ایم چرا که سعی کرده ایم در روند جهانی شدن هسته ای جایی بیابیم! آیا آینده بسرعت به سردی می گراید!

ورزش به عنوان یک باور علمی جلوه گر می شود و حریم اندیشه های کهنه را می شکند فوتبال ما یک فوتبال بیمار و بدون حرکت است. چنین است که شکایت آقای دائی از مایلی کهن صفحات روزنامه ها را به خود اختصاص می دهد. راستی جالب است بدانید آقای غلامحسین پیروانی از زندانی شدن مایلی کهن اظهار تاسف

پایش را گم می کند. او حتی کمتر لبخند هم می زدند. او می گوید هیچ کشوری نمی خواهد با ما بازی تدارکاتی داشته باشد چرا که ما پول نداریم و نمی توانیم برای چنین بازی هائی اسپانسر هم پیدا کنیم. او اصلاً به روی خود نمی آورد که بعد از چهارماه که از بازی های جام جهانی می گذرد هنوز پول تو جیبی بازیکنان را که از طرف کشور میزبان پرداخت شده است به آنها نداده است. آیا او بازیکنان را به خوردن قورمه سبزی تشویق می کند. او می گوید بچه های ما مرد روزهای سخت هستند و هر بازی برای ما حکم فینال را دارد. او آنقدر مطمئن است که دکتر دادکان را به همکاری با فدراسیون فوتبال دعوت می کند و می گوید اگر تیم قهرمان آسیا شود جایزه خوبی به آقای کی روش خواهد داد. بنظر می رسد او ترسش ریخته است و دیگر از آقای کی روش نمی ترسد. با همه اینها هنوز هم وقتی حرف زدن او را از تلویزیون می بینی حالت بد می شود. او اگر چه کمتر به ورزشگاه ها می آید، اما اگر هم دیده شود مرتب از جانب پرسپولیسی ها و هم از جانب استقلالیی ها هو می شود. در حقیقت سرخابی ها او را نمی پذیرند، اما او استعفاء نمی دهد، و می خواهد چه چیزی را ثابت کند و یا چه چیزی را تغییر دهد، کسی چیزی نمی داند. او می گوید آتهائی که به او فحش می دهند باید از خودشان خجالت بکشند.

مطمئناً اوراق نانوشته و سفید ورزش ما حرفی برای گفتن ندارند. او خودش هم می داند ورزش ما در دست نان به نرخ روز خورها و کوتوله هاست. اغلب آنها از اخلاق، ورزش و مدیریت چیزی نمی دانند. آنها مدیریت و تجربه های علمی در زمینه عملی ورزش و تصمیم گیری ها را با وجود در رأس بودن از یاد برده اند. آنها بازاریابی در ورزش، ارتباطات در ورزش، بودجه و مسائل مالی، قوانین در ورزش، اقتصاد در ورزش و دولت و حکومت در ورزش را با دروغ پنهان می کنند. باشگاه های ورشکسته، چک های برگشت حتی در دست های بازیکنان خارجی در لیست طلبکاران در فیفا و همه همه بلند گوی پوچی بوده اند. ترفند های زیرکانه ای که به آنها اجازه می دهد پشت پرده خود را مخفی کنند و چمدان های خود را برای سفر ببندند. به تمرین های تیم های ملی و باشگاه های بزرگ نگاه کنید که اغلب در محیطی بسته صورت می گیرد، ما ادای حرفه ای بودن،

آقای وزیر ورزش گفته بود صدا و سیما پول بخش بازیها را از تلویزیون باید به حساب وزارت ورزش بریزد و آقای کفاشیان قبلاً که چیزی نمی دانست مدام لبخند می زد و حالا کمتر می خندد. ورزش ما یک جامعه مرد سالار است و زنان نقشی در آن ندارند و این همه را دچار آسیب های روانی بسیار می کند. حتی خانم دکتر شجاعی همسر محترم آقای پور حیدری که معاونت محترم فدراسیون فوتبال است برای شوهرش به آن صندلی چسبیده است.

در همه جای دنیا جوان ها نیاز به زمین و مکان برای بازی دارند. در یک نظر سنجی تلویزیونی آنها همه خواستار پیشرفتند و مشتاقانه چشم به غربت دارند. آنقدر مشتاق که دولت استرالیا در یک کار بزرگ تبلیغاتی و با هدف منصرف کردن جوانان برای رفتن غیر قانونی به غرب و از طریق دریا، درباره خطر تماس ها و مارهای آبی و حشرات دیگر به آنها هشدار داده است. نیاز به تحصیلات بهتر، زندگی کامل تر و کسب درآمد همیشه می تواند مشوق طرز فکرون باشد.

زمانی که از طریق کارآفرینی فرصتی برای بهبود کیفیت زندگی برای بازیکنان پیش آید آنها باید سخت تر کار کنند تا کار خود را بفروشند، درست مثل ورزش های حرفه ای آمریکائی.

لیگ بیس بال Major league baseball بسکتبال NBA

فوتبال آمریکائی NFL

ساگر MLS

بوکس Boxing

هاکی روی یخ Hocky on Ice

تمامی این ورزش های حرفه ای فعالند و هرگز چکی برگشت نمی خورد، رئیس فدراسیونی عوض نمی شود و برآستی شما میدانید رئیس این فدراسیون ها کیست؟ برآستی آیا ورزش ها نیازمند یک جراحی عمیق است، مثل هر چیز دیگر از اقتصاد تا آموزش و پرورش.

آقای ترکان مشاور ارشد رئیس جمهور در یک نشست تخصصی اذعان داشته است که «بدون تعارف باید بگویم ما در هیچ زمینه ای امکان رقابت با خارج از کشور را نداریم مگر پخت آبگوشت بزباش و قورمه سبزی».

برآستی آیا آقای معاون رئیس جمهور با زبان زهر آلودش خشم را آبیاری می کند؟ آیا آقای کفاشیان هم آبگوشت بزباش را نوش جان کرده است، چرا که در جمع خبرنگاران کمتر رنگ می بازد و دست و

ادامه مطلب گيله مرد... از صفحه ۲۴

من و داداشم کفش و کلاه کردیم و رفتیم تجن کوکه . بگمانم آنوقت ها دوازده سیزده سال مان بود . تازه شاش مان کف کرده بود.

خان عمو؛ یک دو چرخه به من و یک دوچرخه هم به برادرم داد تا هر قدر دل مان میخواید دوچرخه سواری کنیم.

من و برادرم به عشق همین دوچرخه دو سه هفته در تجن کوکه ماندیم و از کله سحر تا بوق شام دو چرخه سواری میکردیم.

یک روز؛ حین دو چرخه سواری توی یکی از کوچه پسکوچه های ده با دختری روبرو شدیم که چشمان بسیار زیبایی داشت. زیر پایش ترمز کردیم و شروع کردیم به حرف زدن . برادرم را نمیدانم اما خودم همانجا عاشقش شدم!! دخترک شاید سن اش دو برابر سن ما بود.

از فردا صبح؛ از کله سحر توی کوچه ها بالا و پایین میرفتم به امید آنکه دخترک پیدایش بشود. اما انگاری دخترک آب شده بود و توی زمین فرو رفته بود!

تابستان سال بعد وقتیکه به تجن کوکه رفتیم؛ دیدیم همان دخترک با خان عمو مان ازدواج کرده است و شده است زن عمو ما!!!

اگر بدانید چقدر غصه خوردم. اگر بدانید چقدر از خان عمو بدم آمد.

فردایش به بهانه دل درد؛ خان عمو را وادار کردم که مرا سوار ماشین بکنند و به خانه مان بفرستد. از آن زمان دیگر هر گز به تجن کوکه بر نگشتم و هر گز هم خان عمو را ندیدم.

ادامه مطلب ضارب زنان... از صفحه ۴

سرپرست فرمانداری جهرم و رییس شورای تامین این شهرستان پس از اعترافات ضارب گفته است: «ضارب به عمل قبیح خود مبنی بر حمله با چاقو به چند زن اقرار کرده و در حال حاضر تحت نظارت دستگاه انتظامی و قضایی است.» حجت الله رضایی تاکید کرد که با هر گونه ناامنی و کسانی که قصد اخلال در نظم عمومی را داشته باشند به شدت برخورد خواهد شد.

"یفتن فون بدمهاب مباح است"

ضارب محمد بهشتی فر در اعترافات خود گفته است. حمله با چاقو به زنان و دختران جهرم را پس از شنیدن صحبت های یکی از روحانیون که "ریختن خون بدحجاب را مباح شمرده است" انجام داده و هدف وی "اقدام عملی برای نهی از منکر" بوده است.

فرد ضارب در بازجویی های اولیه، هدف خود از این اقدامات را مبارزه با بدحجابی ذکر کرده و گفته است اهداف وی زنان و دخترانی بوده اند که حجاب کامل با چادر نداشته و پوشش ماتو داشته اند. گفته می شود مقامات محلی پس از شناسایی فرد ضارب و اعترافات او، بلافاصله گزارشی مبنی بر "عدم سلامت روانی" وی تهیه کرده و برای تایید به پزشکی قانونی ارسال کرده اند تا از هرگونه مجازات شدید قضایی فرد ضارب جلوگیری به عمل آید.

در تمامی موارد، ضارب با چاقو به باسن دانشجویان دختری زده بود که با ماتو تردد می کرده اند. گفته می شود نامی های جاری در شهرستان جهرم باعث شد که در نهایت دانشجویان کلاس ها را تعطیل کنند.

ادامه مطلب زنان و آموزش... از صفحه ۳۶

خود من مدت ها برای حل مسئله پیش سکس درمانگر می رفتم، اما او می گفت که این موضوع دو نفره است و حتما باید با هم پیش او برویم. هر چند همسر من حاضر نشد این کار را بکند، اما نتیجه اش دست کم این شد که من حقوق جنسی خودم را بشناسم.»

حساسیت پونه به این موضوع باعث شده است که او نسبت به این مسئله در اطرافش هم بی تفاوت نباشد و در موقعیت های مختلف اهمیت آن را مطرح کند. او می گوید: «بسیاری از دوستانم را با کلینیکی که خودم می روم آشنا کرده ام. خیلی ها قبلا می گفتند این چیزها یادگرفتنی نیست و با فیلم و حرف های درگوشی حل می شود، اما بعد فهمیدند که ما خیلی در این زمینه ها ناآگاهیم. کیفیت زندگی یک زن با به دست آوردن این نوع آگاهی ها بالاتر می رود و این چیزی نیست که زن های امروزی از آن صرف نظر کنند.»

ادامه مطلب یک پزشک... از صفحه ۴

این نگرانی ها باعث شد که شماری از اهالی اصفهان مقابل دادگستری این شهر دست به تجمع بزنند و شعارهایی علیه تندورهای مذهبی سر دهند.

معترضان بر این باور بودند که اسیدپاشی ها در اصفهان با هدف «امر به معروف و نهی از منکر» انجام شده است. این موضوعی است که البته مقامات حکومت ایران علاقه ای به تأیید آن ندارند و مرتبط دانستن اسیدپاشی ها با امر به معروف و نهی از منکر را کار «رسانه های بیگانه» می دانند.

پلیس و مقامات قضائی می گویند عامل اسیدپاشی ها در اصفهان هنوز بازداشت نشده است. در همین حال اعلام شد که نمایندگان مجلس ایران قصد دارند طرحی را به تصویب برسانند تا اسیدپاشی در شمار جرایمی قرار گیرد که از آن ها به عنوان «محرابه» نام برده می شود. بر پایه قوانین ایران، مجازات «محرابه با خدا و رسول خدا» اعدام است.

محمدعلی اسفغانی، عضو کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس در این زمینه گفته است: «در این طرح، جرم اسیدپاشی محاربه محسوب شده و صرف نظر از دیه و قصاص، باید مطابق با مجازات تعیین شده برای محاربه، برای آن ها حکم صادر شود.»

ادامه مطلب هیجوقت دیر نیست... از صفحه ۲۹

پس افکار خود را انتخاب کنیم و به آنچه مثبت و دلخواه مان است بپندیشیم. اتفاقات می تواند براساس افکار و انتظارات شما روی دهد. سعادت و عدم سعادت به تفکر و نتیجه گیری ما مرتبط می باشد. ثابت شده که ذهن انسانها قدرتی خارق العاده دارد و می تواند نظام پاورها را تعیین و انتخاب کند و براساس آن کیفیت زندگی را عوض کند. ذهن خود را هرگز بسته و محدود نگه نداریم.

در خاتمه عزیزان و خوبان و خوانندگان پس افکار خود را انتخاب کنیم و به آنچه مثبت و دلخواه مان است بپندیشیم. اتفاقات می تواند براساس افکار و انتظارات شما روی دهد. سعادت و عدم سعادت به تفکر و نتیجه گیری ما مرتبط می باشد. ثابت شده که ذهن انسانها قدرتی خارق العاده دارد و می تواند نظام پاورها را تعیین و انتخاب کند و براساس آن کیفیت زندگی را عوض کند. ذهن خود را هرگز بسته و محدود نگه نداریم.

ادامه مطلب شانزدهمین سالگرد... از صفحه ۷

میراث آن ها برای ما، علاوه بر ده ها اثر گرانبگر در زمینه شعر، ترجمه، پژوهش و مقالات انتقادی و روشنگرانه، بار امانتی است که بر دوش ما نهاده اند؛ بار امانتی که در کوتاه ترین کلام همانا دفاع از آزادی اندیشه و بیان، بی هیچ حصر و استثنا است. کانون نویسندگان ایران، همچون سالیان گذشته، از خواست برحق خانواده های قربانیان قتل های سیاسی زنجیره ای مبنی بر محاکمه علنی آمران و عاملان این جنایت حمایت می کند. ما خواستار تامین امنیت، آزادی های مدنی و حقوق شهروندی برای همگان، لغو سانسور، آزادی مطبوعات و رسانه ها و آزادی کلیدی زندانیان سیاسی و عقیدتی هستیم.

در شانزدهمین سالگرد قتل های سیاسی زنجیره ای، روز جمعه ۱۴ آذرماه، ساعت ۳ بعد از ظهر، بر مزار محمد مختاری و محمدجعفر بوینده واقع در گورستان امامزاده طاهر، گرد هم می آییم و یاد آنان را گرامی می داریم.

کانون نویسندگان ایران - ۱۱ آذر ۱۳۹۳

ادامه مطلب خدیجه اینها را... از صفحه ۲

خدیجه می دانست و نمی گفت... سال ها گذشته است و دختر عقب مانده همچنان تنها کسی است که در قالی بافتن و گلیم بافی به خدیجه کمک می کند. برادرش مرده است و پدر پیرش دیگر آن دست های قدرتمند مردان روستایی را ندارد که با یک مشت اش خدیجه و دختر عقب مانده نقش زمین شوند. برادر زاده هایش بزرگ شده اند و شاید حالا دیگر می دانند چگونه از بارداری عمه عقب مانده شان که آنها را هم "عم اوغلی" صدا می زند جلوگیری کنند!

خدیجه همه ی اینها را می داند و نمی گوید...

ادامه مطلب مقابله با... از صفحه ۱۵

اگر همه لحظات شبانه روز درگیر همسر و فرزند و کار باشید و اصلا خودتان را فراموش کنید، کم می آورید و به مرور حتی در انجام وظایف خود در قبال آن ها نیز موفق نخواهید شد. شاید در این یک ساعت دل تان بخواهد پیاده روی کنید، مجله بخوانید، یا دوستی را ملاقات کنید. این که اهل معاشرت باشید می تواند در کاهش دغدغه و دلشوره شما موثر باشد. اگر هیچ کدام از توصیه ها فایده نکرده و همچنان مشکل باقی بود، قدم پنجم مراجعه به روان پزشک است که بتواند در کاهش اضطراب کمک تان کند.

ادامه مطلب مشقی تازه... از صفحه ۱۹

این تابلو نشانگر شام آخر حضرت مسیح با حواریون خود است. بهر صورت بسیاری معتقدند که در جهان علم و هنر کمتر کسی می توان یافت که مثل داوینچی، در شاخه علم، این چنین نبوغ و شایستگی از خود نشان دهد. داوینچی سرانجام در سال ۱۵۱۹ در سن ۶۱ سالگی در فرانسه دیده فرویست. او در دهکده کوچکی بنام وینچی در ناحیه توسکان ایتالیا به دنیا آمده بود.

نثری که با شعر پهلو میزند

تاریخ بیهقی اثر مشهور ابوالفضل بیهقی از جنبه های گوناگون، اهمیتی ویژه دارد. نثر بیهقی که اغلب با شعر پهلو می زند از شاهکارهای تاریخ ادب فارسی است. منتقدان و مورخان و زبانشناسان از غنای واژگان آن، از سلاست بیان و زیبایی ترکیبهای سخن فراوان گفته اند. بیهقی عبارات دیوانی و اسناد و مدارک دولتی خود را با وسواسی ستودنی و دقیقی حیرت آور ضبط و ثبت کرده است روایتش از تاریخ در عین ایجاز، به غایت ریزبین است. ملک الشعراء بهار در سبک شناسی خود مختصات نثر بیهقی را برشمرده و در عین حال سیاهه ای به راستی حیرت آور از واژه هایی ارائه کرده که نخست از طریق تاریخ بیهقی به زبان فارسی وارد شده. شاید می توان ادعا کرد که نقش بیهقی در تدوین نثر فارسی همسنگ نقش شکسپیر در شکل بندی زبان انگلیسی مدرن بود. از سویی دیگر دکتر یوسفی آهنگ و طنین خاص نثر بیهقی را میستاید...

سروت به کدام جویبار است

بزمتم به کدام لاله زار است

چونی ز گزندهای این خار

از راه صفت درون جانی

گر نقش تو از میانه برخاست

اندوه تو جاودانه برجاست

مجنون شبها و روزها بر گور لیلی گریست و به درگاه الهی نالید تا او را از این محنت برهاند و عاقبت بر خاک یار سرنهاد و:

چون تربت دوست سرب آورد

ایدوست بگفت و جان بر آورد

جسدش را غسل دادند و همانجا در کنار مزار لیلی به خاک سپردند.

خفتند بنواز تا قیامت

برخواست ز راهشان ملامت

بودند در این جهان بیک عهد

خفتند در آن جهان بیک مهد

آن روضه که رشک بوستان بود

حاجتگه جمله دوستان بود

زان روضه کسی جدا نگشتی

تا حاجت او روا نگشتی

در نقاشی نیز سوررالیسم سبک و شیوه تازه ای بوجود آورد که به اشیاء حالت رویایی میداد و نقاش فارغ از ممانعت عقل و منطق به تصویر آنچه که به ذهن و اندیشه اش می رسید در هنرش بکار می برد. بگذرید این داستان جالب را که دوباره شیوه کار نقاشان سبک به طنز گفته شده برایتان بیاورم.

گویند مردی داشت تابلوهای نمایشگاهی را با دقت تماشا می کرد. رسید به یک تابلو که در آن نه تصویری بود و نه دست کم طرحی! یکی پرسید: ببخشید این تابلو چیه و یا چی میکه؟ آن آقا یا خانم هم جواب داد که والا ما هم نفهمیدیم، اما نقاشش همین جاهاست. برو پیرس. رفت و پرسید. نقاش تابلو گفت: این تابلو یک زمین بسیار پر علف را نشان می دهد که عده ای گاو در آن دارند علف می خورند. سوال کننده باز پرسید: اینجا که علفی نیست! نقاش گفت: علف ها را گاوها خوردند. باز سوال کرد: آخه توی این تابلو گاو هم نیست! نقاش گفت: بله درسته، گاوها رفته اند.

هنر داوینچی

داوینچی، تابلو مشهور شام آخر خود را در سال ۱۴۹۵ شروع کرد و در طول سه سال آن را به پایان رسانید. البته باگذشت زمان این اثر معروف صدماتی دیده ولی با تعمیرات و نوسازی هایی که در سال ۱۵۱۷ بر روی آن انجام شد ترکیب تصویر، نحوه قرار گرفتن اشکال و ارتباط آنها با یکدیگر و قدرت عظیم خلاقه این هنرمند بزرگ بخوبی نشان داده شده است.

دائم که ز راه سوگواری

آید بسلام این عماری

یار است و عجب عزیز یار است

از من به بر تو یادگار است

از بهر خدا نکوش داری

در وی نکنی نظر بخواری

من داشته ام عزیز وارث

تو نیز چون من عزیزدارش

گو لیلی از این سرای دلگیر

آن لحظه که می برید زنجیر

در مهر تو تن به خاک می داد

بر یاد تو جان پاک می داد

چون مجنون شکسته دل از مرگ یار آگاه شد چون ابر خروشان می گریست و بر گور معشوق آمد و این ابیات بر خاک او با اشک چشم می نوشت:

چونی ز گزند خاک چونی

در ظلمت این مفاک چونی

آن خال چو مشک دانه چونست

وان چشمک آهوانه چونست

بر چشم که جلوه می نمائی

در مغز که نافه می گشائی

ادامه مطلب سیر و سفری... از صفحه ۱۸

پوست و استخوانی ندید در کنارش نشست. مجنون وقتی دیده گشود پدر را شناخت. پرسید: کیستی؟ چه می خواهی؟ پدر بینوا با سختی به سخن درآمد:

گفتا پدر توام بدین روز

جویای تو با دل جگر سوز

مجنون همین که او را شناخت به پایش درافتاد و زار بگریست هر دو بر سرنوشت شوم خود می گریستند. پدر جامه از تن بدر آورد و قامت عریان فرزند را پوشاند از او خواست که به خانه بازگردد. مجنون به او گفت که این کار بی فایده است و زندگانی او دیگر تباہ شده:

دائم پدری تو من غلامت

و آگاه نیم که چیست نامت

تنها نه پدر ز یاد من رفت

خود یاد من از نهاد من رفت

چون برق دلم ز گرمی افروخت

این آتش من وجود من سوخت

گوری بکن و بر او بنه دست

پندار که مُرد عاشقی مست

بر مرگ تو زنده اشک ریزد

من مرده ز مرده ای چه خیزد؟

چون پدر فرزند را دید که به زنجیر عشق و جنون پای بند است و دیگر راه نجاتی نیست با چشم گریان پسر را وداع جاودانی کرد. آنگاه به خانه بازگشت و روزی چند با ناتوانی با غصه و محنت روزگار بگذراند تا سرانجام از غم فرزند جان داد. مجنون را دانی بود سلیم عامری نام که اغلب هر چند روز غذائی برایش می برد. روزی مجنون از دانی حال مادر را پرسید. روز بعد دانی مادر را به بالین او آورد. مادر فرزند تیره روز را که چون برگ خزانی زرد و نحیف و پژمرده بود در آغوش گرفت و بوسه ها بر سر و رویش زد و آنگاه التماس کرد تا بر خیزد و با او بخانه برود اما آه و زاری مادر هم در فرزند از خود بی خبر اثر نکرد. مادر که از حال نزار پسر پریشانتر و افسرده تر گشته بود به خانه باز آمد و دیری نپائید که از یاس و شکسته دلی جان به جان آفرین تسلیم کرد. از آنسوی

لیلی که چراغ دلبران بود و پنهانی رنج خود بود و آشکارا گنج دیگران، با درد و شکنجه می زیست و محنت فراق را پرو نمی آورد. رفته رفته روزگاری برآمد که شوهرش ابن سلام بیمار شد، از پای درافتاد و بمرد. لیلی از فراق شوی بی کام از یکطرف و محنت دوری از دلداز از طرف دیگر اشک ها ریخت با قلبی آکنده از درد و رنج مادر را به بالین خواست آخرین وصیتش را بدو کرد و جان به جانان تسلیم نمود:

آواره من چو گردد آگاه

کاواره شدم من از وطن گاه

لیلی با اینحال نال و خروشان عتاب آمیزانه به او پرخاش کرد:

گفت ار دگر این عمل نمائی

از خویشتن و ز من برائی

سوگند به آفریدگارم...

کور است بصلح خود نگارم

کز من غرض تو برنخیزد

ور تیغ خون من بریزد

چون ابن سلام این حال پدید و سوگند او را بشنید، ناچار به صلح درآمد و از لیلی فقط به سلامی خرسند گشت و به نظاره ای فغان می ورزید. لیلی دل شکسته، با چشم روشن، دیده به افق دوخته بود تا مگر نسیم پیامی از جانب معشوق برای او آورد.

از طرف دیگر مجنون پریشان حال در دامان دشت و کوهسار می گشت و با خیال خویش راز دل همی کرد. ناگهان از دور شترسواری دید. همین که رهگذر بر او بگذشت و او را شناخت عنان برکشید و بر سرش نهیب زد. ای بی خبر از حساب هستی

مشغول بکار بت پرستی

به گر ز بتان عنان نتابی

کز هیچ بتی وفا نیابی

آن دوست که دل بدو سپردی

بر دشمنیش گمان نبردی

شد دشمن تو ز بی وفائی

پیوند برید از آشنائی

چون خرمن خود بیاد دادت

بد عهد شد و نکرد یادت

دادند به شوهری جوانش

کردند عروس در زمانش

کارش همه بوسه و کنار است

تو در غم کارش این چه کار است؟

چون ناوردت بسالها یاد

زو یاد مکن چه کارت افتاد

مجنون که دیگر سخنان او را نمی شنید، از پریشانی گوئی روح از تنش رسته بود. چون مرغ سرکنده بر خاک افتاد و سر بر سنگ

کوفت و جامه از خون گل رنگ ساخت.

مجنون شوریده بخت انسان زاری و بی قراری کرد که رهگذر سنگدلش به حال او سوخت و گفت که مطلبی به دروغ گفتم و مزاح کردم. لیلی به تو خیانت روا نداشته: آن پرده نشین روی بسته

هست از قبل تو دلشکسته

جز نام تو بر زبان نیارد

غیر از تو کس از جهان ندارد

یکدم نبود که آن پریزاد

صد بار نیاورد ترا یاد

مجنون از این سخن کمی آرام گرفت ولی درمانی برای دل دردمندش نبود. بهر حال لیلی شوهر کرده بود و امید وصال او بریده. پدر مصیبت دیده اش که بسیار رنجور و ناتوان شده بود و مرگ را نزدیک می دید روزی عصا زنان راه صحرا پیش گرفت تا یکبار دیگر فرزند دلبندهش را ببیند و با او وداع آخرین کند. از آن پسر برانزده جز

ادامه مطلب فردوسی، بزرگ ... از صفحه ۱۲

پس مادر او را پند داد که افراسیاب پادشاه توران دشمن رستم است و تو نباید اصل و نسب خویش به او نمایی که به کین رستم ترا نابود خواهد ساخت، سهراب این پنهان کاری را نپذیرفت و مادر را گفت که من از ترکان سپاهی فراهم می آورم و به جنگ کاووس پادشاه ایران خواهم رفت او را از تخت فروکشم و رستم را به جای او بر تخت بنشانم زیرا که:

چو رستم پدر باشد و من پسر
به گیتی نماند یکی تاجور

ترا بانوی شهر ایران کنم
به جنگ اندرون کار شیران کنم
چو روشن بود روی خورشید و ماه

ستاره چرا بر فراز کلاه

افراسیاب چون این رای می شنید بنا به خواسته سهراب سپاهی از بزرگان توران فراهم آورد و سران سپاه را گفت که:

پسر را نباید که داند پدر

ز پیوند جان و ز مهر و گهر

افراسیاب اندیشید که اگر رستم و سهراب یکدیگر را باز نشناسند رستم به پشتیبانی کاووس و پاسداری از تخت و تاج ایران با سهراب می جنگد در مرگ سهراب داغی جاودان بر دل پهلوان می نشیند و در مرگ رستم سرزمین توران از هراس و بیم تهمتن رها می شود. پس سهراب با سپاهی گران روی به ایران آورد و پس از گذشتن از «دژ سپید» و به بند کشیدن «هجیر» نگهبان دژ و جنگ با «گرد آفرید» دختر کژدم، پیر قلعه آهنگ ایران کرد.

از آن طرف چون به کاووس آگهی رسید رستم را طلب کرد و از آنچه گذشته بود وی را آگاهی داد و پس از گفتگوی بسیار در میان کاووس و تهمتن، سپاه ایران به همراه رستم روی به میدان نهادند، رستم بی خبر از آن بود که به جنگ پسرش سهراب روان است و سهراب نشان پدرش رستم را می پرسید و نمی یافت:

قضا چون ز گردون فرو هشت بر

همه زیرگان کور گردند و کر

چو دل بر نهی بر سرای سپنج

همه زهر زو بینی و درد و رنج

«هجیر» نگهبان دژ سفید از نام و نشان سهراب بی خبر بود و از پیوند او با رستم نشانی نمی دانست او بخوبی رستم، جهان پهلوان ایران را می شناخت ولی با خدعه و نیرنگ از سهراب پنهان می داشت که مبادا با شناسایی رستم بیم جان او رود. سهراب نشان پدر پرسید و هجیر با او نگفت و همی داشت آن راستی در نهفت و با خود گفت که گر من نشان گو شیر گیر:

بگویم بدین ترک با زور دست

چنین یال و این خسروانی نشست

ادامه مطلب از درگوشی ها... از صفحه ۲۲

در هر حال وبه هر جهت چه اینجا و چه آنجا و چه هر کجای دنیا وضع هویت ما زنها با یک «عبله» یا «I do» ناگهان عوض می شود یعنی هر که بودیم و نبودیم در یک کلمه چه بسا از اجبار یا احتیاج محو و نابود نام و نشان دیگری را یدک می کشیم. چرا؟ مگر آیه نازل شده که زن مجبور است زیر سایه شوهر خود و خاندانش را نفی نماید؟ قصور از سنت و مذهب و مکتب نیست. چه بسیار افاده و فخر و مباهات از اسم و رسم و مقامات و البته پول و دارائی آقا بالاسر که ابدًا و اصلاً ارتباطی به ما ندارد. بهره مند و

مستفیض! فقط همین و بس. خانمی را با نام خانم دکتر معرفی کردند گمان کردم پزشک سرشناسی است گفتم سرکار خانم دکتر «در چه رشته ای تخصص دارید». راحت و بی خیال به تصور امری معمول و مرسوم فرمود. «آقای ما دکتر بچه ها هستن.» دیدم ای دل غافل خانم دکتر از مرحله پرت است و بنده کمترین ول معطلم. که چاه جگرمان مظهر ایمان ایران امروز ظهور را بشارت می دهد و ما دخیل بندان سقا خانه های کوچه پسکوچه های خاکی هنوز «اندر خم یک کوچه ایم. آنهم کوچه ای بن بست و مقابله با دیوار بلند حاشا...

ادامه مطلب تازه های پزشکی ... از صفحه ۲۶

افکاری که باعث آسیب رسیدن به خود و دیگران می شود در فرد ظهور می کند. تغییر احساسات بوسیله تغییر در رفتار فرد و کنترل افکاری که باعث اضطراب می شوند و حتی مقابله رو در رو با عاملی که باعث اضطراب می شود به درمان آن کمک می کند. در اثر اضطراب حالتی بفرود دست می دهد که به آن قرمز شدن صورت یا Blushing گفته می شود. برای کاهش اضطراب ۷ نفس عمیق بدخل و ۱۱ نفس عمیق بخارج بفرستید. فرستادن نفس به خارج بایستی طولانی تر از نفس کشیدن بدخل یا (Inhale) باشد. با این تکنیک سیستم عصبی پاراسمپاتیک اضطراب و Anxiety را کاهش می دهد. جهت درمان سریع تر افرادی که دچار اضطراب هستند بهتر است حالت خود را با دیگران مطرح کرده و ناراحتی خود را مخفی نکنند. خانواده نیز نقش مهمی در بهبودی بیمار دارند ولی نباید بدون درمان صحیح بیمار، انتظار بهبودی سریع داشته باشند. سه روش دارو درمانی، کنترل استرس و سایکو تراپی روشهای مهم درمان اضطراب و دلهره و پریشانی بیمار می باشند که بایستی بوسیله پزشکان نظارت شوند.

سرنوشت روشن است کشته و مقتول هر دو بی گناهند. در نمایشنامه «آنتی گون» سراینده می گوید: از روز ازل به چرخ های ماشین فاجعه روغن زده اند تا درست کار کند. او دقیق و سریع کار می کند، همه بدی ها از قبیل نادرستی و خیانت و غم و اندوه درکارند و در پی آنها حسرت و ندامت و اشک و زاری می آیند، تراژدی آشکار است، امیدها به ناامیدی بدل می شوند و تقدیر و سرنوشت آشکار و غیرقابل تغییر و پرانده پیش می آیند و خواننده و بیننده را گزیری از آن نیست، و فردوسی یکی از بزرگترین آفریننده های این سبک گفتار است.

پس از بین رفتن عامل اضطراب بوسیله سیستم پاراسمپاتیک، بدن دچار یک حالت خستگی مفراط، ضعف، لرزش و حالت تهوع می شود. اضطراب یک حالت روانی فیزیولوژیک می باشد و بیش از صد علامت برای اضطراب گزارش شده است. این علائم در افراد متفاوت می باشد بطوریکه یک فرد ممکن است به یک عامل واکنش شدید و یا ضعیف نشان دهند.

اغلب پس از برطرف شدن اضطراب یک حالت خاصی بفرود دست می دهد که مانع فکرکردن، تصور کردن و بخاطر آوردن وقایع می شود که با آن Brain Fog می گویند و مدتی بطول می انجامد. همین طور سیگار کشیدن، قهوه و کافئین و مصرف الکل شدت اضطراب را افزایش می دهند. از طرف دیگر کشیدن نفس عمیق شدت اضطراب را کاهش می دهد. اضطراب عمومی (GAD) گاهی تا ۶ ماه طول می کشد و علت آن می تواند استرس های احساسی و فیزیکی باشد. این حالت در روابط فرد با دیگران، خلق و خوی فرد و حتی کار و شغل فرد تاثیر می گذارد و گاهی

زاری هاست بر مرگ عزیزی.

همی گفت زار ای نبرده جوان

سرافراز و از تخمه پهلوان

بریدن دو دستم سزاوار هست

جز از خاک تیره مبادم نشست

به گیتی که کشتست فرزندا را

دلیر و جوان و خردمند را

همی ریخت خون و همی کند خاک

به تن جامه خسروی کرد چاک

و فغان و زاری ایرانیان به عرش رسید که

نوباوه پهلوان به دست خود او کشته شد و

چنین است کردار چرخ بلند به دستی کلاه

و به دستی کمند.

در تراژدی هیچ چیز قابل تغییر نیست،

بدین کتف و این زور و این یال او
شود کشته رستم به چنگال او
و بدینسان پس از زیر و بم بسیار پدر و
پسر بدون شناسایی یکدیگر در برابر هم
قرار گرفتند. رستم پهلوان پیر شکست
ناپذیر و سهراب جوان جویای نام و پر از
غرور جوانی در برابر وی سخن آغاز می
کند و از نشان او می پرسد، سهراب مهر
رستم را به دل گرفته و می گوید:

دل من همی بر تو مهر آورد

همی آب چشمم به چهر آورد

ز من نام، پنهان نبایدت کرد

چو گشتی تو با من کنون هم نبرد

رستم نام از او پنهان کرد و او را به کشتی گرفتن

دعوت کرد و با یکدیگر درآویختند سهراب:

به رستم درآویخت چون پیل مست

برآوردش از جای و بنهاد پست

یکی نعره بر زد پر از خشم و کین

بزد رستم شیر را بر زمین

یکی خنجر آبگون برکشید

همی خواست از تن سرش را برید

رستم به نیرنگ متوسل شد و او را گفت که

در آیین ما روا نیست که بار اول که پشت

پهلوانی را بر زمین می زنند سر از تنش

جدا کنند و نبردی دگرباره می آغازند و

سهراب جوان پذیرفت که جوان بود و دلیر

و جوانمرد و از او درگذشت و جنگ به

روز دیگر واگذاشتند و سرنوشت آنچه را

که نمی بایست پیش آورد، روز دیگر چون

نبرد آغازیدند و به کشتی گرفتن سرنهادند

رستم پشت دلاور جوان را خم آورد:

زدش بر زمین بره به کردار شیر

بدانست کوهم نماند به زیر

سبک تیغ تیز از میان برکشید

بر پور بیدار دل بردرید

سهراب آه از دل برکشید که دریغا اگر

پدرم رستم نشان ترا بیاید اگر ستاره شوی

و بر آسمان روی:

بخواهد هم از تو پدر کین من

چو ببیند که خشت است بالین من

رستم چون مهره ای را که به تهمین دانه

بود بر بازوی پسر دید فریاد از دل برکشید

و خاک زمین برسر کشید که:

پسر را بکشتم به پیروانه سر

بریده پی و بیخ آن نامور

پس قاصدی نزد کاووس فرستاد تا از

نوشدارویی که در گنج او بود برای درمان

سهراب راهی یابد ولی کاووس که سهراب

را دشمن می دانست از نوشدارو دریغ کرد

و بدینسان رستم با دست خویش فرزند

برومند را به خاک و خون کشید.

نوحه و عزاداری رستم در زاری از دست

دادن پسر غم انگیزترین و اندوهبارترین

ادامه مطلب گلاب... از صفحه ۱۶

میدیای آمریکا به آن نمی پرداخت، نظیر آن هزاران خبرنگاری که در اسارت هستند، او نیز در گمنامی باقی می ماند و داستانش هم جایی گفته نمی شد.

بریم ته دره. تو چاه؟ یعنی چی؟ شوخی می کنی؟ پدر خونسرد پاسخ داد: نه! همین بود که گفتم. طوری عادی حرف می زد که انگار از حقوق بشر حرف می زنه. تقریباً همه یه چیز از فکرمون گذشت: صبح صورتونو با آب چاه شسته بودیم. پدر که فکر مارو خونده بود با بی رحمی اضافه کرد: چای هم با آب چاه درست کردیم! به همه حال غثیون دست داد. مادر که رنگش مثل چلوار شده بود گفت: پس چرا چیزی نگفتی مرد؟ و ایسادی تا ما با شاش پیرزنه چای دم کنیم؟ پدر گفت: شلوغش نکنین. طوری نشده که. حالا مگه یه پیرزن چه قدر می شاشه؟ فو قش یه فنجون! اونم تو اون همه آب گم می شه. آب کر همینه دیگه. حالا مگه مزه چای بد بود؟ سکوت شد. تمام شیر و خامه و نون محلی تو شکم ما مثل مخلوط کن می چرخیدن. دنیا به رنگ زرد دراومد. دلمون آشوب بود. پیرزنه فقط توی چاه نشاشیده بود. شاشیده بود به رویاهای ما. نمی دونم چرا بقیه روز لب ساحل نطق همه کور شده بود. مادر ظاهراً قهر کرده بود. پدر سعی داشت لیخندهای معنی دارشو پنهان کنه. دل همه برای خونه تنگ شده بود. پرسیدیم: می شه زودتر برگردیم خونه؟ کسی مخالفتی نداشت. جاده می پیچید و ما به خودمون می پیچیدیم. مادر زیر لب غر می زد: واقعا که نه شیر شتر، نه دیدار عرب. پدر در جواب گفت: این شما هستین که به کیشی رفتین و به فیشی برگشتین. وگرنه به من که خیلی خوش گذشت. اصلاً بد نیست آدم بیاد ده زندگی کنه!

هیچ کس به حرف پدر توجه نکرد. پیچ و تاب جاده چالوس فقط دل به هم خوردگی مارو زیاد می کرد. کاش این قدر پیچ نداشت. این هم شد جاده؟ شعر خیام وصف حال ما بود:

ای کاش که جای آرمدین بودی

یا این ره دور را رسیدن بودی

همه دنیا یه طرف، خونه یه طرف پس بالاخره کی به خونه می رسیم؟

زیرا علاوه بر «مازیار بهاری» صدها و هزاران خبرنگار در اقصی نقاط دنیا در بند هستند و کسی حتی اسم آنها را نمی داند. شهرتی که او به خاطر این فیلم برای خود کسب کرده، اگر

در شهر نی سواران باید سوار نی شد. ماچ، ماچ. خداحافظ، خداحافظ. کی می دونه، شاید این کلیه روستایی افسانه ای مسیر زندگی مارو تا ابد عوض کنه. هنوز ظهر نشده بود که هوا شرعی شد. لباس به تمون چسبیده بود و نفس بالا نمیومد. جای نیش پشه ها که نم کشیده بود باز به خارش افتاد. اونم جوری که مجبور شدیم با اسکاچ ظرفشویی خودمونو بخارونیم. اما مهم نیست. همه اینا با دیدن امواج دریا فراموش می شن. اونم ما که دلمون به حوض جلبک بسته خونه خوشه. تو راه دریا پدر پرسید: خوب، خوش گذشت؟ جواب ما معلوم بود: نیکی و پرسش؟ حرف نداشت. پدر دوباره پرسید: صبحانه چطور بود؟ همه گفتیم: دیگه از این بهتر نمی شد. گوشت شد و به تمون نشست. پدر گفت: خوب، شکر خدا. و لبخند رموزی زد. به نظر مشکوک میومد. ادامه داد: حالا که به همه خوش گذشته بذارین داستانی رو بگم که دیشب وقتی همه تون خواب بودین اتفاق افتاد. همه گوش شدن. لابد تا صبح با پشه ها کشتی فرنگی گرفته و حالا می خواد ایراد الکی بگیره و عقاید مارو مسخره کنه. پدر ادامه داد: دیشب با صدای جیرجیر از خواب پریدم. مهتاب همه جارو گرفته بود. پاشدم به حیاط نگاه کردم. ننه بزرگ بود که عصا می زد و به سمت مستراح می رفت. چه شجاعتی داشت. واقعا با این پیری نصف شب تا اون سرحیاط رفتن اونم با این همه شغال خیلی دل می خواست. من که مردم دل این کارو نداشتم. پیرزن به چاه که رسید ایستاد. نشست لب چاه. کنجکاو شدم ببینم چی کار می کنه. لابد می خواست آب بخوره. صدای شرشر میومد. فکر کردم شاید شیر بازمونده اما، اما اون جا که آب لوله کشی نداشت. دقت کردم. چی دیده باشم خوبه؟ ما گفتیم: چی دیدی؟ شغال؟ پدر به سادگی گفت: نه. پیرزنه داشت می شاشید تو چاه! همگی چنان جیغ کشیدیم که نزدیک بود با ماشین

ادامه مطلب آشنا داند زبان... از صفحه ۱۷

توری داشت گرچه بعید بود که تور مانع این هیولاها بشه. این بود که قرص پشه به برق زدیم و ییف یاف هم چاشنی اش کردیم. مجبور بودیم ییف یاف تنفس کنیم و حالی به حالی بشیم. حیف هوای تمیز بیرون. اما چه غم. صبح میریم لب دریا و تا می تو نیم نفس می کشیم تا جبران امشبو بکنیم. مهم اینه که الان راحت بخوابیم. با اتکا به پدافند ضد پشه عین کسی که جلیقه ضد گلوله پوشیده باشه و از شلیک ترسه خوابیدیم و از خستگی تا صبح یه کله رفتیم اما پشه ای که از اخلاف پشه هایی باشه که یه زمان میرزا کوچیکو نیش می زدن باید خیلی پیه باشه که از قرص پشه ما بچه شهری ها جا بزنه. صبح همه مون ورم کرده بودیم. انگار توی سوزن خوابیده باشیم. از سر تا پا می خاریدیم. خدا می دونه که کار پشه بود یا ساس اما هرچه بود بدن مارو محترمانه پاره کرده بود. اما چه باک؟ تو طبیعت این چیزا عادیه. بدن عادت می کنه. باید نیش باشه که نوش معنی بده. وقتی رفتیم کنار چاه صورتونو بشوریم با دیدن یه منظره افسانه ای دیگه، خارش بدن رو پاک از یاد بردیم. خانم خونه داشت تو قابلمه از گاو شیر می دوشید. شهد طبیعت. از تولید به مصرف. هیچ نشانه ای از ناخرسندی در قیافه گاو دیده نمی شد. هنگام دوشیدن زنگ به انگشتاش تف می مالید. چه عیبی داره؟ اصلاً راهش همینه. کسی هم تا حالا از تف مریض نشده. آدم ها که همدیگه رو می بوسن یه من تف می خورن. تازه سرشم دعواست! صبحانه ضیافتی بود که بیا و ببین. شیر تازه و داغ با تک و توک موی گاو داخلش. نباید وسواسی بود. همین سادگی عشق ایجاد می کنه. پنیر و خامه ده با نون محلی که گرچه بیات بود اما خشک نشده بود. مگه با این رطوبت نون خشک می شه. چای تلخ و شیرین با آب چاه که فرت و فرت سر می کشیدیم. دیگه خوشبختی کامل بود. نصف خوشبختی خوردنه. هر کی غیر از این بگه مثل سگ دروغ می گه. وقت خداحافظی گریه مون گرفته بود. حیف که نمی شد اما دلم می خواست این ننه بزرگو بغل کنم. این جا ننه بزرگه اش با مال شهر فرق داره. شهر حتی ننه بزرگ هارو هم بد ذات می کنه. اصلاً چه اشکالی داره آدم دختر از همین ده بگیره؟ آگه یه دختر شمالی بگیریم دیگه از کتک خوردن از شمالی ها در امانیم. زنت سیر می خوره؟ بخوره. بغلش که می کنی بوی ماهی دودی میده؟ بده.

آگه ده نباشه شهریها باید گدایی کنن. آدم دهاتی صاف و ساده است و آدم شهری گرگ و بی چشم و رو. ماهم روش! آگه سعادتی هست در همین ده هست. به پدر گفتیم که باید بارو بقیه رو جمع کنیم و به اصل خودمون برگردیم. اما پدر مثل همیشه با شوخی حال مارو گرفت: آگه خیلی می خوای به اصل خودت برگردی بهتره بری سر درخت زندگی کنی! داخل اتاق همه چیز پاکیزه بود. ملافه ها از سفیدی مثل دندون سیاهپوست ها برق می زدن اما لحاف و تشک از نم خیس بود. طوری نیست. این جا از نم نمی شه فرار کرد. گل با خار میاد. گرچه شورت پامون نم کشیده اما فدای سرت. برکت شمال به نمشه. خونه حیاط دراندشتی داشت و مستراح ته حیاط بود. پس باید جوری تنظیم می کردیم که شب خودکفا بخوابیم اونم با این همه شغالی که سرشب پیام خیرمقدم فرستادن. درست وسط حیاط یه چاه بود. با چرخ و دلو. دیگه از این رویایی تر امکان داره؟ چای با آب چاه. نعمت طبیعت و غذا روی هیزم. هیزم؟ بله اما هیزم، هیزم شکن می خواد. تبر رو دادن دست ما که تا حالا سنگین تر از آفتابه بلند نکرده بودیم. اولین تبری که زدم به کنده که نگرفت هیچی، نزدیک بود پنجه پام رو مثل سم شتر قاچ کنه. دوتا کنده که خرد کردیم تبر توی سومی گیر کرد و در نیومد. دستمون هم تاول زد. فدای سرت. به صلح و صفای می ارزید. شام، میرزا قاسمی. کجای دنیا می شه یه تن سیر خورد و کسی به آدم فحش نده؟ یه بار تو تهران بعد سال و ماهی دوتا حب سیر خورده بودم. دو روز بعد تو اتوبوس واحد یه نره غول هوار کشید که: برپدر اون که سیر خورده لعنت! کارد به شکمت بخوره که خودتو راحت می کنی و مارو ناراحت. فکر کردم چرا به جای من به بابام فحش می ده. ولی مسجد جای اون کارها نبود و نمی شد از پدر دفاع کرد. اما تو شمال همه سیر پراکنی می کنن. ماهم که از خدا خواسته. تو شهر کورها توهم دستتو بذار رو چشمت. وقت خواب رسید اما ما که حسابی چریده و سنگین بودیم مورد حمله هزاران موجود بالدار خونخوار مثل دراکولا قرار گرفتیم که می خواستن خون مارو بمکن. سوراخی تو بدن نبود که داخلش نشن. خوب دیگه. همیشه روی گنج اژدها خوابیده. اما این ایراد بزرگی نیست. راه داره. خوشبختانه پنجره



Continued from Page 60**Iranian Jets...**

in the north, in support of Kurdish forces fighting on a front line on the southern edge of the Kurdish autonomous region, or in western Iraq.

The Saadiya operation was near the Iranian border to the east.

"It is unlikely that Iran would become a fully fledged member of the coalition," one defence source said. "But we hope that they would align themselves with the direction that the coalition are taking." A Pentagon official was quoted by the Huffington Post website as saying that because the US was operating in Iraq with the permission of the Baghdad government, it could not put pressure on the Iraqis over the Iranian involvement. "We're there at the invitation of the Iraqi government, so it's not for us to say what they should allow, what they shouldn't allow," the official said.

Nevertheless, the presence of Iranian, British and American forces fighting alongside each other is a sign

Continued from Page 59**The qualities of...**

The spiritual life will bring you enormous joy, more contentment, more peace and more energy than you can find, but it's not an escape.

The spiritual path is not an escape from responsibility

The spiritual path means taking responsibility. If you think it is difficult to manage your children and your spouse, you will be given more people to care for.

If you are ready to take responsibility for 20 people, 2,000 people, 20 million people, then you are on the path. The spiritual path is not an escape from responsibility, but taking responsibility.

The spiritual path is not an escape from hard work

Intelligent, effective work is part of the spiritual life. When you are working hard you may think you deserve compassion. I say that if you are

of shifting alliances in the Middle East and warming ties, particularly as talks over the Iranian nuclear programme continue.

This closeness is causing unease in majority Sunni countries, particularly in the Gulf, which regards Iran as a major destabilising influence in the region - as do, officially, Britain and the US.

Until recently, both countries were insisting that the use of military force against Iran over its nuclear programme remained "on the table".

Iran's rivals, like Saudi Arabia, insist that there will be no solution to the Isil crisis until President Bashar al-Assad of Syria is removed.

Prince Turki bin Faisal, the influential former Saudi ambassador to both Britain and America, said yesterday that Iran should be forced to withdraw its support for Mr Assad.

Without Iranian support, Mr Assad would be gone in a few weeks, he said at a conference in London organised by the European Council on Foreign Relations.

working hard and doing it with intelligence, then you need appreciation, not compassion. If someone is taking five hours to complete something that can be done in half an hour, it doesn't need compassion.

Knowing peace

Another aspect of spiritual life is peace -- knowing that peace is your nature. At any moment, in any place, you can just sit and let go, knowing that inside you there is a pure clear space that's vast and deep. That inner space is what you are. Feeling this is knowing your spiritual dimension. "I have come from peace, I am in peace, I will go back to peace. Peace is my origin and my goal." This inner affirmation or experience makes you a seeker.

A sense of sacredness

Still another aspect of spiritual life is a sense of sacredness. When you have a deep sense of thankfulness combined with regard and respect for

Continued from Page 58**Richard III...**

One of the five was quickly eliminated from the puzzle because his Y chromosome DNA did not match the other four, suggesting a relatively recent "false paternity event," and when King carried out checks on the Y chromosome DNA of the remaining four, she discovered there was no match there either, revealing at least one other case of "false paternity" in the generations of fathers and sons leading back to Edward III.

"We can't tell you where that break is, because we simply don't know -- it could be at any one of the 19 links in the chain between those two individuals," Shürer said, adding that while each link in that chain was equally likely to be the one which was "broken," if the break occurred in the first few generations, around Richard III, it could bring various monarchs' right to rule into question. "There are some well-known and important people on that chain," he said. "You have two monarchs, Richard and Edward III; if the break occurred on the Yorkist line ... then that might raise questions about the everything that comes to you in life, it brings a sense of sacredness. In sacredness there is awareness. Your mind is fully present in fear, anger or sacredness.

Service and silence

Silence heals and rejuvenates. Silence gives you depth and stability and brings creativity. Service brings the dynamic experience of heart. It creates a sense of belongingness. Lack of service can land a person in depression. Service alone can bring contentment in life, but service without silence tires you. Service without spirituality will be shallow and cannot be sustained for a long period of time. The deeper the silence, the more dynamic the outer activity becomes. Both are essential in life.

Have confidence

Have confidence in yourself. One

legitimacy of the Yorkists' claim to the throne.

"The Lancastrian line comes through John of Gaunt's side of the family ... so if the break were on that side, it raises questions about the legitimacy of the Lancastrian monarchs, and because there was a Tudor link to that line as well, also the Tudors."

But he said the Tudors also had another argument for their right to rule, since they "took the throne by force, at the Battle of Bosworth."

And he was quick to point out that whatever the implications of the latest discovery, current monarch Queen Elizabeth II's position was secure.

"We're certainly not saying the House of Windsor has no legitimate claim to the throne, far from it," Shürer explained. "Royal succession doesn't work like that. There is no linear succession line between Edward III and Elizabeth II. Yes, they are related, but the whole point of monarchy is that over several centuries it takes various twists and turns. "Monarchy is about opportunity and chance as much as it is about bloodline."

who does not have confidence cannot achieve anything. Confidence clears doubt. Doubt is the opposite of confidence. Once you eliminate the negative, you will see that the positive has already happened. When doubt clears, confidence appears. So to gain confidence in yourself, you must understand what doubt is.

The nature of doubt

If you observe the nature of doubt, it is always about something that is positive. You doubt the goodness of other people, never their bad qualities. You doubt your own capabilities, never your incapacities. On the spiritual path, you learn to handle things with intuition and inner freedom. I don't say don't doubt. I say doubt as much as you can. That will help you get through it before progressing further.



Continued from Page 59
Seven Wonders...

Numerous statues, bas-reliefs and columns decorated the exterior of



the ornate and enormous tomb, and eventually the term "mausoleum" became used to describe any large and impressive tomb. Multiple earthquakes ultimately led to the destruction of the tomb in the 14th century.

Colossus at Rhodes
Rhodes, Greece

The Colossus of Rhodes was actually an enormous, looming 100-foot tall statue of the Greek god Helios, built

on the island of Rhodes around 280 B.C. The statue was erected to commemorate the island's patron god, Helios, after Rhodes successfully defended itself in 304 B.C. from an invasion. Scholars believe that the statue stood either on a pedestal at the entrance to the island's harbor or on a breakwater in the harbor. An earthquake destroyed the statue in 226 B.C., a mere 54 years after its construction.

Lighthouse of Alexandria
Pharos Island, Alexandria, Egypt

Scholars estimate the Lighthouse of Alexandria measured between 383 and 450 feet high and was built in the third century B.C. to act as a landmark for Pharos, a small island off the coast of Alexandria, Egypt. The lighthouse's tower was built using light-colored stone, and at its highest point, a mirror was placed to reflect sunlight during the day; at night a fire burned to give off light. Some historians believe that the light given off could be seen for some 35 miles. The lighthouse was damaged by 2 earthquakes in 1303 and 1323, and its remains were destroyed in 1480, when a fort was built on the site.

DJ Alireza
Music at Its Best
(408)772-6463

www.djalireza.com
Quality Mobile DJ Service
State of The Art Lighting Services
Complete Audio Visual Equipments
Ambiance Lighting for Wedding Receptions

Like Me on facebook

Teething
Michelle Haghpanah
DDS, MPH
drnichellehdds@gmail.com

Teething is a normal and exciting part of a baby's development. Most infants start teething between 5-12 months of age. It is also possible for some babies to be born with one or two teeth in place. Children usually have their full set of 20 baby teeth, or primary teeth, in place by age 3. Primary teeth play an important role in speech, chewing and provide an eruption path for adult teeth.

Tooth Eruption: What to expect and when During tooth eruption, lower teeth usually erupt before upper teeth.

- 5-10 months Central incisors erupt
- 7-12 months Lateral incisors erupt
- 11-18months First molars erupt
- 16-20 months Canines erupt
- 20-30 months Second molars erupt

What are the possible difficulties of teething? While not all babies experience discomfort when teething, here are some possible symptoms:

- Fussiness or irritability
- Excess saliva
- Gum sensitivity or swelling
- Biting behavior
- Difficulty sleeping

Changes in baby's stool and a low grade fever (less than 100F) may be possible but are not medically substantiated. If your baby is showing signs of diarrhea or fever, you should contact their pediatrician immediately.

How can I ease my baby's teething discomfort? Massage gums with finger brush/wet gauze
Teething rings/toys (look for phthalate free)
Chilled wet washcloth, or chilled teething rings can soothe gums



Serve chilled breast milk or formula
Dental problems can begin early. A big concern is baby bottle tooth decay or nursing caries. Children risk severe decay from using a bottle during naps or at night or when they nurse continuously at the breast. The earlier the dental visit, the better the chance of preventing dental problems.

It is important to have the first dental visit by the child's first birthday. Children with healthy teeth chew food easily, are better able to learn and speak clearly, and smile without reservations. Remember, teething is a phase, and when you make it through, your little one will be ready for a whole new world of tastes and textures that come with being able to chew.

Connect With Consumers

Pezhvak of Persia.

(408) 221-8624

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

The Qualities of a Spiritual Life

Life is more than matter. If it were just matter, there would be no need for comfort. Matter does not feel comfort or discomfort, beauty or ugliness, love or compassion, joy or sorrow. Will a chair ever feel sorry or happy? No, matter does not have these finer values. They belong to the realm of the spirit. But life is also more than spirit. If it were just spirit, there would be no need for water, food, or rest. Human life is a combination of both matter and spirit.

The nature of the spirit

Spirit experiences and expresses values. Values are feelings and emotions -- that which cannot be captured totally by words or understood by the

it were nothing, it could not be present. It is something, yet it is not finite. You cannot measure consciousness, so it is present and infinite.

The nature of your consciousness is

peace: You are love

Consciousness is peace. You are peace, you are truth, and you are energy, walking, moving, talking, sitting. The "self" is energy and the "self" is knowledge,



intellect. The goal of the spiritual path is to understand the spiritual dimension of life and live fully all the values that the spirit represents. What are those values? Peace, love, joy, beauty, unlimited knowledge, and the capacity to understand both mind and matter.

Comfort: A quality of consciousness

Whatever one does is directed towards one goal, happiness or comfort. Often people think that comfort comes in a material way, through matter alone. Comfort is a quality of consciousness. To some degree it does depend on matter, but to a greater degree it depends on attitude and understanding.

The true nature of the spirit is comprehension

You listen, you understand and you absorb. Who is understanding? Who is absorbing? It is the spirit in your body that is taking in the knowledge. And this knowledge is not coming through sight, sound, smell, taste and touch alone. It is also coming from inside as intuition.

The very nature of consciousness is knowledge

You can say that at every level of consciousness, knowledge is present. And consciousness is present! If

the knowing and the knower. This consciousness is love, you are love. Understanding and living this is the spiritual life. Life attains its richest form through the spiritual dimension. Without it life becomes very shallow and you are unhappy, dependent, depressed and miserable.

The effects of the spiritual dimension on society

This is a great sense of belongingness, responsibility, compassion and caring for the whole of humanity. The spiritual dimension, in its true form, breaks the narrow boundaries of caste, creed, religion and nationality. Wars will be eliminated only through spiritual understanding.

The spiritual path is not an escape from life

Actually, the spiritual path makes life more difficult! In India people think the spiritual life is easy -- go to an ashram where you don't have to work hard. No! The spiritual path is not an escape from hard work or sincere action, just as social service is not an escape to a comfortable life. In both situations you have to put your heart and soul into your actions and be ready to give a hundred percent of yourself.

Continued on Page 57



Seven Wonders of the World: The Original Ancient Wonders

The Seven Wonders of the Ancient World (often called simply, the Seven Wonders of the World) is a list of man-made structures built during the classical era. Scholars believe that ancient historians began compiling the list in the second century B.C. The final list of the Seven Wonders that we currently reference was defined in the Middle Ages.

Cairo, Egypt

Noted for being the only surviving member of the Seven Ancient Wonders of the World, the Great Pyramid is the largest of the 3 pyramids built in the ancient city of Giza, now part of greater Cairo, Egypt. The pyramid is believed to have been built around 2560 B.C. as a tomb for the Egyptian Pharaoh Khufu, and likely took 20 years to construct. (Egyptologists argue over man-power numbers, and estimates have ranged from 14,000 to 360,000 men). When built, the pyramid measured nearly 480 feet high, with the sides each measuring about 755 feet long. In addition, each side is oriented with one of the cardinal points (north, south, east and west). Nearly 2.3 million blocks of stone, each weighing approximately 2 tons, comprise the pyramid. The pyramid remained the world's tallest building for 4 millennia after it was built.

Hanging Gardens of Babylon Al-Hillah, Iraq

The Hanging Gardens of Babylon are said to have been built by Nebuchadnezzar II, a ruler of Babylon, around 600 B.C. Though historians often debate the actual existence of the gardens, because there's no physical evidence and Babylonian documents never mention them (Greek scholars first described the gardens), accounts state that the gardens consisted of vaulted terraces raised above one another and supported on pillars -- in other words, an artificial rising mountain of gardens. The terraces were filled with dirt and planted with trees and flora, which were said to hang over the sides. The amazement over the gardens stems from what would have been an extraordinarily complicated irrigation system, which brought water from the Euphrates to the gardens in an otherwise arid environment. The gardens are thought to have been destroyed by an earthquake around the first century B.C.

Temple of Artemis at Ephesus Selcuk, Turkey

Completed around 550 B.C. to honor the Greek goddess of hunting and nature, the Temple of Artemis was built during the Achaemenid Dynasty of the Persian Empire. Arson destroyed the temple in 356 B.C. The ancient author and philosopher Pliny described the temple as being 377 feet long and 180 feet wide (about 3 times the size of the Parthenon), with 127 Ionic columns measuring 60 feet high, and made solely of marble. Used as both a marketplace and a place of worship, the temple housed numerous works of art and sculpture.

Statue of Zeus at Olympia Olympia, Greece

This enormous statue honoring the god Zeus was built at the Temple of Zeus in Olympia around 450 B.C. Designed by the Greek sculptor Pheidias, the statue of a seated Zeus measured 40 feet tall and was carved from ivory with gold-plated accents. The statue depicts him seated on a cedar throne inlaid with jewels, holding a statue of Nike (goddess of victory) in his right hand and a scepter with an eagle on top in his left hand. Various theories exist to explain the statue's destruction. Some scholars believe that it was destroyed along with the temple in the fifth century. Others argue that the statue was brought to Constantinople, where it was destroyed in a fire in A.D. 462.

Tomb of Mausollos at Halicarnassus Southwestern Turkey

The tomb built to hold the remains of the Persian king Mausollos and his wife, Artemisia, was designed by the Greek architects Satyrus and Pythius and constructed around 353 B.C. on a hill overlooking the ancient city of Halicarnassus. The tomb stood 135 feet high, and its exterior was surrounded by an ornamental frieze.

Continued on Page 58

Iranian jets join allies in the fight against Islamic State in Iraq

First evidence of Islamic Republic forces fighting alongside the RAF to take control of towns from Isil in northern Iraq

British, American and other allied forces are now fighting directly alongside their former rivals Iran, according to new footage of the war in Iraq.



An Iranian jet has been filmed for the first time bombing positions of the Islamic State of Iraq and the Levant (Isil), during a battle for the town of Saadiya, north-east of Baghdad.

United State Air Force jets have been flying missions over Iraq since August, and the RAF since September. Pentagon officials later confirmed that Iranian jets had taken part in bombing raids. Iranian advisers are known to have been embedded with the Iraqi army and militia forces fighting Isil. But this is the first proof that the Islamic Republic and the countries it famously termed the "Great and Little Satan" - America and Britain - are taking part in missions on the same side. The footage was filmed by an Al-Jazeera crew reporting on the key battle for Saadiya and Jalula, two towns north-east of Baghdad not far from the Iranian border.

Saadiya was captured in the great surge Isil staged across much of Iraq in June and became a major jihadist base, while Jalula, a mostly Kurdish town with some Sunni Arab presence, has exchanged hands on a number of occasions. Al-Jazeera claimed the jet belonged to the Iraqi air force, which was given half a dozen Russian-built Sukhoi Su-25 ground attack jets by Iran at the outset of the war in June. However, analysts from IHS Jane's Defence identified the jet as a McDonnell Douglas F-4 Phantom II, a relic of

America's pre-1979 alliance with the Shah's Iran. The Phantom was a staple of the US Air Force in the Vietnam war. The only other country still using Phantoms in the Middle East, Jane's said, was Turkey, which has pledged not to take a direct part in the fight against Isil.

"This footage is the first visual evidence of direct IRIAF (Islamic Republic

of Iran Air Force) involvement in the conflict," Jane's noted. After Jane's claims were drawn to their attention, Pentagon and British defence sources both confirmed that US and RAF personnel operating in Iraq were already aware of the Iranian air force's presence.

"We have indications that they did indeed fly air strikes with F-4 Phantoms in the past several days," said Rear Admiral John Kirby, Pentagon spokesman. Iran is not part of the formal coalition drawn up to take on Isil in Iraq and Syria, in which France and several Gulf nations are flying sorties as well as Britain and the US.

The British and American governments have always been keen to stress that there is no direct co-ordination with Iran. But earlier in the autumn, American jets bombed positions in the town of Amerli north of Baghdad shortly before it was retaken from Isil by Iraqi ground troops assisted by Iranian-backed Shia militia.

As if to emphasise the point that the US was effectively providing air cover for an old enemy - many of those Shia militia fought against the American and British presence in Iraq after the 2003 invasion - Qasim Suleimani, head of the Iranian Revolutionary Guard's Al-Quds force, made a highly publicised victory tour of Amerli.

Continued on Page 57

Richard III was blue-eyed, blond, but should he have been king? DNA puzzle

London (CNN) -- New DNA tests reveal Britain's long-lost King Richard III was blue-eyed and likely blond-haired, but they also raise intriguing questions over whether he -- and other monarchs before and since -- should have been on the throne at all. Experts researching the case of the "King in the car park" -- a set of remains dug up from beneath a parking lot in the central English city of Leicester in 2012 -- now say they are 99.999% positive that the bones are those of Richard III, who died at the Battle of Bosworth in 1485.

Genetic specialist Turi King, from the University of Leicester, said analysis of various genetic markers offered tantalizing clues to Richard III's appearance -- suggesting that he was not the dark-haired, steely-eyed monarch portrayed in well-known historical images.

«[There are] genes that we know are involved in coding for hair and eye color ... The genetic evidence shows he had a 96% probability of having blue eyes, and a 77% probability of having blond hair, though this can darken with age.»

While there are no contemporary portraits of Richard -- all known works post-date his death by at least 25 to 30 years, leaving the artists who painted them open to charges that they were influenced by propaganda -- the DNA findings suggest the arch-framed portrait of Richard, owned by the Society of Antiquaries of London, is the closest to his real appearance.

King said the latest scientific evidence, combined with statistical analysis -- published in Nature Communications and funded by the Wellcome Trust and Leverhulme Trust -- provided "overwhelming" proof of the skeleton's identity: "At its most conservative, it's 99.999% certain," she explained. "The likelihood ratio is 6.7 million to one that these are

Richard's remains."

Richard III's bones reveal fatal blows But while detailed genetic testing and painstaking genealogical research helped confirm that one living relative on Richard's female line, Michael Ibsen, was an exact match to his mitochondrial DNA, and found a second, previously unknown but



near-perfect mitochondrial match in New Zealand-born Londoner Wendy Duldig, scientists weren't able to trace a living relative on the male line, using the Y chromosome.

And that has raised an intriguing possibility: that neither he, nor many other monarchs, actually had a cast-iron claim to the throne.

Genealogy expert Kevin Shürer said it had been relatively straightforward to trace potential living relatives of Richard III along the male line, since records of the peerage -- Britain's "nobility" -- made it simple to follow such families back century after century.

But once five potential living relatives from the male line, linking Richard III to his predecessor Edward III (because Richard himself had no surviving children) and back down the generations via John of Gaunt (1340-1399) and Henry Somerset, the fifth Duke of Beaufort (1744-1803), had been identified, things became more complicated.

Continued on Page 57

Pezhvak of Persia

(408)221-8624

TOUCHFREEWASH.COM 3% DONATED MONTHLY TO HUMANITARIAN PROJECTS

OPEN 24 HOURS

کاباره رستوران ساقی

با بیش از ۱۵ سال سابقه، با افتخار از شما پذیرایی می کند!

عروسی ها، جشن ها و میهمانی های خصوصی خود را در سالن مجلل کاباره رستوران ساقی همراه با پذیرایی کامل با انواع غذاها و دسرهای لذیذ ایرانی برگزار کنید.

رستوران ساقی مجهز به کادر ورزیده کیترینگ،

به جشنها و میهمانی های شما جلوه بیشتری می دهد!

Let us prepare our delicious food at your location so you can focus on your guests.

کیترینگ برای هفتاد نفر به بالا،

یک بره کامل، بطور رایگان، مهمان ما باشید!

هفت روز هفته ناهار را با انواع غذاهای خوشمزه در رستوران ساقی میل کنید



بوفه کامل ۱۱,۹۹ دلار

(408) 998-0122

1392 S. Bascom Ave. San Jose, CA 95128 ♦ www.saaghi.com



Caroline Nasser
Attorney at Law

کارولین ناصری

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا و فدرال

با بیش از ۲۵ سال تجربه

❖ تصادفات اتومبیل، موتورسیکلت و عابر پیاده

❖ صدمات شدید بر اثر تصادفات

❖ مرگ بر اثر تصادفات

❖ صدمات ناشی از حمله حیوانات

1(800)525-6060

دسترسی به معالجات پزشکی،
بدون پیش پرداخت، در اسرع وقت

هیچگونه وجهی تا قبل از دریافت
حقوق قانونی شما در امور تصادفات،
از شما دریافت نخواهد شد!

Tel: (408) 298-1500

e-mail: cnasser62@yahoo.com

Fax: (408) 278-0488

Website: carolinenasserilaw.com

675 North First Street, San Jose, CA 95112